

جمهوری اسلامی

دیماه - ۱۳۹۶

ویژه سالگرد رحلت آیت الله هاشمی رفسنجانی

# اعلامی اخلاق محور



سرمقاله مدیر مسئول ۳ ..... معتمد امام

..... آیت الله هاشمی رفسنجانی در اندیشه امام خمینی ۴

مردی که بارها تا مژ شهادت پیش رفت ..... رهبر معظم انقلاب ۶

آیت الله هاشمی رفسنجانی از تولد تا رحلت ..... ۸

**آیت الله هاشمی رفسنجانی در نکاح یاران و دوستان**

هاشمی و یاران همزم قدیم ..... ۱۰

صدقاق عزائم الصبر و حسن اليقين ..... آیت الله امامی کاشانی ۱۱

امام برای اداره کشور به هاشمی دل بسته بود ..... حجت الاسلام والملمین دعائی ۱۲

ظلم ها را به خاطر مصالح نظام و مردم تحمل کرد ..... گفتگو با حجت الاسلام والملمین مسیح مهاجری ۱۳

بلغ سیاسی آیت الله هاشمی او را آینده نگر کرد ..... گفتگو با حجت الاسلام والملمین شیخ قدرت علیخانی ۱۷

عمل به قرآن در اندیشه آیت الله هاشمی ..... احمد مسجد جامعی ۱۸

هاشمی و نوآوری در صنعت هسته ای ..... دکتر رضا امralلهی ۲۰

**آیت الله هاشمی رفسنجانی در نکاح خانواده**

دوری از هاشمی بسیار سخت است ..... گفتگو با حاجیه خانم عفت مرعشی ۲۲

خاکریز اول در برابر تهاجم دشمنان ..... مهندس محمد هاشمی ۲۳

نقش اخلاق در رفتار سیاسی آیت الله هاشمی رفسنجانی ..... مهندس محسن هاشمی ۲۵

شكل گیری بنیاد امور بیماری های خاص مدیون آیت الله هاشمی رفسنجانی ..... فاطمه هاشمی ۲۸

دور جدید حیات هاشمی رفسنجانی ..... مهندس یاسر هاشمی ۳۱

**آیت الله هاشمی رفسنجانی در نکاه همکاران**

آیت الله هاشمی رفسنجانی و ارتقای جایگاه حضور ..... دکتر میرمحمدی ۳۳

نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی در گسترش فرهنگ اهل بیت ..... حسین شمسایی ۳۴

روستازاده مجتبهد و سیاستمداری آگاه و جامع الاطراف ..... رضا سلیمانی ۳۶

منافع انقلاب و کشور را بر همه چیز ترجیح می داد ..... نبی الله مهاجری ۳۷

خطاطراتی از صداقت آیت الله هاشمی رفسنجانی ..... حمزه خلیلی ۳۸

**آیت الله هاشمی رفسنجانی و امور بین الملل**

شخصیتی «سد شکن در عرصه سیاست خارجی» ..... سید رضا فانی ۳۹

تحلیل رسانه های خارجی از فقدان آیت الله هاشمی رفسنجانی ..... ۴۰

اخلاق اعتدالی و روحیه شکوفایی و توسعه آیت الله هاشمی ..... فواد صادقی - محمد قدس ۴۳

آیت الله هاشمی رفسنجانی فاتح درون بود ..... پیام آیت الله العظمی جوادی آملی ۴۸

هاشمی رفسنجانی در آغوش گرم قم ..... ۵۰

**خطاطره**

ستون محکم انقلاب ..... حمید احمدی ۱۹

ویژه‌نامه اولین سالگرد  
ارتحال آیت الله هاشمی رفسنجانی

مدیر مسئول مسیح مهاجری

همکاران

حسن خیاطی، مجید زندی، سید محمد رضا گتمیری  
مجید پروکار، هادی فتح‌اللهی، خسرو ورکانی

همکاران فنی و چاپ

احمد فاضلی‌نژاد، حمید ترکمن، یدالله شمس الدین  
محسن عابدینی، پویا ریبعی، محمد‌هاشم خیاطی  
اصغر فتح‌آبادی

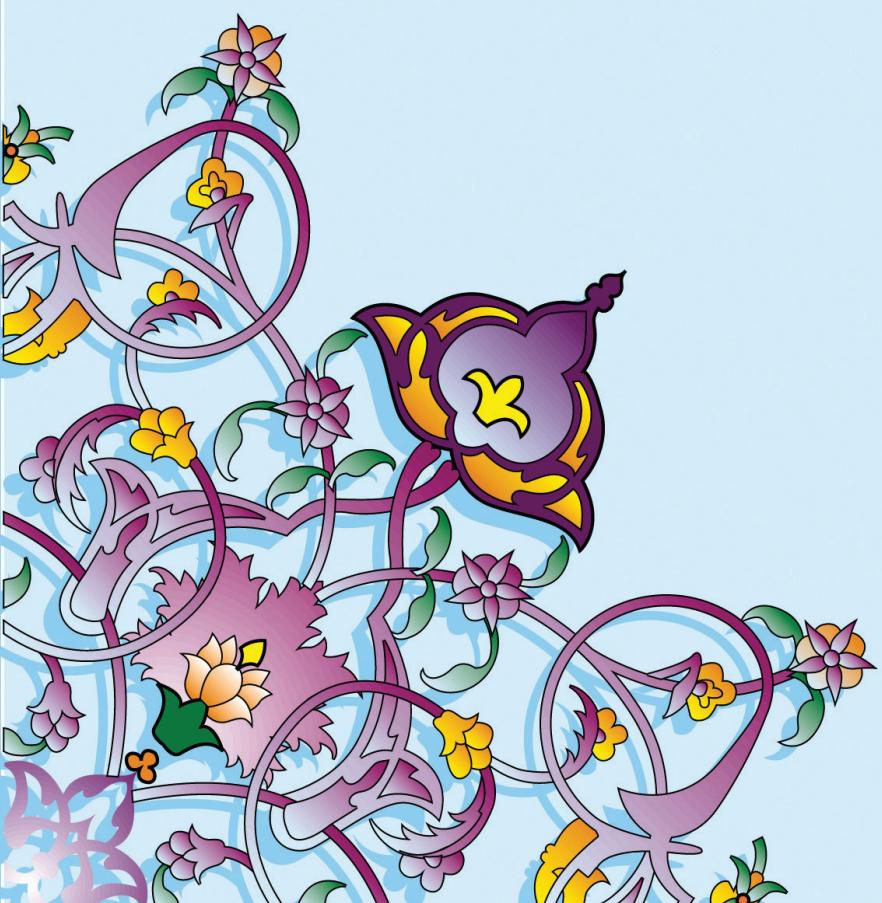
## انقلابی اخلاق محور



یکسال بعد از فقدان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، اکنون بهتر می‌توان فهمید جهان اسلام چه شخصیت بزرگی را از دست داده است. او برای متعادل ساختن سیاست منطقه و تأثیر گذاشتن بر روابط بین الملل نقش مهمی داشت و در داخل کشور نیز با محور قرار دادن اخلاق اسلامی و انسانی، وزنه‌ای برای مهار کردن حرکت‌های افراطی و تفریطی بود. شاید تصادفی نباشد که در استانه سالگرد رحلت این انقلابی بزرگ و آینده نگر، عناصری که رهبری جریان انحرافی را در کشور برعهده داشتند و اشوب‌های سال ۸۸ را با شیطنت‌های ویژه به چهره این و آن، نقاب از چهره واقعی خود بر می‌دارند و در عمل بر پیش بینی‌های دقیق هاشمی دوراندیش صحه می‌گذارند. امروز، بسیاری از کسانی که در روز واقعه تحت تأثیر عوام فربیه‌های سران جریان انحرافی قرار گرفته بودند و متوجه تردستی آنان در عوض کردن جای فتنه گران با دلسوزان نظام نشده بودند، با آه و افسوس اعتراض می‌کنند که آن روز راه را گم کرده بودند و فتنه گران واقعی را نشناخته بودند. این استبشار، امر مبارکی است ولی سوگمانانه باید بگوئیم که کشور و ملت و نظام برای رسیدن به چنین دستاوردي بهای بسیار سنگینی پرداخت، نشناختن قدر شاگرد اول مکتب امام خمینی و گوهر گرانبهائی که هر لحظه از عمر او می‌توانست گره بزرگی از این کشور باز کند و جامعه را چندین گام به پیش ببرد. از این گوهرهای باز هم داریم که از توانمندی‌های آنها محرومیم و صاحبان بصیرت واقعی حضور مفید و مؤثر آنها در متن جامعه را انتظار می‌کشند.

این داستان غم انگیز، نشانگر محروم شدن جامعه انقلابی و اسلامی ما از اخلاق است، همان گوهر گرانبهائی که انقلابی بزرگ ما هاشمی رفسنجانی توanst بدد آن بر نامه ربانی‌ها چیره شود و در زیر تیغ تخریب با درخششی خیره کننده جلوه کند. راز و رمز درخشش هاشمی رفسنجانی علیرغم آن همه تخریب و تحریم و منوعیت این است که او از ابتدا یک انقلابی اخلاق محور بود و تا آخرین لحظه عمر نیز انقلابی و اخلاق محور باقی ماند. راز محبویت سایر ممنوعین نیز همین است.

اکنون سؤال مهم این است که آیا این همه وسیله پنداش موجب عبرت خواهد شد یا نه؟



مظلومیت‌های ناشی از بدخلاقی و بداخللاقی‌های ناشی از قدرت طلبی در سرتاسر تاریخ بوده و در تاریخ جمهوری اسلامی نیز از بهشتی تا هاشمی رفسنجانی تکرار شده است. مهم این است که با رشد سیاسی مردم و گسترش امکانات ارتباطی - که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آن را عامل مهمی برای مقابله با تزویرها می‌دانست - جلوی تکرار مظلومیت‌ها گرفته شود و جامعه انسانی به سوی اخلاق محور شدن به پیش برود.

ویژه نامه حاضر که به مناسب اولین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تهیه شده، تلاش مختصری برای نشان دادن چهره اخلاقی این انقلابی پیشو، آزاداندیش، صبور، آینده نگر، خدوم و در عین حال مظلوم است. شخصیت این استوانه نظام جمهوری اسلامی ابعاد بسیاری از جمله فقاہت، تفسیر، کلام، جهاد، سیاست، سازندگی، تدین، اخلاص و شناخت به روز جهان داشت که هر یک از آنها زمینه‌ای برای بررسی‌های گسترده هستند. همین جامعیت بود که سران کشورهای مختلف و شخصیت‌های بر جسته جهان را مجذوب او ساخته بود بطوری که حتی تا آخرین روزهای عمرش هر یک از آنها که به ایران می‌آمدند بدون استثنای خواستار دیدار با او می‌شدند تا از نقطه نظرهای او بهره ببرند.

این ویژه نامه، که شاید نمایانگر قطرهای از دریای وجود جامع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی باشد، را به جویندگان حقیقت تقدیم می‌کنیم بدان امید که در حد بضاعت خود نسبت به این انقلابی اخلاق محور ادای دین کرده باشیم.

# معتمد امام

مروی بر جایگاه مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آئینه اندیشه امام خمینی (ره)

## اشاره

امام خمینی رضوان‌الله تعالیٰ علیه در میان یاران انقلاب، توجه خاصی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشتند و علاوه بر ارتباطات قدیمی در حوزه معلم و شاگردی و مباحث علمی و حوزوی، بدليل همکاری و همراهی دیرینی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ایشان در جریان مبارزات ضد رژیم ستم‌شاهی داشت، از نخستین روزهای پیروزی انقلاب مسئولیت‌ها و وظایف متعددی را به او واگذار کردند و این همه نشان از اعتماد زیادی داشت که حضرت امام به آقای هاشمی داشتند.

آنچه مطالعه می‌فرمایید گزیده‌ای از بیانات، امام خمینی است که نشان‌دهنده اعتماد و افر بینانگذار نظام جمهوری اسلامی به یار دیرین و همراه صادق خود می‌باشد.



پیش رفت، و سلامت و ادامه خدمت ایشان را از خدای تعالی خواستارم، والسلام  
علیه و علی عبادالله الصالحین.

## روح‌الله الموسوی‌الخمینی (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۵)

امام خمینی همچنین در دیدار جمعی از مسؤولین کشور که در نهم شهریور ماه سال ۱۳۶۱ به مناسبت میلاد امام رضا علیه السلام صورت گرفت و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم در آن دیدار حضور داشتند، فرمودند:

«ما گمان می‌کردیم که در بین روشنفکران ما - به اصلاح - خوب، اشخاصی پیدا می‌شوند که متعهدند و حفظ می‌کنند این را. اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی، یک همچو جمیت‌هایی، آقایان پست‌هایی مهم‌تر دارند، می‌روند سراغ کارشان؛ آقای هاشمی (رفسنجانی) هم می‌روند، آقای خامنه‌ای هم می‌روند و همه کسانی که متصدی هستند. اما، ما چه بکنیم؟ امروز وضع ما، وضع ایران، وضع گرفتاری‌های داخل و خارج به جوری است که بدون این‌ها نمی‌شود اداره کرد این مملکت را.»

## (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۶۶)

امام خمینی در ملاقات دهم بهمن ماه سال ۱۳۶۱ که با نمایندگان اصناف و بازاریان تهران داشتند، فرمودند:

«آن شناختی که من از این متصدیان امور دارم که بعضی از آنها سال‌های طولانی با آنها بوده‌ام و از نزدیک ملاقاتشان می‌کرده‌ام، و بعضی دیگر هم که در طول این خدمتی که مشغول بودند با آنها آشنا شدم... مجلس‌مان را شما ملاحظه کنید، بسیاری از آنها را من از نزدیک می‌شناسم؛ یعنی ساقبه طولانی دارند، مثل رئیس مجلس (هاشمی رفسنجانی) و بسیاری از آقایان دیگر، و آنها را با تعهد و تعهد به اسلام و خدمتگزاری و هرچه تووان دارند، آن‌ها را می‌شناسم.»

## (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۷۱)

پنجم خردادماه ۱۳۵۸ پس از ترور نافرجام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توسط گروهک مزدور فرقان، حضرت امام خمینی که در قم حضور داشتند، پیامی به شرح زیر خطاب به آیت‌الله هاشمی صادر فرمودند:

## بسم الله الرحمن الرحيم

## جناب حجت‌الاسلام مجاهد معهده

## آقای هاشمی عزیز

مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد، از بیمارستان پیام داد: «به رضاخان پگویید من زنده هستم.» مدرس حالا هم زنده است. مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است. امربکا و دیگر ابرقدرتها بدانند ملت ما زنده است. اجتماعات عظیم این دو - سه روز شاهد زنده بودن انقلاب است. اینان با این تلاشی‌های احمقانه نمی‌توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند؛ نمی‌توانند شخصیت انسانی - اسلامی مطهري و هاشمی را ترور کنند؛ هر چند ترورها حساب شده و سازمان یافته باشند و از لای لای آنها جای پای ابرقدرتها و جنایتکاران بین‌المللی به چشم بخورد.

ملت با تمام قوا باید در مقابل دشیسه‌ها مقاومت کنند، توطئه‌ها را بشکنند؛ با کمال مراقبت انقلابی این جنایتکاران را شناسایی کنند و به دادگاه‌های انقلابی معرفی کنند. پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظفند از این شخصیت‌های ارزشمند انقلابی حفاظت کنند و رفت و آمد‌های مشکوک را تحت نظر بگیرند؛ اگرچه خود آنان راضی نباشند. ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد، و اجازه دخالت خانیتکاران را در کشور خود ندهد. ما ملت‌های بزرگ اسلامی را به همکاری در این نهضت اسلامی ایران دعوت می‌کنیم. باید دست جنایتکاران از ممالک اسلامی و از عموم مستضعفین قطع شود، و عده‌هایی به همت اشمار ملت‌های اسلامی تحقق یابد. من به آقای هاشمی فرزند اسلام تبریک می‌گویم که در راه هدف تا نزدیک شهادت به

**من به آقای  
هاشمی فرزند  
برومند اسلام  
تبریک می‌گویم  
که در راه  
هدف تا نزدیک  
شهادت به  
پیش رفت**



۱ - کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.

۲ - شخص مذبور از سوی حضرت‌عالی موظف گردد که امور را از تزدیک و با قاطعیت تمشیت کند.

۳ - دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایی متهمن و اجرای محاکومیتها به طور کامل از نظر و دستور وی تعیین کند. با توجه به همه جوانب، به نظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم،

جناب آقای هاشمی رفسنجانی است. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند:

**بسم الله الرحمن الرحيم**

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی - دامت افاضانه

با توجه به درگیری رویارویی آمریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و همانگی غرب و شرق و ارتجاج منطقه در میارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضانه جناب‌الله را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جناب‌الله موظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشد:

۱ - ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.

۲ - همانگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمانهای مربوط و پشتیبانی کننده در همانگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهد بود.

۳ - تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدس‌مان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴ - سعی در استفاده هرچه بیشتر از امکانات و نیروهای و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راست، حذف یا ادغام

سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری.

۵ - تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها.

۶ - استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده.

۷ - بهره‌برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها. قوای مقننه و اجراییه و قضاییه موقوفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیباتی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمیها و حیله‌های است؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جناب‌الله را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوي الحسيني  
(صحيفه امام، ج ۲۱، ص ۵۶)

امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۲ ماه سال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر ۱ منصب و فرمودند:

«جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی ایده‌الله تعالی جناب‌الله را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر ۱ نصب کردم. توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم.» روح الله الموسوي الحسيني ۱۳۶۲/۱۸/۳ (صحيفه امام، ج ۱۸، ص ۳۵۵)

امام خمینی در همان روزی که پیامی خطاب به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مناسبت تروی نافرجام ایشان صادر فرمودند؛ ملاقاتی با بنوان و خانواده‌های فضلای حوزه علمیه قم داشتند که در آن جلسه فرمودند:

«هضت ما قائم است ولو اشخاصی مثل مرحوم مطهری و مثل آقای هاشمی (رفسنجانی) - هم - و مثل سایرین نباشند.» (صحيفه امام، ج ۷، ص ۵۰۴)

حضرت امام خمینی صبح روز هشتم تیرماه سال ۱۳۶۰ و یک روز پس از شهادت آیت‌الله بهشتی و ۷۲ نز از یاران انقلاب در فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی فرمودند: «خدا انصاف بددهد به آهایی که انحصار طلب بودند و می‌خواستند بهشتی و خامنه‌ای و رفسنجانی و امثال این‌ها را از صحنه خارج کنند.» (صحيفه امام، ج ۱۴، ص ۵۱۸)

حضرت امام، روز یازدهم تیرماه سال ۱۳۶۰ در دیدار با خانواده‌های شهدای فاجعه هفتپیکر مکالمه داشتند، چه مخالفتی؟ یک جریانی بود که باید افرادی که این طور نبود که من باب اتفاق یک کسی مرحوم مطهری را ترور کند یا مرحوم مفتخر را یا آقای خامنه‌ای را یا مرحوم بهشتی را، مسئله یک مسئله تنظیم شده بود و هست. نه از باب اینکه با رجایی و بهشتی و هاشمی و امام جمعه تهران مخالفتی داشتند، چه مخالفتی؟ یک جریانی بود که باید افرادی که این شد آنها را از صحنه بیرون کنند و معزز کنند از مردم، بهتر. متعهد نباشند. اگر شد آنها را از صحنه بیرون کنند از مردم، بهتر. شایعه‌سازی که حتی این اجنباسی که حتی این اجنباسی که حتی این اجنباسی که حتی این اجنباسی می‌خواهند ببرند، این می‌رود تو جیب آقای بهشتی و آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی.» (صحيفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲)

امام خمینی روز هفدهم شهریور سال ۱۳۶۰ در دیداری که با اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی به همراه دیبرکل حزب (آیت‌الله خامنه‌ای) داشتند، فرمودند:

«فرادی که این حزب (جمهوری اسلامی) را ایجاد کردن، خوب من می‌شناختم. من آقای خامنه‌ای را بزرگش کردم. من آقای هاشمی را بزرگ کردم، من آقای بهشتی را بزرگش کردم. دیده‌ام اینها را از اول تا آخر،» (صحيفه امام، ج ۱۵، ص ۱۹۷)

«فرادی که در مجلس هستند، از رئیس مجلس، آقای هاشمی، با سایر افرادی که در مجلس هستند، این را مقایسه کنید با مجلس سابق.» (صحيفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۲)

آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت، طی نامه‌ای به محضر امام خمینی اعلام داشت: پیشنهاد مشخص اینجانب که قبل از کتاب و شفاهًا معرفت گردیده، این است که:

# مردی که بارها تا مرز شهادت پیش رفت



و خبر دارد. حالا عده‌ای همینطور حرف می‌زنند و اصلاً نمی‌دانند که حرف دل امام چه بود!»  
مؤذن بانگ بی‌هنگام برداشت

نمی‌داند که چند از شب گذشته است چنین آدمی حالا در رأس امور ماست. من هم به امور اوقاف و می‌بینم که در مملکت چه کار می‌شود. من آدم بی‌خبری نیستم. همه این اوضاع اجرایی کشور را از نزدیک،

هشت سال تجربه و لمس کرده‌ام، قبل از آن هم، از اول انقلاب در شورای انقلاب و دیگر جاها بوده‌ام.... «امروز رئیس جمهور ما، از نظر من که سالیان متعدد است ایشان را می‌شناسیم، یک مجتهد فطحی است. این هم از بركات خدا بر ماست. ما رئیس جمهوری داریم که از لحاظ درس‌های حوزه‌یی، یک مجتهد و از لحاظ تفکرات اسلامی، یک منفک سطح بالا با سوابق فراوان است.» (۱۵ / ۳ / ۶۹)

۵ - در دیداری که جمعی از آزادگان کشور به حضور رهبر انقلاب رسیده بودند،

ایشان فرمودند: هیچ وقت مثل امروز، مسؤولان کشور، رئیس جمهور و دولت، شخصیت‌های برجسته و ممتازی نبودند. امروز بحمدالله رئیس جمهوری در رأس قوه اجرایی ماست که مایه امید و مورد علاقه و اعتماد امام در همه امور سیاسی و نظامی در کشور بود. این را مشاهد بودیم. این، یک امتداز بزرگ است که امروز بحمدالله ملت ما دارد.

۶ - رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفيذ حکم ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی فرمودند: «مردی بزرگ از سایقین اول انقلاب و حواریین و انصار دیرین امام راحل. عالمی منفک، سیاستمداری هوشمند، فقیهی زمان شناس، مجاهدی خستگی نشانس، برادری مهربان برای ضعیفان و مدیری کاردار برای کشور، بنده از سال ۳۶ ایشان را از نزدیک می‌شناسم و در میدان‌های مختلف، با هم و در کنار هم بوده‌ایم. با هم کار و با هم فکر کردیم. این آزمایش برای ایجاد اعتماد در انسان کافی است. من در همه این مدت، ایشان را در راه خدا، در راه حقیقت، در راه اعتلای کلمه دین و پیشبرد اهداف اسلامی مشاهده کردم و هرگز ایشان را این راه جدا و منحرف ندیدم.» (۱۲ / مرداد ۱۳۷۲)

۷ - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی فرمودند: «...شخص رئیس جمهور و خصوصیات ایشان که مردی مؤمن، عالم، مجاهد فی سبیل الله، مسلط بر امور کشور، مجروب و کارآزموده است، به جای خود محفوظ می‌باشد. بحمدالله شخص رئیس دولت و آحاد وزرای ما هم از این امتیازات بزرگ برخوردار هستند.» (۲۹ / خرداد ۱۳۷۵)

۸ - در هفته دولت در دیدار با رئیس جمهور و هیأت وزیران فرمودند: «واقعاً در دوران جنگ، هر بزرگ انقلاب این بود که بنواد کشور را همین طور حرکت دهد و راه ببرد. در دوران جنگ، هیچ فرصتی که قابل ذکر باشد، در مقیاس توقعات و نیازهای این کشور، برای ساخت زیربنایها و تأمین زیرساختهایی یک توسعهٔ فیضی و یک رشد واقعی اقتصادی و مادی، به وجود نیامد. در طول این مدت چند سالی که ما بعد از جنگ می‌گذرانیم، خوشبختانه دولت موفق شده است در این زمینه، کارهای بزرگی را انجام دهد که حقیقتاً متوان این را امروز گفت که یک زیر ساخت مستحکم اقتصادی، در کشور به وجود آمده است.» (۷۸ / خرداد ۱۳۷۸)

مطلوب زیر، تنها گوشاهای از نظر رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره کارنامه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است که در زمان‌های مختلف بیان فرموده‌اند.

رهبر معظم انقلاب در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ایشان فرمودند:

۱ - «ما منورتر و روشنتر و سایه‌دارتر و شناخته شده‌تر و درد آشناز از ایشان با مسائل انقلاب، کس دیگر را سراغ نداشیم. نمی‌شود گفت شما بهتر از من ایشان را می‌شناسید، چون سوابق انس و ارادت و اشتایی من با آقای هاشمی، خلیل طولانی است، اما شما در مدت کارکنان با ایشان در مجلس شورای اسلامی، از نزدیک همه این موارد را خوب احسان کرده‌اید. ملت ما بحمدالله ایشان را می‌شناسند و این، آینده خوبی را نوید می‌دهد.» (۲۴ / خرداد ۱۳۶۸)

۲ - رهبر انقلاب در حکم تنفيذ پنجمین دوره ریاست جمهوری نوشتند: «خدا را شکر که اراده و رأی ملت عزیز، بار سنتگین امانت و مسئولیت الهی را بر دوش توانای مردی بزرگ از فرزندان اسلام و خواریان امام عظیم الشان (قدس سره)، عالمی مجاهد و فقیهی اسلام شناس و سیاستمداری هوشمند و مدیری درآشنا و دلسوز قرار داد. شخصیتی که بروزه تلاشش در راه خدا و مجاهدش برای حکمیت دین و اعلای کلمه اسلام، حتی پیش از نخستین روزهای شروع نهضت آغاز شده و سرگذشت رنجها و سختی‌ها و فالتهای کم نظری را در خود گنجانیده است. چهره موجبه که به برکت حرکت در صراحت مستقیم انقلاب، همواره امین امام (قدس سره) و محبوب است بوده و ان شاء الله از این پس نیز خواهد بود.» (۱۲ / مرداد ۱۳۶۸)

۳ - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با ائمه جمیع سراسر کشور فرمودند: «به مسأله حمایت و پشتیبانی از دولت اشاره کردم، اصلاً به سرانجام رسیدن انقلاب، به این متوقف است. در مورد همه دولتها، این نکته صادق است و در مورد این دولت که در رأس‌ش، شخصیتی مثل آقای هاشمی رفسنجانی قرار گرفته است نیز صادق است. انصافاً وضع ایشان، اظهر من الشسمس است و فایده ایشان برای انقلاب و اسلام، برای همه واضح و روشن می‌باشد. حمایت از این دولت، ماضیعاً واجب و لازم است. مباداً خدای نکرده ائمه جمیع تأثیر حرف این و آنی قرار بگیرند که گاهی چندی، اتهام بیرونی، یا مطلب واهی و بیساسی را مطرح می‌کنند. حالاً اگر یک نفر در یک جلسه خصوصی حرف را می‌زند، بحث دیگری است، اما امام جمیع نباید این حرفها را قبول نکند، تا در حرفاها و اعمال و متن او واضح بشود. اینطور چیزها را رعایت بکنید.» (۷ / خرداد ۱۳۶۹)

۴ - رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از مردم خراسان فرمودند: «من به جرأت عرض می‌کنم که از اول انقلاب تا حالا، ما هیچ رئیس دولتی، مثل رئیس دولت از نداشتم. البته رؤسا و اعضای دولتها گاشته، عناصر برجهسته و مخلص و ممتاز و خوب و بالا بودند؛ اما حالا از گذشته هم خوبتر و ممتازتر و بالاتر است.»... امروز بحمدالله در رأس دستگاههای اجرایی کشور، کسی است که امام در تمام طول دوران انقلاب و قبل و بالا بودند؛ اما این را از همه بعد از انقلاب تا لحظه وفاتشان، نهایت اعتماد و اطمینان را به او داشتند؛ رئیس جمهور. ایشان کسی است که اینقدر مورد اعتماد امام بود، اینقدر به امام نزدیک بود، حرفهای امام را بیشتر از آنها شنیده، در دلایل امام را بیشتر از دیگران شنیده

**\* حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: یک مجتهد قطعی است. این هم از برکات خدا بر ماست. ما رئیس جمهوری داریم که از لحاظ درس‌های حوزه‌یی، یک مجتهد و از لحاظ اسلامی، تفکر سطح بالا با سوابق فراوان است.**

**\* آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود**

**\* این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف اندک و به مبارزین میداد. اینها خوب است بدانند**



من نصیحت میکنم؛ اما مسئولان قضایی و غیر قضایی، غیر از نصیحت، وظایف دیگر هم دارند؛ آنها عوامل این تخریبها را تعقیب کنند و آنها را پیدا کنند. یک عدد به طور مسلم از روی جهالت و غفلت این کار را کردند، که این فعل حرامی انجام گرفت...» (۷ تیر ۸۴)

۱۳ - رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های

نماز جمعه و پس از حوادث سال ۱۳۸۸ فرمودند: آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیت‌های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶ - یعنی ۵۲ سال قبل - ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قیل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفت. قبیل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد. اینها را جوانها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسئولیت‌های زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسئولیت‌های دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است: اینها را باید دانست. در حساس‌ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده. (۱۳۸۸/۳/۲۹)

رهبر انقلاب اسلامی با صدور پیامی در گذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تسلیت گفتند. متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
آللّه و آللّه راجعون

با دریغ و تأسف خبر درگذشت ناگهانی رفیق دیرین و همسنگ و همگام دوران مبارزات نهضت اسلامی، و همکار نزدیک سالهای متmandi در عهد جمهوری اسلامی جناب حجت‌الاسلام والملیمین آقای شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی را دریافت کرد. فقدان همزمان و همگامی که سابقه همکاری و اغاز همدلی و همکاری با اوی به پنجاه و نه سال تمام می‌رسد، سخت و جانکاه است. چه دشواریها و تنتکاهها که در این دهها سال بر ما گذشت و چه همفکریها و همدلیها که در برجهه‌های زیادی ما را با یکدیگر در راهی مشترک به تلاش و تحمل و خطرپذیری کشانید. هوش وافر و صمیمیت کم‌نظیر او در آن سالها، تکیه‌گاه مطمئنی برای همه کسانی که با اوی همکار بودند و به پیش برای اینجانب به شمار می‌اید. اختلاف نظرها و اجتهادهای متفاوت در برجهه‌های از این دوران طولانی هرگز توانست پیوند رفاقتی را که سرآغاز آن در بین‌الحرمین کربلا معمولاً به کلی بگسلد و سوسه خنانی که در سال‌های اخیر با شدت و جدیت در بی بهره‌برداری از این تفاوت‌های نظری بودند، توانست در محبت شخصی عمیق او نسبت به این حقیر خل وارد آورد.

او نمونه کم نظری از نسل اول مبارزان ضد ستم شاهی و از رنج دیدگان این راه پر خطر و پر افتخار بود.

سال‌ها زدن و تحمل شکنجه‌های سواک و مقاومت در برابر این همه و آن گاه مسئولیت‌های خطیر در دفاع مقدس و ریاست مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و غیره، برگ‌های درخشان زندگی پر فراز و نشیب این مبارز قدیمی است.

با قدران هاشمی اینجانب هیچ شخصیت دیگری را نمی‌شناسم که تجربه‌ای مشترک و چنین دراز مدت را با او در نشیب و فرازهای این دوران تاریخ ساز به یاد داشته باشم.

اکنون این مبارزان کهنسال در محضر محاسبه الهی با پرونده‌ای مشحون از تلاش و فعالیت گوناگون قرار دارد، و این سرنوشت همه ما مسئولان جمهوری اسلامی است.

غفران و رحمت و عفو الهی را برای وی از صمیم قلب تمنا می‌کم و به همسر گرامی و فرزندان و برادران و دیگر بازماندگان ایشان تسلیت عرض میکنم.

غفارله‌له لنا و له سید علی خامنه‌ای

۱۹ دیماه ۱۳۹۵

۹ - رهبر معظم انقلاب در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما و پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری فرمودند: «...ابتله خوب؛ برای شخص من، هیچ کس آقای هاشمی رفسنجانی نخواهد شد؛ اما امیدواریم برای ملت بشود...» (۷۶/۳/۲)

۱۰ - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آخرین دیدار

رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ششم با ایشان داشتند، فرمودند: «من فراموش نمی‌کنم، روزهای بعد از جنگ در آن جلسه‌ای که به دستور امام تشکیل شد، چند نفری برای طرح خطوط اصلی بازسازی کشور نشستیم؛ به نظر خودمان آزوهای بزرگی را در آن نوشته‌ها آوردهیم، بحث کردیم و تصور نمودیم، که این شاء‌الله در طول چندین سال انجام گیرد. آنچه در این هشت سال ریاست جمهوری شما اتفاق افتاده، از آنچه که آن روز ما آزو داشتمیم، بیشتر است و حقیقتاً کشور بازسازی شد...» «من در تمام طول مدت هشت سال، در جریان کارهای شماها فرار داشتم، هم به وسیله گزارش‌های مستقیم، هم از طرقی که پرای اطلاع گیری، در دسترس من بوده است. علاوه بر اینکه به طور مستمر - اقلافتی‌ای بکار آمد - جناب آقای هاشمی با من ملاقات می‌کردند. در این ملاقاتها و جلسات، گزارش کارها، طرح مسایل، طرح مشکلات، نظرخواهی و مشاوره در امور گوناگون نیز بوده است. این جلسات، پربرکتی بود». «این دوره هشت ساله برای کشور، یک دوره بسیار پرکار و پرتلاش و پراید و حقیقتاً دوره بازسازی بود... حقیقتاً کشور بازسازی شد، کشوری که قبل از ویرانی‌های جنگ هم، حقیقتاً میراث زیربنایی قابل توجه و قابل قبولی از رژیم گذشته نداشت... بخش قابل توجهی از این، به خصوصیات شخص آقای هاشمی برمی‌گردد، یعنی واقعاً برخی از خصوصیات در ایشان هست که تاثیر تام تمامی در این موقعیتها داشته، از قبیل بخوبیاری ایشان از روحیه کار پرکاری - روحیه ایتکار و ناآوری و ورود در میدان‌های جدید و نایموده، همت بلند در امر سازندگی و نترسیدن از طرح‌های بزرگ و اقدام کردن شجاعانه در مورد کارهای بزرگ، شیوه مدیریت باز که در ایشان وجود داشت و این به همکارهای ایشان امکان می‌داد که اینکار و تلاش خودشان را به کار بیندازند و از آنها استفاده بکنند. ایمان عمیق به توانایی خود نیز نقش زیادی داشت. همچنین هوشمندی در شناخت مسائل و مضائق و پیدا کردن راه حل‌ها، بخشی از خصوصیاتی است که بلاشک موثر بود...

جناب آقای هاشمی به عنوان یک روحانی انقلابی، کارآمد، متدين و متعبد برای مردم مطرح هستند و این خصوصیاتی است که در ایشان هست ... بنده دائمآ شماها را در طول این سال‌های متmandi دعا کردم، شخص آقای هاشمی را به نام هرگز توانست پیوند رفاقتی را که سرآغاز آن در بین‌الحرمین کربلا معمولاً به کلی بگسلد و سوسه خنانی که در سال‌های اخیر با شدت و جدیت در بی بهره‌برداری از این تفاوت‌های نظری بودند، توانست در محبت شخصی عمیق او دعا می‌کرد. باز هم دعا خواهم کرد. (بيانات مقام معظم رهبری در دیدار با آقای هاشمی رفسنجانی و کابینه ایشان در پایان دوره ریاست جمهوری، ۹ مرداد ۱۳۷۶)

۱۱ - رهبر انقلاب در پی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ فرمودند: «نقش مؤثر و تعیین کننده نامزدهای ریاست جمهوری در خلق این حمامه بزرگ ملی، انکارناپذیر و سپاس از آن بر همگان لازم است. اینجانب تشکر

رفسنجانی که خود از ذخایر انقلاب و از چهره‌های بر جسته نظام جمهوری اسلامی ایرانند، تقدیم می‌دارم و امیدوارم این برادر عزیزم و همسنگ دیرین مانند همیشه در عرصه‌های مهم نظام اسلامی نقش آفرین باشند.» (۵ تیر ۸۴)

۱۲ - در خلال این انتخابات، برخی کارهایی انجام گرفت که بنده به عواملی که این کارها را انجام دادند، بدینم؛ این تخریب‌هایی که صورت گرفت، بعضی از تخریبها بایه از روی بی‌توجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدهای طرفداران آنها با محاسباتی، حرفاً این تخریبها را از روی غفلت نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای دولتها در این سالها به وجود آمد، ندیده گرفته شد؛ اینها از روی غفلت بود، لكن بعضی از این تخریبها از روی غفلت نبود، تعدادی از نامزدهای انتخابات و ناجانمدهان؛ حتی

جمهوری موجهی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که شخصیت محترم و باسابقه‌ای است، از دم این تخریبها در امان نماند، این حادثه بدی بود. رحمت الهی را نباید با اینکونه کارها لو دهد؛ که با اینکه ما تأکید کرده بودیم، امروز چون گذشته است،

## \* رهبر انقلاب اسلامی: در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرد

با فقدان هاشمی اینجانب هیچ شخصیت دیگری را نمی‌شناسم که تجربه‌ای مشترک و چنین دراز مدت را با این نشیب و فرازهای این دوران تاریخ ساز به داشته باشد

آللّه و آللّه راجعون

# آیت اللہ هاشمی رفسنجانی از تولد تا رحلت

با اعتراض هاشمی رسمًا توسيع  
تيمساري پيروزنيا لغو شد. ايشان  
از بيم اينکه امام برای رهابي  
طلاب امتياز به رئيس  
بدهند، طي نامه‌هاي با عنوان  
معظم له خاطر شان کرد که  
پادگان برای طلاب دنیاي  
جيدي است و هچچ مشكلي  
وجود ندارد و اگر طلاب به  
طور گستره در سريازخانه‌ها  
شرکت کنند، ارتش عوض  
خواهد شد. در عصر اعاشوراي  
سال ۴۲ فرمادن نيريوي  
زميني ارتش وارد پادگان شد  
و به محسن ورو، دستجات  
وعظ و عزاداري را که توسيط  
طلاب سرياز هدایت مي شدند،  
مشاهده کرد و معتبرضانه گفت:  
«طليبه ها پادگانها را به مسجد  
تبديل کرده‌اند» سپس دستور  
داد مجالس وعظ و روضه‌خوانی  
تعطيل شود. هاشمي رفسنجاني  
پس از فاجعه خونين ۱۵ خرداد  
و احساس خطر، در ۲۱ خرداد  
۱۳۴۴ با اخذ مرخصي از پادگان  
خارج شد و ديگر مراجعت  
نکرد.

ایت الله هاشمی رفسنجانی  
از بیم دستگیری به عنوان  
سرباز فراری مجبور به زندگی  
مخفی شد و به زادگاه خود در  
بهمن نوق رفت. در همین  
ایام بود که ترجمه کتاب  
سرگذشت فلسطین را در مدت



چهار ماه اقامت در آن روستا انجام داد.  
در نیمه دوم سال ۴۳ بدنبال تصویب  
بنیعه امریکا موسوم به کاپیتو لاسیون،  
صورت مذکرات لایحه مزبور، امام را در  
شاه، امریکا و اسرائیل را مورد حمله قهقهه  
منیتی منزل امام را در قم محاصره و پس  
پس از تبعید حضرت امام(ره)، هاشمی و پس  
ما مشی صریح مخالفت با رژیم پهلوی  
جمعی از علماء و فضلا در اعتراض به  
سرگشادهای با عنوان نخست وزیر وقت  
کردند در اسرع وقت رهبر شیعیان جهان  
امام سرگشاده برای اولین بار از امام(ره) با  
کار سیاسی عمیق است.

ساواک در تاریخ ۱۲/۱۲/۴۳ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور نسبت به دستگیری ایشان مسمود و او را وطن‌زندان کرد. وی به مدت ۴ ماه تحت بازجویی و شکنجه بود که در ۱۴ نیم‌ماه ۱۳۴۴ با فشار علماء و مراجع بزرگ از زندان آزاد شد.

در ششم دی ماه ۱۳۴۴ وارد نجف آیاد شد. علیرغم ممنوع المنبر بودن، به منبر رفت و در پایان یک سخنرانی حماسی برای سلامتی امام خمینی (ره) دعا کرد و بالافصله پس از اسما، آهنگ، آهنگ منتر توسط شهپر باز، دستگر و هه سه اک هدایت شد.

مهتمترین حضور هاشمی در مجمع‌داشجویی در آنار ۱۴۴۹ در دانشکده فنی دانشگاه تهران است. ایشان در این جلسه شدیداً استعمار را مورد حمله قرار دادند و از دانشجویان خواستند با درس خواندن، ایران را از وجود کارشناسان خارجی بی‌نیاز کنند. حضور ایشان در مجمع‌داشجویی با استقبال بی‌نظیر و کم ساقه‌های مواجه شد. یکی از منابع ساواک استقبال ز اور در دانشکده فنی را این چنین گزارش داده بود: «تعداد دانشجویانی که در آمیخت تأثیر جمع شده بودند، حدود ۲۰۰ الی ۸۰۰ نفر بودند که پس از پایان سخنرانی مشارلیه شدیداً برای او ابراز احساسات کردند و گفت می‌زندند به طوری که تاکنون چنین استقبالی از هیچ یک از سخنرانان عمل نیامده است.» ساواک در تاریخ ۱۴۵۰/۷/۵ و به همانه نامه ارسالی به حضرت امام خمینی(ره) مبادرت به دستگیری وی کرد که بازهم با فشار علماء در تاریخ ۱۴۵۱/۲/۵ آزاد شد.

ایت الله هاشمی رفسنجانی  
در سال ۱۳۱۳ در روستای  
بهرمان از توابع شهرستان  
رفسنجان در یک خانواده  
ربیشه دار مذهبی و کشاورز دیده  
به جهان گشود.

پدرشان مرحوم حاج میرزا علی هاشمی عمیقاً مورد احترام و اعتماد اهالی روستا بود و به نوعی مرجعیت امور اجتماعی و مذهبی آنان را به عهده داشت. سطح زندگی آنها بـ توجه به وضع روسـتا در سطح خوبی بعد.

در سن ۵ سالگی وارد مکتب  
خانه شد و علاوه بر خواندن  
کتابهای رسمی مدرسه، در  
مکتبخانه بخششهای از قرآن،  
گلستان، نصاب الصیبان را یزد  
آموخت و سپس مختارنامه،  
معراج نامه، بوستان و ...

۱۴ ساله بود که به پیشنهاد پسرعمویش، محمد، تصمیم گرفتند همراه کاروان چهت تحصیل علوم دینی به قم هجرت نمایند.

پس از چند سال اقامت در منزل حضرات آیات اخوان مرعشی و اطاق‌های اخخاره‌ای در منازل مردم قم، حوالی سالهای ۳۵ به بعد در مدرسه حاج سیدصادق و سپس مدرسه حاجتیه حجره‌ای با ۷ تن دیگر گرفت. در همین دوره با

همکاری دوستان، بویژه شهید باهرن، نشریه «مکتب تشیع» را بنانهاد. اولین شماره این نشریه در اردیبهشت ۱۳۳۸ منتشر شد، ایشان درباره این نشریه می‌گوید: «در پوشش مکتب تشیع موفق به ایجاد یک شبکه فرهنگی - سیاسی فراگیر در کشور شدیم. پس از باز شدن فضای سیاسی بعد از شهرپور، ۱۳۲۰، گروههای ملی گرا و توده‌ای، بیداندار مسائل سیاسی و اجتماعی در مطبوعات بودند و فضا برای مذهبی‌ها بسیار تنگ بود. در این نشریه مسائل اجتماعی و سیاسی به شکل نو و بدیع توسط مهترین متکفان اسلامی عرضه می‌شد.

آشنايی با امام خمینی (ره) در محل مسکونی وی در مقابل بیت امام شروع شد. ایشان فرصتی که در مسیر رفت و آمد امام ظاهر شده و چشم به چهره جذاب و پربریت ایشان بدوزد و سؤالی را بهانه تقریب قرار دهد. بعد از زمینه آشنایی با مرحوم آقا مصطفی خمینی فراهم آمد. در همان‌این‌جا ایطاله استاد و شاگردی با امام را فراهم ساخت و این رايطاله را تا روزی که بتوانند رسما شاگرد امام شوند، حفظ کرده و هر روز گسترش دادند.

سال ۱۳۷۷ مصادف با اولین تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) و همچنین سرنگونی رژیم سلطنتی در کشور همسایه عراق بود. ایشان که محرم سال مذکور را در همدان برای تبلیغ به سر می‌بردند، در روز عاشورا ضمن اشاره به سرنوشت نظام سلطنتی عراق، انتقاد نهادند که رام متوجه نظام سلطنتی پهلوی کردند که بالاخصله پس از ترک منبر توسط شهریاری همدان دستگیر شدند و به مرکزی نظامی که وظیفه ساواک تازه تأسیس شده داشت، تهمباً داده شدند.

حضرت امام(ره) جلسه‌ای در منزل آیت‌الله حائری و در حضور علماء طراز اول قم تشکیل داده و اعلام خطر کردند. بنا شد علاما با صدور اعلامیه‌های نسبت به این توصیب‌نامه اختلاف کنند. اعلامیه‌های امام(ره) که از همه تقدیر بود، توسط رابطین مکتب تفسیع در شهرستانها هم تکثیر و پخش می‌شد. امام(ره) جمعی از فضلاً قرایر تبلیغ به اقصی نقاط کشور فرستادند که مأموریت هاشمی عزیمت به استانهای یزد و کرمان بود و متعاقب اینها علم عقب نشست و لنو توصیب‌نامه را رسماً اعلام کرد.

ایسپن در ۱۱ مروریں سال ۱۱ پس ر حادثه بیشتر دستیگیر و جزو این طبق به سربازی اعزام شد. وی در پادگان به عنوان اولین اقدام طی یک بحث روودرو با فرمانده پادگان، اعزام طلاب به سربازی را صریحاً محدود کرد و یا اینکه هنوز بیشتر از سه روز از شروع سربازی اجباری نمی‌گذشت، فرمانده لشکر او را به اسم می‌شناخت. در آن دوران در پادگانها رسم بر این بود که سربازان را به صورت دسته‌جمعی و گهچه‌گاه عربیان به حمام می‌برندند. این سنت غلط و همچنین اجراء تراشیدن محسنین با تین و فحاشی به سربازان

\* آیت‌الله  
هاشمی  
رفسنجانی از  
بیم دستگیری  
به عنوان سرباز  
فراری مجبور  
به زندگی  
مخفی شد و  
به زادگاه خود  
در پهمان نوق  
رفت. در همین  
ایام بود که  
ترجمه کتاب  
سرگذشت  
فلسطین را در  
مدت چهار ماه  
اقامت در آن  
روسنا  
انجام داد



بر عهدگر فوت و این مسئولیت تا پایان جنگ ادامه داشت.

با پایان یافتن جنگ، اولویت نظام اسلامی در سازندگی کشور بود. لذا آیت‌الله رفسنجانی با لیک صلاحدید دسوزان نظام در مرداد ۱۳۶۸ از مجلس خلخالی کرد و دو دوره متولی به عنوان رئیس‌جمهور امر مهم بازسازی و سازندگی را در نظام جمهوری اسلامی ایران پذیراً شدند.

آنچه در تمامی ارزیابیها از این دوران مشتک است، تثیت اقتدار و عزت نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی، تغییر چهره کشور و دگرگونی کیفیت زندگی در ایران است. رهایی از اقتصاد وابسته به نفت و توجه بر صادرات غیرنفتی و موقعیت‌های حاصله در این راه از اتفاقات دوران سازندگی است. همچنین برنامه‌ریزی برای ایران در سال ۱۴۰۰ و نوید تمدن بزرگ اسلامی، افق روشی از امید، ثبات و پیشرفت ارائه داده است.

تأثیر و قایع دوران سازندگی در جامعه سیاسی زیاد و دارای ابعاد گوناگون بود، سیر تحولات در جامعه ما که به خاطر انقلاب و جنگ و رخدادهای دو دهه قبل از انقلاب اسلامی، در حال دگرگونی بود سرعت بیشتری یافت. طبقات و لایه‌های اجتماعی درهم آمیخته شد فعل و اتفاعات مذکور به علاوه اطمینان خاطری که رئیس‌جمهور و مسؤول برگزاری انتخابات به ملت ایران به منظور سلامت انتخابات و اهمیت آرای آنان بخشدیده بودند، منجر به حضور چشمگیر رأی دهنده‌گان در مردم خرد ۷۶ شده بود. انتخاباتی که پس از آن با توجه به افزایش جمعیت هیج گاه ایران شاهد چنان خسرو مردمی نبوده است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از اکاذیب ریاست جمهوری به منتخب مردم در خرد ۷۶ در تاریخ ۱۳۶۵/۵/۱۲ به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ساختمان قسس مستقر شد و کار جدید را به امید سربلندی نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود.

پس از کارهایی که مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوران ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی انجام داد و مورد توجه کارشناسان داخلی و خارجی و کشورهای منطقه، دنیا اسلام و جهان بین‌الملل قرار گرفت، تسویه سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی است. هرچند انجام چنین کاری در دولت آقای هاشمی مساقی به سایقه بود و آن زمان وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی براساس دستور رئیس‌جمهور وقت (هاشمی رفسنجانی) نیازها و امکانات خود را در افق ۱۴۰۰ تهیی کرد بودند و به روی رهبر معظم انقلاب رسیده و از آن تعبیر به «حیات طیبه» کردند، اما پس از پایان دولت سازندگی، آن مورد در دولت جدید پیگیری شد تا اینکه رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۷ طی نامه‌ای به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ترسیم چشم انداز را کاری لازم خواهند و پس از آن، تصویب این سند در دستور کار جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت که پس از ماهها جلسه به تصویب رسید.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دوران پیروزی انقلاب اسلامی از اعضای مؤثر و برجهسته شورای انقلاب بوده و سپس فعالیت‌های خود را در عرصه‌های گوناگون بی‌گیری کرده‌اند، از جمله:

از اعضای حزب جمهوری اسلامی

سرپرست وزارت کشور

ریاست مجلس شورای اسلامی

امام جمعه موقت تهران

جانشین فرماندهی کل قوا

نایب ریاست مجلس خبرگان

ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی

ریاست شورای عالی امنیت ملی

ایشان تا پایان عمر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشتند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پس از انقلاب اسلامی عناوین افتخاری متعددی از مجامع علمی مختلف دنیا کسب کردند و دانشگاه تهران نیز عنوان دکترا افتخاری علوم سیاسی را به ایشان اهدا کرد. مشی او هنوز نقطه امید و اتکای مردم و مسئولان جامعه در بحراں های داخلی و خارجی است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین در شهرپور ماه ۱۳۶۸ به دنبال رحلت آیت‌الله مشکینی رئیس قبید مجلس خبرگان رهبری در دو میان اجلال سالانه دوره چهارم مجلس خبرگان، به ریاست این مجلس مه و تأثیرگذار برگزیده شده بود.

وی اسفند سال ۱۳۶۹ ریاست مجلس خبرگان رهبری را به آیت‌الله مهدوی کنی سپرد.

در سال ۱۳۶۹ برای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نامزد شد که توسعه شورای نهبان را صلحیت گردید.

ایشان روز ۱۹ دی ۱۳۶۵ پس از عمری مجاہدت به دیدار حق شافت و پیکر او با تشییع تاریخی بر روی دسته‌های مردم در حرم امام خمینی و کنار بینانگار نظام جمهوری اسلامی به خاک سپرده شد.

سیده عفت مرعشی همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در لحظه لحظه‌های نهضت همدوش همسر خود بود و بدون هیچ واهمه‌ای همه مخاطرات را به چان خریده است و در تمام مدت زندان و در دیدارها بخوبی از عهده اداره منزل و فرزندانشان برآمد. ایشان در قم توسط سواک دستگیر شد، ولی پس از اطلاع از انتساب وی به خانواده مرعشی و برخود پرخاشگرانه مشارک‌الیها مجبور به آزادی او شدند. اوج فدایکاری سیده عفت مرعشی در انتقال دست نوشته‌های همسرش از زندان به خارج بود که برخورداری جامعه فکری از تفسیر راهنمای و فرهنگ قرآن نتیجه همین تلاش است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خود عمل انتقال دست نوشته‌ها به خارج از زندان را تحت عنوان «جاد و عبا» در مقدمه جلد اول تفسیر راهنمای شرح داده است.

بعد از آزادی از زندان در اواسط سال ۱۳۷۷ به همراه یارانش هسته اولیه جامعه روحانیت مبارز را تشکیل داد. در همین روزها به پیشنهاد جامعه روحانیت مبارز شورای انقلاب تشکیل شد.

بعد از پیروزی انقلاب آیت‌الله هاشمی در دیدار با امام(ره) عنوان کرد که همه به این نتیجه رسیده‌ایم که نفس اساسی ما نداشتن حزب است. امام که تا آن زمان موافق تأسیس حزب نبودند، با ملاحظه نقش احزاب در آن زمان موافق کردند. بدین‌سان مجوز تشکیل حزب جمهوری اسلامی صادر شد.

نهضت ۴ ماه از پیروزی انقلاب تکذیب شد که پس از تاریخ ۱۳۶۴/۳/۴ به عنوان یکی از افراد کلیدی امور انقلاب مورد سوء قصد و تور قرار گرفت. هم‌مرتین عامل نافرجام ماندن این تور حساب شده مداخله به موقع و سریع سیده عفت مرعشی، همسر ایشان بود. امام(ره) به شکرانه سلامت او پیام تاریخی را صادر کرد که شانگر عمق علاقه امام(ره) به هاشمی است. مععلم له در پیام خود فرمودند: «جناب حجت‌الاسلام مجاهد متمهد هاشمی عزیزی مردم مدرس که به امر رضاخان تور شد، از بیمارستان پیام داد به رضاخان بگویند زنده هستم، مدرس حالا هم زنده است. مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است».

انتخاب حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از سوی امام(ره) چه قرائت حکم نخست‌وزیری مرحوم بازرنگان در کنار پیام امام به مناسبت سلامتی وی جایگاه ویژه ایشان نزد امام را مشخص ساخت. ساخت

کشور در انتهای سال ۱۳۶۵ و اوایل سال ۱۳۶۶ و ضعیت سیار حساسی داشت. در این شرایط بحرانی هاشمی رفسنجانی با استفاده از اختیار حقوقی و حقیقی خود ضمن تعديل طرقین اختلاف، مسائل جاریه مملکتی را به طرق مختلف پیش می‌برد. بنی صدر پس از رسیدن به پست ریاست جمهوری بدون در نظر گرفتن مصلحت‌های نظام نویای اسلامی، اختلافات را بوجود آورد. در ۱۳۶۷/۱۲/۱۴ در مراسمی در دانشگاه تهران که به همانه بزرگداشت دکتر محمد مصدق برگزار شده بود، تشکلات شبه نظامی سازمان مجاهدین خلق مرکز از میلشیان دختر و پسر در اختیار بنی صدر قرار گرفت. نیروهای حزب‌الله گله‌مند بودند. در روز پس از قضاایا شد. در ۱۳۶۷ در ۱۴۰۰ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود به بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۰ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۱ در ۱۳۶۷ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۱ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۲ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۲ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۳ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۴ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۵ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۶ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۶ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۷ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۷ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۸ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۸ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۰۹ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۰۹ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۱۰ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۰ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۱۱ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۱ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۱۲ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۲ هجری شمسی از عدم سایلیخ خود در چهارمین نزد امام همواره گله‌مند بودند. در ۱۴۱۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۶ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۶ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۷ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۷ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۸ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۸ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۹ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۱۹ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۰ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۰ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۱ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۱ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۲ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۲ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۶ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۶ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۷ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۷ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۸ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۸ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۹ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۲۹ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۰ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۰ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۱ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۱ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۲ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۲ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۳ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۴ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل روند تور و انفجار در کشور روبه صعود گذاشت که تور ایله خانمهانه، انفجار دفتر مرکزی حزب‌الله گله‌مند بودند. در ۱۴۳۵ هجری شمسی از عدم کلایت سیاسی بنی صدر مطرح و تمویض شد، در مقابل ر

آیت الله  
هاشمی رفسنجانی  
در نگاه یاران و  
دوستان

# هاشمی و یاران همزم قدیمی

صمیمی ات یافتم، سالها قبل از شروع مبارزات پانزدهم خرداد... من کاملاً به تو اطمینان دارم. لذا وکیل من می‌باشی در تمامی زمینه‌های شرعی...»، و نیز در نامه‌ای دیگر به حاج سید احمدآقا، اداره امور بیت را به ایشان و آقای صانعی سپردم. حاج شیخ حسن صانعی همواره مانند برادری بزرگتر و دلسوز در کنار مرحوم سید احمد آقا خمینی در کنار امام حضور داشت و با هم به نقش آفرینی می‌پرداختند که بیان تعدد موارد آن از حوصله این گفتار خارج است.. به عنوان نمونه پرداخت شهریه حضرت امام توسط آیت الله الظالم حاج میرزا احمد آشیانی پس از منوعیت شهریه امام که در قم و تهران بسیار سر و صدا کرد.

در این ترکیب، مکمل جایگاه پر اهمیت مشاوران و نزدیکان حضرت امام، آیت الله هاشمی رفسنجانی بود که با بیش و زیرکی فراوانی که



داشت، از همان ابتدا شایستگی خود را برای حضور در کنار امام و متن مبارزات انقلاب اسلامی اثبات کرد. سایه دوستی و معاشرت آیت الله هاشمی رفسنجانی با آیت الله شیخ حسن صانعی از نزدیکان و گردانگان بیت حضرت امام(ره) به زمان نوجوانی و طلبگی باز می‌گردد که هم مباحثگی آنان در خطاطران آیت الله هاشمی ذکر شده است. این دو یار و همزم در کنار دوست صمیمی شان حاج احمد آقا خمینی فرزند امام، سه ضلع مثلث مهم و مورد اعتماد بینان گذار جمهوری اسلامی بودند که در رأس امور، مجرای ارتباطی امام خمینی و منتقل کننده نظرات و آراء ایشان به مردم و مسئولین بودند. غیر از مسائل مهم و کلان مملکتی مانند حادثه مربوط به شوروی، بازگشت امام خمینی به ایران، شکست حکومت نظامی در شب بیست و دوم بهمن و مسائل مختلف نظری آن که شخص امام خودشان مستقیماً و با تدبیر خاصی مسائل را هدایت می‌کردند و یا اموری که به هیأت پنج نفره و اگذار کرده بودند، در سایر امور همواره این نقش کلیدی و راهبردی بر عهده این سه نفر بود که تسهیل ارتباط امام با مسئولین، افشار مختلف جامعه، جلسات مشورتی و نظارتی، انتقال برخی مطالب به حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیگیری فرامین حضرت امام و پیشبرد اهداف و آرمان‌های نظام و انقلاب علی الخصوص در دوران حساس التهاب ابتدای پیروزی انقلاب، دفاع مقدس و بحران‌های گوناگون پیش روی کشور از جمله این مسئولیت‌ها بود.

نزدیکی این سه یار دیرین امام به ایشان و انجام وظایف دشوار و حساس آن زمان، از سطور زرین کارنامه انقلاب به شمار می‌آید و آیت الله هاشمی رفسنجانی با برهه گیری از این عقبه سترگ، همواره در خدمت رسانی به بینان گذار فقید جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالیٰ علیه) و پس از آن رهبری گران قدر انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بی وقفه تلاش کرد و خود را وقف اعتلای آرمان‌های والا انقلاب اسلامی نمود.

دی ماه ۱۳۹۵ آبستن حوادث بسیار مهمی بود که در رأس آن‌ها، ارتحال آیت الله هاشمی رفسنجانی، یکی از کلیدی‌ترین نقش آفرینان انقلاب اسلامی و همراه همیشگی امام و رهبری، خسروان جبران ناپذیری برای مردم و انقلاب به حساب آمد. خلاً وجود این مجاهد خستگی ناپذیر و وزنه پر رنگی که در تمام معادلات کوچک و بزرگ کشور تأثیرگذار بود در این یک سال، ارزش دوران حیات سیاسی، تاریخی و فقدان این نعمت گران قدر را به خوبی نمایان کرده است.

در آستانه اولین سالگرد این بزرگ مرد نستوه، برای شناخت بیشتر نسل جوان جامعه از ایشان، لازم است علاوه بر توان و تسلط علمی، دینی و مدیریتی که در دوران مسئولیت‌های مختلف ایشان در نظام جمهوری اسلامی دیده شده، به سابقه مبارزاتی و نزدیکی صمیمانه ایشان به حضرت امام خمینی (قدس سرہ الشریف) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز ابتدای شکل گیری پایه‌های نظام نیز پرداخته شود.

در دوران تبعید امام خمینی در عراق و سپس هجرت ایشان از نجف به پاریس و به تصریح خود امام، فرزند ایشان حاج سید احمد خمینی به عنوان مشاور و همراه پدر نقش بسیار پراهمیتی ایفا نمود و با برنامه‌ریزی دقیق برای تنظیم امور بیت و دفتر امام در نوفل لوشاتو، و برگزاری موقع مصاحبه‌های مطبوعاتی و دقت و وسوسات فراوان در ترجمه مصاحبه‌ها و پیامهای امام و جلوگیری از تحریف آنها، عهددار برقراری ارتباطهای گسترشده و لازم بین گروههای مختلف با امام خمینی بود. وی در اسفند ۱۳۵۷ همراه با پدرش عازم قم گردید و وسایل و زمینه‌های لازم را برای هدایت امور انقلاب و تنظیم امور بیت و دفتر حاج آقا روح الله خمینی و تأمین شرابی برای ارتباطهای گسترشده با مردم و مسئولین روزانه در نوبتها در متواالی به دیدار آیت الله خمینی در قم می‌رفتند، فراهم نمود و یکی از معتمدان و مشاوران رهبر کبیر انقلاب به شمار می‌آمد.

از سوی دیگر، آیت الله حاج شیخ حسن صانعی، که در آن زمان طلبه پرانژری و باهوشی بود، از نوجوانی در کنار حضرت امام و از نزدیکان ایشان به شمار می‌آمد و از دیگر معتمدان و مشاوران حضرت امام خمینی(ره) به شمار می‌رفت که بسیاری از مسائل مالی، امور وجوهات و شرعاً، مسائل بیت امام و غیر آن را با اذن و ثوّق خود امام زیر نظر داشت و حتی اجازه برداشت از حساب بانک امام نیز با وی بود. امام خمینی در نامه‌ای خطاب به آیت الله شیخ حسن صانعی نوشته اند: «تو یکی از قدیمی‌ترین افرادی هستی که در کنار من بوده ای. هنوز سبزه‌ای بر رخسار نداشتی که



\*آیت الله  
هاشمی رفسنجانی و  
آیت الله حاج شیخ حسن صانعی از دوران  
جوانی دویار همزم بودند  
که افتخار همراهی با امام  
Хمینی را داشتند

\*امام خمینی  
خطاب به  
آیت الله حاج  
شیخ حسن  
صانعی: تو یکی  
از قدیمی‌ترین  
یاران من هستی  
که در کنار  
من بوده‌ای...  
من کاملاً به تو  
اطمینان دارم،  
لذا وکیل من  
می‌باشی

آیت‌الله امامی کاشانی:

# آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مصطفاق عزائم الصبر و حسن الیقین بود

## اشاره

آیت‌الله امامی کاشانی در خطبه دوم نماز جمعه تهران به تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۹۵ و در حالیکه چند روز پیشتر از رحلت ناگهانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نمی‌گذشت، سخنانی پیرامون شخصیت و تفکر فرهنگی آن یار بی‌بدیل امام خمینی ایجاد کرد که متن کامل آن خطبه به مناسبت سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تقدیم خوانندگان گرامی این ویژه نامه می‌شود.



قدرشناس و وقت‌شناسید.

حقیقت اینست که تشیع علم و اسلام است. احترام به انبیاء، اوصیاء و اهل بیت پیامبر(ص) و احترام به شهدا و حیات از شهدا است. در سایه تبلور خون شهداست. ولو عده‌ای به این حقیقت توجه نکنند، ولی باطن و حقیقت اینست. پشت پرده این عقیده است که آدم را برای تشیع جنازه می‌برد. شرکت در این تشیع جنازه یعنی انقلاب، اسلام و انقلابی که می‌خواهد به دست رهبر عزیزان به صاحب عصر ارواحنا له الفداء برسد. واقعیت چنین است.

بنابراین ما باید باییم و این وحدت را حفظ کیم. به خانسها نگاه نکنیم. بدون شک در داخل کشور دشمنان انقلاب هستند. بیرون هم دور تادور دشمنانند. این استکباری که در روایی

حادده سنگین و غبار رکن انقلاب اسلامی رحلت آیت‌الله امامی کاشانی را به محضر مقدس امام حضر ارواحنا له الفداء و رهبر عزیز انقلاب اسلامی، مراجع عظام و حوزه‌های علمیه و ملت قدرشنان و وقت‌شناسان ایران و بیت ایشان همسر مکرمه و فرزندان، برادران و بازماندان گان تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

تعزیت در این وقت کوتاه در و فصل است. فصل اول شخصیت جناب اقای هاشمی است که درباره این شخصیت این روزها بسیار سخن به میان آمده است. بنده از پیامهای مراجع عظام مخصوصاً بیان پرمحتوا پرمه رهبر معظم انقلاب تشرک می‌کنم.

در فصل اول بحث خواستم چند کلمه‌ای درباره تقدیر جناب اقای هاشمی رفسنجانی صحبت کنم.

درباره ایشان در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی بیان شده است. درباره تفکر فرهنگی ایشان چند نکته‌ای را عرض می‌کنم. در سال ۱۳۷۶ یا ۱۳۷۷ ایشان و من در مدرسه آیت‌الله حجت که درس می‌خواندیم، روزی با هم قدم می‌زدیم. به بند چنین گفت باید فکر جوانها و این نسل را روشن کرد و این با یک حرکت علمی و فرهنگی است. ایشان گفت من با شهید باهنر قرار گذاشته‌ایم که یک حرکت فرهنگی داشته باشیم و مجله‌ای به نام مکتب تشیع تأسیس کنیم. یک مقدماتی از اوضاع کشور گفت. بعد گفت شما هم مقاله بده. بنده هم دو مقاله به مکتب تشیع دادم.

از همان روزها در سال ۱۳۷۷ یا ۱۳۷۸ که ۲۴ سال داشت، ایشان به این نکته یعنی توجه مردم مخصوصاً نسل جوان به اسلام واقعی، قرآن و محتوای قرآن کریم توجه داشت. وقتی ایشان در سال ۱۳۷۸ در خلقان شدید به زندان افتادند، می‌گفت وقتی به زندان رفتم، بدیم اوپاره محکمه من طوی نشان می‌دهد که زندان من طولانی خواهد بود. لذا به فکر تفسیر قرآن بود. به زندانها گفتم یک

قرآن به من بدهید، ولی آنها ندادند. گفتم یک کاغذ و قلم به من بدهید، ندادند. من در ذهن خودم عنایون را مرور می‌کردم که چگونه آنها را استخراج کنم. تا دوران محکمه من تمام شد و مرا به زندان اوین بردند. آنچا دوستی همچون مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی و آیت‌الله انواری بودند. آنچا قرآن بود من شروع به نوشتن کردم. لذا وقتی همسرم برای ملاقاتی بیوی از تو در زندان می‌گیرند. این خطر را احساس می‌کردم. لذا وقتی همسرم برای ملاقاتی به زندان اوین می‌آمد، من آنرا به او می‌دادم و در زیر چادر خود به بیرون زندان می‌برد. بعد از پیروزی انقلاب هم به عده‌ای از دوستان و ازها و کلیدها را دادم و آنها هم به تبیین آن پرداختند. و آن هم به صورت راهنمای تفسیر قرآن منتشر شده است. ایشان چنین تفکر علمی و قرآنی برای روش کردن جامعه داشتند.

بنده در اینجا نامه ۳۱ امیرالمؤمنین(ع) را خطاب به فرزندش حضرت امام حسن مجتبی(ع) عرض می‌کنم و خلی خاطب به امت اسلام است تا روز قیامت و آن جمله شریفه اینست: «أَطْرُحْ عَنْكُ الْهُمَوْمَ بِعَزَّمِ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ الْيُقْيَنِ»(۱)؛ فرزند هم، غم‌ها و عصمه‌ها را از خودت دور کن با صبری محکم و عزم و بدون اختلال و خلل و حسن یقین و باور به خدا و به اسلام.

این ولو خطاب به حضرت مجتبی(ع) است، ولی از رهگذر خطاب به فرزند بزرگش به تمام اسلام است.

حسن یقین؛ یعنی باور را در حُلُقت، در خوبیت، در رفاقت و کردارت محقق کن. این دو اصل ریشه است. آن چیزی که باعث شد جناب اقای هاشمی زندانها را تحمل کند و آن یاریها را نسبت به انقلاب بکند، همان باور محکم و صبر قوی بود. این دو اصل در زندان شکنجه‌ها را برایش آسان می‌کرد و تبدیل به نوشتن قرآن کرد. در میدان سیاست مشکلات بر او ایمان شد. این دو اصل، اصل بزرگی است. همه ما باید بر این دو اصل که حضرت علی(ع) فرمودن، باشیم و حرکت کنیم.

مرحوم آیت‌الله هاشمی اسلام، انقلاب و کشور را باور داشت. استکبار و استعمار مسلط بر کشور در آن زمان را باور داشت و می‌دانست آنها عزت کشور را از بین برداشتند. می‌دانست عزت در سایه اسلام و کمک کردند به ایمان راحل است. اینها برایش حقیقتی بود که در تمام این صحنه‌ها جلوه کرد. ریشه تمام اینها همان عزائم الصبر و حسن الیقین بود.

فصل دوم نکته‌ای بود که حضرت علی(ع) مطرح کردند. نکته خوبی را مطرح کردند. بنده این بیث را از زاویه دیگری مطرح می‌کنم و آن اینست که این تشیع چه بود؟ این تشیع با این عظمت نشان دهنده وحدت می‌بود. این قابل تردید نیست. ولی آیا برای آقای هاشمی ۸۳ سال، با این پیکر و قیافه آمده بودند یا نه؟ پشت پرده مستله دیگری بود. بدون شک مستله دیگری بود و آن بحث این بود که حامی انقلاب را تشیع کردند. بنابراین به انقلاب اسلامی احترام کردند. درود بر شما و افرین بر شما که خدای متعال همه شما را لاج دهد که چنین

\* آن چیزی  
که باعث شد  
جناب آقای  
هاشمی زندانها  
را تحمل کند  
و آن یاری‌ها  
را نسبت به  
انقلاب بکند،  
همان باور  
محکم و صبر  
قوی بود.  
این دو اصل  
در زندان  
شکنجه‌ها را  
برایش آسان  
می‌کرد و  
تبديل به  
نوشتن قرآن  
کرد. در میدان  
سیاست  
مشکلات بر او  
آسان شد. این  
دو اصل،  
اصل‌های  
بزرگی هستند

۱. نهج البلاغه، ص ۴۰۴، نامه ۳۱.
۲. شیخ طوسی، الغیة، کتاب الغیة للحجۃ، ص ۴۹۱. فصل بعض معجزات الإمام المهدی(ع) و ما ظهر من جهته(ع) من التوقیعات علی یدی سفرانه.

# امام(ره) برای اداره کشور به هاشمی دل بسته بود

سید محمود دعایی

تریبیت شده باشد؛ امام وقتی متوجه شدند نامه‌ای خوبی صمیمانه به آقای هاشمی نوشتند که در انتیاب آن امده بود: «وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْفَيْبَ لَا شَكُونَتُ مِنَ الْخَيْرِ»، یعنی اگر غیب می‌دانستم، خبرات زیادی نصیب من می‌شد و چون مطلع نبودم آن نظر را دادم. حال که به اصل موضوع پی بردم شما مجاز به ادامه راه هستید. به آن آقای روحانی هم که استفتا کرده بود بگویند نظر من را منعکس نکنم.

اینها نمونه‌هایی از شیوه ارتباطی آیت‌الله هاشمی با امام و اعتماد مثال‌زدنی آن رهبر بزرگ به همراه توانای خود است.

در مقطعی آیت‌الله هاشمی برای آگاهی از شکل‌های اسلامی خارج از کشور مسافرتی به اروپا و آمریکا داشتند. ابتدا به ملاقات محمد، برادر خود رفتند که در آمریکا مشغول تحصیل بود و با راهنمای او با تشکل‌های اسلامی آمریکا دیدار کردند. سپس با هماهنگی انجام شده با انجمن‌های اسلامی اروپا، به آن قاره سفر کردند و با تشکل‌های دیگر آشنا شدند. در همین مسیر از طریق سوریه و با لباس مبدل به عراق آمدند. آنچه در منزل مرحوم حاج‌آقا مصطفی با هم ملاقاتی داشتیم، موقع معمم شدند و خدمت امام رسیدند. صحنه ملاقات ایشان با امام هنوز در خاطرم



هست، لحظات تکان‌دهنده‌ای بود. امام به مجرد ورود آیت‌الله هاشمی بلند شدند و ایشان را در آغاز زندگی مبارزاتی آیت‌الله هاشمی اتفاق افتاد. بعد از دستگیری امام و برای تداوم نهضت، برنامه‌ای تدارک دیده شد.

یکی از آنها، تأسیس ارگانی بود که بیان کننده اهداف و ارمان‌های نهضت روحانیت باشد. مرسوم بود همه تشکل‌های مبارزاتی وجود داشته باشد که ارگان فعالیت‌های امامی مبارزاتی روحانیت باشد. گام‌نامه «بعثت» با نظر ایشان و همراهی آقای هاشمی و چند نفر از باران، تأسیس شد و مطالب متناسب با حرکت مبارزاتی و پاسخ‌گویی به یازده‌های جامعه آن روز را منتشر می‌کرد.

بعد از تعیید امام به ترکیه که مصادف با فعالیت‌های تاج‌گذاری بود، تضمیم گرفته شد روحانیت هم همراه با گروه‌ها و تشکل‌های مبارز دیگر به موضع گیری پیروزد. در آن مقطع، نشیره‌ای متنشر می‌کردند. امام تشخیص دادن، ضرورت دارد در حوزه هم نشیره‌ای وجود داشته باشد که ارگان فعالیت‌های امامی مبارزاتی روحانیت باشد. گام‌نامه افتخار روحانیت است که نمی‌تواند رهبر آن را فریب دهد. ایشان اطلاعات دیگری از فعالیت‌های دانشجویی و مبارزاتی ایرانیان قمی آمریکا و اروپا به امام ارائه داد و همچین آخرين وضعیت گروه‌های داخل کشور را امضا کردند. آنچه در منزل مرحوم حاج‌آقا مصطفی با هم بعد از آن ملاقات بیش از پیش به تداوم نهضت و ادامه راهی که دوستان در داخل کشور دنبال می‌کردند امیدوار شد. لحظات شیرین و تکان‌دهنده‌ای بود، این ملاقات در کنار ملاقات عاشقانه‌ای که شهید استاد مطهری در کربلا با امام داشتند، در خاطرم مانده است. آیت‌الله هاشمی در آن جلسه به امام گفت در سفر برای سواک از رفته و ایدار رزیم از ارتباطات و مراجعتات اروپا و آمریکا آگاه شده‌اند، اگر به ایران بروم خمام دستگیر می‌شوم اما ترجیح می‌دهم بروم و دستگیر شوم، بهره‌حال مرا آزاد خواهند کرد و با این شرایط در داخل بهتری توانم تأثیرگذار باشم تا خارج از کشور، دچار شستت و ذهنیت دور از صحنه مبارزه باشم و عمرم تلف شود. پس از آن به زیارت کاظمین، سامرا و کربلا رفتیم و برگشتم و پیش‌بینی درباره دستگیری و شکنجه‌های سخت سواک، به حقیقت پیوست که در خاطرات زندانیان آن مطلع بارها متعکش شده است. دیگر ایشان را ندیدم و گاهی ارتباطات به صورت مکاتباتی وجود داشت تا اینکه در سفر تاریخی ۱۲ بهمن سال ۵۷ در کنار امام، در فروگاه و مدرسه رفاه و علوی ایشان را ملاقات کردم، حقیقت این است که قبل از انقلاب ایشان تنها نیروی بود که صدرصد مورد اعتماد و ایدام امام بود؛ به بیانی، امام به ایشان و بسته بود. او از نظر امام، واجد شرایطی بود که به عنوان ذخیره انقلاب، برگزیده شده بود. در این زمینه یکی از موضوعاتی که می‌تواند گواه باشد، شهادتی است که حضرت آیت‌الله وحدت‌حسانی داده است: می‌گویند وقتی اولین بار در مدرسه علوی به زیارت امام رفتیم دیدم، هر چند دقیقه یک پار، یک روحانی جوان و ریزنشست از گرفت و داخل می‌شد و نکننده به امام می‌گفت، هر پیشنهادی که می‌داد امام می‌پذیرفتند سوال کردم ایشان چه کسی است گفتند: ایشان حاج شیخ اکبر رفسنجانی، یار مورد اعتماد امام است. همین ویژگی بود که آقای هاشمی را در صف اولین تورهای مخالفان انقلاب قرار داد و اگر شجاعت و دلاوری همسر ایشان نبود، آن سوءقصد به شهادت ایشان می‌اجماید. امام با شفعت و شادمانی بعد از ناکامیاندن ترور، تأکید کردد نهضت زنده است تا هاشمی زنده است.

آیت‌الله هاشمی بعد از فائق‌امدن بر فتنه حرکت‌های مسلحانه، ماجراجی بینی صدر، انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، مدیریت شایسته جنگ، ریاست مجلس و دهها فعالیت دیگر، وقتی نوبت به سازندگی کشور رسید، باز هم خود را در عرض رأی مردم رفت و هشت سال دوران حساس بعد از جنگ را با آن حجم اسیب‌ها که کشور دیده بود، اداره کرد و کشور را به پیش برد. به عنوان یک شاهد زنده می‌گوییم امام برای بعد از رحلت خود، به دو نفر امید سهسته بود که بتوانند کشور را اداره کنند؛ یکی آیت‌الله هاشمی و دیگری مقام معظم رهبری. در لحظاتی بعد از عمل امام، این دو شاگرد امام به ملاقات ایشان رفتند، آن رهبر بزرگ دست این دو را همیشگی را در دست هم قرار داد و تأکید جدی و عاشقانه‌ای داشت که ایدیم به شماست، تا شما با هم باشید، این کشور آسیب نمی‌بینند و توصیه و تأیید و سفارش این بود که هیچ‌گاه از هم جدا نشوند.

الحق آیت‌الله هاشمی این وصیت امام را تا آخرین لحظه حیات و فوادارانه پاس داشت و یار غم‌خوار و دلسوی مقام مظہری بود، ایشان هم در پیام خود به این نکته به بیانی عنایت داشتند که «با ققدان هاشمی این جانب هیچ شخوصیت دیگری را نمی‌شناسیم که تجربه‌ای مشترک و چنین درازمدت را با در تشبیه‌وارهای این دوران تاریخ‌ساز به یاد داشته باشیم». وَسَلَامُ عَلَيْهِ بُوْمُ وَلَنْ وَيُوْمُ يُوْمُ بَيْعَثُ خَيْاً.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از علمای بودند که پیش از آغاز نهضت، با امام(ره) مرتبط بودند و علاوه بر ارتباط استاد و شاگردی، رابطه عاطفی و معنوی خاصی بین آنها برقرار بود. امام در ایشان شخصیتی را دیده بود که آینده درخشانی دارد. استعداد سرشار، آگاهی، تیزهوشی و درک روش اجتماعی داشت و در کنار آن، از شجاعت و شهامت و بیهودگی برخوردار بود. امام ایشان را در زمرة شاگردان آینده‌دار خود دانستند و روی بُعد تربیتی، معرفتی و آموزشی آیت‌الله هاشمی سرمایه‌گذاری کردند. تنها موردی که امام به مناسب رحلت پدر یکی از شاگردان، درس خود را تعطیل و نماز نیست. آقای هاشمی در این دوران با فاماندهان میت آن مرحوم را خواندند، درگذشت پدر آقای هاشمی بود و این از موارد نادری است که در زنگی آموزشی و تدریس امام اتفاق افتاد.

این سلطخ رابطه و ارادت بی‌نظیر آیت‌الله هاشمی به امام(ره)، حساسیت رژیم را برانگیخت و از اقدامات غیرعادی ای که در واکنش به این مسئله انجام داد، برداشت معافیت سریازی ایشان و چند نفر از باران نهضت پدیده بود. آیت‌الله هاشمی در این دوران با فاماندهان و عناصر نظامی رابطه برقرار کردند و تأثیرگذار ظاهر شدند. برای درجه‌داران و ارشتی‌ها جلسات سخنرانی و آموزش دینی برگزار کردند و فعالیت معنوی و طلبگری را ادامه دادند. موارد استثنایی و جالبی در آغاز زندگی مبارزاتی آیت‌الله هاشمی اتفاق افتاد. بعد از دستگیری امام و برای تداوم نهضت، برنامه‌ای تدارک دیده شد.

یکی از آنها، تأسیس ارگانی بود که بیان کننده اهداف و ارمان‌های نهضت روحانیت باشد. مرسوم بود همه تشکل‌های مبارزاتی در آن مقطع، نشیره‌ای متنشر می‌کردند. امام تشخیص دادن، ضرورت افتخار روحانیت است که نمی‌تواند رهبر آن را فریب دهد. ایشان اطلاعات دیگری از فعالیت‌های دانشجویی و مبارزاتی ایرانیان قمی آمریکا و اروپا به امام ارائه داد و همچین آخرين وضعیت گروه‌های داخل کشور را امضا کردند. آنچه در منزل مرحوم حاج‌آقا مصطفی با امام بعد از

**\*تنها موردی  
که امام خمینی  
به مناسبت  
رحلت پدر یکی  
از شاگردان  
درس خود را  
تعطیل و نماز**

**میت آن مرحوم  
را خواندند،  
درگذشت پدر  
آقای هاشمی**

**بعد**

**\*از ویژگی‌های  
آیت‌الله هاشمی  
رفسنجانی توجه  
به آینده بود،  
ویژگی که بعد از**

**پیروزی انقلاب  
نیز آن را حفظ  
کردند و در**

**کنار فعالیت‌های  
مبادرسازی، برای  
کادرسازی و  
ساماندهی**

**اجتماعی و تدارک  
و نیروهایی که  
ضرورت داشت**

**دیدگاه‌هایی  
داشتند**

# آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ظلم‌ها را به خاطر مصالح نظام و مردم تحمل کرد

گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری

اشارة در آستانه اولین سالگرد رحلت بار صدیق امام خمینی، مجاہد نستوه و خستگی نایبزیر، مرد روزگارهای سخت و الگوی اعتدال در نظام جمهوری اسلامی حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خبرنگار ماهنامه فرهنگی - تاریخی شاهد یاران مصاحبی با حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی درباره شخصیت و دیدگاه‌های آیت‌الله هاشمی انجام داد که متن کامل این مصاحبی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

نظام اسلامی به فکر ایجاد یک تشکیلات فرهنگی برای انتشار مجله‌ای افتادند که گرایش مبارزاتی داشته باشد.

## \*چه سالی؟

- اواخر دهه ۳۰ بود. آقای هاشمی به همراه شهید باهنر هسته اولیه را ایجاد کردند؛ بعد یکی دو نفر از همشهریان آقای هاشمی در قم که از فضای حوزه بودند، هچنین شهید پهشتی و آقای موسوی اردبیلی همکاری کردند. رویکردی که نشان می‌داد آقای هاشمی و افراد یاد شده از همان ابتدا به کار تشکیلاتی اعتقاد داشته و به آن عمل می‌کردند. فکر تک محوری نداشتند و در دوران مبارزه با خیلی از جمعیت‌های سیاسی که برای انقلاب کار می‌کردند، همراه بودند و مبارزاتشان هم تشکیلاتی بود. نمود این فکر تشکیلاتی را بعد از انقلاب در تأسیس حزب جمهوری اسلامی دیدیم. افراد یادشده، مدتها در زمینه تأسیس حزب کار کرده و خیلی از کارهای آن مانند اساسنامه را آماده کرده بودند. یعنی درست است که روز بعد از پیروزی انقلاب اعلام شد که حزب جمهوری اسلامی تشکیل می‌شود، اما این گونه نبود که همان موقع به فکر تشکیل حزب افتاده باشند. از قبیل زمینه‌های آن را مهیا کرده بودند اما اعلامش به



## \*برای درک پیتر جایگاه و شخصیت آقای هاشمی، باید به دوران انقلاب نگاه کنیم؛ ایشان در آن دوره نقش محوری داشتند؛ بعد از امام، آقای هاشمی محور بود

## \*بازوی اصلی امام در این ماجراهای برای حل و فصل مسائل، مدیریت کشور و برای اینکه کشور راه درستی را برو آقای هاشمی بود. تفکر اصلی متعلق به امام بود و آقای هاشمی مجری این فکر بود

\*بعد از انقلاب هم که در گیر مسئولیت‌های جدی تر در سطح عالی شدند تا چه اندازه توانستند به حزب کمک کنند؟

- من در جلسات شورای مرکزی حزب شرکت می‌کنم. در جلسات شورای مرکزی شرکت می‌کنم. اتفاق می‌افتد ایشان نباشند. به رغم گرفتاری‌های زیاد مربوط به اول انقلاب، در جلسات حزب شرکت می‌کردد و خود این حضورشان در شورای مرکزی نشان می‌داد به کار تشکیلاتی اعتقاد داردند. نمونه‌ای از علاقه کار تشکیلاتی ایشان را بگویم. روزی در شورای مرکزی حزب نشسته بودیم. آقای هاشمی وسط جلسه وارد شدند. دفتر مرکزی حزب در سرچشمه بود که الان به عنوان قتلگاه سرچشمۀ معروف است. ساختمان دو طبقه‌ای بود که دفتر مرکزی داشت در کنار آن هم سالنی بود که انفحار هفتمن تیر در آن سالن نشسته بودیم که آقای هاشمی وارد شدند. دیدیم که جلسه شورای مرکزی برگار می‌شد و شرکت می‌کردند. آقای هاشمی درین هفتمین تیر که از آتاق‌های آینجا یک چمدان هم همراهشان است. همه پرسیدند: «این چیست؟» گفتند: «قیم بودند و با امام صحبت کرده‌اند تا به حزب کمک کنند و امام هم این پول را برای کمک به حزب دادند».

البته مبلغش این یاد نیست: اما پول زیادی بود. این کار نشان می‌داد آقای هاشمی چقدر به حزب علاقه دارد و تلاش می‌کند برای حزب پول جور کند. وقتی مسائل مهمی پیش می‌آمد که حزب باید به آن مسائل توجه خاص می‌کرد، آقای هاشمی حتی در جلسه حضور می‌داشت. همان روز هفتمن تیر که ماجراهی انفحار رخ داد، هم ایشان در جلسه حضور داشتند. او روز جلسه نزدیکی های نماز مغرب، ایشان گفتند که «با سید احمد آقا جلسه‌ای دارم و باید برای نماز به جماران بروم». چون ما در روزی که انفحار رخ داد، بعد از نماز مغرب و عشا هم جلسه داشتیم که اعضای شورای مرکزی حزب به اضافه مسئولین قوا یعنی مسئولینی از مجلس، دولت و از قوه قضائیه شرکت می‌کردند. این جلسه هفتمن بیکار شکل می‌شد و آن شب نویش بود. آقای هاشمی در آن جلسات هم گاهی شرکت می‌کردند اما آن روز عذرخواهی کردند و به خاطر جلسه با سید احمد آقا راهی جماران شدند. حضور مرتب آقای هاشمی در حزب، نشان دهنده اهتمام ایشان به کار حزبی و تشکیلاتی بود.

\*در مورد شخصیت آقای هاشمی و پیشگی‌های تغییر کرد؟ آیا به فراخور تحولات سیاسی و اجتماعی این ویژگی‌ها تغییر کرد؟

- برای درک بهتر جایگاه و شخصیت آقای هاشمی، باید به دوران انقلاب نگاه کنیم؛ ایشان در آن دوره نقش محوری داشتند؛ بد از امام، آقای هاشمی محور بود. امام(ره)، محور اصلی بودند اما مدت زیادی در ایران حضور نداشتند. در سال ۴۲ به رای متده زندان بودند و بعد از شدنند. او ایل سال ۴۳ به ترکیه و عراق تبعید شدند؛ بعد این به فرانسه رفتند و تا سال ۵۷ در تبعید بودند. در این مدت انقلاب جریان داشت و محور می‌خواست. همه ما این واقعیت را لمس می‌کردیم که آقای هاشمی در بود امام(ره) نقش محوری داشت.

\*برای شروع، از نحوه آشنایی تان با آقای هاشمی رفسنجانی بگویید... آشنایی من با آقای هاشمی دو بخش دارد. یک بخش، یک طرفه است که از بدو ورود من به حوزه علمیه قم در ۱۳۳۹ شروع می‌شود. آن زمان که من وارد حوزه شدم و به تعییر اول طلبگی ام بود و نوجوان بودم، آقای هاشمی یک جوان برومند بوده و از فضایی حوزه محسوب می‌شدند. بعد از حواله سال ۱۳۴۲ هم، نام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیش از گذشته شیده می‌شد. آیت‌الله بروجردی سال ۱۳۴۰ از دنیا رفتند. تقریباً یک سال بعد از رحلت ایشان امام(ره) سخنرانی‌هایی کرده و از حکومت خواستند که کارها را انجام داده. حرفت امام حکومت اتفاق افکار را انجام نداد. سال ۱۳۴۲ دستگیر شدند. با ادامه سخنرانی‌های ایشان سال ۱۳۴۳ یکار دیگر دستگیر و این بار به ترکیه تبعید شدند. در این سال‌های دهد ۴۰ آقای هاشمی هم به دلیل همراهی با امام معروف شدند. ایشان جزو اولین یاران امام در مبارزات ضد رژیم شاه امریکا و اسرائیل بودند. همه کسانی که همان سالها در حوزه علمیه قم مشغول تحقیق بودند، آقای هاشمی را ایشان چڑوی شناختند و عموماً این شناختها یکطرفة بود؛ به این معنا که ماها آقای هاشمی را به دلیل حضورش در صحنه مبارزه و همراهی با امام می‌شناخیم؛ با افکار و پیشگی‌های شخصیتی اش از دور آشنا بودیم، ولی با خودشان مواجه نداشتیم. علت اصلی هم عدم حضور ایشان بود؛ یا زندان بودند یا مخفی در سال‌هایی که انقلاب شروع شد، کمتر در دسترس بودند. آقای هاشمی سالها برای سربازی دستگیر شده و مدتی فراری بودند؛ گاهی هم همان طور که گفتم در زندان بودند؛ تا اینکه انقلاب شد. بخش دوم آشنایی ما با آقای هاشمی از سال ۵۷ که سال پیروزی انقلاب است، شروع شد و تا آخر عمر ایشان ادامه یافت.

\*این آشنایی نزدیک بنا بر چه مقتضیاتی بود؟ نزدیکی دیدگاه‌های حزبی؟

- به من از همان اول تشکیل حزب جمهوری اسلامی، عضو شورای مرکزی حزب بودم. آقای هاشمی رفسنجانی هم از مؤسسانین حزب جمهوری اسلامی بودند من به صورت مرتب در جلسات شورای مرکزی حزب شرکت می‌کدم؛ در جلسات شورای مرکزی حزب مسئولیت داشتم. در حیات اجرایی حضور داشتم؛ در حزب هم مسئولیت داشتم. در حزب به طور طبیعی آقای هاشمی را هفتنهای یکی دو بار در جلسات می‌دانم. خارج از حزب، اوایل انقلاب مسائلی پیش می‌آمد که ما برای حل و فصل به ایشان مراجعه می‌کردیم؛ زمانی که آقای هاشمی ریاست مجلس شورای اسلامی را به عهده داشتند، مراجعه زیادی به ایشان داشتم و خیلی از کارهای را با ایشان مطرح می‌کردیم. البته مراجعه شخصی نبود بلکه مربوط به کارهای مردم و کشور بود.

\*نگاه ایشان به تحزب چگونه بود؟

- ایشان از مؤسسان حزب جمهوری اسلامی بودند این بدان معناست که از اول تفکر تشکیلاتی داشتند. این تفکر تشکیلاتی در ۵ نفر بود؛ آقایان هاشمی، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید پهشتی، شهید باهنر و آقای موسوی اردبیلی که مجموعه این ۵ نفر چند روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کردند. اقدامی که نشان می‌داد این افراد از همان اول فکر تشکیلاتی داشتند. کار تشکیلاتی هم کرده بودند و رویکردشان فقط به فکر منحصر نبود. در طول دوران مبارزات، آقای هاشمی با گروههای انقلابی کار تشکیلاتی کرده بودند. این کار تشکیلاتی هم گاهی فرهنگی بود؛ گاهی سیاسی و گاهی اجتماعی. البته کارهای فرهنگی و اجتماعی شان با اهداف سیاسی شان از جمله مبارزه با رژیم شاه و تشکیل یک نظام اسلامی، مرتبط بود. برای نمودن ایشان در همان دوران که هنوز در قم بودند، به فکر ایجاد تشکیلاتی برای انتشار یک مجله افتدند. اوائل دهه چهل یا حتی اواخر دهه ۳۰ یعنی حدود ۶۰ سال پیش، انتشار یک نشریه در کشور جزء کارهای تقریباً کمیاب و در حوزه علمیه به تعییری خیلی نوبر بود. آن زمان یک مجله تأسیس شده بود به نام «درس‌هایی از مکتب اسلام» که از سوی اطرافیان آقای شریعتمداری منتشر می‌شد و تقریباً شناسنای تکریشان، تکریج و مبارزه نبود. لذا آقای هاشمی برای ترویج تکریش تأسیس

## \*این محجوریت بر مبنای چه ویژگی‌هایی بود؟

- اولاً یاران انقلاب و امام(ره) معمولاً با هم صحبت می‌کردند و جلسه مخفی داشتند؛ خط دهنی اصلی این جلسات و گعده‌ها با آقای هاشمی بود. در خیلی از جاها که خط شکنی لازم بود، خط شکنی با آقای هاشمی بود و به همین دلیل هم در این مجموعه خیلی زندان رفت و بیشتر شکنجه شد و البته در دوران انقلاب در مسئولیت‌های ایشان خود را نشان بزرگی و عظمت آقای هاشمی بعد از پیروزی انقلاب در دوران ایشان خود را نشان داد؛ همان اول رئیس مجلس شورای اسلامی شدند و بعد هم رئیس جمهور؛ در حالی که به واقع بالاتر از رئیس جمهور و رئیس مجلس نقش ایفا می‌کردند. من این تعبیر را برای دو نفر یعنی آقای هاشمی و شهید بهشتی به کار می‌برم، چون با هر دوی اینها خیلی کار کرد. با آقای بهشتی ده سال قبل انقلاب کار علمی کرد و با آقای هاشمی در تمام این سالهای بعد از پیروزی انقلاب همراهی داشتم؛ اینها را خیلی بیشتر از دیگران می‌شناختم. درباره این دو نفر همیشه یک تعبیری داشته و معقدم سمت‌هایی که اینها بعد از انقلاب اسلامی به دست آوردند، هیچ گاه به آنها اعتبار نداد و زینت آنها نبود. بلکه آنها بودند که برای این سمت‌ها اعتبار آوردند و زینت شدند. این یعنی آقای هاشمی در تمام این مجلس و رئیس جمهور بود. شخصیت ذاتی خودش بود که به جایگاه ریاست مجلس انتبار می‌داد. با همین شخصیتش هم قبیل اتفاقات و بعد از انقلاب در کارها نقش محوری داشت. مثلاً وقتی بین دستگاه‌های نظام جمهوری اسلامی اختلاف پیش می‌آمد - فارغ از اینکه آن موضوع به رئیس مجلس مربوط بود یا نه - اما همه به آقای هاشمی رجوع می‌کردند. تقریباً همه با اکثر موضوعات اختلافی در دوران ریاست جمهوری و ریاست مجلس آقای هاشمی، به ایشان رجوع می‌شد و ایشان حل و فصل می‌کرد. زمانی بر سر قانون کار مشکلاتی بین شورای نگهبان و وزارت کار آن زمان به وجود آمد. قانون کار وقتی تدوین شد، عدهای خیلی مخالف بودند و می‌گفتند مطابق با قوانین اسلامی نیست. از آن طرف هم وزارت کار خیلی تلاش می‌کرد تا جایی که بتواند حقوق کارگران را با این قانون تامین کند. خب این به طور طبیعی باعث اختلاف بین وزارت کار، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می‌شد. جاهایی ممکن بود مجلس همراهی کند؛ ولی شورای نگهبان می‌گفت خلاف قانون اساسی یا قانون اسلامی است. آن زمان مجمع تشخیص مصلحت هم وجود نداشت. جایی باید پیدا می‌شد تا این مشکل را حل کند: در چنین شرایطی به آقای هاشمی رسنجرانی رجوع می‌کردند. موادر این چنینی زیاد بود. البته برخی مسئولین در برخی موادر که مشکلاتی بود و احتیاج به یک دستور خاص داشت، به امام مراجه می‌کردند. ولی برخی جاهای براز اینکه خیلی مزاحم امام شوند، قبل از امام به آقای هاشمی مراجعت می‌کردند. آقای هاشمی واقعاً نقش برگشته‌ای داشتند؛ پیش از پیروزی انقلاب بصورت مخفی در محافل می‌زارز نقش محوری ایفا کردند و بعد از پیروزی انقلاب هم به صورت آشکار در قالب مسئولیت‌های نظام ایقاً نقش کردند؛ همین دلیل می‌گوییم که ایشان همواره محور بودند.

\*در سالهای اول انقلاب بحران‌های زیادی از جمله ترور شخصیتها و جنگ تحملی کشور را در شرایط دشواری قرار داده بود؛ مواجهه آقای هاشمی با این شرایط و نقششان در مدیریت این فضاهای چه بود؟

- اتفاقاً سؤوال خوبی است که بحث را مصدقی تر می‌کند. آنها بی که من اشاره کردم کارهای معمول نظام بود. شما زمانی را تصویر کنید که آقای بهشتی به عنوان یکی از شخصیتهای بالای نظام در واقعه هفتمن تمیر شهید شده بودند؛ آیت‌الله خامنه‌ای روز قبل همه مسئولین را از خود بگذارد؛ باید از دیگران هم پاشند». این تفکر درست بود تا حالت اتحاری نباشد. آقای هاشمی عضو شورای مرکزی جمهوری اسلامی بود؛ پیش از آن هم مسئول روزنامه جمهوری اسلامی بود و حالا به عنوان نخست‌وزیر مطرح می‌شد. به همین خاطر ضعویت ایشان در شورای مرکزی جمهوری اسلامی به عنوان مانع مطرح شده بود. بنابراین تاکید شده بود یک نفر خارج از حزب، نخست‌وزیر شود. آقای هاشمی گفتند: «اید با امام صحبت کنیم و حل شود». بعد با امام صحبت کردن و امام قاعع شدند. آقای هاشمی تعریف کرد که: «من به امام گفتتم شما یک جمله‌ای به ما مگفید که برایمان خیلی مهم است و الان خود شما باید به آن توجه کنید». امام می‌پرسید: «آن جمله چه بوده است؟ آقای هاشمی هم می‌گویند: «شما گفید هر وقت آمریکایی‌ها و غربی‌ها چیزی به ما می‌گویند، ما باید عکس آن عمل کنیم. آنها چیزی به ما می‌گویند تا ما را گمراه کنند؛ بنابراین باید عکس آن عمل کنیم. الان غربی‌ها می‌گویند خوب نیست همه مسئولان از حزب جمهوری اسلامی باشند؛ طبق فرمایش شما، باید انتخابی به حرف اینها نکنیم و نخست‌وزیر را از حزب انتخاب کنیم». امام هم قاعع شده و قبول کردند و بعد آیت‌الله خامنه‌ای آقای میرحسین موسوی را به مجلس معرفی کرد و اوی نخست‌وزیر شد. این موادر همه نشان از توانایی آقای هاشمی برای حل بحران‌ها داشتند.

\*آقای هاشمی واقعی در حل و فصل امور و مدیریت بحران‌ها موقع بروز اختلاف با سایر مقام‌ها چگونه رفتار می‌کرد؟

- ابتدا در مردم رئیس مجلس شدن آقای هاشمی نکته‌ای مطرح کنم که به روش شدن بحث کمک می‌کند. بعد از انتخابات مجلس و قیل از اینکه زمان تشکیل مجلس بررسد، شورای مرکزی حزب به می‌گویند، ما باید عکس آن عمل کنیم. آنها چیزی به ما می‌گویند تا بودند، این سؤال را مطرح کردند که چه کسی رئیس مجلس باشد؟ طبیعتاً باید یکی از اعضای حزب، رئیس مجلس می‌شد؛ زیرا خیلی از اعضای حزب ایقای هاشمی در مجلس بودند. بنابراین نخست‌هزاد شد آیت‌الله خامنه‌ای رئیس مجلس شوند؛ ایشان خودشان پذیرفتند و پیشنهاد دادند آقای هاشمی باشد. واقعی از آیت‌الله خامنه‌ای پرسیدیم چرا؟ گفتند: آقای هاشمی تحملش زیاد است و سعه صدر خوبی دارد؛ مجلس به چنین فردی نیاز دارد و او می‌تواند مجلس را اداره کند. اتفاقاً در مجلس هم همینطور بود. در مجلس اول و دوم که آقای هاشمی رئیس مجلس بودند، خیلی خوب جلسات را اداره کردند. مخصوصاً در مجلس اول که نمایندگانی از جریان‌های مختلف وجود داشتند؛ از نهضت ازادی و غیر حزب جمهوری اسلامی و دیگران هم بودند. اما آقای هاشمی توائسه بود با سعه صدر، جلسات را مدیریت کند. ریاست ایشان کاملاً جا افتاده بود. باید توجه داشته باشیم مجلس دهم با مجلس اول فرق دارد. اداره کردن مجلس دهم که الان بر سر کار است، آسان‌تر از اداره کردن مجلس اول است. در مجلس اول سخن‌سخنی خیلی مهمی حضور داشتند؛ بعد از آنها رئیس جمهور یا مرجع تقیید شدند. اداره چنین مجلسی و پیشبرد امور، نیاز به تحمل و توان پذیرش افکار مختلف دارد. به همین دلیل ما آقای هاشمی را انسان معتقد‌الی می‌شناسیم. اعتدالی که این سالها مطرح می‌شود، چیز جدیدی نیست؛ از آن زمان بوده و آقای هاشمی از همان موقع سهل اعتدال بود. البته من دوست ندارم خیلی مطلق صحبت کنم و معتقد نیستم اگر ایرادی وجود دارد، گفته نشود. مواردی هم پیش از آمد که ایشان چه در مجلس و چه ریاست جمهوری‌شان حرفاًی زندن یا رفاره‌ای داشتند که محل نقد بودچون خیلی با ایشان معاشرت داشتم هم به خودشان گفتم و هم در یاداشتهایم نوشته‌ام. واقعیت این است که آقای هاشمی در قدرت با آقای هاشمی بعد از قدرت تقاضت داشت.

من حاصل در دو مورد، لاش آقای هاشمی برای اینکه کشور در مسائل اجرایی بی‌مدیر

**\*ابتدا پیشنهاد شد آیت‌الله خامنه‌ای رئیس مجلس شورای خودشان پذیرفتند و پیشنهاد دادند آقای هاشمی باشند. وقتی از آیت‌الله خامنه‌ای پرسیدیم چرا؟**

**هاشمی تحملش زیاد است و سعه صدر خوبی دارد؛ مجلس را اداره کرد و نیاز دارد مجلس به چنین فردی نیاز دارد می‌تواند مجلس را اداره کند. زمان که زندان می‌رفت؛ چه زمانی که از اول تا آخر عمر دنیا اجرای اسلام بود. چه آن زمان که زندان می‌رفت پیش از آنکه اینکه کشور به شهادت رساند؛ سرانجام شهید شدند؛ و تروهرا در تاستان ۱۳۶۰ هر روز در خانه‌ها و خیابانها اتفاق می‌افتد. هر روز کشور با یک بحران را برای مواجهه می‌شد که باید حل و میدیریت می‌شد. میدیر اصلی و واقعی این بحرانها، آقای هاشمی بودند. خیلی در آن ایام تلاش کردند. تفکر بالای مدیریتی داشتند و برای هر مشکلی، راه حل پیدا می‌کرد و فوراً انجام می‌دادند تا کار نماند. کارهای منافقین برای زمین گیر کردن نظام بود. بنی صدر، منافقین و برخی از غربگارها برای تحقیق هدفشان دست به دست هم داده بودند. کمونیست‌ها هم علاقمند بودند به اینکه نظام از هم پیشند تا پیشند در وضعیت بعدی برای خود سهمی بگیرند. بازی اصلی امام در این ماجراها برای حل و فصل مسائل، مدیریت کشور و برای اینکه کشور راه درستی را ببرد آقای هاشمی بود. تفکر اصلی متعلق به امام بود و آقای هاشمی مجری این فکر بود.**

\*چه ویژگی هایی در ایشان در برده های مختلف دستخوش تغییر شد؟ و این تغییرات بر پایه چه ضرورت هایی بود؟

5

کمتر بود. کسی که خودش را وقف انقلاب کرده بود: مبارزه کرد و آن شکنجه‌های شدید را تحمل کرده است، حالا می‌بیند خلی از آن آرامانگاهی که دنبال می‌کرد نه تها تحقق تیافته به پاکه گاهی خلاف آن انجام شد: این رویدادها و تحولات سبب می‌شد موضوع بگیرید و بروزش نیز بیشتر در زمانی بود که دور از قدرت بود.

\*در مقطعی نسبت به آقای هاشمی و خانواده ایشان دیدگاه منفی ای در جامعه به وجود آمده بود و بعد این نگاه تعدیل شده و تغییر کرد. چرا در ابتدا چنان تصوری از ایشان شکل گرفته بود؟

- ما این مورد را فقط درباره آقای هاشمی ندیدیم؛ بیش از این در تاریخ و درباره امیرالمؤمنین هم داشتیم؛ چنانکه درباره آن مجسمه تقوی و دینداری طوی حرف زده بودند که وقتی خبر از کوفه به شام رسید که علی را در محراب عبادت کشتند، گفتند: «دروع است؛ زیرا علی اصلاً نماز نمی‌خواند.» در همین دوران خودمان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری را همین جا در میدان توپخانه سابق بهدار او خیختند چون گفته بود مشروطه مشرووعه. شیخ فضل‌الله گفته بود قانون اساسی باید بر اساس احکام شرع باشد؛ اما حرفش را قبول نکرده و ایشان را اعدامش کردند. در حالیکه پای چوبه دار، متدينان بازار تهران هم خسوز داشته و خدا را هم شکری کردند. البته بعد از مدت کمی متوجه شدند چه اشتباها کردند؛ درباره آقای بهشتی هم همینطور. من کثار ایشان بودم؛ در فاجعه انفجار هفتمن تیر هم که ایشان شهید شد، بدم و محروم شدم. آقای بهشتی را خلی خوب می‌شناختم. انسان سیار با تقوی، مردم دوست، خدمتگذار و متواضعی بود. ولی منافقان با تبلیغ در ذهن جامعه از ایشان چهره دیکتاتوری ساخته بودند. بر همین اساس بود که امام(ره) بعد از شهادت ایشان فرمودند شهادت آقای بهشتی در برابر مظلومیت ایشان ناچیز است. همه این نشان می‌دهد تبلیغات می‌تواند خیلی در تغییر چهره آدمها تاثیر بگذارد. درباره آقای هاشمی هم همین طور بود؛ از کی طرف تبلیغات زیادی شده بود و از طرف دیگر بخشی از مردم هم تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفته بودند. برخی از مردم اینطور هستند. وقی حرفي می‌شوند، درباره آن تحقیق نکرده و فوری قبول می‌کنند. این از اول تاریخ بوده و در آینده هم خواهد بود. ولی از مردمی که در یک کنسر افقلایی و اسلامی خسوز دارند، انتظار این است که طبق آیه اسلام گفته عمل کنند. اسلام گفته چیزی را که یقین نداریم، قبول نکنیم.

اینسته رد ممکن نگذید. تجویید: «همین است».  
بررسی کنید و بعد به نتیجه پرسید. مصدقی بگوییم. در قضیه شهرام جزایری، اختلاس‌های ۳ هزار میلاری و دانه درشت‌هایی که به خاطر فساد اقتصادی پرونده دارند، نام افراد مختلفی مطرح شد؛ ولی در هیچ یک از اینها آقای هاشمی حضور نداشت. خیلی‌ها به این توجه نمی‌کنند که به آقای هاشمی تهمت زده شد که همه دنیا را خورد و برده؛ چرا در این قضایای فسادها اسمی از آقای هاشمی نبود. چرا قبول می‌کنند؟ اینها مسائل سیار مهمی است. خب ما زندگی آقای

هاشمی را هم می‌بینیم، ایشان به دلیل اثری که از پدرش در رفسنجان در منطقه خودشان داشت، ادم قفیری نبود؛ باع پسته داشتند و این باعها الان هم هست؛ دسترنج خودشان و پدرشان و خانواده شان است؛ درآمدی از آنچا داشتند و از آن استفاده کردند و زندگی خوبی داشتند. زندگی اشرافی نبود، اما زندگی متوسط خوبی بود. آدمی که خوب زندگی کند، چشم و دلش سیر است و دنبال مال مردم نیست. آقای هاشمی خیلی از بقیه بزرگتر بود و بسیاری به او حسادت می‌کردند و این حسادتها منشأ آن شایعات و مطالب بود. می‌خواستند او را از صحنه دور کنند تا خود قدرت را در دست بگیرند؛ لذا می‌بینید وقتی خبر فوت آقای هاشمی در ساعت هفت و نیم عصر ۱۹۴۱ ماه منتشر می‌شود، همان شب تلویزیونی که تا آن لحظه از او خبر پخش نمی‌کرد، ادھرها را که تا همان روز به او بد و بیره می‌گفتند می‌آورد و از زبان آنها از آقای هاشمی تجلیل می‌کنند. آن آقایی که از هاشمی تجلیل کرد، یا راست می‌گوید یا دروغ. اگر الان راست می‌گوید، پس حرف قبلی اش دروغ بوده است. در هفته دفاع مقدس، هیچ مطلب، تصویر و فیلمی از آقای هاشمی از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش نشد؛ در حالیکه آقای هاشمی فرمانده جنگ بود؛ بود. حتی فرمانده کل سپاه پاسداران در مصاچبه‌ای گفت ایشان حتی فرمانده جنگ بود؛ بلکه نماینده امام(ره) در امور جنگ بود. به این ادعای جواب هم داده شد. همان هفته دفاع مقدس، در کابخانه ملی همایش بزرگی انجام شد و خلی ها صحبت کردند. وزیر خارجه، رئیس اسقی مجلس و برخی از سرداران سپاه درباره نقش آقای هاشمی در دفاع مقدس صحبت کردند. تلویزیون یک کلمه را پخش نکرد. یعنی هم سانسور می‌کنند و نمی‌گذارند شخصیشنار معرفی شود و هم شایعات درست کرده و ظلم می‌کنند؛ این همه مطلب از سوی احمدی نژاد علیه آقای هاشمی در حالی مطرح شد که تلویزیون هرگز از او نخواست که بیاید به این تهمتها جواب دهد. آقای هاشمی خودش درجای دیگری جواب داد؛ اما تلویزیون چیز دیگر است.

\*درمورد رابطه ایشان با امام خمینی فرمودید؛ به مناسبت ایشان با مقام معظم رهبری هم اشاره بفرمایید. برخی رسانه‌ها و نهادها این گونه القاء می‌کردند که میان آقای هاشمی و رهبری فاصله وجود داشته است...



\*چه عواملی منجر به این تغییرات شد؟

خواستن بودند که آنجا را بپوشان باز کنند. در سفر دوم که با این زمان فاصله داشت، نخواستند به داخل کعبه بروند. در حالیکه سعودی‌ها مایل بودند و آماده بودند. اما ایشان اصلاً درخواست نکردند. من همان جا از ایشان پرسیدم: «شما آن دفعه داخل کعبه و ضریح پیغمبر رفیق: چرا این دفعه نخواستید؟» ایشان گفتند که «مردم هم دلشان می‌خواهند بروند و همیشه اطراف کعبه در حال طواف هستند؛ این که ما بر بروم داخل کعبه، در حالیکه آنها نمی‌توانند بروم، خوب نیست.» من همان جا به خودشان گفتم و بعد از نوشتم که هاشمی در قدرت و هاشمی بعد از قدرت این تفاوت را دارد. خب دلیلش طبیعی است و چیز غیرعادلی نیست. معمولاً افراد وقی در قدرتند، به دلیل اقتضایات قدرت یک جور عمل می‌کنند و وقی در قدرت نیستند، طور دیگر، مهم این است که این تفاوت زیاد نباشد. حمایت‌هایی که آقای هاشمی از حقوق افراد بعد از ریاست جمهوری کردند، خیلی بیشتر از زمانی بود که در قدرت بودند مواضعی که گرفتند و حرفاًی که زدند، خیلی تفاوت داشت. تفاوت نه به معنای اینکه در مقابل آن مواضع قلی بولی: بلکه به این معنا بود که در گذشته، و در زمان قدرت کمتر از این نوع حمایتها داشتند و بعدها بیشتر شد.

\* آفای هاشمی  
همواره به  
جمهوری  
اسلامی، اخلاق  
و حفظ حرمت  
اشخاصی که در  
نظام هستند  
علامند بود

امام و انقلاب، زجر کشیده و خدمتگزار مردم بودند و عدایی در داخل کشور برای کسب قدرت این تحریرات را سامان می‌دادند. ما از این قضیه ناراحت بودیم. یک وزر که من و آقای هاشمی در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی کنار هم شسته بودیم، گفته: «آقای هاشمی شما خدمت امام(ره) بروید و به ایشان بگوئید جمله‌ای بگویند و پخش شود تا همه بفهمند که اینها دروغ می‌گویند و شما از این شمار خارج شوید. آقای هاشمی گفتند: «نه آقای مهاجری؛ من نباید این کار را بکنیم؛ برا قلب امام الان ناراحت است و ممکن است اگر بفهمند در بیرون چه کارهای صورت می‌گیرد، قلیش باشند و امام را نداشته باشیم؛ بگذراید ما فدا شویم و امام امادن». بعد مثال زدن و گفتند: «زمان امیرالمؤمنین دو خانم آمدند و سر یک بچه عوا کردند؛ یکی گفت من مادر این بچه هستم و دیگری هم این اعدا را مطرح کرد هیچ راهی برای تشخیص وجود نداشت. حضرت فرمودند شمشیر بیاورید و بچه انصاف کنید و نصفش برای آن خانم و نصف دیگری برای آن یکی. وقتی شمشیر آوردند، آنکه مادر واقعی بود گفت: «نه؛ این کار را نکنید. حضرت فرمودند این نادرش است که نمی‌خواهد بچه نصف شود؛ زیرا اگر مادرش بود راضی به نصف شدن بچه بود». بعد ایشان گفت: «آنها می‌خواهند انقلاب از بین بود تا خودشان برستند؛ اما ما نباید اینطور فکر کنیم؛ بلکه باید خود را فدا کنیم برای اینکه امام و انقلاب بماند». آقای هاشمی در تمام مراحل انقلاب تا آخر عمر به همین نسیبه رفتار کرد؛ صبوری آقای هاشمی بر همین اصل تکیه داشت. آقای هاشمی کی خواست انقلاب و نظام بماند حتی به قیمت مظلومیت و فدا شدن خودش و فانوسدادش. این نظر و اعتقادش بود. من خیلی وقتها دیدم کسانی می‌آمدند و ر، صد این بودند که آقای هاشمی را وادار کنند در مقابل رهبری باشند. آقای هاشمی می‌گفتند اگر چنین کاری صورت بگیرد، نظام خرر می‌کند و کشور تعزیه می‌شود و همه چیز از بین می‌رود؛ باید رهبری را حمایت و تقویت کنیم. حالا طالب خود را هم دنیال می‌کنیم که حل شود. این گونه معتقد به حفظ نظام بود. محصور تمام صوری‌ها، تحمل هاسکوت‌ها و هر چیز دیگری که آقای هاشمی در این دوران غربت و مظلومیت متتحمل شد، تلاش برای حفظ نظام بوده است.

\*چه میزان از موفقیت‌های نظام را می‌توان مدیون قای هاشمی دانست؟  
- می‌توانم بگویم خیلی؛  
ما نمی‌توانیم درصد تعیین



کنیم؛ زیرا احتیاج به کار تحقیقاتی مفصل دارد. ایشان در پیروزی انقلاب، ادامه تاسیس ارکان نظام، تدوین قوانین در دوره‌ای که رئیس مجلس بودند، نقش اشته است. در جنگ و دفاع مقدس و خیلی از مسائل دیگر، نقش‌های مهمی اشتند. البته یک جاهابی هم موفق نشدند به خواسته‌های خود برسند.

\*مثل چه خواسته‌هایی؟

- برخی را نمی‌توانیم بگوییم؛ اما مثلاً ایشان مایل بودند که قانون گرایی در عده‌های زمینه‌ها را بیشتر کنند؛ مثلاً در مجلس خبرگان؛ در سه قوه به ویژه قوه قضائیه، می‌خواست مجمع تشخیص مصلحت نظام نقش قوی تری داشته باشد و متعاقن موارد را نظارت و کنترل کند. اما عملاً موفق نشد. موانعی بود که نگذاشت ایشان موفق شوند. اما موارد زیادی هم بود که نقش ویژه‌ای داشت.  
\* چه وجوهی از شخصیت آقای هاشمی مغفول مانده و کمتر ناشناخته شده‌اند؟

وَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَقْلَمُ لِهُمْ أَعْلَمُ بِمَا يُنذَّرُونَ

- به نظر من بخشنده اخلاقی و علمی آقای هاشمی معمول مانده است. با پیش از اینکه اینها را به جامعه معرفی کنیم؛ آقای هاشمی کتابهای سنت و پاید تلاش کرد تا اینها را به جامعه معرفی کند؛ اینها مسلط بودند و آثاری دارند. یک فقیه به روز بودند و مسلط به مسائل فقهی و تطبیقش با نیازهای جامعه اسلامی. اینها مغفول مانده است. البته کارهایی صورت می‌گیرد، اما ایشان به عنوان خصوصیات شناخته نشده است. در بخش اخلاقی هم این جنبه‌های پاکدستی که اشاره کردیم قابل تأمل است. برخلاف شایعات زیادی که درست کرده‌اند، آقای هاشمی کاملاً پاکدست بودند؛ پاکدامن بودند. تعاملشان با مردم، تحمل و صبوری و خود را فدا نظام و انقلاب کردنشان بر اساس اخلاقی بود؛ هنما شنیده و قتنگ مام شد، چون مشکلاتی وجود داشت ایشان به امام پیشنهاد کردند شما من را به عنوان فرمانده جنگ محاکمه و حتی اعدام کنید تا انقلاب محفوظ بماند که امام پذیرفتند و گفتند شما برای این انقلاب تلاش کردید. اینها مغفول مانده است و پاید طرح شود. من در تمام دوران معاشرت هیچ وقت از آقای هاشمی نشنیدم از کسی لذگویی کند. تا آنجا که می‌توانست برای حل مشکلات با تعامل و بدون درگیری، تلاش می‌کرد و مصلحت نظام را بالاتر از همه این مسائل می‌دانست. خیلی ظلم‌ها درباره خودش و بستگانش تحمل کرد، ولی به خاطر نظام، مردم و مصالح کشور نمی‌داندند گفت.

- آقای هاشمی با امام(ره) نزدیک ترین مناسبات را داشتند. هیچ کس در هیچ زمانی اندازه آقای هاشمی به امام نزدیک نبود؛ ایشان چه قبیل و چه بعد از انقلاب خیلی به امام نزدیک بود. موارد پر شماری است از زمانی که مشکل کی به وجود می آمد و مسئولین برای حل آن به آقای هاشمی متول می شدند که شما بروید با امام صحبت کنید. چون امام (ره) هم ایشان را دوست داشت و قبول داشت آقای هاشمی هم خیلی راحت می توانست حرفهایش را به امام بزند. در خاطرات خود آقای هاشمی هم هست و از دیگران هم زیاد شنیدیم که خیلی از اقایان سطح بالای کشور، مشکلاتی داشتند و خودشان به دلیلی نمی خواستند با امام صحبت کنند و آقای هاشمی صحبت می کردند. خیلی وقتها که آقای هاشمی به جبهه یا مسافرت می رفتند، امام می گفتند که برایش قربانی کنند که سالم برگرد. یا وقتی در سال ۱۹۵۸ آقای هاشمی زنده است؛ چون نهضت زنده است». اینها همه علاوه‌نمی امام به آقای هاشمی را نشان می دهد. درباره رهبری هم من خیلی خاطره دارم. آیت‌الله فاضل لنکرانی مرجع تقلید در سال ۱۹۶۰ از دنیا رفتند. ایشان یک مرجع انتقالی و از شاگردان امام و خیلی مورد توجه بود؛ خیلی‌ها مقدمش بودند. بعد از اینکه از دنیا رفتند، من بیش آقای هاشمی رفتم. چند نفر از دوستان هم بودند و جمعاً هشت نفر بودیم و هر چند وقت یک بار با آقای هاشمی دیدار می کردیم. آنجا من به آقای هاشمی گفتم ما از شما یک سوال داریم؛ حالا که آقای هاشمی دیدار می کردیم، ما چه کسی را تبلیغ و ترویج کنیم؛ شما یک مرجع تقلید انتقالی معروفی کنید. ایشان هم گفتند آقای خامنه‌ای.

و می خواستند که مرجبیت رهبری در یک جا تمرکز شود. این، هم نشانه علاقه آقای هاشمی به آیت الله خامنه‌ای بود و هم نشانه اهمیت دادن به این جایگاه است. مورد دیگر هم بگوییم. من زمانی از برخی کارها نتقاد داشتم و با ایشان خلیل صریح صحبت می‌کردیم و حرف دل می‌زدیم. من هیچ وقت پنهان کاری نداشتم و ندارم و گفتم: «به این کار آقای خامنه‌ای اعتقاد دارم». گفتم: «ایشان چرا اینجا این حرف را زند و چرا فلان کار را کارند؟» اینها را می‌گفتیم تا تبادل نظر شود و من از نظر ایشان استفاده کنم. ایشان میدان داد من حرفهایم را بزنم و وقتی زدم گفت: «آقای مهاجری، شما باید بدانید که آقای خامنه‌ای برای این مملکت دلسوز است و خبر مردم را می‌خواهد. هر کاری که کرده و هر حرفی که زده، همه از روی عقیده است. ایشان اینطور اعتقاد دارد و بر اساس عقیده عمل می‌کند. بنابراین شما نگران نباشید و مطمئن باشید آن گونه که مصلحت مردم و مملکت تشخیص بدده، عمل می‌کند.» خلیل راحت بود. در آنکه درسته که کسی هم نیست: فقط من و ایشان هستیم و به من هم اعتماد داشت طور دیگر حرف بزن؛ همیشه هم حرف دلش را به ما می‌زد و این هم حرف دل بود که زدبه چیز دیگر معتقد نبود. این بدان معنا نبود که انتقادی نداشت؛ اما انتقادات را به خودشان می‌گفت. گاهی وقتهای خود ایشان جلوی ما گلایه‌هایی داشت، ولی اساس را حفظ می‌کرد؛ هیچ وقت اینطور نبود که همه چیز را رد کند. در جامعه هم عده‌ای سعی می‌کردند آقای هاشمی را رقیب آقای خامنه‌ای معرفی کنند و بگویند که آقای هاشمی می‌خواهد شریک رهبری باشد که دروغ بود؛ ایشان تا آنجا که می‌توانست آقای خامنه‌ای را توقیت می‌کرد و در این زمینه هیچ کوتاهی‌ای نداشت. در عین حال ممکن بود که گلهای که با انتقادی از آقای خامنه‌ای داشته باشد و اتفاقاً صداقت یعنی همین. آدم صادق کسی است که گله خودش را بگوید و از آن طرف حمایت خودش. اما هم داشته باشد و ده گانه‌ی د. کاش. نباشد.

\*در مقطعی در دوره آقای احمدی نژاد اختلاف سلیقه‌ها زیاد بود  
جریانی که از آقای احمدی نژاد حمایت می‌کرد به بروز اختلافات  
دامن زد. آقای هاشمی صبرشان در برابر هجمه‌هایی که در این دوره  
صد چندان شد مثال زدنی بود. این صبوری به چه معنا بود؟  
- برای حفظ نظام بود. در سال ۵۹ امام(ره) در بیمارستان قلب بستری بودند؛  
مشکل قلبی داشتند. آن موقع در کشور عده‌ای راه افتاده بودند و علیه سه نفر آقای  
هاشمی، آقای خامنه‌ای و آقای پهشتی شعار می‌دادند. تغیرات بد و تندی داشتند. ما  
خوب نداشتیم بدیهی بود: اینها را مشخص نخواستیم و با آنها کار می‌کردیم. آنها بدان-

\*آدمی که خوب زندگی کند، چشم و دلش سیر است و دنبال مال مردم نیست. آقای هاشمی خیلی از بقیه بزرگ‌تر بود و بسیاری به او حسادت می‌کردند و این حسادت‌ها منشا آن شایعات و مطالب بود. می‌خواستند او را از صحنه دور کنند تا خود قدرت را در دست بگیرند

\*در جامعه هم عده‌ای سعی می‌کردند آقای هاشمی را رقیب آقای خامنه‌ای معرفی کنند و بگویند که آقای هاشمی می‌خواهد شریک رهبری باشد که دروغ بود؛ ایشان تا آنجا که می‌توانست آقای خامنه‌ای را تقویت می‌کرد و در این زمینه هیچ کوتاهی نداشت

# برای انقلابیون و سیاسیون پناهگاه بود

گفتگو با حجت‌الاسلام قدرت‌الله علیخانی درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی



و گروه‌ها هستیم در حالی که در یکی از آقای هاشمی ایشان وزنه هماهنگی و سکان ترازوی جمهوری اسلامی بود که امیدوارم افکار آقای هاشمی همواره راه میانبری برای پیش‌رده اهداف جمهوری اسلامی باشد.

آقای علیخانی با اشاره به خاطرات همراهی خود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی افزود: شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ابعد مختلفی داشته است، بحث مسایل علمی و نفوذ ایشان در موزه‌ها از زمان فوت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۱ بر سر زبان‌ها افتاد. آن زمانی که ایشان سال‌ها شاگرد آیت‌الله بروجردی بودند ما اصل طبله هم نبودیم، یا به قم هم نرفته بودیم.

آقای علیخانی افزود: این نشان دهنده بلوغ علمی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۴۱ بوده است که مراجعت آن‌زمان براي

مجلس ترحیم چهلم مرجع عالیقدر شیعیان آیت‌الله العظمی بروجردی ایشان را انتخاب کردد که در جمع ایات عظام و روحانیون حوزه علمیه قم سخنرانی کند در حالی که مکتر از ۳۰ سال سن داشتند او در دوران شاگردی محضر آیت‌الله بروجردی مورد توجه ویژه ایشان هم بوده است.

وی با اشاره به خاطرات آیت‌الله علی محمدی تاکنده از حوزه علمیه قزوین و نماینده ساقی مردم استان در مجلس خبرگان رهبری در باره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که گفت در مراسم چهلم آیت‌الله بروجردی همه منتظر بودند چه کسی منبر می‌روم، دیدیم روحانی جوان منیر رفت و سپس خوب صحبت کرد و آیات قرآنی مرسیوط به تقدیم ایشان و یعلمکم الله و آن‌له بکل شئی علیم، علم (هل یستوی‌الذین یعلمنون والذین لا یعلمنون) و جهاد (فضل‌الله‌المجاہدین باموالهم و انسفهم علی القاعدین درجه) را با زندگی آیت‌الله بروجردی تطبق داد و معلوم شد این شخص شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی است، گفت: علم، ایمان و مجاهده سه ویژگی برجسته و بارز مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود که سبب شد شخصی مثل امام خمینی او را مفید به حال جامعه اسلامی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدانند و سال‌ها در کسارت امام خمینی مجاهدت، فدائی و خدمات ارزش‌های از این نظام و انقلاب ارائه کرد و در این راه سختی‌های زیادی را به جان خربید.

وی از مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان مبارزی خستگی ناپذیر و از استوانه‌های اصلی نظام باد و اضافه کرد: مردم حق شناس ایران هرگز مبارزات یار دیرین امام(ره) و رهبری در مقابل طاغوت‌های زمان یعنی رژیم پهلوی و جبهه استکبار و هچنین خدمات و مسئولیت‌های او را در مقاطع مختلفی مانند دفاع مقدس، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از یاد نخواهد بود.

وی افزود: در ایاد علمی هم تفسیرهای قرآن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم شاخص است هر چند که این تفاسیر را عمده‌تر در دوران زدن و درحالی که هیچ منبعی جز قرآن در اختیار نداشتند، نوشتن و الآن در دسترس سیاری از حوزه‌یان و مراکز علمی و افراد هست. علیخانی ادامه داد: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از جنبه علمی فردی بسیار ارزشمندی بودند و در تهران هم که ماسال‌ها در خدمت ایشان بودیم، روحانیون هم از قم می‌آمدند و از ایشان ندوختند که این رخدوست می‌کردند به قم بروند و تدریس در حوزه را شروع کنند؛ یا پیشنهاد می‌شد در تهران هم اگر می‌مانند کلاس درس یا تفسیر پریا کنند تا آنها در این کلاس‌ها حضور یابند، ولی آیت‌الله هاشمی به احترام مراجع و شخصیت‌های حاضر حوزه در قم، یا در تهران به احترام رهبری این کار را انجام نمی‌دادند چون رهبری هم در تهران تدریس دارند.

وی افزود: تهه بحث علمی آیت‌الله هاشمی، ایشان را در ایران و جهان معروف نکرد بلکه ایشان یک رجل سیاسی قدرتمند بودند و نقش ایشان در پیروزی انقلاب اسلامی، همراهی با امام خمینی، زدن و شکجه‌هایی که قبیل این انقلاب شد قبل جداسازی با اصل انقلاب اسلامی نیست.

وی ادامه داد: در یکی از زدن‌های دوران پایانی حکومت پهلوی که با ایشان بود و البته تهه ایشان هم بودند، آیت‌الله منتظری، مشکینی، ربانی شیرازی، انواری، طالقانی، آقای کروبی، لاھوتی... وهم بودند که در زدن با این که سطح علمی آیت‌الله منتظری و مشکینی بالاتر از ایشان بود، ولی این جمعی که در زدن هم مباحثه علمی داشتند آیت‌الله هاشمی سخن پایانی را می‌گفت چون او در کنار علم، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی بسیار گسترش داشت.

آقای علیخانی در پایان افزود: امام خمینی توجه بسیار ویژه‌ای نسبت به آیت‌الله هاشمی داشتند و بعد از پیروزی انقلاب ایشان در کنار امام و رهبری همراه و در رأس امور بودند، و حتی در انتصاب دولت موقت او حکم امام راخ طحال به بازگان قراتت کرد و بالاتر از این‌ها حکم خود را به سه نفر دادند تا به مردم ابلاغ کنند: آقایان بازگان، کتیرایی و هاشمی رفسنجانی بودند. یاد هست آقای هاشمی این حکم را در منزل آیت‌الله قافتله باشی به من سپروردند و ان پیام را من در خیابان آذربای قم در ایام حکومت نظامی روی تانک رفتم و با همکاری مردم خواندم که شنان می‌داند آیت‌الله هاشمی در همه صحنه‌ها خسوس داشت.

بلغ سیاسی کامل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی او را آینده نگر کرده بود. مردم اکنون ۸ سال پیش را در خاطرات خود به خوبی می‌مرور می‌کنند که چگونه ایشان اولین کسی بودند که چهره روسای جریان انحرافی را آشکار کرد و امروز را دیده بود که این افراد روزی جلوی نظام ایستادند و چنگ به صورت مستولان نظام خواهند انداخت.

حجت‌الاسلام والمسلمین قدرت‌الله علیخانی از باران نزدیک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و نماینده دوره‌های ششم، هفتم و هشتم مجلس و مشاور رئیس تشخیص مصلحت نظام در امور مجلس در مصاحبه با پیغمبر نامه سالگرد درباره ویژگی‌های بازی ایت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: این درست که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بعد از ریاست جمهوری، مستولیت اجرایی نداشت. ولی در رأس مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی

مقام معظم رهبری منصوب شد. مهم‌تر اینکه برای بسیاری از سیاسیون و انقلابیون پناهگاهی بود، برای گروه‌های سیاسی و احزاب که ممکن بود سرخورده شوند، آقای هاشمی به آنها رویه‌می‌داد. این‌ها گروه خاصی که بسیار هم کوچک هستند، علاقمند به طرد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بودند و هنوز هم برای ادامه نفوذ افکار آقای هاشمی رفسنجانی نگران هستند. علت آن هم این بود که آقای هاشمی و افکار او را مزاح خود می‌بدند و می‌بینند. این افراد متأسفانه حتی بعد از فوت آقای هاشمی شادی کردند، اخیراً هم شنیدم این افراد محدود در مصاحبه‌ای از بود هاشمی در عرصه نظام شاد هستند در حالی که آنها چیزی که دلسوز نظام و انقلاب هستند، متوجه شدند جای آقای هاشمی چقدر خالی است؟

آقای علیخانی افزود: همین آقای احمدی نژاد که امروزه این گونه با حیثیت نظام و شخصیت‌های آن بازی می‌کند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از باران نزدیک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را خواهند افشا کردند، همان حرف او هم اکنون برای همه آشکار شد. این‌ها احمدی نژاد روزی مقابل نظام و رهبری هم می‌ایستند و چنگ به صورت مقامات خواهد زد. آقای هاشمی از بلوغ کامل سیاسی برخوردار بود. او خیلی چیزها را می‌دید که بعضی‌ها نمی‌دیدند.

وی گفت: رهبری معظم انقلاب که شاگردان اجل است؛ ولی بعد از مقام معظم رهبری جایگاه آقای هاشمی سیار ویژه بود و از لحاظ جهان‌بینی سیاسی و تحلیل شرایط حال و آینده کشور فرد بسیار خاصی بودند که تکرار نیز است. آقای هاشمی در دوره‌ای از ریاست احمدی نژاد به ملاقات با آقای هاشمی بودند، علاقمند به این‌ها هیأت‌های خارجی که علاقمند به طرد آیت‌الله هاشمی مظلوم واقع شد به گونه‌ای هیأت‌های خارجی که علاقمند به ملاقات با آقای هاشمی بودند، اجازه نداشتند با او دیدار کنند و متأسفانه وزارت اطلاعات دوره احمدی نژاد حتی مانع از اسfer افراد و گروه‌های از استان‌ها به تهران می‌شد و از ملاقات با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی منع می‌کرد. اما علیرغم آن بسیاری می‌آمدند و حتی در سفرهای استانی که ما در همین دوران با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌رفتیم مردم به شدت ایزار علاوه و ارادت می‌کردند. از جمله مهمترین سفرهای سالانه ایشان به مشهد مقدس به ویژه در دوران حیات مردم ایت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌رسیدند و متأسفانه از این‌ها ایشان به استقبال خاصی می‌شد و تا این که پس از فوت آقای هاشمی رفسنجانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آخرین سفرشان به مشهد علیرغم اصرار مسئولان برای استقرار در نزدیکی حرم مطهر امام رضا(ع)، آقای هاشمی قبول نکردند و در استانداری مستقر شدند این رویه سالانه احزاب، گروه‌ها و سیاسیون خراسان رضوی بود که خدمت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌رسیدند و مسئول تنظیم ملاقات‌ها در مشهد می‌بودند.

وی گفت: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال‌های اخیر ارتباط گستره‌ای با مردم داشت به گونه‌ای که همواره افراد و گروه‌ها در نوبت چند صد نفری پویند. بکار خبردار شد ۷۰۰ تا ۷۰۰ گروه و نفر در انتظار ملاقات‌مانده بودند. ایشان معمولاً روزی یک ملاقات یا بعض‌اً بعد از ظهره‌ها یک ملاقات داشتند؛ اما همواره رخدوست از حوزه را سیار وسیع تر بود که ایشان در دل مردم و گروه‌ها حتی پزشکان، وکلا و مهندسان را می‌شنیدند چون همواره مورد احترام گروه‌های مختلف مردم بودند.

آقای علیخانی افزود: در رحلت ایشان هم خودتان همراه مردم ایران و تهران بودند و تسبیح جنابهای شاکوه را دیدیم که چندین میلیون نفر در بدرقه ایشان حاضر شدند. این صحنه نشان داد که اینقدر که هاشمی رفسنجانی را تخریب کردند، نتیجه برعکس شد و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی عزیزتر شده بودند چرا که او شخصیت وارسته سیاسی و مذهبی بود و مخالف نمی‌توانستند جای ایشان را در دل ملت ایران بگیرند. بازتاب جهانی این حادثه هم زیاند همه خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های جهانی شده بود. حداده فوت ایشان نه تنها سبب فراموشی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شد که سبب زندگه ماندن نام نیک ایشان بود تا حدی که مراسم عزاداری ایشان در مده شهرا و روتاستها و حتی خارج از کشور برگزار شد.

وی ادامه داد: آقای هاشمی از این پس هم از یاد مردم نخواهد رفت. زیرا فدائکاری‌های او را می‌شوند از این‌ها مطلع نداشتند. این‌ها ایشان را می‌شوند از ایقای هاشمی هنوز در قید حیات بودند برای کشش خلیلی بهتر بود و متأسفانه شاهد افزایش اختلافات جریان‌ها

\*مردم حق  
شناش ایران  
هرگز مبارزات  
یار دیرین  
(امام(ره)  
و رهبری  
در مقابل  
طاغوت‌های  
زمان یعنی  
رژیم پهلوی و  
جبهه استکبار  
و همچنین  
خدمات و  
مسئولیت‌های او  
را در مقاطع  
مخالف مانند  
دفاع مقدس،  
مجلس شورای  
اسلام،  
ریاست  
جمهوری و  
مجتمع تشخیص  
مصلحت نظام  
از یاد نخواهد  
برد

# عمل به قرآن در اندیشه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

احمد مسجد جامعی

## اشاره

در تابستان سال ۱۳۷۶، که مصادف با آخرین روزهای دوره دوم ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود، سلسله مقالاتی تحت عنوان «نگاهی به زندگی، مبارزات و خدمات سردار جهاد و سازندگی، هاشمی رفسنجانی» زیر نظر دکتر احمد مسجد جامعی تهیه شد که طی ۵۲ قسمت در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید. آنچه در ادامه مطالعه می‌فرمایید، قسمتی از این سلسله مقالات است که با اشاره به گزارش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پایان دوره ریاست جمهوری به مجلس شورای اسلامی، اندیشه هاشمی رفسنجانی را به عنوان یک خادم قرآن فارغ از چهره سیاسی، مبارزاتی و مدیریتی او بررسی می‌کند.



محفوظ است، نشان از اطمینان بسیار جدی پیامبر دارد. شیرینی قرآن و حلاوت استماع آن و جاذبه‌ای که دارد به نحوی است که انسان از تکرار آن خسته نمی‌شود. و این نشان از واقیت دیگری دارد که همان سازندگی قرآن است. یعنی قرآن با آهنگ و طراویتی که به کمک الفاظ خود در انسان ایجاد می‌کند، در سازندگی وی نقش موثری دارد. این سازندگی، خود مجهزه‌ای است. خدا می‌داند که چه انسانهایی در این ۱۴۰۰ سال، تنها از راه شنیدن این آهنگ آسمانی و کلمات مطنطن و بلیغ و فصیح و منظم قرآن، قلبشان تسبیح شده است و راه خدا انتخاب کرده و از شیطان بریده‌اند.

آقای هاشمی رفسنجانی سپس به توضیح بعد دوم ویژگی قرآن پرداخت و گفت: «آنچه تا به حال در باب ظواهر قرآن گفتم، تنها بخش کوچکی از ویژگی‌های این کتاب مقدس است. بخش اساسی قرآن، محتوا و مضامینی است که برای بشریت عرضه کرده است. قرآن، کتاب هدایت و ارشاد است و اشاراتی به فلسفه و عرفان و طبیعت و تاریخ و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و انسان‌شناسی و شیطان‌شناسی دارد و راههای سعادت و شقاوت و گذر به زندگی بهتر را می‌نماید. همان چیزی که انبیا همیشه در پی‌اش بودند. متنهای پس از این راهنمایی، این انسان‌ها هستند که باید زندگی خود را بهبود بخشدند و جامعه را تکامل و تعالی دهند. مضامینی که از این بعد یعنی از بعد اصلاح جامعه مطرح است؛ حقاً که متن‌ترین و عالی‌ترین و مholmک‌ترین سندها و متن‌هایی است که در روی زمین وجود دارد... اصل انقلاب و خیزش انقلابی مردم ما، نشانگر بیداری مسلمانها در جهت محتوای قرآن بود. ما پیروزی انقلاب، پیروزی در صحنه‌های بیکار با شرارتی‌ای استکبار را، از قرآن کریم می‌دانیم و معتقدیم این محتوای قرآن است که جلوه‌اش چنین نتایج تاریخی‌ای را به بار آورده است که حتی این ظواهری که امروز عزت بیشتری پیدا کرده معلوم توجه به بعد اساسی و محتوای قرآن بوده است. امواج انسان‌هایی که ۱۶ سال قبل از انقلاب را به ثمر رساندند و آنها باید که ۸ سال دفاع مقدس را به خوبی اداره کردند، کسانی بودند که به محتوای قرآن رسیده بودند. اول، محتوای قرآن عزیز شد و ما به پیروزی رسیدیم، بعد، ظاهر آن به عزت رسید، و این دو نمی‌توانند از هم جدا باشند. اکنون که به حفظ و قرائت قرآن خوب توجه می‌شود، انتظار ما این است که حاکیت محتوای قرآن نیز در جامعه بیرون‌مذکور نباشد و عزت بیشتری در دنیا پیدا کند.

**\*ما پیروزی انقلاب، پیروزی در صحنه‌های پیکار با شرارتی‌ای استکبار را، از قرآن کریم می‌دانیم و معتقدیم این محتوای قرآن است که جلوه‌اش چنین نتایج تاریخی‌ای را به بار آورده است**

«من امروز در ایران، قرآن را عزیز می‌بینم و شاید در هیچ دوره، در بین جوامع اسلامی، این عزتی که قرآن امروز در ایران پیدا کرده مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن کریم دو بعدش زیبا و سازنده است، یکی شکل ظاهری آن، و دیگر محتوا و مضمون آن. برای کسانی که با قرآن مأتوس می‌شوند، آیات و کلمات آن، ظاهری بسیار زیبا و دلنشیز دارد. آهنگ قرآن، جزو زیباترین آهنگ‌هایی است که در این فضای لایت‌اهی پخش می‌شود. این ویژگی، از همان ابتدا که قرآن نازل شده، جزو ظاهر اعجاز قرآن بوده است. این که کفار عنود هنگامی که پیامبر و یارانش در کعبه قرآن می‌خوانند پیبه در گوش می‌گذاشتند، توجیه دیگری ندارد جز این که قرآن از راه گوش قلب‌ها را تسخیر می‌کرده است. کلمات قرآن گاهی اتفاق برند و مسخر کننده بود که جوانها یک آیه را که می‌شنیدند، آنقدر تکرارش می‌کردند که بعضی از آشنايانشان می‌اندیشیدند آنها دیوانه شده‌اند و این را دلیل ساخر بودن پیامبر به حساب می‌آورند. این نکته تاریخی نیز در قرآن ثبت شده که توصیه سران کفار به جوانها این بود که به قرآن گوش فرا دهید. «لاتسعو الهدى القرآن والتوفيقه....» (فصلت، آیه ۲۶)

نحدی قرن که در چند آیه به آن اشاره شده نیز سند بزرگ دیگری است. این صاحب یک مکتب و مدعی حرکتی عظیم و تاریخی به مدعیان خود بگوید اگر می‌خواهید به حرف شما توجه کنیم یک آیه یا یک سوره مثل این قرآن بیاورید، امری معمولی نیست زیرا مردمی که شنونده این سخن بودند، همه عرب بودند و می‌توانستند آن را قضاوت کنند. اگر پیغامبر از خود مطمئن بود، چطور چنین مسئله‌ای را طرح می‌کرد؟ داستان نحدی پیامبر که در قرآن هم ثبت شده و به عنوان سندی تاریخی

ارتباطی بین خدا و انسان و پس از قطعه نبوت و رسالت و وحی است. و خداوند اگرچه برنامه ارسال رسال را متوقف کرد، اما به جای آن، چنان متن و کتابی را عرضه داشت که کار رسال و اینبا را در زمان خود و متناسب با شرایطی که در آینده تاریخ به وجود خواهد آمد، انجام دهد. و ما این حقیقت را با همه وجودمن در قران حس می‌کنیم، قرانی که میلیونها انسان با عشق و علاوه و سوز و گذار، خون خود را در راه آن می‌ریزند، که نمونه‌های افتخارآمیزی از این دست را در عصر خود داریم؛ قرانی که برای اجرای فرمانهایش میلیاردها انسان در طول تاریخ فدایکاری‌هایی کردند، از بدل جان و مال دریخ نوروزیدند و در راهش تلاش و جهاد کردند و با چنین سرمایه‌ای بود که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد و به راه خود ادامه داد.

آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود از همه کسانی که به هر نحو با قران سرو کار دارند و در زمینه حفظ و قرائت و تعلیم و تعلم و تفسیر و توضیح و چاپ و نشر قران فعالیت می‌کنند، درخواست کرد که خود را به محتویات قران نزدیک کنند و به احکام آن عمل نمایند. آنگاه در ادامه مطلب و در پایان سخنان خویش، چنین گفت: «اوین درس ما از قران باید این باشد که حال که با نور قران آشنا شده‌ایم از آن بهره بگیریم و خود را روشن کنیم و گوشهای از معرفتها و معنویات و ایثارها و از خود گذشتگی‌ها را به نمایش بگذاریم و از قربان

کردن حقیقت دوری کنیم و مروجان شایسته قران باشیم. همچنین باید توجه داشته باشیم که بخش زیادی از موهبت نزدیکی با قران را از امام راحملان داریم که همه ما را به این راه هدایت کرد و هم یاریمان داد که در این راه پایدار بمانیم.»

انسان بی‌نظیر تاریخ، قلبی که به وسعت همه دنیا سعه دارد و فراخی همه بشیری و تاریخ آن قدرت جذب دارد، فروگاه این وحی اسمانی است. و هدفی که قران تعقیب می‌کند، اگرچه در شهرهای عقب افتاده‌ای مثل مکه یا مدینه نازل شده است، اما بزرگترین کشورهای دنیا و عظیم‌ترین تمدن‌هایی را که قرار است تا قیام قیامت پای به عرصه وجود بگذارند، مخاطب قرار می‌دهد و عبارات قران و آیات و ترتیب نزولش و ارتباط کلمات و آیا شن چنان تنظیم شده است که جوابگویی فکر و عقل و نیاز و عمل آن جوامع باشد. و بارها و بارها اعتراض کرده‌ایم که زبانهایمان عاجز است که وصف درستی از قران بیاورد و مدعی هم نیستیم که قران را آن طور که هست، می‌توانیم توصیف کنیم. انسانهایی بزرگتر از ما، حتی ائمه اطهار(ع) وقتی که قران را توصیف می‌کنند، تعبیرشان این است که دریابی است که به عمقش نمی‌توان رسید و محبی است که همه چیز را در خود دارد، هیچ فکری به عظمت آن نمی‌رسد و هیچ مرغ بلند پروازی به قله‌های آن دست نمی‌یابد.

به هر حال، ما بزرگ‌ترین نعمت روی زمین را همین قران می‌دانیم که وسیله

ما قاطعانه ادعا می‌کنیم که محتوای قران کاملاً عقلانی است و اگر عقل ما نکته‌ای را تواند توجیه کند، به ادل محکم می‌پذیریم که عقل ما هنوز به آنجا که باید بررسد، نرسیده است. البته نقطه لایحلی نداریم، ولی می‌دانیم با ابعاد عظیم معانی ای که قران می‌تواند را به کند و خیلی‌هایش باید با زمان و شرایط جدید تحولات زندگی بشر تفسیر شود، فاصله داریم. قران مخصوص یک دوره، یا حتی بخش دنیای زندگی مانیست. قران به اندازه خود بشیریت و آینده وی جاودید است. تا بهشت یا جهنم، انسان را تعقیب می‌کند و همراهش است. آخرین مرحله‌ای که در زندگی خود به آن می‌رسیم، بی‌ارتباط با قران نیست. دنیا و آخرت در قران به هم آمیخته است و چنان از زندگی، مفهومی روشن و مستدل و منطقی ارائه می‌کند که انسان این زیان‌ها را نمی‌تواند نادیده بگیرد.

واقیت معارف قرانی و اشعه آن، چنان وسیع و نافذ است که نمی‌توانیم خود را در هیچ بعدی از ابعاد زندگی از آن دور نگاه داریم. قران کتاب فطرت است و همه نیازهای هدایت بشیر را در خود دارد. جامع است، برای اینکه از صاحب آفرینش، از خدای جهان و همه ادوار تاریخ و دیروز و امروز بشیریت سچشمه گرفته است. و اراده ازیز الهی برآن تعلق گرفته که چنین سند و عروه‌الوقایی را در اختیار انسان قرار دهد و تا قیامت با او انعام حجت کند. این سند الهی در بخشی از زمان که هاضمه

بشرطیت اماده شده بود تا گوشهای از این غذای روحی را جذب کند، به بهترین شکل از آسمان فرود آمد. حامل این پیام، جبرئیل فرشته مقرب الهی بود و قلب پیامبر، این انسان بی‌نظیر تاریخ، قلبی که به وسعت همه دنیا سعه دارد و فراخی همه بشیری و تاریخ آن قدرت جذب دارد، فروگاه این وحی اسمانی است. و هدفی که قران تعقیب می‌کند، اگرچه در شهرهای عقب افتاده‌ای مثل مکه یا مدینه نازل شده است، اما بزرگترین کشورهای دنیا و عظیم‌ترین تمدن‌هایی را که قرار است تا قیام قیامت پای به عرصه وجود بگذارند، مخاطب قرار می‌دهد و عبارات قران و آیات و ترتیب نزولش و ارتباط کلمات و آیا شن چنان تنظیم شده است که جوابگویی فکر و عقل و نیاز و عمل آن جوامع باشد. و بارها و بارها اعتراض کرده‌ایم که زبانهایمان عاجز است که وصف درستی از قران بیاورد و مدعی هم نیستیم که قران را آن طور که هست، می‌توانیم توصیف کنیم. انسانهایی بزرگتر از ما، حتی ائمه اطهار(ع) وقتی که قران را توصیف می‌کنند، تعبیرشان این است که دریابی است که به عمقش نمی‌توان رسید و محبی است که همه چیز را در خود دارد، هیچ فکری به عظمت آن نمی‌رسد و هیچ مرغ بلند پروازی به قله‌های آن دست نمی‌یابد.



## ستون محکم انقلاب



پاییزی و زمستانی این دوران، بزرگ مرد همه دورانم، می‌خواهم بگویم: ببخش همه مارا اگر باید با غجه کوچکت در گوشه حیاط، نشستی و پنهانی به بهانه نوازش گلهایت، تمام غمها و غصه‌ها را خوردی که مال تو نبود و صبوری کردی. سایه‌ات کم نیاد آیت الله، آن روزهای حیات، سایه‌ات آقدر بزرگ بود که وقتی ایستاده بودی، سایه‌ات همه جا را فرا می‌گرفت. دلم می‌خواهد به یکباره، تمام بغض و اندوه، صیرت را فریاد بزنم، آیت الله پدر همه ما بود و ما را در همه دوران از یتیمی و مهری رهایی می‌بخشید، آیت الله هاشمی می‌خواهم فریاد بزنم و عهد بیندم تکرارت، مکنت را سینه به سینه انتقال خواهیم داد و همیشه در قلب

و ذهن مجاوдан، بزرگمرد صیر و تدبیر و استقامت.

حميد احمدی از اتویش

آیت الله هاشمی، ستون محکمی بود برای انقلاب، سالها بی‌استراحت شد ستون یک نظام و برای همیشه شد مانگار قلب همه مردم ایران. آیت الله در برابر تمام طوفانهای بی‌رحم دوران، از صمیم قلب ایستاد به پای کل ملت ایران. لبخندهایش تارهای اندوه را از هم می‌درید، باصبر و تحملش، دلهای نامید را سپید میدواری بود. مرامی داشت نه به اندازه یک دریا بلکه به پنهانی اندوه اقیانوسها، آن هنگام که ابرهای دلتگی و دوران سختی، پنجه دل همه ملت ایران را باران می‌پاشید، چتری بود برای حفاظت همه ما. آیت الله معلمی مجاهد و بردبار بود، مانسل جوان، فداهای دور را از شما آموختیم. آیت الله چینهای چهره‌ات، چورک دستانت و قلب همیشه جوان، حاصل سالهای سازندگی و دوران کودکی ماست. باران بهاریمان را پایان نیست، ما بی‌شما، پرندگانیم لانه گم کرده در جاده‌ای

# هاشمی و نوآوری در صنعت هسته‌ای

دکتر رضا امراللهی

دکتر رضا امراللهی، استاد دانشگاه، که پیش از این از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ معاون امور نیروگاه‌های هسته‌ای سازمان انرژی اتمی و از همان سال ۱۳۷۶ عضو بخش اینمنی هسته‌ای این سازمان گردید، در سال ۱۳۶۰ رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران شد که این پست را تا سال ۱۳۷۶ در اختیار داشت. وی در دوران نخست وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی و سپس تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی در این سازمان مشغول به فعالیت بود. دکتر امراللهی سابقه عضویت در هیأت علمی گروه فیزیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ریاست دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی و عضویت هیأت علمی گروه فیزیک این دانشگاه، قائم مقامی وزیر نیرو، عضویت در هیأت تحریریه مجله علم و فناوری ایران و نامزدی مدیرکلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پژوهشگری و ریاست بخش گداخت هسته‌ای را در پرونده خود دارد. وی هم اکنون رئیس دانشکده مهندسی فیزیک و انرژی هسته‌ای دانشگاه امیرکبیر است. دکتر امراللهی مقاله حاضر را برای درج در ویژه‌نامه سالگرد رحلت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارسال کرده است.

پس از فشارهای عجیب و غیری که ایران نیازی به این نیازی دارد بالاخره پرسشنامه‌ای را تهیه کردیم و به سران و تصمیم‌گیران آنروز کشور فرستادیم و پرسیدیم که آن تا آنروز توسط بوشهر را که بالای ۲۰ درصد واحد یکم آن تا آنروز توسط زیمنس تمام شده بود ولی ادامه نمی‌دادند و بیش از ۲ میلیارد دلار خرج آن شده بود را تمام کنیم یا خیر؟ که جواب‌های جناب آقای هاشمی درخصوص اتمام آن فراهمش ناشدنی است. ایشان توجیه کرده بودند که هر چه زودتر باید این نیروگاه را تمام کنیم.

باشه کم کم چنگ هم به مشکلات کشور افزوده شد که خود بهانه‌ای بیشتر برای آلمان هاشد که کار را به هیچ وجه ادامه ندهند (حتی در حد نگهداری) در حالیکه علیرغم کاستی‌های فراوان و بخصوص مخارج دفاع مقدس از پیمانکار می‌خواستیم کار را به جلو برد نیروگاه را تمام کند که زیمنس زیر بار نمی‌رفت.

در این میان خوب است یک واقعیت تاریخی فراموش نشود و آن این که تا روز پیروزی انقلاب و بودن شاه، کشورهای

خارجی حتی خود آمریکا هیچگونه ممانعی از داشتن صنعت هسته‌ای بی‌جون و چرا توسط ایران را ندانستند، ولی هر روز که از پیروزی انقلاب می‌گذشت، صدایی‌های جدیدی شنیده می‌شد، مثلاً می‌گفتند شما که این همه نفت دارید چرا دنیا نیروگاه اتمی هستید؟ در حالیکه ما می‌پرسیدیم چرا این سوال را چند سال قبل نکردید و اجازه داده بودیم ایران بتواند ۲۱ نیروگاه اتمی داشته باشد و برای آن جوابی ندانستند. در همه این احوالات کسی که جدا در مجلس شورای اسلامی گوشه کار را می‌گرفت و از جایگاه ریاست مجلس برای راه افتادن صنعت هسته‌ای هزینه می‌کرد حضرت آیت الله هاشمی بود.

ایشان بالغ بر ۲۰ باز جای جای صنایع مستهای کشور در تهران، از معادن اورانیوم کشور، از نیروگاه بوشهر، از نیروگاه دارخوین و از مرکز سازمان در تهران بازدید داشتند که در پادداشت‌های ایشان به خوبی مشهود است و تقاضا دارم علاقمندان آقای هاشمی این بخش از پادداشت‌های ایشان را بیشتر مطالعه کنند.

## قانون حفاظت در برابر اشعه

چهار سال قبل از پیروزی انقلاب توانسته بودند قانون سازمان انرژی اتمی ایران که اتفاقاً خوب و مترقب نوشته شده است را به تصویب برسانند ولی قانون نهاد دیگری که به مثابه دست قانون تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران است را، با وقت نکرده بودند بنویسد و یا اینکه برای آنها در اولویت نبود یا اینکه با آن آشناشی کافی ندانستند و در این خصوص کاری نکرده بودند.

باید نمی‌رود که زمانی این قانون آماده و به مجلس داده شد که مجلس شورای اسلامی زیر فشار بیماران‌های روزانه توسط صدام بود، بطوریکه جلسات مجلس در طبقات زیزمیں مجلس در خیابان امام خمینی تشکیل می‌شد و بند به بند این قانون در کمیسیون‌های مختلف مجلس در این دوران مورد بروزی قرار گرفت و نهایتاً در سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی وقت رسید.

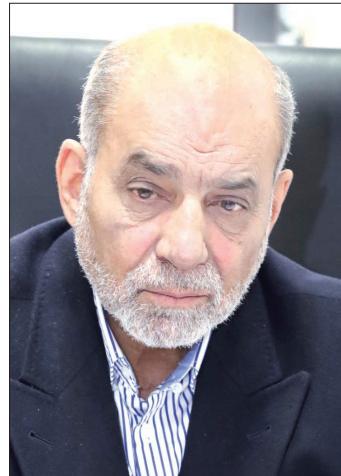
پیگیری‌ها و دقت نظر حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی در تصویب این قانون مشهود بود بطوریکه بعضی از نمایندگان در آن روزها آنرا در اولویت نمی‌دانند در حالیکه ژرف نظری آقای هاشمی بود که نهایتاً باعث شد این قانون در بحبوحه جنگ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران برسد.

و اگر این قانون نبود امروز در جای جای کشور این همه MRI - مراکز تصویربرداری و مراکز پرتوبرداری و پزشکی هسته‌ای نمی‌توانستیم داشته باشیم و در حقیقت هر کسی که مستقیم یا غیر مستقیم با اشتعه چه در پزشکی و چه در صنعت سر و کار داشت نمی‌دانست چه باید بکند.

به عنوان نمونه چند مورد مهم در این نوشته را که ربط مستقیم با صنعت هسته‌ای دارد می‌آورم.

## ۱ - ایستادگی در برابر باج خواهی

در دوران ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی یک روز صبح زود من را کردند و فرمودند کشوری از ایسای میانه "از ما کمک چند صد میلیون دلاری خواسته و گفتماند اگر این کمک به آنها شود در مستان در کشورشان دچار یک مشکل هسته‌ای میشوند و اثرات آن به دلیل تزدیکی به ایران هم سرایت می‌کند" چه باید کرد؟



## انرژی اتمی برای چه؟

به روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب بر می‌گردم و بجاست اول انقلاب هر روز از گوشش و کنار کشوار کشوار صدایی شنیده می‌شد که انرژی اتمی برای چه؟ سازمان انرژی اتمی به چه درد می‌خورد؟ عدهای دنیال تقسمی اموال آن بودند، بخشی از نهادهای تازه تاسیس دنیال گرفتن همه امکانات این سازمان نو پا که عمری بیش از ۴ سال نداشت بودند. یاد نمی‌رود آخرين اتموبیل به در بخور سازمان را هم به محض اینکه رئیس آنجا شدم از من گرفتند. هواییمای این سازمان و چند تا بارج ... یدک کش داشت که آنها را هم گرفته بودند.

دنیال تاراج اموال نیروگاه بوشهر بودند و بجاست یاد کنم از بزرگواری جناب آقای مهندس بازرگان که گفت عجله نکنیم بگذاریم و کمی صبر کنیم و با تامل بیشتری برای این سازمان (محدود شدن آن) تصمیم بگیریم، مثال زدنی است. اگرچه بی‌دلیل و حتی با یک حرکت نسنجیده آنرا به وزارت نیرو وصل کردند که بعد از ۲ سال دوندگی به جای اول خود برگشت. و اگر نمی‌شد برای همیشه این صنعت از بین میرفت.

در اینجا بر خود میدانم که از مکهای از زنده شهید مظلوم آیت الله بهشتی که بی‌مزد و منت واقعاً باعث روحیه در اوایل انقلاب به صنعت هسته‌ای شدند سپاس گزار باشم، و اگر این پشتیبانی نبود کار بسیار سخت‌تر میشد.

## نقش جناب آقای هاشمی

اقای هاشمی، گرچه رئیس مجلس بودند و رئیس مستقیم اینجانب جناب آقای مهندس موسوی نخست وزیر و رئیس جمهور کشوار آیت الله خامنه‌ای بودند، ولی کمک‌های روز به روز و از زنده آقای هاشمی بود که این صنعت را از پاشیدن کامل در اوایل انقلاب نجات داد.

قراردادهای ریز و درشت و بالغ بر چند میلیارد دلار با کشورهای دنیا که مهمترین آنها شرکت اردیف (سرمایه‌گذاری ایران در کارخانه غنی سازی اورانیوم در فرانسه) و قراردادهای نیروگاه اتمی بوشهر و نیروگاه اتمی دارخوین که اولی با آلمان‌ها (شرکت زیمس) و دومی با فرانسه (فرانسه بود)، از آن جمله بودند.

این قراردادها بالغ بر ۴ میلیارد دلار و بیش از ۲۰ قرارداد ریز و درشت دیگر هم بود که صرفًا چند صفحه کاغذ بودند و مبلغی بیش پرداخت که شرکت‌ها و کشورهای مختلف گرفته بودند و با پیروزی انقلاب همگی یکی پس از دیگری یا از ادامه کار یا از انجام قرارداد طفره رفتند.

یاد نمی‌رود که فرانسه یک جعبه از کلیدهای نیروگاه اتمی در حال ساخت کارون را که در منطقه دارخوین و در کنار رود کارون قرار بود ساخته شود، یک روز جلو در اطاق من گذاشتند و بدون خداخوازی رفتند و پول فراوانی را که از این بابت گرفته بودند با صورت حساب‌های واهی بالا کشیدند. و دادگاه‌های داوری بین‌المللی نیز در این خصوص کاری شایسته نکردند.

قابل ذکر است که از همه مهمتر نگهدارشون سهم ایران در کارخانه اردیف فرانسه بود که با روشی بسیار عالقانه و سنجیده تصویب کردند که در آن صنعت و در آن کارخانه سهام خود را حفظ کنیم، و در یک جمله میتوانیم بگوییم جای جای اثر جناب آقای هاشمی رفسنجانی در این تصمیمات انکار ناشدندی است.

در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در مقابل یک تهائیم بسیار وسیع قرار گرفته بودیم که برای چه دنیال نیروگاه اتمی هستید. خوبست بدانیم که رژیم پهلوی در یک برنامه ۱۰ ساله به دنیال نیروگاه اتمی بود که حدود ۲۰,۰۰۰ مگاوات می‌شد و هیچ تناسبی با نیاز برقی کشور نداشت. در حالیکه برق نصب شده قبل از آخرين روزهای پیروزی انقلاب حدود ۷۰۰۰ مگاوات بود و هیچ کس نبود بپرسد پظور؟ حتی اگر همه کاثرات هم جمع می‌شندند آیا کشورمان توانایی جذب ۲۰,۰۰۰ مگاوات نیروی اتمی را داشت یا خیر؟ کما اینکه همین امروز هم ما توانایی بیش از ۱۰,۰۰۰ مگاوات نیروگاه اتمی را نداریم در حالیکه برق نصب شده امروز در کشور بیش از ۷۲۰۰ مگاوات است (۱۰ برابر روزهای پیروزی انقلاب).

همه پس از پیروزی انقلاب عدد ۲۰ هزار مگاوات نیروگاه اتمی را می‌شنیدند ولی هیچکس نمیدانست که حتی یکهزار مگاوات آن هم ناشدنی است. کما اینکه دیدیم و همینطور هم شد.

## \*اوایل انقلاب درباره صنعت هسته‌ای

## کشور هر روز صدایی جدیدی شنیده می‌شد، اما

## در آن اوضاع و احوال جدأ

## تنها کسی که از جایگاه ریاست مجلس برای به راه

## افتادن صنعت هسته‌ای هزینه کرد، آیت الله هاشمی

## رفسنجانی بود

## قانون استفاده از صنعت هسته‌ای

## مرهون ژرف‌نگری آیت الله هاشمی

## رفسنجانی در تجویه جنگ تحمیلی بود



الف- پوشش فلزی ایمنی کره نیروگاه اتمی تکمیل شد.

ب- پوشش بتونی این کره که حجم و وزن بسیار بالای را دارد و هنوز در کشور، گندی به بزرگی آن نداریم را انجام دادند که این کار یکی از شاهکارهای مهندسی کشورمان است که برای توضیح آن لازم است یک کتاب نوشته شود، این امر فقط با مداومت، پیگیری و پشتیبانی آقای هاشمی و در زمان ریاست جمهوری ایشان پایان یافته.

#### کاندیداتوری برای ریاست آذانس بین‌المللی انرژی اتمی

در یکی از جلسات حضرت آیت‌الله از بیان دوره آقای هانس بلیکس که یکی از موفق‌ترین مدیران آذانس بودند و در حال توضیح بودند از من سوال کردند، پس از صحبت‌های لازم ایشان به من دستور فرمودند که کاندید ریاست آذانس شوم و حتی خدمتشان عرض کردم که چند نفر از جمله، محمد البرادعی کاندید هستند که فرمودند شما هم کاندید شوید که بسیاری از کشورهای عضو با توجه به سابقه مدیریت ۲۰ ساله در بالاترین رده‌های کشوری در این صنعت اینجانب را تأیید کردند و از ابتداء معلوم بود که کشورهای غربی با نامزدی اینجانب مخالفند و در عمل هم همین شد، حتی یکی از دانشمندان بنام جهان که از هر حیث به اینجانب برتری داشتند را هم نگذاشتند که ریاست آذانس را بر عهده گیرد و در نهایت محمد البرادعی را به ریاست آذانس برگزیدند. ایشان در یکی از نوشته‌های خود به این مطلب اشاره فرموده‌اند.

#### همکاری با چین

در مسافتی که آیت‌الله هاشمی به چین داشتند و در عده جلسات مهم با رئیس جمهور و نخست وزیر چین مسائل ریز و درشت به ویژه ساختن نیروگاه‌های اتمی مطرح شد که نخست وزیر وقت چین با توجه به این که خود مهندس برق و متخصص انرژی هستمای بود، علاوه‌نده به همکاری بودند ولی در چین یک دوگانگی تأثیثه را می‌شد. بدین‌پس از مقامات آنها جدا علاوه‌نده به همکاری بودند و مقدمات کار قرارداد UCF در همین مسافت تهیی و در پروتکل توسط حضرت آیت‌الله هاشمی آمد و به آن اشاره شد و مدارک جدایهای این اینجانب و رئیس وقت انرژی اتمی چین درباره ساخت UCF رد و بدل و کار شروع شد که متناسبه بعدها در این خصوص خوب پیگیری به عمل نیامد. ولی در حال کارخانه UCF ساخته شد.

#### همکاری با روسیه

حضرت آیت‌الله هاشمی برای اتمام نیروگاه نیمه تمامی بوشهر نظر قاطعی داشتند که پس از رفت و آمدهای فراوان با چند کشور و امتناع آلمان و فرانسه از تکمیل نیروگاه بوشهر در دیداری که آیت‌الله از روسیه داشتند با مقامات روسی به این تیجه رسیدم که نیروگاه بوشهر را با روس‌ها که از این بابت توانانی‌های نازم را داشتند تمام کنیم، به این امر مهم پرداخته شد و در زمان یلتسانین توسعه وزیر وقت انرژی اتمی روسیه و اینجانب قرارداد تکمیل واحد یکم نیروگاه بوشهر به مبلغ هفتصد و هشتاد میلیون دلار اضافه شد که بالاخره با این اقدام واحد یکم نیروگاه بوشهر با ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات به انتها رسید و ایران اولین کشور مسلمانی شد (هست) که یک واحد نیروگاه اتمی با ظرفیت یک هزار مگاوات و در حال کار دارد.

#### هاشمی و نوآوری

ایشان در پا گرفتن بخش‌های لیزر-غنى سازی-پیوهش‌های مختلف و از جمله "گداخت" در کشور نقش ویژه داشتند که می‌تواند موضوع مقاله دیگری باشد. و اصولاً نگاه بسیار دقیق ایشان به پیوهش، تسویه و نوآوری زبانزد خاص و عام و همکارانم بود (هست) که انشالله بعدما درباره آن بحث خواهد شد.

بیاموز خوی بلند آفتاب

به هر جا که جنبه‌دهی دیدی بتاب

با توجه به دانش فنی و اطلاعاتی که از آن کشور داشتم، در نگاه اول دیدم این حرف بیشتر به اج خواهی علمی شبیه است تا هر چیز دیگر و جواب من این بود که از بابت ادعای آنها باید بگوییم که یک ادعای غیر واقعی بیش نیست و هیچ عارضه‌ای هیچ جا را تهدید نمی‌کند و همینطور هم شد و ما چنین کمک یا ام یا باجی را ندادیم. و مهم این قضیه اینست که وقتی از لحظات علمی جناب آقای هاشمی موضوع را متوجه شدن بسیار محکم ایستادگی کردند و مشکل رفع شد.

#### ۲- نیروگاه بوشهر

همانطور که اشاره کردم برای نیروگاه بوشهر در خدمت ایشان در هند بودم. موضوع با خانم گاندی توسعه آیت‌الله هاشمی مطرح شد که ایشان گفتند توایانی کار اتمام این نیروگاه را نداریم بعلاوه بطور غیر مستقیم و بسیار سیاست مدارانه گفتند علاقه به این پروژه هم نداریم که به ما خیلی برخورد و من شاهد این پاسخ بودم. البته این موضوع در سفر آقای هاشمی به هند در جلسه خصوصی با خانم گاندی مطرح شد.

#### ۳- حملات هوایی به نیروگاه اتمی بوشهر

یعنی دارایی استارالیا ایران در یک نقطه‌ای به زمین اصابت کند که لازم است از این محفظه سوتخت شده به آذانس باز گردانده شود و از کشورهای مسیر که چند کشور بودند و از جمله ایران تقاضای "اماده باش اینمی هسته‌ای" داشتند که ما به کار خود آشنا بودیم و همان نیمه شب کار را شروع کردیم و صبح خدمت آقای هاشمی گزارش دام و کارهایی را که لازم بود اجرای کردیم البته بعد از ۲ روز خبر دادن که در مسیر و خارج از کشور ماسقط کرد که باعث خوشحالی همه کشورهای مسیر شد و یادم نمی‌رود آقای هاشمی به من امر فرمودند که کارمان را بدق و بی‌صدا انجام دهیم که همین هم شد.

#### ۴- حملات هوایی به نیروگاه اتمی بوشهر

بیش از ۱۵ بار نیروگاه بوشهر از طرف صدام مورد حمله هوایی قرار گرفت که منجر به شهادت ۱۴ نفر از بهترین مهندسان و همکاران شد. البته بعضی از حمله‌ها کمی خساره داشت و بعضی‌ها خساره بیشتری داشتند و بزرگترین خساره‌ها شهادت همکاران ما بود که جیران ناشدنی است. هر بار پس از هر حمله‌ای آقای هاشمی حداکثر پس از یک ساعت از چند و چون حمله می‌پرسید و بارها پس از حمله‌های جدی به نیروگاه ایشان بصورت خیلی ساده و سرzed از نیروگاه اتمی و از محل های تخرب شده بازدید می‌کردند که باعث دلگرمی و استقامت همکاران نیروگاه اتمی بوشهر می‌شد.

#### ۵- تکمیل واحد یکم نیروگاه بوشهر

پس از چندین بار مذکور در دوران نخست وزیری جناب آقای مهندس موسوی و بهانه تراشی‌های شرکت زیمنس برای تکمیل نکردن واحد یکم و به اتمام نرساندن کار، قرار شد خودمان نگهداری کامل کرده و کارهایی را که لازم است در جهت اینم کردن بیشتر این نیروگاه بکار بگیریم. این کارها به موقع انجام شد و شاید مهمترین کار مهندسی کشور در آن تاریخ که به نظر اینجانب هنوز هم تکرار ناشدنی است توسعه یک گروه ۶۰۰۰ نفری از بهترین اساتید دانشگاه‌ها و مهندسان مجروب کشور برای تکمیل کرده اینم نیروگاه بوشهر (واحد یکم) انجام شد که پس از ۴ سال کار شبانه روزی بروزی توانتند که این عبارت بود از: که چندین بار نیمه‌های ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله هاشمی طول کشید برسانند. البته این کار نیمه‌های ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله هاشمی طول کشید که اهم آن عبارت بود از:



# دوری از هاشمی بسیار سخت است خیلی از مخالفان آمدند و گریه کردند و تسلیت گفتند

گفتگوی حاجیه خانم عفت مرعشی با روزنامه جمهوری اسلامی بمناسبت نخستین سالگرد آیت الله هاشمی رفسنجانی

در آستانه سالگرد رحلت آیت الله هاشمی رفسنجانی، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی سؤالاتی را با همسر مکرمه آیت الله هاشمی رفسنجانی حاجیه خانم عفت مرعشی در میان گذاشت که آنچه مطالعه می فرمائید، حاصل این گفتگو است.



اول زندگی ما بود، اداره زندگی به تنها بی با ۵ فرزند کوچک که برخی موقع به مریضی سخت دچار می شدند و رفتن به زندانهای مختلف برای ملاقات هاشمی همه سخت بود اما یک انگیزه معنوی و اساس خوبی داشتیم که همه این مشکلات را با خاطر اسلام و پیروزی انقلاب و مبارزه با ظلم، تحمل می کنیم، اما هر کس حرمتها و کارهایی که در این سالهای آخر عمر اقای هاشمی در حق ایشان و فرزندانش شد، برايم سخت تر بود و اینکه اقای هاشمی در اوج مظلومیت رفت خیلی درآور است.

## \*از مخالفان آیت الله پس از رحلت ایشان چه خاطراتی دارید؟

- خیلی از این آقایان آمدند و گریه کردند و تسلیت گفتند، خصوصیت اقای هاشمی این بود که کینه ای نبود و راحت از افرادی که به او ظلم کرده بودند می گذشت و مطمئن هستم کسانیکه قبل از فوت ایشان هم از ایشان حلالیت نگرفتند، اما در دل متقلب شدند، را می بخشند.

\*کدام یک از آرزوهای آیت الله را سراغ دارید که امروز برآورده نشده است؟

- اقای هاشمی یک آرزوی همیشگی برای کشور داشت و آن وحدت و عدم اختلاف و کدروت میان افراد و گروهها بود، ایشان همیشه می گفت برای اینکه بتوانیم برای کشور کار کیمی، نباید توaman صرف دشمنی و اختلاف با یکدیگر بشود و فکر می کنم این موضوع هنوز برآورده نشده است.

ایشان برای خانواده اش نیز یک آرزو داشت و این بود که در مورد مهدی، درست به پرونده اش رسیدگی شود و حق پایمال نشود، برای اعاده دادرسی پرونده مهدی هم در ماههای آخر، خیلی پیگیری کردند اما هنوز به نتیجه نرسیده است.

\*شما سنگ صبور آیت الله هاشمی در برخورد ایشان با ناملایمات بودید، ایشان چگونه نامهربانی ها را تحمل می کردند؟

- در این حود شصت سالی که من در کار ایشان بودم، به ندرت از ایشان گله و شکایتی شنیدم، بخصوص در مورد مسایل خودشان که اصلا گله نمی کردند و این من و بجهه ها بودم که از اینکه نسبت به اقای هاشمی ظلم وی احترامی می شود، شکایت می کردیم و همیشه ایشان می گفتند مساله ای نیست و ما را دعوت به آرامش می کردند. من فکر می کنم علت اصلی گذشت و سبب اقای هاشمی در مورد ظلم هایی که به ایشان می شد این بود که اقای هاشمی خودش را نمی دید و فقط به فکر انقلاب و مردم بود.

## \*در یکسال گذشته چگونه دوری ایشان را تحمل کردید؟

- هیچ وقت فکر نمی کردم حتی یک روز هم من زنده باشم و اقای هاشمی نباشد، همیشه در ذهنم این بود که من زوtier از ایشان می روم برای همین اصلاً آمادگی نداشتم این داغ را تحمل کنم، و دوری ایشان بسیار سخت است اما محبت مردم و قدردانی آنها را که می بینم قدری آرام می شوم.

\*گرفتاری های مربوط به دوران مبارزه برای شما ساخت بود یا امروز که ایشان پس از این همه خدمت به مردم و کشور در کنار شما نیستند؟

- مشکلات ما قبل از انقلاب و در دوران مبارزه خیلی زیاد بود، تحمل بار و مسئولیت زندگی و فرزندان در حالی که آقای هاشمی اکثرا بودند، یا در زندان بودند یا در حال فرار از دست سواک و در سفر برای همراهی کردن انقلابیون یا در جلسات مختلف، در بعضی مواقع که ایشان تحت شکنجه بودند و حتی امکان صدور حکم اعدام برایشان وجود داشت نیز شرایط من سخت تر می شد و نگرانی و تلاش برای نجات ایشان مسالمه به فکر انقلاب و مردم بود



مهندس محمد هاشمی:

# در برابر تهاجم دشمنان به نظام جمهوری اسلامی، خاکریز اول بود

که در زمان ترسور آقای هاشمی امام پیام می‌دهند و در پیامشان هم می‌گویند: بدخواهان بداند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است. پس آقای هاشمی را متراقب با نهضت اسلامی می‌دانند و این جمله‌ای است که شخص امام می‌گوید و نه یک مدیر در نظام جمهوری اسلامی. نکته دیگر اینکه در همان ابتدای انقلاب که اشخاص دیگری مثل شهید بهشتی و مطهری هم تبرو شدند این درباره هیچ کس دیگری به کار نبردند.

\* آیا می‌توانید



مهندس محمد هاشمی برادر و رئیس دفتر آیت الله هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از نزدیکترین افراد به آیت الله از شمار می‌رود. او که از دانشجویان انقلابی مقیم امریکا در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود، بعد از انقلاب علاوه بر ریاست سازمان صدا و سیما معاون رئیس‌جمهور در امور اجرایی، عضو سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام محرم اسرار ایت الله هاشمی رفسنجانی هم بود که در گفتگو با وزیر نامه روزنامه جمهوری اسلامی به دقایق بیشتری از زندگی برادری‌گوار خود اشاره کرده است. متن گفتگو به شرح زیر است:

\* جناب آقای مهندس هاشمی، جنابالی علاوه بر برادری وفادار، در کارهای اجرایی نیز به عنوان همکاری با ارزش سالها در کنار آیت الله هاشمی رفسنجانی بوده اید، اگر بخواهید مجموع خصایل ایشان را در یک جمله یا حتی یک کله بیان کنید، چه می‌گویید؟  
- بسم الله الرحمن الرحيم. با تشرک از شما، من حاصل همه تجربیات و با آیت الله بودن را می‌توانم در مردمی بودن ایشان خلاصه کنم که همواره در مردم، در ایشان هم بود.  
اگر بخواهیم ریشه این مسائل را بررسی کنیم هم مستندات و هم زمان زیادی را می‌طلبید. اما به طور خلاصه می‌توان گفت اصولاً تفکر امام و شاگردانشان مثل آزاداندیشی، توسعه گرایی احترام به حقوق مردم و فراهم کردن شرایط برای تحصیل علم و دانش و تأسیس دانشگاه آزاد که امروز شما بهتر می‌کنند به چه وضعی درآمده و کسانی که اینگونه ناسپاسی می‌کنند و به قولی نمک خوردن و نمکان را شکستند؛ ثمره تفکر و تلاش آقای هاشمی است که از هیچ شروع شد و در حال حاضر جزو بزرگترین دانشگاه‌های جهان است. تمام این موارد زمینه‌هایی است که وقتی به نوع حملات و دلالت افرادی که به ایشان حمله می‌کنند نگاه کنیم متوجه می‌شویم که ریشه تمام حملات به تفکر خاص آقای هاشمی که برگرفته از تفکر امام و تفکر امام نشأت گرفته از تفکر اهل بیت بود، بر می‌گردد.  
بنابراین وقتی که نوشته‌های مخالفان را از گذشته و چه در حال، مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که تلاش کرده‌اند که ثابت کنند مثلاً آقای هاشمی خواهان ادامه جنگ نبوده و خواهان آتش بس و صلح بودند. حتی ادعایی که آقای هاشمی به امام تحمیل کرد که قلعه‌های را پیشترین. گویندگان این حرفاها در رسائمهای مشخص هستند خوب این همه تلاش نمی‌خواهد، آقای هاشمی هیچ وقت طرفدار جنگ نبودند و همیشه طرفدار صلح بودند. بطور مثال در سیاری از کتاب‌ها سعی شده که اثبات کنند آقای هاشمی طرفدار توسعه بوده. خوب آقای هاشمی قبل از انقلاب بسیاری از کشورهای دنیا را سفر کرده‌اند تا بینند آنها چه دارند، چگونه حکومت می‌کنند؟ چه اختلافی با کشورهای جهان سوم دارند. لذا بعد از این سفرها و مطالعات راه را در توسعه می‌دیدند.

آقای هاشمی می‌گفتند عده‌ای می‌گویند اگر الان یک نان داریم ۶ قسمت کنیم

وقتی که جمیعت زیاد شد ۱۰۱ قسمت کنیم، اما در عین حال مخالفین بودند و اعتقاد داشتند با این امکانات و استعدادهای کشور مردم باید رفاه و آسایش داشته باشند و لذا بسیاری از این ناحیه به او حمله می‌کردند و در قضیه جنگ هم بالاخره این پیشنهاد از جوانمردی و ایثار خاص سرچشمه می‌گیرد و استدلال ایشان هم این بود که با توجه به گزارش‌های دولت و نیروهای نظامی و سپاه و... شرایط برای ادامه جنگ مهیا نبود و باید به سمت صلح برویم. و به امام هم می‌گویند من به عنوان جانشین شما فعالیت می‌کنم و شما می‌توانید مرا محاکمه و اعدام کنید. پس علت حملات به آقای هاشمی به نوع تفکر ایشان و خاستگاه ایشان که مردم محور بود بر می‌گردد و اینکه از کجا به این تفکر رسیدند می‌توان به دوران زندانی شدن در زمان قبل از انقلاب و نگارش ۵۰ جلد تفسیر قرآن اشاره کرد که این موضوع نیازمند یک نگرش خاص و داشت بالا است.

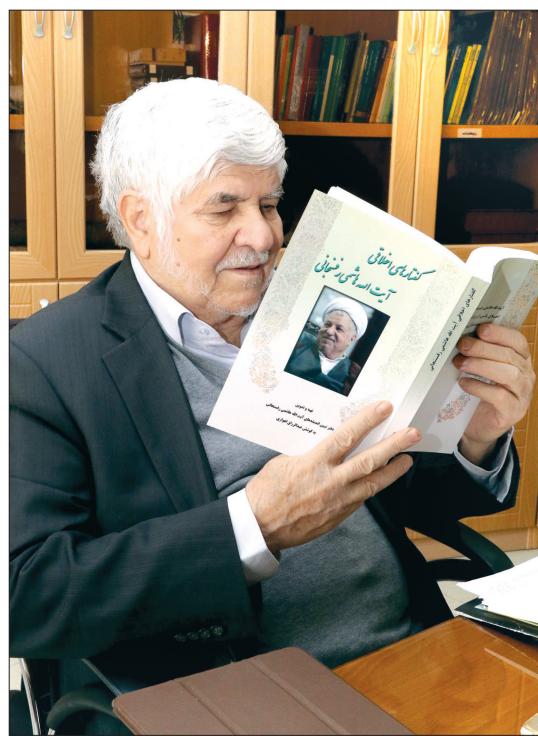
\* با این تعریف می‌خواهید مخالفان افکار آیت الله هاشمی رفسنجانی را مخالفان اصل جمهوری اسلامی مورد نظر امام خمینی معرفی نمایید؟

- بله؛ مخالفان می‌دیدند در برابر امام و رهبری نمی‌توانند کاری کنند به آقای هاشمی به عنوان خاکریز اول حمله می‌کردند تا اصلاح اسلامی در کار نباشد و دیگر ملت‌های ستمدیده هیچ الگویی نداشته باشند. این تفکر متأسفانه در داخل هم طرفدارانی پیدا کرد که از اصل هدف دشمنان غافل بودند. حال که علت و عوامل این همه مخالفت با آقای هاشمی مشخص شد.

- اگر به روزهای آغازین مبارزات انقلابی نگاه کنید متوجه خواهید شد که آقای هاشمی در آن شرایط زمانی دست به تأییف کتابی درباره امیرکبیر می‌زند که اگر این کتاب را مطالعه کنید می‌بینید که تأکید اصلی این کتاب روی اصلاح جامعه است. سخنران مراسم چهلمین روز درگذشت حاج آقا تعریف می‌کردند که در آن زمان دو کتاب در دانشگاه‌ها طرفداران زیادی داشت یکی همین کتاب امیرکبیر و دیگری ادعایه علیه غرب؛ که آقای هاشمی در کتاب امیرکبیر خواهان اصلاح امور بود. بنابراین آقای هاشمی از همان زمان جوانی و طلبگی خواستار اصلاح امور در جهت رفاه و آسایش مردم بود. اما در طیف مقابل هاشمی این چنین نبود. یعنی همان افرادی که مقابله امام بودند، به تبییر بنده که مستند هم نیست و قبلاً نیز به آن اشاره کرد، مخالفان آقای هاشمی که مخالفان امام هم بودند، همواره آقای هاشمی را خاکریز اول می‌دانستند. این اصطلاح خاکریز اول اصطلاح من نیست و چه در زمان امام و چه در زمان رهبری انقلاب مخالفان در حقه‌ها و نشريات خود بیان می‌کردند که هاشمی خاکریز اول است و باید هاشمی را از میان برداریم تا بتوانیم انقلاب را از بین بریم، و از همین‌روست

**\* در همین سال‌های اخیر مسئول دفتر ایشان بودم و پیشنهاد می‌کردم که پرونده بسیاری از هتکان و مفاسد آنها موجود است، اگر شما اجازه بدھید با چند رسانه درباره مفاسد آنها ایشان موکدا می‌گفند که شما در این جریانات بخواهند بکنند و بگویند**

**\* اگر موفق شدند که هاشمی را از صحنه تلویزیون و رسانه‌های دیگر حذف کنند و اما هاشمی در قلب مردم جا داشت**



عادالت اجتماعی نبودند و به همین خاطر در گزارش‌هایی که سازمان برنامه و بودجه به ایشان می‌دادند به ضریب جیبی بسیار حساس نبودند. اما گاهی اتفاق می‌افتد که در اجرا جور دیگر اتفاق می‌افتد در اینجا باید به بحث ضرورت‌ها اشاره کرد. به عنوان مثال در اوائل انقلاب مهمترین مساله کشور جنگ بود. در برخه‌ای از انقلاب مبتنی بر شرایط مختلف برخی مسائل حتی به موضوعات ریشه‌ای از جایت داشت، اما متسافنه در برخی رسانه‌ها از این زاویه به مسائل نگاه نمی‌شود و شرایط حال را می‌بینند.

\* یکی دیگر از انتقادات به آیت‌الله از سوی جبهه به اصلاح اصلاحات این بود که چرا آقای هاشمی در دوران ریاست جمهوری خود جریان وزارت اطلاعات را به دست تندروها سپرده بودند. نظر شما چیست؟

- من دقیق نمی‌دانم در چیزی وزرا در آن دوران ایشان از چه مجرای عمل کردند زیرا من تا اندیزه‌ای می‌توانستم مسائل را پی‌گیری کنم و از طرفی مسؤولیت من از زمان تصدی ریاست سازمان صدا و سیما

بسیار سنگین بود و مدعیان زیادی هم در همین مدیریت صدا و سیما در دوران امام خمینی داشتیم از همین رو بیشتر وقت من صرف اداره سازمان می‌شد برخلاف زمان کنونی که صدا و سیما هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد و هیچ کس هم اعتراض نمی‌تواند بکند.

ایشان در تصمیم گیریها به مقتضیات زمان نیز عمل می‌کردند موضوع دیگری که درباره شخصیت آقای هاشمی می‌توان به آن اشاره کرد بحث ایند نگری ایشان بود. اگر نامه به اصلاح «بدون سلام» آقای هاشمی را در سال ۸۸ بخواهد وحوادث روز را نگاه کنید متوجه خواهید شد که ایشان از ۱۰ سال قبل چنین روزهایی را پیش‌بینی می‌کردند در آن روزها هر کس که این نامه را می‌خواند فکر می‌کرد که هاشمی جنگ قدرت در سر دارد، اما می‌بینید که همان مطالبی که ایشان بیان کردند اتفاق افتاده است. این رفتار نشان می‌دهد ایشان به تکلیف شرعی و قانونی خود عمل می‌کردند.

\* جناب مهندس بعد از گذشت یک سال از درگذشت آقای هاشمی آیا اطلاعات بیشتری درباره نحوه فوت ایشان دارید؟

- اطلاعات بیشتری ندارم. همانطور که قبل این گفتم من به عنوان اولین فرد از اعضای خانواده ایشان در بیمارستان حاضر شدم و شرایط سیار خاصی بود و مجلای برای تعقل نبود و در شوک بودم در آن روز نظر پزشکان درباره علت مرگ ایشان، ایست قلبی بوده است. به هر حال ایست قلبی هم خود علتی دارد که همین موضوع منشاء بسیاری از اظهارات شده است. من در همان ساعت‌های اولیه که با پزشکان ملاقات داشتم این رخداد را به بیرونی نمی‌داندند و می‌گفتند که اما هاشمی در وجودشان نیست به همین خاطر تمام آن لحظات آخر در چشم من مجسم است و از یاد نمی‌رود.

\* آیا درباره آگاهی خانواده در باره علت ایست قلبی ایشان پیگیری هم صورت گرفته است؟

- بهله، شورای امنیت جلسه‌ای با حضور اعضای خانواده آقای هاشمی تشکیل داد که ایشان بیان کردند.

\* در زمان فوت آقای هاشمی اظهاراتی مبنی بر وجود درجه بالایی از اشتعه آلفا در بدن ایشان وجود داشت. منشاء این نوع اظهارات به نظر شما چه می‌تواند باشد؟

- من اطلاع دقیقی ندارم و این یک بحث علمی است که اشتعه آلفا چگونه و از کجا تولید می‌شود و چطور وارد بدن می‌شود.

\* به هر حال این موضوع در میان مردم جامعه بسیار بحث برانگیز است و تحلیل جامعه به سمت جزئیات این حادثه گرایش شدیدی دارد به ویژه آن که در بدن همسر آقای هاشمی هم وجود اشتعه تائید شده بود.

- بله؛ به گفته دختر آقای هاشمی این موضوع درباره بدن همسر آقای هاشمی هم تأیید شده اما با درجه بسیار کمتر نسبت به خود آقای هاشمی.

\* آیا برای فرار سیدن اولین سالگرد درگذشت آقای هاشمی مطلب خاصی در ذهن دارید که شما را به آن مشغول کرده باشد؟

- به این نکته از قول آیت‌الله جوادی املى بسیار فکر می‌کنم که فرمودند: «دست آقای هاشمی در آن دنیا بازتر است و ایشان پیام شهدا و امام(ره) را به حضرت رسول رسانند». البته آیت‌الله جوادی املى تغییر دیگری هم داشتند همانکه «مزار ایشان روضه‌ای است از رضوان بیشتر.»

این سؤوال برای خود آقای هاشمی هم پاسخ روشنی داشت که چرا باید تحمل این مخالفتها سخت باشد؟ در حالی که مخالفان با اعمالی که انجام می‌دادند و به آقای هاشمی حمله ور می‌شدند جامعه متقدیر و روشنگر به حقانیت ایشان پی‌می‌برد و وقتی که آقای هاشمی می‌دیدند که عده‌ای از افراد ندان از جذب چنین تفکری شدند، تمام آن بی‌اخلاقی‌ها را تحمل می‌کردند.

\* به نظر جنابعالی افراد اثر گذار در عرصه‌های جهانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را چگونه می‌دیدند؟

- از بعد خارجی هم می‌توان گفت آقای هاشمی تنها یک شخصیت ایرانی نبود و بسیاری از مجلات، سایتها و خبرگزاری‌های خارجی هم به ابعاد شخصیت آقای هاشمی در ابعاد جهانی و منطقه‌ای پرداختند و در بیان این منابع به صراحت تفکر و شخصیت ایشان مورد تحلیل و تمجید قرار گرفته است.

نکته مهم و تأسف بار در جریان تخریب شخصیت آقای هاشمی این بود و هست که اگر قبل از همین تهمت‌ها از زبان افراد فراری و یا منافق بیان می‌شد، اما حال این تهمت‌ها از تریبون‌های گفته می‌شود که مقدس هستد مثل مساجد، مجلس یا از زبان برخی مسئولان کشور، لذا تفاوت این تخریب‌ها در دوران اول انقلاب با دوران اخیر این بود که آن تهمت‌ها از زبان منافق، سلطنت طلب و خارج نشین به هاشمی و خانواده‌اش گفته می‌شد، اما در سال‌های اخیر در داخل و از زبان برخی اشخاص بیان می‌شود که انشالله هدایت شوند.

\* آیا شده که از ایشان بخواهید بیشتر از خود دفاع کند و اعقایات را به اطلاع مردم برسانند؟

- بهله، ایشان این مهمه بی‌اخلاقی‌ها را با سمعه‌صدرخود تحمل می‌کرند و حتی بعض این تحمل برای ایشان شیرین بود. بندۀ در همین سال‌های اخیر مسئول دفتر ایشان بودم و پیشنهاد می‌کردم که پرونده بسیاری از هتاكان و مقاصد آنها موجود است، اگر شما اجازه بدید با چند رسانه درباره مفاسد آنها صحبت کنیم تا مردم چهره واقعی این هتاكان را شناسند اما ایشان موکدا می‌گفتند که شما در این جریانات دخالت نکنید و بگذراید هرچه می‌خواهند بکنند و بگویند. البته کم کم حیا از بین رفت و دشمنان ایشان که چند بار تلاش کردن او را ترور فیزیکی کنند اما به هدف خود نرسیدند، بعداً رuo ترور شخصیتی ایشان تمرکز کردند که آن هم به خواسته الهی تیجه عکس داد که نمود آن رادر مراسم تشییع پیکر ایشان دیدیم و هیچ کس باور نمی‌کرد که هاشمی اینقدر در قلب مردم جا دارد. اگر موفق شدند که ایشان را از صحنه تلویزیون و رسانه‌های دیگر حذف کنند؛ اما هاشمی در قلب مردم جا داشت.

\* تحمیل این تهمت‌ها و هجمه‌ها به آقای هاشمی به کدام بعد شخصیتی ایشان برمی‌گردد؟

- آقای هاشمی به شدت برای شخصیت و حریم افراد احترام قائل می‌شند و حاضر نبودند که به کرامت کسی توهین شود. سینه آقای هاشمی پر از اسرار بود که با خود برد، اما حتی یک بار هم حاضر نشد از این دانسته‌های خود برای دفاع استفاده کند. وی گفتند که کرامت انسانی اجازه نمی‌دهد تا کسی را رسوا کنم و اعتقاد داشتند که اگر من هم وارد این جریانات بشوام معلوم نیست که تیجه چه خواهد شد و به ضرر انقلاب و کشور تمام خواهد شد و برای اینکه اتفاق بیشتر نیست تمام اینها را تحمل می‌کنم گاهی اوقات بروز برخی مشکلات را به نظام نسبت می‌دهیم اما نظر ایشان در این موقع این بود که ساختار نظام اشکالی ندارد اما عملکرد اشتباه دارد که با هم درباره این مباحثه هم صحبت می‌کردیم که اگر ساختار اشتباه نیاشد در نتیجه نباید عملکرد هم اشتباه باشد اما ایشان قبول نداشتند و اعتقاد داشتند که اشتباه در عملکرد فردی است و از نظر ساختاری اشکالی وجود ندارد.

نظام اسلامی هم یک ساختاری دارد که یکی از مسائل آن حفظ کرامت انسانی است. نظام اسلامی باید مبتنی بر قانون اساسی باشد و اگر از آن عدول کنیم دیگر نظام نیست و امام هم به حفظ کرامت حکومت اشارة نکرند.

\* به نظر می‌رسد برخی از انتقادات به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به شیوه مدیریت ایشان در دوران ریاست جمهوری است که می‌خواستند به سرعت روند توسعه در کشور رقم بخورد به ویژه اعتقاد به تقدم توسعه اجتماعی به عدالت اجتماعی بوده است، نظر جنابعالی در این باره چیست؟

- اسلام‌ایشان توسعه بدون عدالت اجتماعی را قبول نداشتند. چون در کنار توسعه اجتماعی بحث تامین اجتماعی مطرح بود و حتی لایحه تامین اجتماعی را در دوره ریاست جمهوری خود به مجلس ارائه کردند و مبادی هم برای آن پیش‌بینی کردند.

## \* سینه آقای هاشمی پر از اسرار بود که با خود برد، اما حتی یک بار هم حاضر نشد از این دانسته‌های خود برای دفاع استفاده کند

## \* نظام اسلامی باید مبتنی بر قانون اساسی باشد و اگر از آن عدول کنیم دیگر نظام نیست

## \* آقای هاشمی را در سال ۸۸ بخواهید و حوادث روز را نگاه کنید شد که ایشان از ۱۰ سال قبل چنین روزهایی را پیش‌بینی کردند

## نقش اخلاق در رفتار سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

مهندس محسن هاشمی

مقدمة

از سینین نوجوانی و بلوغ که خود را بیشتر شناختم، با پرسش‌های فراوانی در رابطه با مسائل مختلف اعتقدای، اجتماعی و فرهنگی مواجه می‌شدم که آیت‌الله در مقام استاد، با پاسخ‌های هوشمندانه، کوتاه، اما قانع کننده، تمایل را به یادگیری تشویق می‌کرد و این روند تا آخرین روزهای حیات پربرگتش ادامه داشت، و ایشان نه تنها به عنوان یک پدر، بلکه به عنوان یک اسوه و الگو برای خانواده، بستگان، دوستان و هموطنان نقش ایفا کردند. ویزگی‌های اخلاقی ایشان در بعد فردی و اجتماعی، جالب توجه بود، مهربانی و عطفت، خانواده دوستی، حفظ اسرار دیگران و رازداری، تدبیں بدون تحصیب، پشتکار و پرهیز از اتلاف وقت، صبوری و خودداری از عصباتیت و تندی، امید به آینده، عقلانیت و اعتدال، استیاق به یادگیری، دنیادیده‌گی، خیرخواهی برای دیگران، عشق به مردم و آینده ایران، پرهیز از ریا و زهدفروشی و دههای خصوصیت دیگر موجب تأثیرگذاری عمیق آیت‌الله هاشمی بر جامعه ایران در بیش از نیم قرن شد.

آنچه از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی ایشان در خارج دارم همراهی با ایشان از حدود ده سالگی جهت شرکت در هیأت مذهبی خصوصاً هیأت انصار الحسین بن علی تفسیر قرآن و سخنرانی بود، ایشان با وجود ممنوع المبیر بودن در اکثر جلسات مذهبی و مساجد مهم تهران حاضر می‌شدند و به سخنرانی می‌پرداختند و کم کم این سخنرانی‌ها به حسینیه ارشاد و سپس دانشگاه‌ها و محافل روشنگری نیز کشیده شد.

ایشان به عنوان یک روحانی هوشمند و متفاوت، در تمام عرصه‌های از فرماندهی جبهه‌های انقلابی تا اداره مبارزه و فعالیت‌های اقتصادی جهت اداره خانواده‌های زندانیان نهضت، حضوری فعال داشت. ثروت و مال از نگاه ایشان و سبله‌ای برای تحقق اهداف ارزشمند بود و اهمیتی ذاتی نداشت، استفاده از مواهب الهی در حد نیاز برای خود و خانواده و پرهیز از اسراف و اتراف، واقع گرایی و عدم تنگ‌نظری در معیشت، تسامح و تساهل در برخورد با دیگران و صلح‌جویی و تنفر از خشونت، درگیری و کینه توzi از صفات بارز دیگر ایشان بود.

در این فرصت کوتاه به مرور تاثیر بخشی از ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تأثیرگذاری رفتار و کنش‌گری سیاسی ایشان می‌پردازیم.\*

است و هم دلی فهم موقعيت و شرایط طرف مقابل. انسان‌ها از هم دردی تنها آرامش می‌باند، اما با همدلی مود فهم و مشورت قرار می‌گیرد، هم دردی در میان انسان‌ها به خصوص ایرانیان به فراوانی به چشم می‌خورد، اما همدلی به دلیل نیاز به توانایی فهم شرایط و موقعيت متفاوت طرف مقابل و جمع ذهنی تضادهای موقعيت خود و دیگری کمتر دیده می‌شود. در رفتار سیاسی هم دردی ممکن و بعضاً مفید نیست، اما هم دلی می‌تواند سیار اثربخش باشد.

**رفتار سیاسی و اخلاق فردی**  
کش گری سیاسی محل بروز بینش، نگرش، منافع و مصالح  
کنش گران است، بخشی از رفتارهای بروز بافته در کش گری  
سیاسی است، اما خلقيات فرد چه تأثيری در کش گری سیاسی  
دارد؟

خلاقیات فردی، به معنای صفات یا ویژگی‌های فردی نهادینه شده در فرد می‌باشد، راست‌گویی با دروغ‌گویی، اعتماد کردن یا اعتمادی به دیگران، کرنش در برابر قدرت یا حفظ کرامت انسانی، تمایل به همکاری گروهی یا فردگاری در فعالیتها و موارد دیگری از این دست را می‌توان به عنوان صفات و خلقيات فردی نام برد.

محمدعلی جمالزاده در «خلقيات ما ايرانيان» در سال ۱۳۴۵، خلقيات عمومي ايرانيان را از نگاه خود و با ارجاع به آثار هنرمندانه قيمت داده است:

اما به نظر میرسد در حوزه رفتارهای سیاسی، برخی خلقيات تأثير خاصی بر رفتار فرد و دستاوردهای وی دارند که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. توانایی کنترل احساسات و عواطف (EQ) یا هوش هیجانی
۲. قدرت هم‌دلی

۳. قدرت گذشت  
۴. توانایی اعتماد کردن و مورد اعتماد واقع شدن

۷. صداقت اجتماعی و بـهـنـهـاـزـ،  
۸. خویشندگاری  
۹. میران اعطاـفـ

۸. سعه صدر و محل رجوع واقع شدن برای رفع اختلافات حکم آیت الله هاشمی رفسنجانی در فراتر از حد متعارف از این ویند

۱. قدرت مدیریت عواطف و هیجانات: یکی از ویژگی‌های ع احساسات و هیجانات است، بهمین دلیل شاهد نسبت با

هستیم، بروز و پایابی عصبانیت نزخ شیوع بالا بی در میان شهرهوروند فردی بر اساس احساسات و عواطف صورت می‌گیرد تا محاسبی هستیم در رفتارهای سیاسی ما، رفتارهای سلی بیش از ایجابی

کنش گران سیاسی طی دو دهه اخیر عموماً براساس رای ندادن احساس مظلومیت و مخالفت قطب رأی آور با قدرت برتر جامعه

در میان علاوه بر این جامعه ایران بیزاین عوامل و احساسات شناخت و کنترل احساسات و عواطف و هیجانات فردی توانایی شناخت و کنترل احساسات و عواطف و هیجانات فردی (Emotional Quotient) EO نامیده شد.

و هیجان خود و توانایی مدیریت آن را نشان می دهد. یک کشته که نتواند به خوبی عواطف و هیجانات خود را مدیریت کند قادر به روابط قدرت نخواهد بود.

۲. توانایی همدلی: توانایی همدلی (Empathy)، به میز رفتار و موقعیت دیگران اطلاق می‌شود، فهم دلایل و انگیزه‌های

برقراری مؤثر ارتباط با آنان، توانایی اقتناع و مدیریت مجموعه اند  
هم‌دلی با هم‌دردی متفاوت است، هم‌دردی دارا بودن احساس

[View Details](#) | [Edit](#) | [Delete](#)

\* آیت الله  
هاشمی  
رفسنجانی  
به عنوان  
یک روحانی  
هوشمند و  
متفاوت از  
فرماندهی  
جبهه‌های  
انقلابی تا  
اداره مبارزه  
و فعالیت‌های  
اقتصادی  
جهت اداره  
خانواده‌های  
زندانیان  
نهضت،  
حضوری  
فعال داشت.  
ثروت و مال  
از نگاه ایشان  
وسیله‌ای برای  
تحقیق اهداف  
ارزشمند بود  
و اهمیتی ذاتی  
داشت

**\*آیت الله هاشمی رفسنجانی در بعد فردی و اجتماعی، جالب توجه بود، مهربانی و عطوفت، خانواده دوستی، حفظ اسرار دیگران و رازداری، تدبیر و تدبیر بدینه، عقلانیت و از عصباتیت و پرهیز از اتفاقات و قدرت، صبوری و خودداری برای دیگران، عشق به مردم و آینده ایران، پرهیز از زهد و رهبری و خصوصیت دیگر موجب تأثیرگذاری عمیق بر جامعه هاشمی در بیش از نیم قرن شد.**

۷. صداقت اجتماعی و پرهیز از ریا: در جوامع دینی و بهخصوص در زمان حاکمیت حکومت دینی، ریا و ظاهر به دین داری، زهد و ایمان، یکی از صفات شایع در میان افراد بهویژه شخصیت‌های دینی یا سیاسی می‌باشد. علت این شیوه رابطه میزان تأثیرگذاری فرد با میزان باور عمومی از دین داری و زهد وی می‌باشد. بنابراین کاهش صداقت اجتماعی و افزایش ریا و ظاهر به دین داری، به یکی از صفات شایع در میان افرادی که به دنبال افزایش قدرت و اثرگذاری خود در جامعه و حکومت دینی هستند تبدیل می‌گردد.

۸. سعه صدر و مرجع حل اختلافات: بدباری در شنیدن، فهم موقعيت طرف مقابل و عبور از موضع گیری منفی و شخصی در مورد مصلحت، موجب می‌گردد تا فرد به مرچی در حل اختلافات و حکمیت مسائل تبدیل گردد.

در دو دهه‌ای که افتخار یافتم به صورت مستقیم با ایشان در مسئولیت‌های نظیر بازرسی ویژه رئیس جمهور، رئیس دفتر رئیس جمهور و سپرستی دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام همکاری کنم؛ رفتار کاملاً کنترل شده ایشان با موضوعات و مسائل مطرح شده، به صورتی که ایشان به مسؤولین مربوطه آرامش و امید می‌دادند به گونه‌ای که پی‌گیری و رفع موانع و دلسویزی در امور مردم و صداقت در رفتار و گفتار را بهوضوح در ایشان مشاهده کردم، که در باب هریک می‌توان مطالب زیادی را بازگو کرد که فرست این مقاله اجازه آن را نمی‌دهد، اما اشاره به سه موضوع نشان از میزان آرامش، آینده‌نگری و سعه صدر ایشان در شرایط بحرانی را دارد:

تألیف «تفسیر راهنمای» در اوج شرایط خطر و نامنی در زندان طغوت، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در شرایط سخت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ابتدای انقلاب، برای همگان مت BRO در اوج جنگ، که نتایج این گونه اقدامات ایشان در دهه‌های بعدی، برای همگان آشکار شد، و نشان داد که آیت الله هاشمی رفسنجانی به حق فراتر از زمانه خود می‌اندیشد و زندگی می‌کرد.

در ادامه این نوشتار، به مواردی از خاطرات منتشر شده ایشان که حکایت از ویژگی‌های فوق دارد اشاره می‌کنیم:

#### توانایی کنترل و مدیریت احساسات (هوش هیجانی)

از دفتر امام، آقای صانعی تلفن کرد و خبر داد که در دفتر حزب جمهوری اسلامی، بمی‌منفجر شده و عده‌ای شهید شده‌اند، همه وحشت کردیم. جلسه مشترک نمایندگان و مسؤولان اجرایی حزب بود. در تلفن‌های بعدی اطلاع رسید که بم در همان سال در حال سخترانی آقای بهشتی منفجر شده، در حالی که نزدیک به یکصد نفر از افراد مؤثر مملکت خسرو داشته‌اند و ساختمان و بیان شده و همگی زیر آوار رفتگان و ماموران مشغول بیرون اوردن شدها و مجروحان هستند. با تلفن‌ها، خبرها در همه شهر منتشر شد. تا ساعت دو بعد از نصف شب بیدار ماندم و مرتباً خبر می‌گرفتم. خبرها وحشتناک بود و حاکی از شهادت دهها نفر؛ که بالآخره خبر شهادت آقای دکتر بهشتی کرم را شکست. گرچه خبرهای ضد و نقیض روزنامه‌ای برای امید باز می‌دانست: فقط چند لحظه‌ای خواهد شد (۷ تیر، سال ۱۳۶۰).

اول وقت بعد از نماز و کمی مطالعه، عفت تلفنی اطلاع داد که آقای لاهوتی را دیشب به بیمارستان قلب برداند. بالاخصه تلفن زد و گفت از دین رفته‌اند. تماس گرفتم، معلوم شد صحت دارد. آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران گفت: آقای لاهوتی اتهامی داشته‌اند، برای توضیح مدارک مربوط به وحید آمدۀ بودن، که به محض ورود به زندان، چهار سکته قلبی شده و معالجات بایر مانده است. قرار شد پژوهشی قانونی نظر بدهد.

ساعت هشت صبح، جلسه علنی تشکیل شد. من خبر فوت ایشان را دادم و ضمن اعلان خبر، گریه کردم؛ توانستم خودم را کنترل کنم، از این حالت عده‌ای انتقاد داشتند و عده‌ای تعریف کردند (۷ آبان، سال ۱۳۶۰).

#### خوبی‌شتن داری

به محاس رفتم؛ گزارش‌ها بجز از فشار بیشتر نیروهای عراقی به نیروهای ما در فال و نزدیک شدن آنها به شهر و قطع پل ارتباطی ما را اوروند می‌داد؛ حدود ظهر به ما اطلاع دادند که نیروهای می‌تصیم به عقب‌نشینی از او را گرفته‌اند که خلی متأثر شدم. چاره‌ای نداشتم، اگر دستور مقاومت بیشتر می‌دادم، تلفات بیشتری را باستی پیذیریم که نتیجه‌ای مطمئن هم نداشت (۲۹ فروردین، سال ۱۳۶۷).

آقای طاهری رفتم؛ گزارش‌ها بجز از فشار بیشتر نیروهای عراقی به نیروهای ما در فال به خاطر بردن بخششی از امکانات پتروشیمی برای جنگ انتقاد کرد. گفتم باید به اولویت دفاع مقدس توجه داشته باشند. وقتی به اینارها فرم که عقبه کار را بینم، از نگاداری آن‌همه اجناس گران قیمت در اینبار که در معرض بمباران عراق است، بیش ترا راحت شدم و به آنها انتقاد و اعتراض کردم که توضیحات ناقمقوی اراهه دادند (۲۷ آذر، سال ۱۳۶۶).

عصر آن روز آقای رفیق دوست خبر داد که نیروهای ما از جنوب کانال ماهی عقب‌نشینی کرداند. خلی ناراحت شدم، از قرارگاه پرسیدم که آقای شمخانی تائید کرد. گفتم بیست روز جهاد به هدر رفت. بارهای اینها تأکید کرده بودم که اولویت برای اینجا قائل شوند. قرار گذاشتیم، برای نظارت بیشتر می‌دادم، فردا به منطقه بروم (۱۱ بهمن، سال ۱۳۶۵).

نامه‌ای هم از آقای [حسن] رضایی آمد که به نوعی خبر از تأخیر عملیات و احتمال عدم انجام آن می‌دهد؛ ناراحت شدم. فرماندهان بالای سپاه، [غلامعلی] رشید و رحیم

[صفوی] موافقن نمی‌کنند (۲۵ آبان، سال ۱۳۶۴).

#### هم دردی و همدلی

آقای بوسیری فرمود که از اینکه ایشان را بیکار کرده‌اند و دوستانتش را از سپاه اخراج کرده‌اند، گله داشت و گریه می‌کرد. متأثر شدم، قول کمک دادم (۲۸ تیر، سال ۱۳۶۰).

آقای [مرتضی] الوری امد و اطلاع داد که آقای تقی محمدی یکی از متهمنان پرونده [انفجار] نخست وزیری که در بازداشت بوده فوت کرده‌است. بازجوها مدعی اند که انتشار

کرده است. گریه کردم و متأثر شدم. پیش‌نامه مهی است و در کل کار تأثیر خواهد گذاشت (۲۰ تیر، سال ۱۳۶۵).

با آقای دکتر [محمدعلی] هادی [نجف آبادی نماینده تهران] درباره اظهاراتش در جلسه

سنه‌شنبه حزب‌الله‌ها علیه سپاه صحبت کرد. ایشان و آقای [غلامحسین] نادی [نماینده]



مجلس خیلی کاسته می‌شود. آقای غفوری شعاعی صحبت کرد که من را ناراحت کرد (۳). اردیبهشت، ۱۳۶۰).

جمعی از سران جناح چپ دانشگاه، از دفتر تحریک وحدت و انجمن اسلامی آمدند از فشارهای جناح راست برای حذف آنها و فشار اطلاعات و دادگاه و پیزه بر آنها و بر وزنامه سلام کله داشتند و سواحتی در مورد برناهه دوم برای آموزش عالی پرسیدند. آقایان [محسن] رهامی، [سیده] اشام [آقاجیو] و... صحبت کردند. از من حمایت خواستند؛ گفتم سیاست من، حفظ همه جناحهای موجود در کادر انقلاب است و برنامه حذفی را خودشان در دوره قبل شروع کردد که به ضررمانش تمام شد و راه درست این است که دست از افراط ببردارند. (۱۱ آذر، ۱۳۷۲).

#### مرجعیت برای حل اختلافات

اصولاً یکی از عوامل مسئولیت فرماندهی جنگ من، وجود اختلاف بین فرماندهان سپاه وارتش بود و یا اینکه اختلافات کمتر شده اما هنوز وجود دارد و وقت گیر و مزاحم است و امیدوارم در آینده این مشکل حل شود؛ ولی اصولاً باید برای ساختار نظامی و نیروهای مسلح کنور فکری بشود که اضطراب و حقد فرماندهی جدی باشد. این مشکل در نیروهای انتظامی هم با توجه به وجود شهربانی و کمیته و زاندارمی و تداخل وظایف وجود دارد (۲۶ خرداد، سال ۱۳۶۳).

آقایان صد [شیرازی] و [محسن] رضایی هم جداگانه مطالی درباره فرماندهی و اشکالات طرف مقابل گفتند. در عمل واضح شد که ریشه مشکلات، فلاع در اختلاف نظرهای فرماندهان اصلی جبهه و ارتش و سپاه است؛ گرچه همه با اخلاص اند ولی بالآخر اختلاف نظرها جدی است؛ دو شیوه کاملاً متفاوت در یک عملیات واحد وجود دارد (۱۲ اسفند، سال ۱۳۶۲).

عصر جمعی از نمایندگان آمدند و راجع به جنگ بحث کردیم، اغلب از مخالفان فرماندهی سپاه بودند و بیشتر به دنبال تغییر فرماندهی سپاه بودند و می‌خواهند از وضع موجود برای تعییر فرماندهی سپاه استفاده نمایند. عیب کارشناس این است که از مسائل جنگ، برای اعتراض گروهی سیاسی بهره‌گیری می‌کنند.

(۲۶ خرداد، سال ۱۳۶۴)

ساعت هفت صحیح به دفتر آقای خانم‌ای رفتم، درباره سپاه و ارتش را به عهده بگیرم و من هم همین را از ایشان می‌خواهد که مسئولیت تمثیل امور سپاه و ارتش را به عهده بگیرم و من هم همین را از نیزش تأثیر نمی‌بگذارم. اگر این اشکال نبود، مناسب بود که مسئولیت جنگ هم به عهده ایشان باشد. درباره آینده ارتش و سپاه هم مذاکره را برای اولین بار شروع کردیم و قرار شد این مذاکره ادامه بپرساند تا به تنبیه بررسیم (۷ دی، سال ۱۳۶۶).

#### صداقت اجتماعی و پویهیز از ریایا

پک نفر چینی پیش‌بینی کرده است که ساعت ۸ امروز زلزله‌ای به قدرت ۶/۸ ریشتر در تهران روی خواهد داد. آمدن ما به «لتیان» هم بی ارتباط با این نیست. گرچه خودم اصلاً قبول ندارم فقط به خاطر بچه‌ها آدم. با هالی کوپر به سد «لتیان» آمدیم، هوای خوبی دارد، عصر که شد، همراه بچه‌ها خواستم اسکی روی آب یاد بگیرم، کمی دنبال قایق کشیده شدم؛ بدین آمدگی برای چینی ورزشی ندارد. گرچه آسان است. (۳۰ تیر، ۱۳۷۱).

امروز عاشورا است. تا ساعت هشت و نیم صبح خواهدیم، روز را به «استراحت» و انجام کارهای

که با خودم به «لتیان» بردم، گذراندم. نزدیک غروب به خانه برگشتم (۳۱ تیر، ۱۳۷۱).

\* از بادر محمدرضا سقاییان نژاد که زحمت بخش پژوهش در خاطرات آیت‌الله هاشمی ر

شب در دفترم را روحانیون و استاندار و بعضی مسؤولان دیگر کرمان، جلسه چهار ساعت‌ای برای حل اختلافات داشتیم، که حل نشد. با اصرار من، قرار شد همکاری کنند ولی مسلمًا پایدار نیست. خواهان استعفای استاندار هستند (۲۵ آبان، سال ۱۳۶۲).

مهندس [هاشم] صباغیان آمد و برای نجات دوستانشان از حملات جزبالله‌ای، کمک می‌خواست و به فکر چاره‌ای بود، برای آمدن مهندس [مهدی] بازگان و دکتر [بدالله] سحابی به مجلس که چند روزی است نمی‌ایند. پسیں مهندس [عزت الله] سحابی آمد و همین حرفها را داشت، به اضافه کمک خواستن، برای آزادشدن پسرش از زندان که به اتهام همکاری با مجاهدین خلق، بازداشت است (۱۲ آبان، سال ۱۳۶۰).

آقای [ابوالفضل] توکای بینا آمد و از اینکه شغلی در نظام ندارد، گله داشت. گروهی از افراد مبارز قدمی به خاطر مواضع خاص سیاسی - اقتضای منزوی شده‌اند. اختلاف خطوط فکری کم کم دارد آثار سوء خود را نشان می‌دهد (۱۳ آبان، سال ۱۳۶۴).

آقای امامی کاشانی از پخش سوال شورای نگهبان از امام و جواب ایشان در مورد اراضی کشت موقت - که به نفع شورای نگهبان نیست، گله کرد. گفتم تقصیر خودتان است که سوال کردید و جواب امام چیزی جز تائید نوشته اولشان نیست (۱۳ آبان، سال ۱۳۶۵).

ظهور، پسر آقای موحدی کرامی - که یکی از فرماندهان سپاه است - آمد و انتقادی به شیوه عمل فرماندهی سپاه داشت و برای ماندن در سپاه مشورت می‌کرد که گفتم می‌داند: به خصوص از طرح مناطق بزرگ، شیوه آزادسازی نیروها و برخورد با مخالفان حرف زد. آقای حسین حقانی آمد و از دادستان کل کشور در مورد اجازه بردن اثاث مدرسه حقانی، به نفع مخالفان ایشان، گله داشت. به خاطر اختلاف نظر میران مدرسه، به جای دیگر منتقل شده‌اند.

تجزیرات و اثاث را می‌برده‌اند. مدعی است، مال وقف مدرسه است (۲۹ آبان، سال ۱۳۶۴).

نمایندگان آذربایجان غربی هم آمدند و از استاندار آنچا و آقای [علی اکبر] ناطق نوری وزیر کشور به خاطر حمایت از استاندار شکایت داشتند. مسؤولان سپاه پاسداران و صدا و سیما برای رفع گله‌ها و انتظارات طرفین در دفتر من جلسه داشتند که دو ساعتی طول کشید. سپاه توقعت زیادی داشت و در نهایت قاتع شد. ابتدا طلب کار بود و در خاتمه بدکار شد ولی تقاضا برقرار گردید (۱ آذر، سال ۱۳۶۱).

آقای سعیدی مسؤول حفاظت اطلاعات سپاه آمد و برای کار کنترل نیروهای سازمان ملل که برای آتشس در ایرانند، کمک خواست و از عدم همکاری فرماندهان و وزارت سپاه گله داشت (۵ آذر، سال ۱۳۶۷).

آقای [مهدی] کرمی (رئیس مجلس شورای اسلامی) آمد. درباره مسائل سیاسی کشور و آقای منظری و مجلس نمایندگان و خطوط صحبت شد؛ ظاهرآ از رادیکال‌ها راضی نیست، ولی با آنها است (۲۷ آبان، سال ۱۳۶۸).

اعناف پذیری

آقای آیت‌الله وزیر پیوند معادن و فلاتات آمد. از ایشان به خاطر کار گذشتنش عنده خواهی کرد، با روحیه خوبی برخورد می‌کند و آماده کار حتی زیر نظر وزیر جدید است. یک قوطی سوهان از قم آورده بود. یک جلد قرآن به ایشان هدیه کرد. او نظراتی درباره وضع طرحها و کارهای وزارت داد (۹ شهریور، ۱۳۶۸).

امروز در جلسه، برخورد تندی با آقای عمام‌الدین کرمی نماینده نوشهر و آقای [علی] گلزاده غفوری داشتم. تقصیر از آنها بود ولی من نمی‌بايست از جا در می‌رفتم. خداوند به من کمک کند که بر خودم مسلط باشم و بتوانم از آنها هم ذرع خواهی رسمی کنم. آقای کرمی اخطار قانونی بی‌موردی داد و می‌خواست پنج‌شنبه را تعطیل کند، که در این صورت از کابرید

# شکل گیری بنیاد امور بیماری‌های خاص مديون حمایت‌های گسترده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

گفتگو با خانم فاطمه هاشمی

\* می‌خواهم دوباره در مسیر حمایت‌های آیت‌الله قرار بگیریم، یعنی اگر حمایت‌های فکری و اجرایی آقای هاشمی نبود آیا بنیاد بیماری‌های خاص چنین دایره وسیعی می‌گرفت؟

- اتفاقاً بعد از ثبت دوباره خدمت ایشان رسیدم که پدر، شما هم باید کاری بکنید و از ما حمایت کنید. ایشان گفتند اگر حمایت دولت را می‌خواهی باید طرح تهیه کنید، با حرف نمی‌شود.

من در آن مرحله واقعاً تنها بودم و با یکی دو نفر از دوستان و همراهان طرح نوشتیم که خدمت آیت‌الله بردمیم و او هم کسی نبود که سادگی طرحی را قبول کنند، چندین عیب و ایراد اساسی به کار ما

گفتند تا پشت هر حمایت منطق قانونی هم باشد. بالاخره سه ماه بعد هم روی طرح کار کردم و از هر کس نظر و ایده گرفتم تا این طرح تکمیل شد و اعلام کردیم به دلیل قانونی دولت باید به بیماران خاص کمک کند چون به هر سازمان و اداره‌ای مراجعه می‌کنند چه بهزیستی و چه کمیته امداد... می‌گویند همه پول‌ها دولتی است؛ شما در دولت بیاییدین دست از بیماران را که بیماری آنها دائمی است بیمه کنید تا کرامت بیماران حفظ شود. قرار نیست به سازمان‌ها و نهادها دریافت کنند و کمک دریافت کنند و اگر بیماری توان چنین حرکت‌های را نداشته باشد به او ظلم می‌شوود. وقتی بیمه شوند عدالت هم برای همه آنها اجرا می‌شود. اینجا بود که حضور پرورد را کاملاً در دولت احساس کردم و کاملاً قبول کردند که این بیماران بیمه شوند و در پیشنهادهای پدر این توجه هم بود که شیوه حمایت دولت را هم مشخص کیم که در نهایت به کار بزرگ بیمه رسیدیم. آن دوره می‌دانستند کمبود مراکز درمانی، داروهای نایاب و کمیاب... و همه ریشه در مشکلات دولت دارد و این دولت است که باید بخشی از آلام آنان را بطرف کند.

از جمله حمایت‌های دیگر ایشان این بود که مرا ترغیب کردند تا برای پیگیری حمایت‌ها به وزارت پهداشت بروم و عجیب این که وزیر وقت که آقای مرندی بودند کاملاً مخالفت می‌کردند و با سفارش پدر دکتر لاریجانی که معافون درمان بودند حمایت کردند و طرح ما را بذیرفتند و از طریق وزارت پهداشت، پدر طرح را به مجلس برداشت یکی از پیشنهادهای طرح این بود که درمان آن بیماران آن سرانه بیمه این بیماران ازوی کمیته امداد پرداخت شود باز هم پدر مستقیماً نبودند پیشنهاد شد سرانه بیمه این بیماران ازوی را مسئول حمایت از این طرح کردند تا مشکلات دکتر حسن جیبی معاون اول رئیس‌جمهور را مسئول حمایت از این طرح کردند تا این مشکلات بیماران خاص برطرف شود و از آن پس آقای جیبی حامی ما شدن و همه وزارت‌خانه‌ها و نهادها را مأمور به همکاری می‌کردند حتی جلسات مختلف برگزار شد تا راه‌های حمایت مشخص تر شود. پیشنهادهای سه گانه ما شامل بیمه رایگان، درمان رایگان و پیشگیری از تالاسمی و همچینین هدیه ایثار بود که به اهداف کنندگان کلیه، رقیعی عنوان هدیه ایثار برداخت شود که همه این موارد را مرحوم جیبی مسئول هم‌اگنی بین وزارت‌خانه‌های دولتی و نهادهای حمایتی شده بودند.

\* اشاره‌ای کردید که وزارت پهداشت با این که باید مسئول مستقیم حمایت از بیماران خاص باشد نه تنها موافق نبود که مخالفت می‌کرد، چرا؟

- بده لایل مخالفت که مهم‌ترین آن هزینه‌هایی بود که مجبور بودند برای این بیماران پردازش برای هزینه درمان رایگان وزارت پهداشت می‌گفت ما که بودجه نداریم، مرحوم پدر پاسخ می‌دادند این سخن معنی ندارد و شما پیشنهاد بیاورید و از دولت بودجه بخواهید و قطعاً هم حمایت می‌کنم که کوشش‌خانه انجام شد.

بحث دیگر هدیه ایثار بود. اجمانی در این زمینه فال بود. اهداف کنندگان و دریافت کنندگان کلیه مراجعه می‌کردند. اما دلایل بسیاری داشتند که اهداف کنندگان و دریافت کنندگان می‌کردند. من آن زمان که این مساله را به آقا گفتمن اشک در چشم‌انشان جمع شد. می‌گفتند آدمی که اینقدر شریف است و به خاطر مشکلات زندگی حاضر نیست دزدی یا کار خلافی انجام دهد و می‌اید عضوی را می‌فروشد، این یعنی در زندگی اش خلیل مشکل دارد. ما باید به این افراد متشنجه بدهیم، خانه بدهیم یعنی کارهای بزرگ برای آنها انجام دهیم. این طرح را هم به دولت برداشت که باز وزارت پهداشت مخالفت کرد. مخالفت وزارت پهداشت با این توجیه بود که خرد و فروش کلیه راه می‌افتد. من به پدر گفتمن مگر الان نیست؟ به صورت غیرقانونی و دلالی وجود دارد چه فرق می‌کند. اگر می‌توانید از جسد شروع کنید! به هر حال این کار را انجام دهید و اگر نمی‌توانید موضوع درایفت از جسد را انجام دهید اهده عضو را به صورت قانونی بدهیم. این طرح را هم به دولت قبول کرد و قرار شده بود آن زمان معادل عدد سکه بهار آزادی که می‌شد یک میلیون تومان بابت هر بیووند به عنوان هدیه ایثار به اهداف کنندگان داده شد. که باز وزارت پهداشت قبول نکرد متولی اجرا شود که دولت پولرا در اختیار بنیاد امور بیماری‌های خاص قرار داد که ما توائیست در آن سال‌ها دلایل را از بین ببریم و واحد مستقیم درست کردیم که روزهای خاص دهنده کلیه مراجعه می‌کرد و روزهایی دیگر را نمی‌شناختند تا زمانیکه به آنکه عمل می‌رفتند و همیگر را می‌شناختند.

در بردهای از تاریخ کشور به دلیل شیوع بالای بیماری‌های خاص نظری تالاسمی، هموفیلی و دیالیزی و هزینه‌های بالای درمان بیماران، نبود درمان قطبی برای آنان و عدم توانایی بسیاری از مبتلایان در انجام کار و فعالیت‌های طولانی و مستمر و تحمل فشار فراوان مالی و روحی، روانی توسط خانواده‌های این بیماران، فاطمه هاشمی رفسنجانی به دلیل ارتباط با این بیماران مسائل را به پدرشان "حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی" منتقل می‌کند که پس از بیان مشکلات مقرر شد بینایی دیگر دولتی برای حمایت از این بیماران در کشور ایجاد شد برای ویژه نامه سالگرد رحلت به انگیزه میزان اثرگذاری مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برای شکل گیری این بنیاد خیریه و آزاداندیشی در رفتار با اعضاء خانواده گفتگوی با خانم فاطمه

هاشمی انجام دادیم که متن گفتگو به شرح زیر است:

\* جمله معروفی از مردم آیت‌الله هاشمی خطاب به وزرایش در هیأت دولت نقل می‌شود که ایشان می‌گفتند: «کار سیاسی را به من بسپارید و شما به کار تخصصی خود براتی خدمت به مردم مشغول باشید.» این جمله دستنمایه سؤال بندۀ از شمامت که نقش آیت‌الله هاشمی در شکل گیری بنیاد امور بیماری‌های خاص چه بوده است؟

- برای پاسخ گفتند به سوال شما مجبور به گشته برگردم زمانیکه دانش آموز بودم. آن سالها اگر هر کس از دانش آموزان می‌رسیدم خواهی چه کاره شوی؟ یا می‌گفتند دکتر و یا مهندس، اما من همواره می‌گفتمن خواهیم بود مردم جامعه‌ام مفید باشم، برای خودم شغل تعیین نمی‌کرم. هم در مدرسه مذهبی ما و هم در خانواده سیاسی و مذهبی ما همواره بر ضد وضع موجود سخن گفته می‌شد.

تا این که انقلاب به پیروزی رسید و به لحاظ موقعیت سیاسی خاص بدر، نامه‌های فراوانی از مشکلات مردم به خانه ما می‌رسید و همه اعضاء خانه معمولاً از بیرون نامه می‌آوردیم و به آیت‌الله می‌دادیم ما هم از جمله آدمهای نبودیم که به مردمی که به نامه می‌دادند یا می‌دهند بگوییم از طریق دفتر ارسال کنید خود می‌گرفتیم و به پدر می‌رساندیم. حتی اعتراضات مردمی را برای بابا تعریف می‌کردیم یاد هاست سالهای اول انقلاب به نامه‌هایی که به نخست وزیری می‌رسید و مربوط به مشکلات مردم می‌شد، من اخوی محسن و پسرعموی ما با یک ماشین مشترک که برای بابا بود، نامه را می‌گرفتیم و با همراهی صاحب نامه به ادارات و وزارت‌خانه‌ها می‌رساندند تا مشکل آن نویسنده نامه را حل کنیم.

حتی این رویه رادر معاونت بانوان و حتی وزارت خارجه پیگیری می‌کرد و لی هیچگاه این کارها را قانون نمی‌کرد.

به ریاست جمهوری پدر در سال ۶۹-۷۰ که رسیدیم نامه‌های بیماران و سایر مردم به من زیاد شد. این نامه‌ها را خصوصاً بخشی که به بیماران مربوط می‌شد مرا سیار ناراحت می‌کرد، آن‌ها را نزد پدر می‌بردم و از او برای کمک به بیماران یاری می‌خواستم. بیماران از من هم کمک خواستند تا در انجمن‌های سیاسی نباشند؛ گفتن من همه کارها را به شما اطلاع می‌دهم، مقداری هم در سازمان‌های حمایتی فعالیت کرد تا این که دیدم فعالیت آنها هم چنگی به دل نمی‌زند. مسواردی از تخلفات دیدم و احسان کرد به نام بیماران و به کام خود هستند که باز به پدر گفتم نمی‌توانم در چنین فضایی کار کرد و آنها روحیه ایثارگری را ندانند پیشنهادم این بود که خود ما یک سازمانی را ایجاد کنیم و ایشان در این بخش خلیل حمایت کردند.

\* در دهه اول پیروزی انقلاب معمولاً همه کارها را می‌خواستند از طریق ساختار دولتی انجام دهند، پیشنهادی نبود این بنیاد هم در بدنه دولت شکل بگیرد و آقای هاشمی رفسنجانی به دل معتقد بود. بر همین مبنای معتقد به بخش خصوصی بودند و می‌گفتند همه امور به دست مردم انجام شود و دولت کنندگان و هماهنگ کنندگان باشد

**\* آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معتقد بودند اگر کارها مددگار است و در دل مردم جای می‌گیرد و برای رضای خدا هم بودند. بر همین مبنای معتقد به بخش خصوصی بودند و می‌گفتند همه امور به دست مردم انجام شود و دولت کنندگان و هماهنگ کنندگان باشد**



این کار در زمان دولت آقای هاشمی انجام می‌شد. اما بقیه در دولتهای آقایان خاتمه، احمدی تزاد و حتی دولت آقای روحانی چون حمایت نداشتیم رقمها افزایش پیدا نکرد و با این که ارقام ۳۰ تا چهل میلیون اعلام می‌شود ما هنوز رقم ۲۰ سال پیش را پرداخت می‌کنیم که بسیار کم است.

به سوال شما برمنی گردم که بگوییم که حمایت‌های آقای هاشمی نبود ما نمی‌توانستیم این جمجم کارهای بزرگ انجام دهیم.

\***اگرچه با افزایش جمعیت کشور، به شمار بیماران خاص هم اضافه شد، اما می‌خواهم در صد فرمایید در دو دهه فعالیت این بنیاد آمار این بیماران در کشور چه تعییری کرده است.**

- ما آن زمان ۳۰ هزار بیمار خاص تالاسمی، هموفیلی و دیالیزی در کشور داشتیم که ۳ هزارنفر دیالیزی بودند که برای این ۳۰ هزارنفر فقط ۱۸۰ مرکز در کشور داشتیم در حالیکه اکنون بالغ بر ۱۰۰۰ مرکز دیالیزی داریم. تعداد جمعیت تالاسمی به جهت پیشگیری ثابت مانده که آن موقع می‌گفتند ۲۰ هزارنفر و الان هم می‌گویند ۲۰ هزار ولی من معتقدم حدود ۱۷ هزار نفر هستند هموفیلی هم در حد ۶ تا ۷ هزارنفر ثابت مانده است ولی دیالیزی رشد کرده است که به دلیل افزایش بیماری دیابت است.

\***در بخش بیماری تالاسمی ما در ایران مشکل مذهبی و اجتماعی هم داشتیم خصوصاً ازدواج فامیلی و حتی باورهای مذهبی مناطق روتاستی براي این بخش آیا آقای هاشمی حمایت سیاسی و مذهبی داشتند؟**

- بسیار زیاد. در این بخش دو کار بزرگ را مرحوم پدر انجام دادند که ماندگار است یکی این که اجازه سقط بینن را زیر معظم انقلاب گرفتند تا زیر سه ماه اگر پزشکان تشخیص بیماری تالاسمی دادند سقط مجاز باشد که به وزیر گفتند در قالب درخواست جامعه پزشکی سوال بفرستید و من آن درخواست را به آقای خامنه‌ای می‌دهم. یک مصوبه دیگری در دولت گذراند و آن این بود که قبل از ازدواج آزمایش اجباری انجام شود. یعنی همه باید بروند این آزمایش را انجام بدهند.

\***این پیشنهاد از کجا بود؟**

- این پیشنهاد از ناحیه ما بود. البته لایحه ما این نبود، پیشنهاد ما قبلاً این بود که قبل از انتخاب همسر آزمایش انجام شود، بخاطر اینکه خلی از اوقات مخصوصاً در شهرستانها، روی عروس و داماد اسم گذاشته می‌شود و حتی عقد شرعی هم می‌کنند و دیگر نمی‌شود جلوی کار را گرفت. وزارت بهداشت را به آقای خامنه‌ای می‌فرستم. یک مصوبه دیگری در دولت گذراند و آن این بود که قبلاً از ازدواج آزمایش اجباری انجام شود. یعنی همه باید بروند این آزمایش را انجام بدهند.

\***یعنی به نوعی هر جا پیشنهاد بهبود کار می‌دادید در وزارت بهداشت رد می‌شد؟**

- به له تقریباً ما در وزارت بهداشت گیر می‌کردیم، در جلسه‌ای اتفاقاً کارشناسان وزارت بهداشت هم بود ما در سازمان برنامه و بودجه با آقای میرزا زاده این جلسه را داشتیم و برای اینکه طرح بودجه بگیرد و مصوبش کنیم. نماینده وزارت بهداشت دروغهای فراوانی در آن جلسه گفت، مبنی بر اینکه ما این طرح را در اصفهان اجر کردیم (یعنی آزمایش قل از ازدواج) و صد درصد موفق بوده و ما گفتیم که شما دارید دروغ می‌گویید، برای اینکه اصفهان یک شهر مذهبی است و گزارشی که ما از آنچا داریم بیشتر از بینجا درصد موفق نبوده است. خلاصه اینکه این دروغ‌ها را هم گفتند و بالاخره آزمایش قبل از ازدواج مصوب شد. الان ما مشکلی که داریم در پیشگیری تالاسمی اینست که اول افراد می‌روند ازدواج می‌کنند و پس از آن می‌شوند. ۵۰ تا ۴۰ درصد قبول می‌کنند ولی توجه این می‌شود که باید بعد از ازدواج بروند به سمت سقط جنین و این چیز خوبی نیست که اتفاق می‌افتد. یعنی می‌روند آزمایش می‌دهند و اگر آزمایش مأمور بود، دلشان خواست می‌روند ازدواج می‌کنند. آن موقع است که تولد مأمور آفرایش می‌باشد. گزارش خود وزارت بهداشت بود که ما در سال، هزار مورد تولد مأمور باریم، الان رسیده به ۲۵ تا ۲۵ مورد که این ۲۰۰ نفر تقریباً نصفشان اهل سنن هستند که اینها حاضر نیستند تا به آزمایش بدهند چون سنتی ازدواج می‌شود و پیشگیری را هم قبول ندارند. سال گذشته که بایا فوت کرده بودند، آقای مولوی عبدالحمید امدادن منزل ما از ایشان خواهش کردم و گفتم شما لطفاً کاری در این همچنان انجام بدهید و ایشان هم قول کرد و پس از آن یک سخنرانی غربی در این زمینه کرد و فیلمش را هم ما همه جا پخش کردیم و گفت باید اینکار انجام شود بقیه هم افرادی هستند که قبلاً رفته‌اند ازدواج کرده‌اند و دیگر مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند بلکه می‌بینند که ما آزمایش‌هایمان اشتباوه بوده است. یعنی آزمایش انجام دادند و به آنها گفته‌اند شما هیچ‌کدام مبنور نیستید، بعد معلوم شد که مبنور بودند.

\***در صد این افراد چقدر بوده است؟**

- امارها را وزارت بهداشت به مانند دهد. گاهی اوقات مراجعه زیاد دارم از برخی از بیماریها، مثلاً شاید در سال ۱۵۰۰ مورد مراجعه دارم که می‌آیند گریه می‌کنند و می‌گویند به ما گفته‌اند شما مبنور نیستید ولی حالاً فرمیدهایم که مبنور بوده‌ایم. خب این گونه اشتباها هم صورت می‌گیرد. با این حال خدا را شکر می‌پیشگیری از تالاسمی موفق بوده‌ایم. در بحث پیشگیری دیالیز، دیگر بایا دوره ریاست جمهوری شان تمام شده بود. در دولت اقای خاتمی ما گفتیم شما می‌باید فشارخون را کنترل کنید، چون یکی از مشکلات اصلی دیالیزی‌ها وجود فشارخون بالا است یا فشارخونی که اینها هستند. شما الان به عنوان یک خبرنگار بروید در این مراکز دیالیزی‌ها که مصاحبه کنید می‌بینید که اکثر قبلاً از دیالیز، دیابت داشته‌اند. بالا ۲۰ تا ۲۵ درصد دیالیزی‌ها، دیابتی هستند. متابسنه بعد از پایان ریاست جمهوری بایا، در دوره اقای خاتمی دیگر اینکار پیشگیری نشد و مطمئن هستم که اگر بایا یک دوره دیگر رئیس جمهور بود، اینکار هم انجام می‌شد. یعنی نظر ایشان این بود که هر سال یک بیماری به انواع بیماری‌های تحت پوشش نیای بیماری از خاص اضافه شود که بکدفعه بار زیادی روی دوش دولت نداشته باشد. چون هزینه‌های اینها بالاست، اگر از همان موقع دولت اقای خاتمی و دولت‌های بعدی به این سیاست بایا و حرفه‌ای را می‌گوش کردند، ما اکنون نزدیک به ۲۳ تا ۲۴ مورد بیماری را تحت پوشش بیماری‌های خاص داشتیم و بیشتر مردم مشکلاتشان حل می‌شود.

\***چه بخواهیم و چه نخواهیم یک مهری روی نام بنیاد بیماری‌های خاص هست که عموماً مردم این بنیاد غضون اعضاء را برداشتند.**

می‌شناستند، به نظر شما وجود این مفهوم چقدر در کارشناسی‌های معمول دولت بعد از ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی اثر داشته است؟

- خیلی زیاد، اتفاقاً زمانی که دولت اصلاحات بر روی کار آمد، از اولین روز معاون وزیر بهداشت آن دولت و خود وزیر بهداشت علیه ما کارشان را اشروع کردند. یعنی آقایان رضا خاتمی و خود دکتر فرهادی، البته خود اقای دکتر فرهادی می‌گفت من بی‌تعقیم و گاهی هم زنگ می‌زد و از اقدامات ما تشكیر می‌کرد اما من معتقدم خود او هم در این مخالفت‌ها بی‌تعقیم نبود. یعنی از جمله کارهایی که کردند این بود که آن زمان مبلغ ۵۰۰ میلیون تومنی برای هدف‌های خودنده‌های کلیه بود که این پول را نمی‌داند و من گفتم حالاً که اینطور است من میریش را دست دادم. چون پول این میریش بود که دست آنها بود و آنها نمی‌دانند و اذیت می‌کردند. این پول فقط هم برای اهدا کنندگان کلیه‌ها بود و به عنوان کمک‌هایی به مردم.

دوم اینکه برای همین مرکز سلطان مصوب شده بود که بولی بدنه و جلوی آن را هم گرفتند و بالاخره با ذمته و دعواهای زیاد و پیشگیری‌های بیش از حد توائیستیم یک کمک ۵۰ میلیون تومنی توانی بگیریم. بعد اینجمن‌های مختلف را جلوی وزارت بهداشت جمع می‌کردند و عموماً بیانیه‌پایانه پایانی های تجمعی علیه بنیاد بیماری‌های خاص بود. مصاحبه می‌کردند این بیماری‌های خاص، خود اقای رضا خاتمی یک بار به من می‌گفت، بهم، شما این بنیاد را درست کردند و اینکه آقای هاشمی رفتنی را داشت، برای اقای هاشمی اعتبار ایجاد کردند. من گفتم! من گفتم: آقای خاتمی من و بنیاد هر چه اعتبار داریم از پدرم داریم. من اعتبار به پدرم نمی‌دهم؛ بلکه این پدرم است که به ما و به بنیاد بیماری‌های خاص بود. من این باره بیانیه‌پایانه پایانی های تجمعی علیه بنیاد را درست کردند. من این باره بیانیه‌پایانه را درست کردند و اینها می‌چرخانم! این گذشته فکر می‌کردند که بنیاد یک نهاد دولتی است و من بارها به آنها گفتم که بایا این بنیاد را ایجاد کردند و اینها دارید آن را در اختیار بگیرید و در اختیار دولت بگیرید. شما می‌توانید هر چه از این بنیادها دلتان می‌خواهد ایجاد کنید و آن را اداره کنید چه کار به کار این بنیاد دارد؟

علیه ما مصاحبه کردند با روزنامه سلام، روزنامه سلام چقدر برای ما بد می‌نوشت همین جناب اقای موسوی خویشی‌ها زمانی که هنوز بایا رئیس‌جمهور بود، در روزنامه سلام یک خبر دروغ را منتشر کردند مبنی بر اینکه چون خانم فاطمه هاشمی خودش بیماری کلیه دارد، به همین جهت از بیماری‌های کلیوی حمایت می‌کند و پول‌هایی که ایشان داده می‌شود؟

آن موقع، زمانی بود که اصلاح دولت یک ریال هم به مان نمی‌داد. یعنی می‌خواهیم گوییم آن زمان جاچ چپ با بنیاد بیماری‌های خاص برخورد را شروع کرد تا بتواند با پدرم برخورد بکند. البته من نزد آقای دکتر فرهادی گفتم که آقای فرهادی! شما خانواده اقای هاشمی را نمی‌شناسید، ما را هر چه ازبیت بکنند مانند ما خودمان را قوی تر می‌کنند. این را در همان سالی که وزیر بود گفتمن و این باعث شد که من رفتم در مجلس، چون بیدم که بودجه ۹۰۰ میلیون تومنی بنیاد را نمی‌داند و وزارت بهداشت وقت اذیت می‌کرد. رفتم در مجلس با نمایندگان سلامت کردم و با وزیر اقتصاد وقت هم صحبت کردم و از ایشان سوال کردم که کجا می‌شود که بودجه ما مستقل از بودجه وزارت بهداشت شود تا این همه ما را اذیت نکنند. گفت راه حل شما اینست که بنیاد را ایجاد راه شده است دفاع نمایند. رفتم چگونه؟ گفت باید پیش نویس نیز این را با نمایندگان مجلس در میان بکنارید و آنها آن را به عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی بدهند و با باید وزیر بهداشت و نماینده بارلایان رئیس‌جمهور که می‌آیند اینجا، آنها از شما و لایحه‌ای که داد شده است دفاع نمایند. من رفتم پیش آقای فرهادی و کمیسیون اجتماعی و مکمیتمن را بخواهیم کرد و آنها گفتند باشد ما از شما دفاع می‌کنیم. موقعی که لایحه آمد مجلس، همین آقای مجید انصاری آمد و علیه ما حرف زد و نماینده دولت هم آمد علیه ما حرف زد!

\***و قتی آیت‌الله هاشمی رفتنی‌ها این نامالیاتیات را می‌دانند، چه برخوردی می‌کردند؟**

- ایشان همواره به من می‌گفتند که صیر داشته باش! تو کار خودت را انجام بده، هر جایی که می‌توانی بروی برو و جلو و من هم تا آنجایی که نتوانم کمک کنم.

\***این کمک‌ها چگونه بودند، می‌توانید اشاره‌ای به چند نمونه از آن کمک‌ها داشته باشید؟**

- مثلًاً آن زمان چون فضای برخورد با پدر رواج داشت، من دلم نمی‌خواست که پدرم به وزیر بهداشت زنگ بزند، حتی خود ایشان از من سوالی می‌کرد که می‌خواهی به او زنگ بزند. من گفتم فقط زنگ بزنم و من می‌گفتمن که این دلم نمی‌خواهد که شما به او زنگ بزند. من گفتم می‌خواهیم باشمن این مطمن شدم اگر یک روزی در پیشبرد امور عام‌المنفعه گیر کردم، همین که بدانم شما حامی می‌هستید، این برای ما کافیست و ایشان با پشت گرمی به من اطمینان می‌داد که رو به جلو حرکت کنم. بعد هم اکثر مواقع مرفق پیش ایشان و از ایشان مشورت می‌گرفتم و می‌پرسیدم مثلاً اینجا که کارم گیر کرده است چه کار باید بکنم؟ می‌گفت مثلاً فلان کار را بکن، مثلاً درباره همان استقلال بنیاد، ایشان به من راهنمایی کرد که برو با ایشان همیشه ایشان را کنترل کنید، چون یکی از مراقبت‌های ایشان که ما صحبت کرد، بعد هم هستند که اینها هستند که اینها داشته باشند تا اینها هستند که اینها داشته باشند.

- ایشان همواره به من می‌گفتند که صیر داشته باش! تو کار خودت را انجام بده، هر جایی که می‌توانی بروی برو و جلو و من هم تا آنجایی که نتوانم کمک کنم.

\***این کمک‌ها چگونه بودند، می‌توانید اشاره‌ای به چند نمونه از آن کمک‌ها داشته باشید؟**

- ایشان همواره به من می‌گفتمن که این دلم نمی‌خواهد که شما به او زنگ بزند. من گفتم فقط زنگ بزنم و من می‌گفتمن که این دلم نمی‌خواهد که شما به او زنگ بزند. من گفتم فقط

**\*در دولت ایجاد کردن**  
**اصلاحات به من**  
**گفتند شما این**  
**بنیاد را درست**  
**کردند**  
**برای آقای**  
**هاشمی**  
**رفتنی‌ها**  
**اعتبار ایجاد**  
**کنید!**  
**در جوابشان گفتم**  
**من به پدرم**  
**اعتبار نمی‌دهم**  
**بلکه این پدرم**  
**هست که من**  
**و بنیاد امور**  
**بیماری‌های**  
**خاص از او**  
**اعتبار ایجاد کرند**

وقتی اتفاقی می‌افتد و این خبر توسط آنها به فضای مجازی منتقل می‌شود و موضوع گیری می‌شود، در عرض چند دقیقه همه آگاه می‌شوند.

خوب، من معتقدم الان در دانشگاه  
از آزاد اقای او وابتی که آمداند، دیکاتور  
مباشه حرکت می کنند و کاری دارد  
بر سر این دانشگاه می آورد که حتی  
کارمندان دانشگاه آزاد هم نگران  
هستند، حال غیر از داشتجوها. من در  
این دانشگاه می روم و با داشتجویان  
ارتباط دارم، الان داشتجویان از این  
وضیعت بسیار نگرانند، این دگماتیسم  
که دارد بر دانشگاه حاکم می شود،  
نتنگران کننده است. در هر کجای دنیا و  
در هر کشوری که بخواهد میتوان خودش

را در ادب اسلامی قرار دهد و بگوید که من بک ششور دمکراتی هستم، او بین جایی که نشان می دهد اقداراً درست است، دانشگاه آن کشور است و اینها دارند خلاف دمکراسی و آزاداندیشی در اذانشگاه عمل می کنند و این صدرصد با خواسته های آقای هاشمی برای دانشگاه آزاد اسلامی در نیض است.

شما هنوز کرسی تدریس تان را در دانشگاه دارید؟

٣٢٦

\* گفته می شود ظاهراً تلاش شده که کرسی تدریس را از شما بگیرند؟  
- نه، الان چنین چیزی نیست. زمان مدیریت آقای دانشجو بر داشنگاه آزاد بود که این موضوع وجود داشت و البته خودم هم در آن زمان می خواستم استغفا بهدم و لی مخالفت کردند  
لآن این بحث نیست، اما خودم نمی خواهم درمسنونیت مدیریت گروههای بمانم. چون رئیس  
گروههای را خیلی دوست ندارم، البته کلاس‌های تدریس را دارم و می روم، اما رئیس گروههای  
و سوست ندارم و اضافه کنم که البته بخوردی هم با من صورت نگرفته است.

قدّری درباره آزاداندیشی آیت‌الله هاشمی در کانون خانواده صحبت کنید.

- در مورد خانواده، من یاد نمی‌آید پدر چیزی را بر ما تحمیل کرده باشد. نه در مسائل اندیشه‌ای، نه در مسائل اخلاقی، نه در رابطه با مسائل مالی و هیچ چیز دیگر، البته تذکر به ما یاد نداشتم، یعنی راه خوب زندگی کردن را با عمل خودشان به ما نشان می‌دادند.

پس در آزادی کامل به همه می‌داد و اجازه می‌داد که همه نظرات انسان را بگویند و به راحتی حرفله‌ران نباشند، از هیچ چیز واقعاً مانع نتوانستیم و هر چه که لازم می‌دانستیم می‌توانستیم بدین بگوئیم ولی اگر اشتیاه بود می‌گفت که اشتیاه است. من با رهه مصاحبه‌های خودم را بپرسیدم پیش بدم و به ایشان می‌گفتم شما بخواهید و نظر بدهید. یک جاهای را می‌گفت نظر من نباید نیست و لی من می‌گفتم نظر من این است. غش غش می‌خنندید و می‌گفت اگر نظر تو دله ولی من نظرم این است.

من خلی با پدرم مشورت می کردم، سیاری از راههای را با ایشان در میان می گذاشتمن.  
ایشان نظر خودش را می گفت و لی هیچوقت مانع کار و تصمیم من نمی شد. با مادرم هم  
همینچور بودند با بقیه ها هم همینچور بودند. درباره مسائل مختلف بحث می شد و صحبت  
کی شد و آخر سر هم هر کسی با نظر خودش می رفت و کارش را انجام می داد.

\*خانم هاشمی! می‌دانید که برای مردم ما خیلی مهم و البته شیرین است که بدانند بزرگان در خانه چه رفتارهایی دارند و به چه کسی بیشتر از همه نزدیک هستند. به این معنی که با چه کسی بیشتر مأнос بودند و احیاناً در لهایشان را مطرح می‌کردند؟

- پدر یا هیچ کس درد دل نمی کرد. ایشان اصلاً اهل درد دل نبود. یعنی شما و قی کار ایشان می نشستی، احساس می کردی که ایشان هیچ مسئله و مشکلی ندازند که بخواهند درباره این درد دل نکنند. اعضا خانواده که امادا شاید به دوستانتاشن گاهی گفته باشند، اما در خانه ایدا ناچرت، خودشان را نشان، نمی دادند.

\* یعنی همین موضوع می‌تواند دلیلی بر این باشد که شما ندانید و صیت نامه  
یشان کجاست؟

- نه، وصیت نامه را می دانستیم کجاست. ولی بیو! من خودم وصیت نامه ایشان را دیده بودم که در گاآوندوق می گذشتند و دیده بودم. البته از متن آن اطلاعی نداشتیم، اما دیده بودم در گاآوندوق ایشان. شاید بعدها خودشان آن را برده باشد مجمع اما من دو بار وصیت نوشتن ایشان را دیده بودم. یکبار زمانی که می خواستیم به کربلا برویم و یک بار هم در منزل که پدر و مادرم هر دو در حال اصلاح و وصیت نامه هایشان بودند. با چشم خودم این را دیده بودم، اما نمی دانیم کجا گذاشتند. هیچ وقت هم نمی گفتند که چیزهایی مربوط به من کجاست و ما می دانستیم که چیزهای مهم ایشان یا در گاآوندوق منزل است یا در مجمع. مثلاً دفترچه خاطرداشتن همیشه بالای سرشان بوده هر حال اگر دست هم خورده باشد، خبر نداریم.

\*شما آینده بنياد بيماري هاي خاص را با توجه به فقدان آيت الله هاشمي،  
چگونه پيش يبني مي کنيد؟

- البته از برخی جهات کار مساخته شده است، ولی از بعضی جهات محبت های مردم خلیلی زیاد شده. یعنی غیر از اینکه خود بنیاد جا فراهم است، محبت های مردم نسبت به خانواده هاشمی و سازمان ما خلیلی زیاد شده. در این یک سال دارم می بینم که واقعاً از هر کسی کمک می خواهیم خلیلی بهتر از گذشته دارند به ما در این زمینه کمک می کنند. فکر نمی کنم اگر شکلی پیش نیاید؛ خلیلی برای ادامه کار مشکل داشته باشیم و فکر می کنم خلیلی بهتر از همین کارهای را ادامه بدھیم و با توجه به اینکه سازمان ما یک سازمان مردمی نهاد

سبت پهلوی می توانیم تارها را جلو ببریم.  
\*بسیار مشکریم از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.  
- من هم از شما سیاستگذارم.

卷之三



دھها بار این فیلم را از تلویزیون پخش کردند، میهمانان مختلف در سینما برآمدند، پذشکان متخصص مغز و اعصاب امندن و بالاخره یک طرح خیلی خوب تهیه کردیم و دادیم به مجلس. پدرم به ما گفتند که باید بروید با نمایندگان مجلس هم صحبت بکنید، هم خودت و هم پذشکان، که یک برنامه‌بریزی کردیم و اقای دکتر فاضل رفته در مجلس هم صحبت کردند. خدا بیامزد آقای فاکر را، ایشان مخالف بودند و بایا هم به ما گفت که ایشان مخالف است و برو با ایشان هم صحبت کن. رفتم و به ایشان گفتم آقای فاکر من فقط از شما یک خواهش دارم و آن هم ایست که شما اصلاً لازم نیست در موافقت و با مخالفت با این بحث صحبت

من اینبه به جناب آقای مؤمن و بقیه اطلاعات را دادم و چند بار هم صحبت کردم و پژشکان ما هم خدمت آقایان رفته‌ند و صحبت کردند، اما سر آقای جنتی گیر کرد بودند، زنگ زدم به حاج آقای جنتی و گفتم حاج آقا خواهشی از شما دارم! گفت: چی؟ گفتم: خواهش من اینست که اصلًا شورای نگهبان درباره این مصوبه مجلس نظر ندهد تا ۲۰ روز مهلت مقررات برای اظهارنظر تمام بشود! ایشان هم گفت بسیار خوب و آن هم انجام شد. اینها همه بر منای راهنمایی‌های پدر بود. برای حاج آقا جنتی هم توضیح دادم که اگر شورای نگهبان نظر ندهد، مصوبه خود به خود لازم‌الاجرا و قانون می‌شود و کسی هم نمی‌گوید که آن شورا درباره این مصوبه دچار گناه شده است.

یعنی می خواهیم بگوییم که من همه این کارها را با راهنمایی های پدر انجام می دادم و ایشان هم حمایت می کردند. یا مثلاً همین زمینی که برای ایجاد مرکز سرطان در شهر تهران گرفته شد، ایشان به ما عفتندتا شهیداری تهران وارد مذاکره شوید. قبلبا زمینی که داده بودند در عباس آباد تهران بود، آنچا شهیداری تهران ما را اذیت کرد و با راهنمایی ها و صحبت های ایشان بود که این زمین را به عنوان موضع دادند. یعنی می خواهیم بگوییم که خودشان به شدت پیگیر امور بودند.

\*در این یک سال اخیر و بعد از فوت حضرت ایت الله در موضوع پیکری های کارها چه اتفاقی افتاد؟

- قبل از پرداختن به این سوال، باید عرض کنیم اته‌اینگونه نبود که من هر روز مازاج ایشان شویم و ما مرتب به ایشان متولی بشویم که کارها را پیگیری نمایند، هر وقت مشکلی در کارها بوجود می‌آمد که نمی‌توانستیم حل کنیم و یا نیاز به مشورت داشتیم، تزد ایشان مرفتیم، تا آنجا که خواستیم بایا را ناراحت نکنیم، سوالات را به ایشان نمی‌گفتیم، جایی که دیگر نمی‌توانستیم کار را پیش ببریم، خدمت ایشان می‌رفتم، خدا را شکر در یک سال گذشته هنوز اتفاق بغرنجی در روند کارها نیافتداده، البته یکی دو مسئله پیش آمده و الان درگیر آن هستند و دارای یک گنجی، می‌گذشم.

\*همانگونه که می‌دانید طی یک دهه گذشته بخصوص در سال‌های آخر عمر شریف آیت‌الله هاشمی، ایشان موافجه با سپاری از ناملایتمی و نامهربانی‌ها بودند که بخشی از آنها در ارتباط با دانشگاه آزاد بود، بعد از رحلت ایشان، سیاست‌های اجرایی در این دانشگاه که اکنون اعمال می‌شود به نظر می‌رسد خیلی با تفکر آیت‌الله هاشمی همخوانی ندارد و یا شاید بتوان گفت که سیاست‌های هاشمی‌زادی در این دانشگاه اجرا می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

- من بالاتر از این دیدگاه را دارم می‌بینم. یعنی بالاتر از بحث هاشمی‌زادای مطرح

است. الان سیاستی را دارند در دانشگاه آزاد پایه دی می کنند خدا ندیشی و ضد تکر آزاد و ضد آزاد اندیشی است که اتفاقاً اساس کار پدرم آزاد اندیشی بود. آیت الله هاشمی آزاد را با چند دیدگاه پایه بریزی کردند، یکی اینکه بالآخره می گفتند بجهه های مردم دارند برای تحصیل به خارج از کشور می روند، از مادر، خانواده، فرهنگ و اجتماع جدا می شوند و برای تحصیل به خارج از ایران می روند. آنها یعنی هم که بولی ندارند برای تحصیل به خارج از کشور بروند و در عین حال نمی توانند در کنکور دانشگاه های دولتی هم قبول شوند، خب در ایران جایی برای تحصیل آنها نیست. این یک بعده دیگر اینکه برای ایشان آگاهی جامعه سیاسی هم بود. یکی افراط جامعه نسبت به مسائل جامعه خودشان، آگاه بشوند و خودشان، در امور اشتغال، نقش داشته باشند. ایشان

واقعاً روی این بعد تاکید داشتند. من بارها دیدم که ایشان وقتی با افراد مختلف که برخی اوقات صحبت هایی درباره دانشگاه آزاد می شد، وقتی می گفتند که چرا اینکار را نمی کنید یا چرا آن کار را نمی کنید، شاهد بودم که ایشان می گفتند براي حل اينگونه مشكلات باید مردم آگاه شوند و برويد مردم را آگاه نکيد. وقتی مردم آگاه شوند خود مردم می دانند که چگونه انتظارات و تعقّلات خودشان را از دولت و از حکومت بخواهند. خب یک چنین اتفاقی افتاد. یعنی در این چند سال گذشته ما حتی وقتی به روزنامه ها می رفیم، شاهد آگاهی یا غافل مردم نسبت به مسائل بودیم. خب قبل افاضی مجازی وجود نداشت و سخت می شد فهمید که مردم تا په میزان آگاهی پیدا کرده اند. الان شما در این فضای مجازی می بینید که مردم قدر نسبت به همه مسائل روش شدن دارند. الان خودش یک دانشگاه است. دانشگاه فقط این نسبت است که برویم در آن فریبک و شیمی و علوم انسانی ... بخوانیم، آن رابطه اجتماعی که بین افراد برقرار می شود، آن تحریباتی که افراد به همدیگر انتقال می دهند، آن ارتباط تردیکی که بین اقسام مختلف جامعه بوجود می آید، مثلاً شما می بینید که یکدفعه در دانشگاهی که حدود ۵۰۰ نفر دارند درس می خوانند،

\*اساس  
کار آیت الله  
هاشمی  
رفسنجانی آزاد  
اندیشی بود،  
ایشان دانشگاه  
آزاد اسلامی را  
هم براساس  
همین تفکر  
پایه ریزی و  
ایجاد کردند.  
آنچه اکنون  
در دانشگاه  
آزاد مشاهده  
می‌کنیم خلاف  
دموکراسی و  
آزاد اندیشی و  
در تضاد کامل  
با خواسته‌های  
آیت الله  
هاشمی  
رفسنجانی  
است

# با رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دور جدیدی از حیات ایشان آغاز شد

برای خودم خیلی سنگین بود و خیلی ناراحت از منزل  
بیرون رفتم.

آن روز از مر فرستی فرزندان و خانواده بودیه مادر  
که ایشان همیشه مطالب سیاسی را دنبال می کنند و  
هر شب مطالبه گرانه از پدرم پیگیری می کردند و مادرم  
خوبی دغدغه مردم را دارند و مسائل را خوبی پیگیری  
می کنند و البته انتقاد هم می کنند. البته مرحوم پدر  
بیشتر بجز اینکه از ما هم می خواستند که صبور باشیم  
اما واقعاً نسبت به تحلیل و قایق و به یک سری اتفاقات  
هیچ کوتاهی نمی کردند و با دقت سعی می کردند ما  
نسبت به مسائل تحلیل درستی داشته باشیم و نسبت  
به این موضوع کمک می کردند. گاهی اوقات هم که  
ما موقع یکسری برخوردهایی را از طرف پدرم نسبت  
به برخی اتفاقات داشتیم و می گفتیم حالا که شما از  
اصل موضوع خبر دارید آنرا بگویید می گفتند ما که  
نیاید مثل آنها باشیم و مثل آنها صحبت کنیم، وظیفه  
ما این است، اصولاً هیچ وقت ایشان رفخار کینهای  
و یا واکنش های سریع و هم شیوه با طرف مقابل  
را نمی پسندیدند. حتی گاهی اوقات ما از کوره در  
می گرفیم و می گفتیم شما یک چیزهایی که را می دانید  
که این کار را نکنیم.

اما است اتش های آقای هاشمی هم شه این بود که تهمت ها و از این قبیل مسائی

آن سترلر ابری سی ای سسمنی سیمیسته این بود که همچنان و در این میان مسمن را در تاریخ باشد جواب داد. ایشان اهل اینکه بروند در مورد حرفی با موضوعی به قوه قضاییه شکایت کنند چنین چیزی در رفتار ایشان نبود و می‌گفتند این موارد را به خدا و اگذار می‌کنم و صیر می‌کنم در جای خودش جواب می‌دهم به این معنی که اینطور نبود که نسبت به تهمتها و دروغها یا حتی انتقادهایی که به انقلاب می‌شود حالا نه به شخص ایشان، آقای هاشمی هیچچوچوت کوتاهی نکردند. بالاخره اگر جایی به انقلاب لطمها وارد شده باشد یا دروغی نسبت داده شد باشد به آن جواب داد ولی آنچه به شخص ایشان مربوط می‌شد و حق پیگیری قانونی داشتند به خدا و اگذار می‌کردند.

\*نامه‌ای که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب قبل از حادث

فوت آیت‌الله  
هاشمی رفسنجانی را  
هم باید یک دوره تاریخی  
برای ایشان دانست و  
همانطور که در نقاط مختلف تاریخ سیاسی ایران ایشان تأثیرگذار بود، و در دوران متفاوت می‌شود حضور ایشان را تحلیل کرد اتفاقاتی که بعد از فوت ایشان افتاده هنوز زنده بودن پدرم را در تصمیمات مردم به راحتی می‌توان مشاهده کرد

دارم، این را بدون تعارف و شعار می‌گوییم. خیلی عوایط مردم و محبت انان نبود ایت الله هاشم، فسنجانی، دایم باید، ما که می‌کنند، از این بایت رفته‌اند، ادعا، که از بدایم، ما

دستیاری رسانیده ای را برای ممکن نمود. این بیان همراه با این که از پر بیری و رسید، لطف و محبت مردم بود. یعنی عملکرد خوب حاج آقا و رفشار و منش ایشان که در زمان حیاتشان داشتند و رضابتمندی عمومی که در جامعه هست، این محبت از طرف مردم به ما منتقل می شود. در فرضیهایی که من سفر می روم برای شرکت در مراسم و یا سخنرانی، انقدر این حضور و محبت مردم چشمگیر است که من فقدان پدرم را کمتر احساس می کنم که آقای هاشمی اولاً در اوج از میان مردم رفت دوم اینکه یک دوره جدیدی به اعتقاد من برای ایشان بوجود آمد.

\*بدين ترتيب، جنابعالی حیات آیت الله هاشمی رفسنجانی را به چند دوره تقسیم می کنید؟

- به نظر من فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را هم باید یک دوره تاریخی برای ایشان دانست و همانطور که در نقاط مختلف تاریخ سیاسی ایران ایشان تأثیرگذار بود، و در دوران متفاوت‌می‌شود حضور ایشان را تحلیل کرد اتفاقاتی که بعد از فوت ایشان افتاده هنوز زنده بودن پدرم را در تصمیمات مردم به راحتی می‌توان مشاهده کرد. و نمونه خلیل، روش، آن، انتخابات اخیر، ریاست جمهوری بود.

بene نظر بندۀ چند دوره برای آیت‌الله هاشمی وجود دارد. یکی دوران مبارزه است که بالآخره، ایشان خلیف در دوران مبارزه تاریخ ساز بودند. بعد از آن دوران تثبیت انقلاب اسلامی است و بعد از آن دوران دفاع مقدس شروع شد که در این دوران نقش ایشان خیلی روشن است و بعد از آن دوران سازندگی است و بعد از آن هم دوران اصلاحات است که بعد از این دوره هم «دوره صیر و امید» است که نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آن بسیار بود و بعد از آن دوره هم دوران اعتدال است که با امدن آقای روحانی باز نقش آقای هاشمی بسیار موثر بود و بعد از این دوره هم دوره عروج ایشان بود که هنوز نقش و حضور ایشان را در اتفاقات بعد از فوت یاشان موثر می‌دانیم و حال باید بینیم که دور آینده په اتفاقات دیگری خواهد افتاد.

﴿أَيْتَ اللَّهُ هَاشَمِي رَفِسْتَجَانِي فَرِدِي بُودَنْدِ با سَعَهِ صَدِرِ بَالَا وَ تَحْمِلِ مَثَلِ زَدَنِي. خَيْلِي از نَامَلِيَّاتِ بَرِضَدِ اِيشَانِ در دُورَانِ صَبِرِي وَ اِمِيدِي بُودَ کَه شَماَرَه اِشارَهِ کَرِديَّد. بِقَمَارِيَّادِ بِرَخُورَهِهَايِي کَه با أَيْتَ اللَّهُ هَاشَمِي در اين دُورَانِ مَيِ شَدَ چَه انْعَكَاسِ در مَنْزَلِ دَاشَتَت. وَ با چَه كَسَى وَ يا كَسَانِي بِيَشَتَرِ در مَوْدَدِ اِينِ نَامَلِيَّاتِ دَدِ دَلِ مَكَدَدِ وَ با اِصْلَادِ دَدِ دَلِ کَه دَنَدَ با خَبَرِ؟﴾

- البته ایشان در درد کردن پیشقدم نبود. آیت الله هاشمی راز دروش را بخوبی پنهان می کردند. یکی از خصلتهای پدر رازداری ایشان بود. اما که این توان را نداشتم خلیلی اوقات با پدر صحبت می کردیم، اتفاقاً اولین مناظره سختی که در سال ۸۸ در کشور انجام شد و اتفاقات سختی که بعد از آن در کشور وجود آمد یادم هست که در مرقد امام خمینی بودیم به نظرم برای مراسم ۱۵ خرداد بعد از آن سریع سوار ماشین شدیم و برای دیدن آن مناظره که همه کشور منتظر آن بود رفتیم، ما از حرم امام حرکت کردیم افقراً این مناظره مهم بود که یادم سمت محافظین یک تلویزیون کوچک در ماشین گذاشته بودند که اگر سختترانی آیت الله در مرقد امام طولانی شد ایشان بتواند در داخل ماشین مناظره را بینند. البته ما به خانه رسیدیم و تازه مناظره شروع شده بود. یادم هست که من با حاج آقا تنها بودم و مناظره را می دیدیم، خوب برای من که خلیل سخت نشسته بود و مناظره خلیل عجیبی بود. ولی آیت الله هاشمی خلیل راحت نشسته بودند و گوش می کردند و وقتی هم که مناظره تمام شد ایشان خلیل راحت بلند شدند و رفتند و دفتر خاطراتشان را نوشتند و بعد هم خواهیدند. من آن موقع اصلاً آمادگی شرایط صحبت را نداشتم و فضا

برگزار کنیم.

ما در صدد برگزاری همایش مردمی، فراجنایی و علمی برای ترویج افکار آقای هاشمی هستیم در سطح داخلی و بین المللی. ما البته کمی دیر کار اجرایی را شروع کردیم حدود دو ماه و نیم پیش از سالگرد، ولی بنا داریم که این کار دائمی باشد و برای سالهای بعد هم تکرار شود. این همایش امسال در ۱۹ دی ماه در سالان اجلاس سران با موضوع اعتدال با حضور رئیس جمهور و سخنرانان در سه موضوع علمی، حوزه‌های قرآن و دین، سیاست‌ورزی و مدیریت و اقتصاد برگزار خواهد شد.

در تمام این موضوعات آقای هاشمی شخصیتی جامع‌الاطراف دارند و در تمام این موارد تقریباً نقش اول را داشته‌اند.

در حوزه‌های دیگری مثل تأثیف، تفسیر قرآن هم سرآمد بودند و از بهترین مفسرین زمان بودند. در هر حوزه‌ای که وارد شویم، ایشان یکی از سرآمدان بودند.

لذا بهتر دیدیم با برگزاری این کنگره و بعد در طول سال فرستت پیشتر دیپرداخته کنگره بصورت ریزت به مسائل پردازد. قطعاً هدف ما این است که تولیدات جدیدی داشته باشیم. لذا الان بصورت سفارشی حدود ۵۰ مقاله اخذ شده که در طول برگزاری کنگره ارائه خواهد شد. ۲. کتاب تالیفی هم برای کنگره داریم که در حوزه‌های شناختی ایشان است. کتابنامه‌ای هم منتشر خواهد که به بررسی تالیفات ایشان می‌پردازد. جالب است که بدانید تزدیک به ۹۰ جلد کتاب تأثیف ایشان بوده است.

کتاب دیگری هم توسط دکتر گلزاری روانشناس ارائه کردند که بیشتر به حوزه روانشنختی آیت‌الله هاشمی دارم برای کنگره که به بررسی چهره قرآنی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌پردازد. و یک کتاب هم درباره زندگانی ایشان است که توسط یکی از علاقمندان پرداز نگاشته شده که در کنگره ارائه می‌شود.

یک ویژه نامه هم داریم در حوزه‌های مقاله، مصاحبه و یادداشت و کتاب و سخنرانی که توسط پیش از ۱۳۰ نفر از نخبگان کشور در حال گردآوری است.

#### \* از مراجع هم کسی دعوت به همکاری شده است؟

- بهله. خدمت آیت‌الله جوادی آملی رسیدیم. ایشان رهنمودهای خلی خوبی برای اعضا شورای کنگره داشتند، و پایام خلی خوبی را هم برای کنگره دادند. در مجموع در طی این مدت کوتاه، کار خوبی صورت گرفته که امید داریم بعداً تمام کارهایی که در این حوزه در حال انجام است یک مدیریت واحد داشته باشد که از پردازندگی کاری جلوگیری شود. هرچند مانند توافقنامه کسانی که علاوه‌نموده است در این حوزه کارهایی را انجام دهند بگیریم، باید از صرف هزینه برای دوباره کاری‌ها جلوگیری شود. مثلاً خلی از استانها با ما تماس گرفته و می‌گویند که خودشان می‌خواهند برای سالگرد آقای هاشمی مراسم برگزار کنند. همچنین احزاب مختلف هم اقداماتی را می‌خواهند انجام دهند و ضمن تشکر از آنها کاری هم از دستمنان برآید انجام می‌دهیم.

در این جا ذکر کنم که برای برگزاری این همایش بودجه‌ای از طرف دولت نگرفته‌ایم و همه را خودمان هزینه می‌کنیم. تمام مقاماتی که در کنگره ارائه می‌شود در آخر بصورت کتاب ارائه می‌شود.

\* به نظر می‌رسد بعد فرهنگی و علمی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تا کنون کمتر شناخته شده و کمتر به آن پرداخته شده است. شما در مجموعه دفتر نشر آثار آقای هاشمی چه برنامه‌ای برای شناساندن این بعد از ابعاد شخصیت آقای هاشمی دارید؟

- خود من که سالهای متعددی در کنار ایشان بودم امروز وقتی تالیفات و نظرات ایشان را مسح کنم تازه متوجه می‌شوم که چه شخصیت علمی و فرهنگی بزرگی بودند. خلی و قتها برخی افراد نکاتی از آقای هاشمی را مطرح می‌کنند که بسیار برایم عجیب است و احساس می‌کنم



اتفاقاً هم مراحل قانونی دفن پدرم انجام نشد. مثلاً اینکه جواز دفن صادر شود، علت فوت مشخص شود اینها هیچکدام معلوم نشد. در گزارش شورای امنیت هم این موارد ذکر شده است. اینکه پروسه قانونی تعیین علت فوت و... طی شده است. در حالیکه ما دیدهایم اگر فرد مريضی در خانه هم فوت شود تا علت فوت مشخص نشود جواز دفن صادر نمی‌شود. در مورد آقای هاشمی شورای امنیت ده روز بعد از فوت ایشان به این جمع‌بندی رسید که تحقیق کند. اگر یک اتفاق کوچکی در کشور به وقوع پیوندد مدعی‌العلمون رود پیدا می‌کند. اما برای شخصیتی مثل آقای هاشمی سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی باید بسیار شفافتر از آنچه شاهد بودم عمل می‌کرند. آنها هم خلی دیر شروع کردند و هم اینکه به نظر نمی‌آید که خلی از آنها توقع برود که ملاحظه کنند.

\* آیا با تیم مفاظتی آقای هاشمی درباره فوت ایشان صحبت کرده‌اید؟

- بله ما با تک تک آنها صحبت کردیم. آنها هم زمانی که آن اتفاق افتاد حضور نداشتند و موقعی با آقای هاشمی مواجه شدند که تقریباً ایشان فوت کرده بودند.

\* ظاهراً آزمایشها مشخص کرد که درصد اورانیوم در بدن آقای هاشمی ده برابر بیشتر از استاندارد بوده است. در تکمیل اطلاعات این خبر چه می‌دانید؟

- شورای امنیت این را بررسی و تایید کرد، البته دقیقاً نمی‌توان گفت ده برابر ولی خلی زیاد بوده است.

#### \* منشاء اورانیوم از کجا بوده؟

- منشاء اورانیوم راکسی نمی‌دانم. ولی از یک کارشناس حرفه‌ای اورانیوم پرسیدم که گفتند می‌توان زمان دقیق ورود اورانیوم را مشخص کرد. البته شورای امنیت اعلام کرد این اورانیوم علت فوت نبوده است. خود آقای روحانی به من گفتند که شورای امنیت به من نامه‌ای نوشته و دنبال مستن پرونده فوت آقای هاشمی بودند؛ ولی علت فوت را مشخص نکرده بود و فقط اعلام کرده که به چیزی نرسیده‌ایم.

\* موضوع دیگری را شنیده بودیم که آقای هاشمی قبل از تیغ‌گرافي قلب انجام دادند، آیا ایشان مشکل قلبی داشتند؟

- خیر ایشان اصلاً مشکل قلبی نداشتند. ایشان مشکل قند داشتند که خلی خوب از این کنترول کرده بودند. البته مانمی‌خواهیم به کسی اتهام وارد کنیم فقط می‌گوییم که فوت آقای هاشمی ایهام دارد.

\* ما می‌خواهیم بدانیم که شما برای پیگیری مسیر اطلاع از دلیل فوت

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اقداماتی دارید؟

- بله. ما توقع داریم که شورای امنیت اگر به جمع‌بندی رسیده به ما مدارک را کامل بدنهند بالاخره مطالعاتی که کردنده و دارکرده که هنوز این کار را نکرده‌اند.

تحقیقاتی که کردنده، تمام آن را به ما هم اطلاع دهند که هنوز این کار را نکرده‌اند.

\* یک جریان وجود دارد که می‌خواهد آیت‌الله هاشمی فراموش شود

همانند هاشمی زدایی در دانشگاه آزاد، این موضوع را چگونه می‌پینید؟

- رفتار آقایان در دانشگاه آزاد را نوعی کج سلیقی می‌دانم. بحث هاشمی زدایی بحث شخص نیست بلکه با نوعی تفکر در مقابله می‌ستند. البته در این اوخر از تفکر و ایده‌های آقای هاشمی استفاده نمی‌شود و کمتر مورد مشورت قرار می‌گرفت؛ لذا آقایان باید به نسل‌های آینده جواب بدene که چطور از تفکر هاشمی که توانست به کشور و اداره آن کم کند استفاده نکرند. وقتی صدا و سیما می‌آید و آقای هاشمی را در حصر قرار می‌دهد شما بقیه را می‌توانید رصد کنید. لذا بحث هاشمی زدایی بحث جدیدی نیست و از سالها قبل شروع شده بود. زمانی که ایشان زنده بودند همیشه حرف‌های نو و ایده‌های جدید را مطرح می‌کرد حالا که دیگر در این دنیا نیستند.

البته این نکته را باید

فراموش کرد که امروز سطح آگاهی و شعور مردم خلی بالا رفته همان چیزی که آقای هاشمی خلی دنبال آن بودند. امروز که آقای هاشمی نیست افرادی فضای ماناسب‌تر می‌پینند که سرعت خود را در هاشمی زدایی بیشتر کنند!

\* در خبرها داشتیم برای مراسم سالگرد فوت آقای هاشمی در صدد برگزاری کنگره‌ای هستید. در مورد این کنگره توضیحاتی بفرمایید.

- جمی از تزدیکان ایشان، دوستان و خانواده به این جمع‌بندی رسیدیم که بمنظور ترویج و نشر افکار آیت‌الله ایشان را فردی جامع‌الاطراف بودند

**امروز وقتی  
تألیفات ایشان  
را مرور می‌کنم  
تازه متوجه  
می‌شوم که  
چه شخصیت  
علمی و فرهنگی  
بزرگی بودند.  
خلی وقتی  
برخی افراد  
نکاتی از آقای  
هاشمی را  
مطرح می‌کنند  
که بسیار برایم  
عجب است و  
احساس می‌کنم  
ایشان فردی  
جامع‌الاطراف  
بودند**

# آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ارتقای جایگاه حضور

دکتر سید محمد میرمحمدی

آیت‌الله  
هاشمی رفسنجانی  
در نگاه همکاران

بودن تثیت کرد، بطوری که مجلس مرکز مراجعات مهم مسئولان داخلی و خارجی گردید و گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق شخصاً استقبال و میزبانی ایشان را در سفر به شوروی بر عهده گرفت. البته اداره مجلس پس از شهادت شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و هفتاد دو تن ایران انقلاب که حدود ۲۷ نفر آن از مجلس بود و اداره مجلس در زمان عزل بنی صدر از دوران حساس ریاست ایشان بود.

**۵ - جنگ تحملی** - پس از پیشنهاد ریاست جمهوری و نماینده امام در شورایعالی دفاع به محضر امام (ره)، جانشینی فرماندهی کل قوا و فرماندهی جنگ به ایشان محول گردید و در همان ایام خطبه‌های عالمانه و تحلیل‌های سیاسی ایشان همواره باعث دلگرمی مردم و پشت گرمی زندگان اسلام بود و تلاش ایشان برای معرفی عراق به عنوان متجاوز پس از



قطعنامه ۵۹۸ قابل توجه است.

**۶ - مجلس خبرگان رهبری** - نایب رئیسی مجلس خبرگان و ریاست مجلس خبرگان پس از رحلت مردم آیت‌الله مشکینی از مسئولیت‌های مهم ایشان بود. علیرغم عدم همکاری مسئولان دبیرخانه و اداری وقت خبرگان، ساختار جدید مجلس خبرگان و دبیرخانه آن با ریاست آیت‌الله امینی و پس از آن آیت‌الله یزدی از یادگارهای اندگار ایشان است.

**۷ - ریاست جمهوری** - عملکرد ایشان به عنوان رئیس‌جمهور در دو دوره متوالی و نقش موثر ایشان در بازسازی پس از جنگ تحملی و اداره کشور و هماهنگی قوای سه گانه حاکی از توان مدیریتی بالای آقای هاشمی است چنانکه برخی از اختلاف نظرها که در زمان ریاست قوه مقتنه و قوه مجریه پیش می‌آمد با هدایت آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت و راهبر معظم انقلاب حل و فصل می‌گردید. پس از بازنگری قانون اساسی جایگاه مقداره اسلامی در داخل و با ابتکار دیپلماسی سران در خارج تثیت گردید و آینده نگری ایشان، طرح فقر زدایی، نظام تأمین اجتماعی و طرح ایران ۱۴۰۰ زمینه تصویب و ابلاغ چشم انداز ۲۰ ساله توسط مقام معظم رهبری در موقعیت ریاست مجمع تشخیص مصلحت آقای هاشمی بود.

گرچه اقدامات موثر ایشان در سازندگی و زیرساختهای کشور و ارتقاء نظام اداری و برنامه‌های توسعه و سر و سامان دادن به وضعیت کارکنان دولت، بازنشستگان و مدیران کشور و تشکیلات کلان و تسهیل در روش‌های خدمت به مردم را ناید از نظر دور داشت.

**۸ - مجمع تشخیص مصلحت نظام** - مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان بازوی مشورتی رهبری در تدوین سیاست‌های کلی و حل و فصل مضطربات کشور و رفع تعارضات مجلس و شورای نگهبان با صدور حکم ریاست از طرف مقام معظم رهبری در زمان ایشان در طراز شایسته‌ای قرار گرفت و امروز به عنوان نهادی بالند به کار خود ادامه می‌دهد.

**۹ - سایر مسئولیتها و خدمات ایشان** - تقویت بنیه دفاعی و امور زیربنایی، مترو، دانشگاه آزاد اسلامی، محرومیت زدایی و تشکیل دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری، پشتیبانی از تأسیس بنیاد بیماریهای خاص، تلاش، ستاد آزادگان از جمله خدمات ارزشمند ایشان است.

**۱۰ - پرداختن به کارهای علمی و تاریخ معاصر** - ایشان همواره کارهای علمی و حوزه‌ی را مورد حمایت قرار می‌داد و خود نیز دارای تأثیفات قرآنی و علمی و سیاسی از قبیل تفسیر راهنمای قرآن کریم، سرگذشت فلسطین، امیرکبیر و روایت هجران بود. جایگاه ویژه ایشان در پیشگاه اهل علم و حوزه‌های علمی نیز به عنوان یک فقیه مجاهد و اسلام شناس آگاه به زمان مورد تأیید بزرگان بوده و می‌باشد.

نسبت به خصوصیات اخلاقی و رفتاری و ویژگی‌های انسانی و مبارزاتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و سیره عملی آن مرحوم در سال‌های مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مناسب ارجحال، چهلم و سال‌گرد آن عزیز سفر کرده سخن‌ها گفته و طالبی نوشته شده است. مقام معظم رهبری و مراجعظام و علمای اعلام با پیام‌ها و مسئولان سه قوه، اساتید حوزه و دانشگاه، ایثارگران، هنرمندان و همکاران و دوستان و همکاران و اعضای خانواده ایشان با مصاحبه بیاناتی داشتند؛ حتی آنان که با برخوردهای تخریبی در زمان حیات ایشان دل دوستانه ایشان را به درد آورده بودند پی‌پا کردند که در فضائل ایشان باب سخن را باز نمایند و برخی نیز ضمن برشمردن محاسن ایشان نقد منصفانه داشتند. اینجانب نیز برای انجام وظیفه و به عنوان کسی که سال‌ها همکاری نزدیکی با آن مرحوم داشته است مقاله‌ای تحت عنوان «هاشمی پیچ تنظیم انقلاب حول محور رهبری بود» را در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۹۵/۱۱/۲۶ به مناسب چهلمین روز در گذشت آن فقید سعید به چاپ رساند و ویژگی‌های ایشان را در ۲۱ بند با ذکر مقال و تحلیل، خاطر نشان کردم از قبیل حمل، مهربانی و عاطفه، پیش‌تازی در مبارزه، ایثار، ساده زیستی، نوآوری و ابتکار، جهاد و اجتهاد، هوش سرشار و حافظه، دغدغه مندی جوانان و بانویان، اهمیت کار و اشتغال، خودبادی و خداباوری، عدالت اجتماعی و فقر زدایی، سیاست خارجی و مدیریت و سرانجام ولایت پذیری و ولايتمداری، و شاید آن مقاله برای انجام وظیفه و تصدیع مجدد کفایت می‌کرد.

لیکن ادای سه‌هم ناچیز در ویژه نامه سالگرد روزنامه جمهوری اسلامی، مرا بر آن داشت که از خصوصیات فردی به سمت هم افزایی و ارتقای جایگاه مسئولیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی حرکت کنم.

**ارتقای جایگاه حضور** جایگاه و مسئولیت را که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌بدیرفتند اعتبار و ارتقاء می‌یافتد که ذیلا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

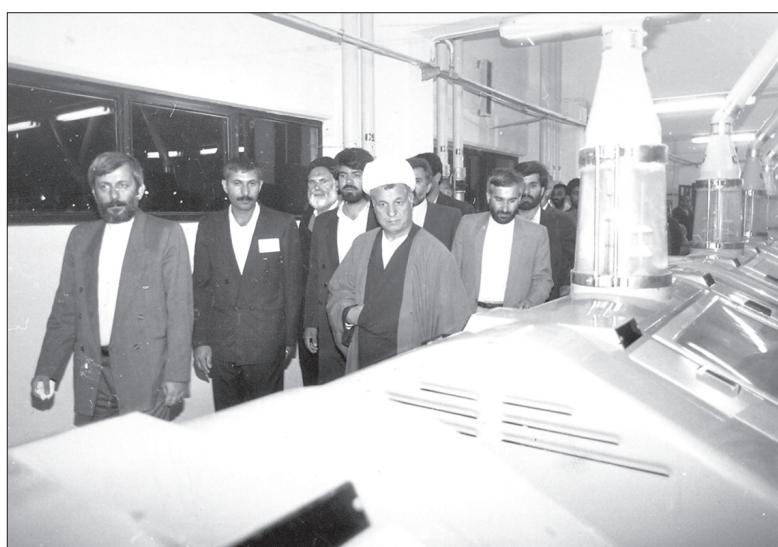
**۱ - مبارزه با رژیم ستم شاهی** - مبارزه و تحمل سختی‌ها و شکنجه‌ها و پایمردی در نهضت و اعتماد بالای حضرت امام (ره)، ایشان را در زمرة معتمدین خاص قرار داد. چنانکه مقام معظم رهبری بارها به این مطلب اشاره داشتند که آقای هاشمی رفسنجانی «فرزند اسلام و از حواریون امام عظیم الشأن یا مردی بزرگ از ساقین اولین انقلاب و از حواریون و انصار دیرین امام راحل یا در پیام اخیرشان از او بعنوان نمونه کم نظری از نسل اول مبارزان ضد مستمساهی و از رنج دیدگان راه برخرا و پرافتخار» یاد کردند.

**۲ - شورای انقلاب** - در شورای انقلاب از اعضای مؤثر و پس از استفاده دولت موقت از طرف شورای انقلاب، سرپرست وزارت کشور را در آن مقطع حساس به عهده گرفتند.

**۳ - حزب جمهوری اسلامی** - در حزب جمهوری اسلامی نیز به همراه شهید آیت‌الله بhesti و آیت‌الله خامنه‌ای از مؤسسان حزب مورد تأیید امام قرار گرفت تا جایی که امام فرمودند: «افرادی که این حزب (حزب جمهوری اسلامی) را ایجاد کردند خوب می‌شناختم. من آقای هاشمی را بهشتی خامنه‌ای را بزرگش کردم»

صفحه (صحیفه امام جلد ۱۵، ۱۵۷) در غایله بندی صدر و منافقین مردم با شعار درود بر سه یاور خمینی - هاشمی و دو سید حسینی از آنان تجلیل می‌کردند.

**۴ - مجلس شورای اسلامی** - ریاست مجلس شورای اسلامی در چند دوره حساس کشور طراز مجلس را به سمت آنچه امام بزرگوار معتقد بود یعنی در رأس امور



**\*تقویت بنیه دفاعی و امور زیربنایی، مترو، دانشگاه آزاد اسلامی، محرومیت‌زدایی و تشکیل دفتر مناطق محروم در ریاست جمهوری، پشتیبانی از تأسیس بنیاد بیماریهای خاص، تلاش برای آزادی اسراء و تشکیل ستاد آزادگان از جمله خدمات ارزشمند ایشان است**

آقای حسین شمسایی:

# نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در گسترش فرهنگ اهل بیت(ع)

یکی از مفسران بلند مرتبه قرآن بودند، جدی بودند. وی با اشاره به این که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تقریباً کل قرآن را در دوران زندان خود حفظ کرده بودند افزود: این شرایط نشان می‌دهد که او هم بسیار باهوش بود و هم اینکه عمر شریف خود را حتی در زندان به بطالت نگذراند و حتی در دوراهای می‌گفت که من نگارش تفسیر قرآن را هم در زندان هنگامی آغاز کردم که منبعی جز قرآن در اختیار نداشتمن.

وی افزود: در تک تک خطبه‌های نمازهای جمعه می‌شود این تفسیر را مشاهده کرد که فراموش نشدنی کرد. پس نقش ایشان در گسترش اهل بیت و معارف اهل بیت و گسترش قرآن بسیار بسیار مثال زدنی است و من از ابتدایی که با ایشان آشنا شدم همواره این را در ایشان می‌دیدم.

شمسایی گفت: این کار نزد علمای شیعه خیلی کار عجیبی هست که هم سیاستمدار بر جسته‌ای باشد و هم در



سیره اهل بیت(ع) کاملاً مسلط باشد به گونه‌ای که در سخنرانی‌ها وقتی به نقاط تاریخی زندگانی ائمه اشاره می‌کردد، آنچنان متبحر و آشنا به همه زوایای زندگی اهل بیت، مسایل را شرح و تفسیر می‌کرددند زندگی اهل بیت را کاملاً برابر شنونده به تصویر می‌کشیدند.

مسئول روابط عمومی ریاست جمهوری با اشاره مجدد به هوش آقای هاشمی رفسنجانی در مدیریت گفت: هوش آقای هاشمی(ره) فوق العاده بود چون از زن دیگر ۸ سال از سال ۶۸ تا سال ۷۶ به طور مدام هر روز در خدمت ایشان بودم چه در جلسات داخل ریاست جمهوری چه در جلسات خارج از ریاست جمهوری و چه در بازدیدها در شهرستانها و چه در خارج از کشور می‌دیدم که ایشان به نکاتی اشاره می‌کنند و به ظرایفی اشاره می‌کنند که حقیقتاً همه افراد در جلسات مات و میهوت می‌مانندند.

شمسایی ادامه داد: نمونه‌ای را بگوییم. جلسه شامی با رئیس جمهور فقید الجزایر داشتیم. آقای هاشمی از آقای شاذلی بن جدید سوال کرد که شما پنده سد در الجزایر دارید؟ رئیس جمهور الجزایر رو کرد و وزیر مربوطه و پرسید چند سد داریم، او هم از فرد دیگری پرسید و او از دیگری تا ۳۱ یا ۴۰ نفر پرسیدند و گفتند که مثلاً ما ۱۱ سد داریم. آقای هاشمی گفتند نه شما ۱۳ سد دارید. رئیس جمهور یک کشور با همه مشاوران و وزراً امندند در مورد سدهای آبی الجزایر دقیق نمی‌دانند، ولی آقای هاشمی می‌دانستند. این را به عنوان نمونه عرض کردم.

وی در شرح خاطرات مدیریت اجرایی آقای هاشمی گفت: یا می‌رفیم در کارخانه‌ای برای افتتاح، ایشان سوالات را مستقیماً از کارشناسان و از مدیریت کارخانه می‌پرسیدند و اجازه نمی‌داد وزیر گزارش دهد. نظرات فنی را از کارشناسان مختلف می‌گرفتند. کارهای ایشان در ظاهر فرهنگی بود، ایشان یک دفترچه خاطرات بسیار جالبی داشتند که ممه مسایل و دریافتی‌های خود را بث می‌کردند بعد از پایان جلسات دقیقاً سوالات سال قبل را می‌پرسیدند که من پارسالی این سوال را کردم چرا این گونه نشد؟ برای همه بسیار عجیب و غریب بود و اسلام مرسوم نبود درین دولتمردان بویژه روحانیون که از غیر حافظه رجوع کنند یا به نوشته خاطرات عادت داشته باشند. امام حضرت آقا و هم آیت‌الله هاشمی دفترچه خاطرات خیلی گرانهایی دارند و داشتند. از سال‌های قبل رهبری معمض نیز این دفترها دارند که در پایان هر جلسه مهم قسمت‌های حساس و دقیق را یادداشت می‌کنند. من از نزدیک دیدم.

شمسایی ادامه داد: نکته خیلی عجیب عرض کنم. قرار بود در زنجان کارخانه مس و روی افتتاح شود. در آن جا ابتدای صحبت مسئولان در باره روال ساخت کارخانه، دیدم سر و صدا بلند شد و آقای هاشمی که معمولاً کمتر عصبانی می‌شد و کمتر داد داد کار معدن ساخته می‌شد. معدن تا اینجا ساختید؟ این کارخانه باید کار معدن ساخته باشد. گفتند که آقا ما اینجا مصوبه داریم و گشتند و دیدند اصلاح مصوبه‌ای در کارخانه است. ایشان برای افتتاح این کارخانه نه تنها تشویق نکرد، بلکه با همه آدمهای آنچه برخورد کرد.

مسئول روابط عمومی ریاست جمهوری دوران ریاست آقای هاشمی رفسنجانی با تأکید بر این که آقای هاشمی مخصوصاً به متقدین و حتی افراد دگراندیش اهمیت می‌داد افزود: ایشان می‌گفت بگذارید مخالفان نظام هم حرف خود را مطرح کنند ما پاسخ داریم برای نقد و می‌توانیم جواب بدیم. چه در حوزه‌های دینی و دانشگاهی ایشان جایگاه خاصی قائل بودند. آقای هاشمی بسیار جدی بود کمتر اتفاق می‌افتد که پای غیبت و سخنان سبک بنشینند.

یکی از جلوه‌های عجیب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تلاش فراوان برای گسترش فرهنگ اهل بیت(ع) در جامعه بود و شیوه شرح سیره اهل بیت(ع) در سخنرانی‌ها و خطبه‌های ایشان در تاریخ انقلاب اسلامی ماندگار خواهد بود به ویژه این که ایشان به نقاط تاریخی، زندگانی ائمه از نگاه کارشناسی متبحر و آشنا به همه زوایای زندگی اهل بیت می‌نگریستند و زندگی اهل بیت را برابر شنونده کاملاً به تصویر می‌کشیدند.

آقای حسین شمسایی مسئول روابط عمومی دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و پیش از آن در دوره‌ای ۱۲ ساله درباره شیوه ارتباط خود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در گفتگو با ویژه نامه سالگرد رحلت گفت: اوایل دهه ۵۰ ما هیئتی به نام مکتب جوانان الموحد داشتیم که شب‌های پنجشنبه در حوالی میدان شهدا (ژاله قدیم) تشکیل می‌شد. یکی از دوستان که با قم ارتباط داشت آقای هاشمی رفسنجانی را برای سخنرانی در هیأت ما دعوت کرد چندین جلسه آمدند و اوین کسی که تخته سیاه را وارد هیئت کردند هم ایشان بود که مقاوم اسلامی را به صورت کلاس درس مطرح می‌ساخت.

وی افزود: این ابتدای آشنازی من با آقای هاشمی بود که ادامه پیدا کرد و برنامه‌های مسجد جاوید که مرحوم شهید مفتح آنجا را پایه گذاری کرده بودند و قبل از انقلاب یکی از پایگاه‌های نهضت و انقلاب اسلامی در ابتدای خیابان شمیران (شریعتی فعلی) بود. آنچه آقای هاشمی تشریف می‌آوردند و صحبت می‌کردند، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید باهنر همه فضلاً قم و مبارزین حوزه علمیه قم سخنرانی داشتند و جلسات بسیار خوبی بود.

آقای شمسایی ادامه داد: ارتباط ما با هم ادامه داشت تا رسیدیم به کمیته استقبال از امام خمینی. در کمیته استقبال از امام، بنده به اتفاق چند تن از دوستان مسئولیت گروه سرود استقبال را بر عهده داشتیم. مسئول کمیته فرهنگ کمیته استقبال از امام شخص آیت‌الله خامنه‌ای بودند ولی از بقیه هم نظرخواهی می‌کردند. به طور مشخص سرودی که آنجا اجرا کردیم، یکی سرود خمینی ای امام، یکی هم «ای شهیدان راه خدا بود» که در فرودگاه مهرآباد اجرا شد. یکی هم در بهشت‌زهرا اجرا کردیم.

وی به تجربه چند دهه‌ای خود در همراهی با آقای هاشمی رفسنجانی اشاره کرد و افزود: یکی از اصلی‌ترین مسائل درباره شیوه ارتباط آقای هاشمی رفسنجانی نزدیکی شدید ایشان به امام خمینی بود. حتی خود آیت‌الله خامنه‌ای نقل می‌کنند. من که مسئول روابط عمومی در دوران ریاست جمهوری ایشان هم بودم با رهای خود ایشان شخصاً پرسیدم. در مسائل سیاسی، اجتماعی و فقهی و مسائل مختلف با امام راحت برخورد می‌کرد و امام خیلی به ایشان علاوه داشت.

وی ادامه داد: حتی اخیراً مصاحبه‌ای از آقای حائری شیرازی خواند که ایشان رسماً به نقل از مقام معظم رهبری در سفر به شیراز نقل شود را به آقای هاشمی اقای هاشمی علاوه داشتند که هر وقت ایشان به سفر می‌رفتند، یک گوسفند نذر می‌کردند و وقتی هم که بر می‌گشتد به شکرانه بازگشت آقای هاشمی یک گوسفند قربانی می‌کردند. این نزدیکی آنقدر زیاد بود که با هیچ کس دیگری چنین ارتباط و نزدیکی رو سراغ ندارم.

شمسایی افزود: جالب این که امام هر کارمشکلی را به آقای هاشمی می‌گفتند و سایر افراد هم مسائل مهمی که قرار بود به امام منتقل شود را به آقای هاشمی می‌گفتند که شما از امام سوال کنید یا به امام بگویید. یک حالت خواستی بین هم به صورت عجیب داشتند و با امام خیلی صمیمی بودند.

وی گفت: آقای هاشمی زبان انقلاب اسلامی و سخنگوی نظام هم بود و همه جا می‌رفت و سخنرانی می‌کرد، سخنرانی‌های بسیار تاثیرگذار که همه اقایان هم بودند، خطبه‌های اثر گذار و تحلیلی در باره شرایط دفاع مقدس هیچگاه از ذهن مردم ایران نمی‌رود.

وی با اشاره به ارتباط با آقای هاشمی در مسائل مربوط به هیات‌های مذهبی در باره تلاش آقای هاشمی برای توسعه فرهنگ اهل بیت(ع) هم گفت: آقای هاشمی رفسنجانی حالت عاطفی بسیار شدیدی نسبت به ائمه اطهار داشت. در نمازهای جمعه یا ایام خاص مذهبی مثل شهادت حضرت زهرا(س) امکان نداشت ایشان اسم حضرت زهرا را بیوارند و بعض گلوب ایشان را نگیرد و اشکشان جاری نشود.

وی ادامه داد: همین دلیل ایشان نسبت به هیات‌مذهبی هم بسیار علاوه‌مند بودند و از طریق بندۀ که ایشان را به مناسبت‌های مذهبی دعوت می‌کرد باره این روحیه نسبت به رشد و گسترش مساجد جلسات معارفی و تفسیر قرآن که خود ایشان

**امام هر کارمشکلی را به آقای هاشمی می‌گفتند و سایر افراد هم که قرار بود به امام منتقل شود را به آقای هاشمی می‌گفتند که شما از امام سوال کنید یا به امام بگویید. یک حالت خواستی بین هم به صورت عجیب داشتند و با امام خیلی صمیمی بودند.**

**آقای هاشمی می‌گفتند که قرار بود به امام منتقل شود را به آقای هاشمی می‌گفتند که شما از امام سوال کنید یا به امام بگویید. یک حالت خواستی بین هم به صورت عجیب داشتند و با امام خیلی صمیمی بودند.**

**آقای هاشمی می‌گفتند که قرار بود به امام منتقل شود را به آقای هاشمی می‌گفتند که شما از امام سوال کنید یا به امام بگویید. یک حالت خواستی بین هم به صورت عجیب داشتند و با امام خیلی صمیمی بودند.**

**آقای هاشمی می‌گفتند که قرار بود به امام منتقل شود را به آقای هاشمی می‌گفتند که شما از امام سوال کنید یا به امام بگویید. یک حالت خواستی بین هم به صورت عجیب داشتند و با امام خیلی صمیمی بودند.**

**آقای هاشمی می‌گفتند که قرار بود به امام منتقل شود را به آقای هاشمی می‌گفتند که شما از امام سوال کنید یا به امام بگویید. یک حالت خواستی بین هم به صورت عجیب داشتند و با امام خیلی صمیمی بودند.**



می‌گفتند که چنین و چنان هست که بعد می‌گفتند پشیمانیم. خانم شهید بهشتی(ره) روزی به من گفت که بارها دیدم در قله‌ک جلوی خانه ما بک اتوبوس می‌ایستاده و مردم از آن پیاده می‌شدند و می‌گفتند اینجا منزل آقای بهشتی است؟ وقتی من جواب مثبت می‌دادم می‌گفتند که به ما گفتند آقای بهشتی در کاخ زندگی می‌کند! مسئول وقت روابط عمومی ریاست جمهوری افزود: برخلاف شباهتی که درست می‌کردند و انگهایی که می‌زند حقیقتاً آقای

هاشمی خیلی ساده‌زیست بود و اصلاً حواسش به خوارک و محل زندگی

نیو و فقط به کار فکر می‌کرد.

وی همچنین در باره انتظار آقای هاشمی از وزرای خود ادامه داد: در نهاد ریاست جمهوری، ایشان جلسه‌ای با همه وزرا و معاونین داشتند که در آنجا گفت: من به همه وزرا می‌گویم که به هم ناله و زاری نکنید تلفن را بردارید و مشکلات را با هم حل کنید. کارهای سیاسی را بگذارید به عهده من. شما کار اجرایی مردم را انجام دهید.

وی با اشاره به پیشرفت کشور در ابعاد اقتصادی و بازسازی‌های پس از جنگ گفت: کشور اینگونه نبود ۸ سال مملکتی که بعد از جنگ هیجی نداشت، خالی بود و توانست مملکت را به جایی برساند که روزهای آخر ریاست جمهوری در سال ۷۶ به هر استان و شهرستان دور دست هم که می‌رفتیم هیچ کدام دیگر بحث آب و برق و گاز نداشتند. همه دانشگاه‌های خواستند، فرهنگ مردم اینقدر بالا رفته بود، در آن ۸ سال کاملاً کار کرد، به وزرای خود می‌گفت باید کار کنید. با هم تلفنی حرف بزنید و مشکلات را حل کنید.

وی در پاسخ به این سوال که به چه علت بعد از آقای هاشمی سازندگی افت کرده و به آن سرعت جلو نرفت پاسخ گفت: چون واقعاً آن نظارت وجود نداشت. نمی‌خواهم کسی را متهم کنم ولی زمان آقای هاشمی فرق می‌کرد. آقای هاشمی این بود و این خصوصیات را داشت که باعث شد هاشمی، هاشمی شود و بعد از سوء قصد به جان آقای هاشمی رفسنجانی امام پیام داد و در آن پیام گفتند: مرحوم مدرس وقتی که بیمارستان رفت برای رضاشاه پیام داد که به رضاشاه بگویید من زنده هستم و مردان تاریخ تا ابد زنده هستند و امام هم برای هاشمی ادامه می‌دهند که هاشمی زنده است چون نهضت زنده است. امام آقای هاشمی را اینگونه می‌دید.

وی در پایان گفت: به خاطر همان چیزهایی که خدمت شما گفتم آقای هاشمی خیلی آدم شناس بود آقای هاشمی زمانی دیگر به نماز جمعه نرفت که احمدی نژاد وارد شد. هاشمی می‌گفت که این فرد «ناهله» می‌اید و در سیستم نظامی نفوذ می‌کند که با خون شهداد پایه‌گذاری شده و اخلاق را می‌گیرد. چنین هم شد، الان هم احمدی نژاد دوست دارد او را دستگیر کنند تا جنجال شود.

وی همچنین گفت: آقای هاشمی بسیار و به شدت صرفه جو بود. به طوری که اگر روزی درنهاد ریاست جمهوری غذا نداشتیم می‌گفت هرچه که هست بیاورید. نان و پنیر. در خانه هم غذا نداشتند که بارها نقل می‌کردند که نون و پنیر و هندوانه خوردند. نون و پنیر و طالبی خوردند یا اصلاح‌شام نخوردند. یا چایی می‌آوردند و اصلاً نمی‌گفت که چرا کمنگ یا پررنگ یا مانده است به همین دلیل من همواره گفتم و می‌گوییم که او عنصر عجیب بود و اخلاق خاصی داشت.

آقای شمسایی با یاد آوری خاطرات دوران ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: وقتی آقای هاشمی رئیس‌جمهور شد ما در دفتر بودیم، فردای آن روز دیدیم که یک کامیون فرش از مجلس به دفتر ریاست جمهوری آوردن فرش‌ها را برای اتاق‌های تشریفات و مهمانان خارجی پیش کردند. افرادی گفتند اینها چیست؟ این‌ها اشرفی‌گری است! آقای هاشمی گفتند این جا مهمانان خارجی می‌اید و می‌گویند که اینها فقیر هستند و ندارند، یا دارند و ربا می‌کنند. ما هر قدر احترام به مهمان بگذریم، احترام به خودمان می‌گذریم هرچه قدر اینها را تحویل بگیریم، روی خوش و با جای خوب و هزینه کنیم به کشور بر می‌گردد که اینقدر به مهمانان خارجی احترام می‌گذاشتند.

آقای شمسایی با اشاره به این که همین آقای هاشمی اما در خانه خود خیلی ساده زندگی می‌کرد، ادامه داد: همچنین موقعی که به جبهه می‌رفتند کار پاسدارها روی خاک می‌خوابیدند. در جمع‌های دوستانه قائل به این نبودند البته محافظین سعی می‌کردند که ایشان این کار را نکند. در حالیکه می‌دانیم آقای هاشمی با توجه به آن برجسبی که به ایشان می‌زند زندگی بسیار ساده‌ای داشتند.

وی با اشاره به این که آقای هاشمی بسیار مظلوم زندگی کرد و مظلوم بوداگزوه: اگر در خاطراتان باشد در اول انقلاب می‌گفتند هاشمی در خانه علم (اسدالله علم) زندگی می‌کند تهمت‌هایی هم به آقا می‌دادند هم به امام خمینی و به شهید بجهشی که مردم شعار می‌دادند که مردم بر خمینی، هاشمی و دو سید حسینی. آقای هاشمی یک هاشمی بضم تفکیک شدن در اصول می‌خواست کار بود. یعنی اصولگرایی بود که ضم تفکیک شدن در اصول می‌خواست کار جدیدی انجام بدهد. با زمان پیش می‌رفت مخصوصاً خیلی به جوان‌ها بها می‌داد.

وی ادامه داد: دشمنان هاشمی و دشمنان انقلاب روی این مساله بسیار کار کردند تا بگویند آقای هاشمی روحیه اشرفی‌گری دارد و خانه علم می‌نشینند و دختر و پسرش کجا هستند و از این گونه مسائل ولی منزلي که ایشان بود همه می‌دانستند چه بود. همین مسائل را برای افرادی مثل آقای بهشتی هم

## دشمنان هاشمی و دشمنان انقلاب روی این مساله بسیار کار کردند تا بگویند آقای هاشمی روحیه اشرفی‌گری دارد و خانه علم می‌نشینند و دختر و پسرش کجا هستند و از این گونه مسائل ولی منزلي که ایشان بود همه می‌دانستند چه بود. همین مسائل را برای افرادی مثل آقای بهشتی هم

# روستازاده مجتبی و سیاستمداری آگاه و جامع الاطراف

رضا سلیمانی

رضا سلیمانی، مشاور و مدیرکل سابق روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام است که سابقه بیست و هشت سال همکاری با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را دارد. وی در سال ۱۳۹۵ و چند ماه پیش از رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دوازدهمین سمپوزیوم بین‌المللی روابط عمومی‌های الکترونیک، بر اساس رأی داوران مشکل از متخصصین داخلی و خارجی به عنوان مدیر روابط عمومی برتر شناخته شد.

و بالندگی این مرکز مهم دانشگاهی در داخل و توسعه آن در بعد این المللی، پیشنهاد تأسیس تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله پیشنهاد از آثار برگزیده وجود چنین شخصیت بزرگ و ارزشمندی است. اما حقیقت وجودی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را باید در عالم اعمال بودن و مصائب آنم اعتقاد اشان، به مقابله شیعیه در سده‌های اخیر، یعنی "عدم جدایی دین از سیاست" دانست. چرا که اگر سیاست را علم اداره جامعه و دین را در مجموعه‌ای از احکام، جهان بینی و ایدئولوژی، ترسیم خط سیر سیاست، برای سعادت دنیوی و اخروی فردی و اجتماعی انسان بدانیم که چنین است، هاشمی رفسنجانی، هم ریشه در دین دارد و هم اندیشه سیاسی، که صد الیت در این نظریه مبنای، نه بر سیاست بدون دین، چون مکتب لایک، تأثید داشت و نه بر دین بدون سیاست. چون تحجر، که اولی، انحراف از راست و دموکری از چب است. آچه هاشمی می‌پیمود، می‌خواست، برای آن مبارزه کرد، شکجه شدزخم زبانها را بر جان خرد و تا آخرین روزهای حیات، براعتقاد خود، استوار و ثابت ماند، اسلام بدون پیرایه، مبنی بر احکام قرآن و روش و متن پیامبر اسلام(ص) بود که چنیده آن در تعلیم مستقیم علی(ع) در نهج البلاغه است که می‌فرماید: "الیمن و الشمال، علی(ع)" در نهج البلاغه است که می‌فرماید: "الیمن و الشمال،

مفصله و الطريق الوسطي هي الجادة"

این مقدمه را گفتم تا وزنهای برای ورود به بحث اصلی و یا بانی، یعنی "اعتدال و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی" باز کنم که به گواهی همه سیاستمداران داخلی و خارجی و به شهادت همه علمای حوزه‌های علمیه و مراجع تقیید، شیخ اعتدال شیعه و ایران بود. اگرچه اندیشه‌های اعتدالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال‌های اخیر به خصوص و به ویژه مقطع انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ در جامه متولد شد، اما اگر موشکافانه در رفار، گفتار و نوشان ایشان، در طول زندگی با خبر و برکشان، نظر اندیزیم، متوجه می‌شوند که این اندیشه در وجود ایشان ساخته شده است. این اندیشه می‌تواند این را در "عدل" به عنوان یکی از اصول دین شیعیان و آن سوی تر، در آیات نازل شده بر قلب تازین پیامبر اسلام(ص) جستجو کرد. آن گاه که "امت وسط" تعبیر روشن قرآن، برای امت سلمان شده است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، که علاوه بر رفتار و گفتار، اعتدال را بلطف و اشاره مثبت آن را برای فرد و جامعه تشریح می‌کرد، در تمام این سال‌ها، سعی در روشنگری برای احیاء اهمیت اعتدال در جامه داشت و به گواهی استناد فراوان غفاری، لائق در سال‌های مبارزه زبانی، "عدل" به عنوان یکی از اصول مذهب شیعیان را پایه "امرین الامرین" در انتقاد از دنگاه، اشاعره و متعذر برای جبر و اختیار انسان در کارگاه آفرینش می‌دانست و عدالت و دادگستری را معنایی برای "عدل" در سایه این دو تفکر می‌دانست و هیشیه به روایاتی از آنها(ع)، مخصوصاً، امام علی(ع) امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) است.

شاید بر جستگی و از اعتدال در سختان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طی سالهای اخیر، این گونه در اذان شکل گرفته باشد که این تعبیر قرآنی، صرف‌سیاست رفتاری و گفتاری ایشان در سال‌های پس از ریاست جمهوری باشد، اما این که با سوابق ذهنی آن فقیه و مجتهد آنکه به زمان اشنا هستند، خوب می‌دانند که در انتخاب نام برای شیوه اداره جامعه در دوره ریاست بر قوه مجریه نیز، "وازه" تعديل را برگزید که علاوه بر زیرساخت مشرک این وازه و "اعتدال"، حضرت ایشان در هر یک از شاخه‌های آن سیاست، در اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی سیاست خارجی بر تعديل رفتاری، تأکید می‌کرد و به کرات از ترکیب دولت خویش از بین دو جناح آن روزهای کشور، یعنی چپ و راست می‌گفت. حتی سیاست خارجی دولت خویش را بر میانه روى، پایه ریزی کرد بود که سه ضلع، عزت، حکمت و مصلحت داشت. هاشمی رفسنجانی، در مقطعی که حمایت از یک فرد برای انتخابات ریاست جمهوری، مد شده بود و مسئولان سطوح مختلف، برای بکار بردن تعابیر پر ططری، در راستای حمایت از آن شخص و جریان، مسایقه می‌دادند، بر میانه روى در حمایت، تأکید می‌کرد که آن هم، برگرفته از درسی دیگر از نهج البلاغه بود(ع) (ع) می‌فهمو: در دشمنی‌ها و دوستی‌ها زیاده روى نکنید که شاید روزی همان دوست، شمن شما و همان دشمن، دوست شما شود.

به نظر می‌رسد آنچه که موجب شد تکری و اندیشه‌ای از گذشته‌ها به چشم آمد و بر جستگیر شود، شکل گیری و تشدید جریان‌های اخراجی و متوجه بود که در سال‌های اخیر، متأسیانه با رفتارهای افراطی و دگم خود، جامعه اسلامی ایران را از سالهای مبارزه و مجاہدت علیه ظلم و استبداد، ملتهب کرد و قواعد و جارچه‌های اسلامی و اخلاقی را به کلی به هم ریخت تا جایی که بتدربی، میانه روى و اعتدال قرآنی و اخلاقی، یا خود را به افراط گیری، بی‌اخلاقی، تهمت زنی و تخریب جنایت مخالف داد. در چنین شرایطی، ایشان با بصیرت بالا که در ذات خدادادیش نهفته بود، جریان‌های افراطی، انحرافی و متوجه را به موقع و سریع شناخت و ضمن مبارزه کلامی و اعتمادی با این جریانات، هموار برای بازگردانی امور کشش رو به سیبر و چاده اصلی خود، یعنی بر اعتدال، میانه روى و دری و تغیر تاکید می‌کرد، ولی به مصدق مثل معروف: دشمن طاوس امد پر او، در این راه بسیار سختی کشید، تهمت‌ها شنید و بی‌وقایی ها دید، هر چند تا پایان عمر شریف، بر صراط مسنت‌گیم اعتدال و روش فرقانی خود ایستاد و دست از مبارزه و تلاش برای اصلاح امور برداشت. روشن شاد و راهش بر رهو باشد.



بسم الله الرحمن الرحيم

من در روستایی به نام بهرمان در جلگه نوچ که در شمال غربی رفسنجان و کی از جاگاههای کویری است به نیا آمد. الان، بد نیست. ولی در گذشته، واقعاً یک جای قیصر و دور افتاده و جایی بود که زندگی کردن در آن دشوار بود. در آنجا زندگی می‌کردند، اکثر روستاها آب شور داشتند. زمستان آنجا بسیار سرد و تابستانش، بسیار گرم بود. محیط آنجا کویری و فاقد هرگونه امکاناتی بود که شما الان در شهرها و روستاها می‌بینید. جز، همین محصولات کشاورزی و مختصه، همین چیزهایی که به دست دامداران و کشاورزان بود و خودمان در خانه‌ها تامین می‌کردید، چیزی نداشتیم. پدر من، به همین دلیل در آن روستا مانده بودند و شرایط آن زمان هم، همین را ایجاد می‌کرد. چون آن زمان، پهلوی و قبل از آن هم، همین دوره مشروطه بود و زندگی کردن در شهرها، مشکل بود. آن موقع نالمنی شدید بود. به علاوه در شهرها، از لحاظ اخلاقی، اشکالاتی وجود داشت. پدرم مورد توقع مسئولان شهر بود. اگر ایشان در شهر می‌ماند باسیست کاری برای نهادن و مدد و خواسته بودند. همین دلیل، ایشان را انتخاب کردند. مادرم در روستا و از خانواده خوب و خیری بودند که پدرشان به دست اشارة شهید شدند. پدر، هم کشاورزی می‌کرد و هم، در روستا، از لحاظ اعلاءات مذهبی، نسبتاً باسیاد بود و می‌توانست به مردم برای تعلیمات مذهبی، کمک کند. زندگی ما، بسیار ساده بود. البته ما در آن روستا شاید وضعمن زیاد بدبندی و لی معمولاً زندگی در آنجا دشوار بود و با این صورت، آنچه که مصرف می‌کردیم شاید حدود ۹۵ درصد آن چیزهای بود که خودمان تولید می‌کردیم. از غذا و لباس و حتی دارو که داروهای محلی بود. مادرم، به اصطلاح دکتر زنان بود و با داروهای محلی، مثل گازوبان و همین چیزهایی که فراوان هم هست، مدواه می‌کرد و کارش برای مردم، موثرهم بود. خانواده عیالواری هم داشتیم. چهار دختر و پنج پسر بودیم. بعلاوه آنها که در زندگی مادر ایشان بچگی فوت کردند. این وضع اندیشه ما در آن روستا بود.

جمالات بالا متن بسیار خلاصه از زبان همراه مرحوم آیت‌الله رفسنجانی است که ایندی از زندگی خود را، به عنوان یک روستا زاده اصیل ایرانی، بیان می‌کند و همواره به آن، افتخار می‌کرد. شخصیتی که از ایندی ایجاد شد، ایشان را از روستا خلاصه از زبان همراه مرحوم آیت‌الله رفسنجانی می‌داند. زندگی خود را، به عنوان یک روستا زاده اصیل ایرانی، از روستا، شیخ علی خمینی (ره) شد ایشان شنر و شنر، پیدا کرد. دینی، به شهر مقس قم رفت، همچوar مراد خود، امام خمینی (ره) شد ایشان شنر و شنر، پیدا کرد. وارد مبارزه شد، امن و مورد اعتماد روح‌الله قرار گرفت، شریه مکتب تشیع را راه اندیخت، خارچ ششم نظام مستبد پهلوی شد، بازها، دستگیر و شکنجه‌ها شد و نهایتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از نزدیکترین یاران مورد وثوق امام خمینی (ره) و ارکان بزرگ نظام اسلامی بود و توجه همگان در مرکز کانون تحوّلات و واقعیّات تبیّن نظام اسلامی قرار گرفت.

از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی، مردم با چهره جوانی روحانی آشنا شدند که کاملاً مردم و ثقوق و اعتماد امام خمینی (ره) در برجهای مختلف انقلاب اسلامی بود مسئولیت‌های طیب و حساس شورای انقلاب، سپریستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، جانشینی فرماندهی کل قوا در زمان هشت سال دفاع مقدس، عضو هیئت بازنگری قانون اساسی و سایر مسئولیت‌های انتقال اسلامی، محسوب شدند. دیگر، از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شخصیتی جامع الاطراف و کامل ساخته بود که بنا به تعییر زیبا خدمات خستگی‌بازی ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، بر کسی پوشیده نیست که پرداختن به جزئیات آن در این مقال نمی‌گنجد. اثار و برکات دوران سازندگی، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

ظهور و بروز افکار و متش از گذشته های مختلف دارد، از جمله بازترین خاصیت مشخص این مرد بزرگ در عرصه های مختلف است که باز توضیح کامل آن در این مقال نمی‌گنجد اما اثار ایشان که با نشریه "مکتب تسبیح" شروع شد و با کتاب "امرکیر" و ترجمه کتاب "سرگذشت فلسطین" به شهرت در میان محققین رسید با دو کتاب "تفسیر راهنمای" در ۲۱ و "فرهنگ قرآن" در ۳۱ جلدیه اوج رسید که نشان از جایگاه وسیع ایشان در فرهنگ دارد.

قطله، افکار انتدالی و تاکیدات مکرر ایشان، به سفارش اکید اسلام به "اعتدال و حد وسط" در کارها و امور حکومی و کنسورداری بود که جریان های تسلیه و افاطمی، تاب تحمل افکار انتدالی وی را نداشتند و علم مخالفت و دشمنی با ایشان را، تا روزهای پایانی عمر شریفش برآورده و تخته های هنوز هم ادامه می‌دهند.

نقش بی‌بدیل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همه عرصه های انقلاب اسلامی، از او سخھیتی کامل و جامع الاطراف، با پیغام های منحصر به فرد ساخته بود که در معادلات نظام اسلامی و مرور تاریخ مبارزات قبل از انقلاب و تحوّلات و جریان های بعد از انقلاب اسلامی، حذف نام، اثر، جایگاه و نقش ایشان، غیر ممکن و ناشدنی است.

با ایشان و سازندگی کشور در هشت سال دولت ایشان، پیشنهاد ایجاد اسلامی، ایام و اقدام به ساخت، توسعه تهران و سایر شهرهای کشور، پیشنهاد ایجاد اسلامی داشتگاه آزاد اسلامی به امام و اقدام به ساخت، توسعه

\* ظهور و بروز افکار و متش ایت‌الله هاشمی رفسنجانی، در عمل گرایی و ترسیم خط مشی اعدالی در کشور در مسئولیت‌های مختلف، از جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ایران، برای کشور ضریب خودره از هشت سال جنگ خانماسوز، بدی بود که رهبری معظم انقلاب در پایان دوره هشت ساله سازندگی و در پایان صندوق رای برای انتخاب رئیس جمهور جدید، گفتنت: هیچکس برای من هاشمی رفسنجانی نمی‌شود".

جمله بارزترین خاصیت متش ایشان در این مقاله، این مسئولیت‌هایی است که ایشان در دوران هشت ساله سازندگی برای جریان ویرانگر صدام علیه ا

# منافع انقلاب و کشور را بر همه چیز ترجیح می‌داد

گفتگو با آقای نبی‌الله مهاجری از همکاران دیرین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

اقدام کنند. همگی آنها ترس و وحشت داشتند چون این کار اقدام بزرگی بود. ایشان در آن زمان به همه اعتناد بنفس دادند و امروز همه شاهدند که ایران یکی از کشورهای ایجادکننده سد در دنیا است. تمام تلاش ایشان در برنامه‌بریزی سفرها، دیدار و کار برای مناطق محروم بود. زمانی که در سفرها در منطقه‌ای کلنج افتتاح طرحی را می‌زند بهترین لحظه زندگی ایشان بود و اشک در چشمانتشان جمع می‌شد. در اکثر مواقع هنگام افتتاح پروژه‌ای می‌نهایت خوشحال بودند و اشک شوق می‌ریختند.

یکی از موضوعاتی که در سخن‌صیحت ایشان برجستگی داشت، علاقه و افراط به مردم بود و همیشه در گفتار و رفتارشان علاقه و عشق به مردم را متذکر می‌شند و اعتقادشان بر این بود که همه کارها و تلاش‌ها برای مردم باید صورت بگیرد. از خصوصیات دیگری که در سخن‌صیحت ایشان وجود داشت

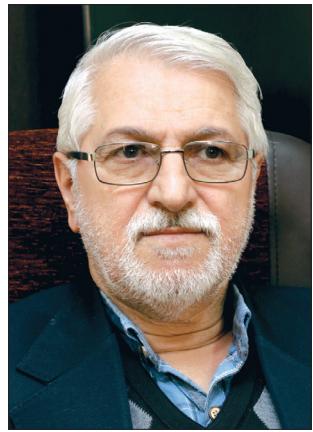
و زبان زد همه بود، صبر و تحمل شان بود. یاد هست که زمان جنگ و وقتی به ایشان خبری دادیم مبنی بر اینکه دشمن یکی از کارخانجات را بمباران کرده، خیلی خونسرد برخورد کردند ولی در دلشان غوغائی بود و هنگامی که از اطاقشان بیرون آمدیم مرتب در حال راه رفتند بودند.

در اغلب مصاحبه‌ها خصوصاً در مصاحبه‌های خارجی، مصاحبه‌کننده را به چالش می‌کشیدند. سئوالی که از ایشان می‌شد با مهریانی جواب می‌دادند و در عین حال مصاحبه‌کننده را با سئوالی که کرده بود به چالش می‌کشیدند. در سفرهایی که بازدیدی از کارخانجات و یا سد... و افتتاح پروژه‌ها داشتند از سازانده دستگاه یا مسئولان طرح سوالاتی مطرح می‌کردند که گاهی سازنده از پاسخ می‌ماند و این نشان از هوش سرشار ایشان داشت.

از موارد مهم دیگر که می‌توان از سخن‌صیحت ایشان ذکر کرد، ارزش قائل شدن برای زمان بود. وقتی به اطاق ایشان می‌رفتم پیوسته به در حال مطالعه بودند یا کارهای اداری را بررسی می‌کردند و جواب می‌دادند یا مطالعه دیگر داشتند و بیچ وقت زمان را از دست نمی‌دادند. وقت‌های فراغت همواره ایشان را در حال مطالعه می‌دیدیم. صحبت‌های همیشه زودتر از ما در دفتر کار حاضر بودند و شاید کمتر موقع بود که ایشان دیرتر از ما در دفتر حاضر می‌شدند و شیوه‌ای از وقتها شیوه‌ای نیز در دفتر می‌مانندند و یا مطالعه می‌کردند یا به کارهای عقب‌مانده رسیدگی می‌کردند.

فوق العاده مهریان و با گذشت بودند، اگر اشتباه کاری روزمره در اداره اتفاق می‌افتد، فقط با نگاه به ما می‌فهمانند که اشتباه کردید و جبران کنید و هیچگاه تغییر در برخورد نمی‌کردند و با رفتار و نگاه انسان را شرمنده می‌کردند.

طی سال‌ها همکاری با ایشان چه در مجلس و چه در ریاست جمهوری، مسئول سفر ایشان بود، همیشه سفرهای ایشان را منشاً خیر و برکت برای مردم منطقه دیدم و همیشه همواره مسافرانش می‌کردند که سفرها علاوه بر آنکه سفر مردمی باشد، سفر کاری باشد هم باشد و از وقت نهایت استفاده شود. بسیاری از اوقات شاهد بودم در ملاقات‌های مردمی که ایشان با اقسام محروم داشتند، وقتی ملاقات‌کننده ایشان در بیان درد دلها بغض می‌کرد و گریه می‌افتد، آیت‌الله هاشمی هم بغض می‌کرد و اشک از چشمانتش جاری می‌شد.



از ابتدای به صدا در آمدن زنگ مجلس شورای اسلامی در خدمت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بودم. شاید بتوان گفت از ابتدای شغل اداری تا بازنیستگی تنها کارمندی بودم که توفيق همکاری را با ایشان داشتم. در طول همکاری خلی اتفاقات رخ داد که مرحوم آیت‌الله هاشمی چون کوه در برابر آنها ایستادگی کردند و با سعه صدر مشکلات را حل می‌کردند.

یاد هست سال‌های اولی که در مجلس شورای اسلامی نظرات مختلف زیاد بودم، مرحوم آیت‌الله هاشمی با گذشت و صیر مثال زدنی با همه افکار و احزاب برخورد پدرانه داشتند، در حقیقت ایشان پناهگاه همه نمایندگان با افکار و نظرات مختلف بودند. هر نماینده یا چند گروهها یا احزاب که با ایشان ملاقات می‌کردند همه بعد از ملاقات راضی و خوشحال از اتفاقشان بیرون دیگر نمایندگان نمی‌شدند و ندیده بودم که یک نفر یا گروهی ناراضی و ناراحت از دفتر ایشان خارج شده باشند. با مجموعه دفترش برخوردشان مثل فرزند و خانواده خود بود و اگر مشکلی بین مجموعه کارمندان و مدیران دفتر پیش می‌آمد با برخورد پدرانه و دلسوزانه مشکل را حل می‌کردند.

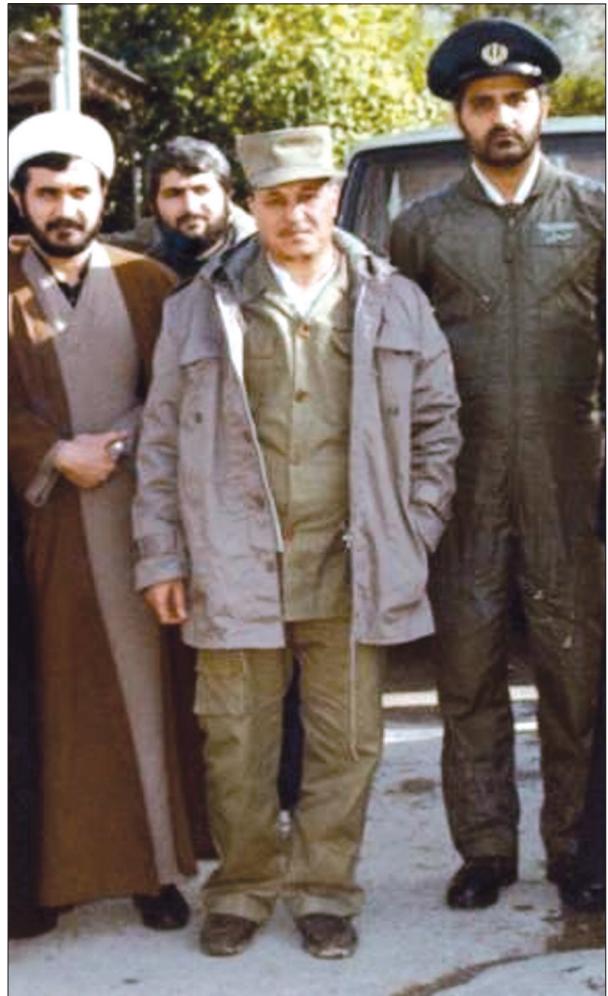
مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی واقعاً عاشق امام و انقلاب بودند همیشه منافع انقلاب و کشور را بر همه چیز ترجیح می‌دادند. در حقیقت خود را فدائی انقلاب می‌دانستند. در روزهای پایان جنگ با آن مصاحبه تاریخی که کردند ثابت نمودند که انقلاب، اسلام و کشور برایشان بیش از هرچیز دیگر ارزش دارد.

چون اسمی از امام خمینی (ره) برده شد خالی از لطف نیست که خاطره‌ای از ایشان عرض کنم. مرحوم آیت‌الله هاشمی فرمانده جنگ بودند و همه جلسات دفاعی کشور که تصمیمات اصلی در آن گرفته می‌شد در مجلس و دفتر ایشان برگزار می‌شد. عموماً زمان حملات در جمهه حضور پیدا می‌کردند و قبل از حرکت نیز با حضرت امام (ره) ملاقات‌های مخصوص تباشند. طریق رسانه ملی در اخبار پخش می‌شد.

جون رئیس مجلس هم بودند، عدم حضور فیزیکی ایشان در مجلس را دشمن متوجه می‌شد و احتمال می‌داد که حمله‌ای در کار باشد به همین خاطر اخبار ملاقات پخش می‌شد تا زمان حمله مشخص تباشد.

عموماً در این سفرها اینجانب هم خدمت ایشان بودم. روزی در قرارگاهی در جنوب بودیم که ایشان به من فرمودند با حضور حاج احمدآقا تماس بگیر تا از حضرت امام (ره) اجازه بگیرند که تصاویر یکی از ملاقات‌های ایشان با حضرت امام از تلویزیون پخش شود این تنها موردی بود که ایشان ملاقات با خبرنگاری می‌دانستند. ولی در ادامه فرمودند بعد است امام پیذریند. اینجانب از قرارگاه با مرحوم حاج احمدآقا تماس گرفتم و مطلب را گفتم و قرار شد ساعتی بعد خدمت ایشان زنگ بزنم و جواب سؤال را جویا شوم. بعد از تماس مجدد اینجانب جهت گرفتن جواب، مرحوم حاج احمدآقا گفتند که امام پیذریند. عملیات معروف به والجر ۸ بود که به لطف خدا رزم‌مندگان موفق شدند فاو را تصرف کنند و بیش از ۷۰ فروند هواپیمای دشمن را نیز ساقط نمایند.

یکی از موضوعاتی که ایشان خیلی روی آن تأکید می‌کردند، استحصال آب بود. یاد هست وزیر وقت نیرو و بعضی از مهندسین دیگر خدمت ایشان رسیدند و بحث ایجاد سد به میان آمد. ایشان به وزیر و همراهان گفتند که برای ایجاد سد



**کی از  
موضوعاتی که  
در سخن‌صیحت  
ایشان بر جستگی  
داشت، علاقه  
و افراط به مردم  
بود و همیشه  
در گفتار و  
رفتارشان علاقه  
و عشق به  
مردم را متذکر  
می‌شدند و  
اعتقادشان بر  
این بود که همه  
کارها و تلاش‌ها  
برای مردم باید  
صورت بگیرد**

# خاطراتی از صداقت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

حمزه خلیلی

در طول ۱۹ سالی که به حکم وظیفه اداری، در روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول خدمت بودم، از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، گفتار و رفتاری می‌شنیدم و می‌دیدم که نشان از عظمت روحی آن مرد بزرگوار از تاریخ معاصر ایران و حتی تاریخ تشیع و جهان اسلام داشت و می‌تواند الگویی برای همه نسل‌ها باشد. اینکه در استانه اولین سال عروج ایشان هستیم، به نقل بعضی از خاطرات می‌پردازم و امیدوارم توفیق یاری نماید که بتوانم بیشتر بنویسم:

گلوله‌های دشمن از بین گوش‌ها رد شد و ایشان صحنه جنگ را می‌دیدند. وقتی که پایین آمدند، صدای ناله‌ای می‌آمد، حضرت آیت‌الله هاشمی حسانت شدند، پیرمردی بود که شیمیابی و ضعیت جسمی اش را خلیلی خراب کرده بود و از چشمهاش خون و آب جاری بود، ایشان خواست که پیر مرد را نوازش کند. محافظین گفتند: ایشان آلوه و شیمیابی هستند. ولی ایشان اعتنای نکردند و پیشانی پیر مرد آلوه به شیمیابی را بوسیدند و نوازش کردند. یا وقتی از روسنمای عنب در شمال حلچه بازدید می‌کردند، پشت سر ایشان حرکت می‌کردند. وقتی اجداد مردم را می‌دیدند، قلب رُوف ایشان زیر فشار این صحنه‌های تالم اور بود و اشک از چشمهاشان جاری بود.



خاطره گویی با حافظان خردسال قرآن کریم

در سفر سال ۱۳۸۰ به استان آذربایجان شرقی، اولین برنامه دومن روز سفر، یعنی سه شبیه ۲۰ شهریور، دیدار با حافظان ممتاز قرآن، به خصوص خرد سالان و نوجوانان بود که امیر رضا زارعان ۳/۵ ساله، هادی نوریان ۷ ساله، حجت گرامی<sup>۹</sup> ۱۱ ساله، رسول آزمایش ۱۳ ساله، مهدی خدابنده ۹ ساله، منیر خدابنده ۶ ساله، مینا ریاضی ۷ ساله و زهراء فرش باف ۵ ساله در فضایی صممی با حافظ قرآن ۶۷ ساله دیدار کردند و هر کدام از محفوظات خود و سوال آیت‌الله بخش‌هایی از قرآن را می‌خواندند.

در ادامه اقای هاشمی رفسنجانی با تأسیف از اینکه «حیف شد وقت برنامه ما محدود است» به ذکر خاطره‌ای از قرآن و حافظان آن در قم پرداخت و گفت: «ما در دوره‌ای که طبله بودیم و در قم درس می‌خوانیم، اصلاح حافظ کل قرآن نداشیم. یک نفر به اسم آقای محمد کاظم که پیرمرد و بی‌سواد بود، به نحوی مدعی بود که با خواست خداوند در یک امامزاده‌ای حافظ قرآن شده است که به قم آمده بود. ایشان برای ما موجود بسیار عزیزی بود و چیزی را می‌دیدیم که خداوند منحصر با او داده است.

من در سنین ۲۰ سالگی یک جزء و نیم قرآن را حفظ کرده بودم و نزد اقای بروجردی امتحان دادم، ایشان خلیلی خوشحال شدند و به من جایزه دادند. آن زمان این مسائل نادر بود. اما الان به سرعت به جایی رسیدیم که در سراسر کشور بجهه‌ها و کودکان چهار، پنج ساله، قرآن را حفظ می‌کنند و خوب

هم می‌دانند و بعضی‌ها با قرآن حرف می‌زنند. موضوعی را سؤال می‌کنیم،

آنها با قرآن جواب می‌دهند واقعاً پدیده مهمی است و باید به عنوان اعجاز قرآن روی آن حساب کنیم.»

**بر سفره یک خانواده عشايري**

در سفر تیر ماه ۱۳۸۰، برنامه‌های دومن روز، یعنی جمعه، هفتم تیر ماه، بازدید از تالاب چاخور، جاده لردگان - نج بیدله، چشممه‌های سندگان، دشت‌های خان میرزا و فلاذر، چشممه سیاه سرد، آبشار شیخ علی خان و سد و تونل دوم کوهرنگ بود که از ۸ صبح تا غروب آفتاب طول کشیده بود.

تقریباً ۷۰ کیلومتر که در محل چشممه‌های سندگان بودیم که به خاطر تعطیلی روز جمعه، گروهی از مردم با خانواده‌ها، مشغول تفریح و تفرج بودند. خانواده‌ای عشايري سر سفره ناهار نشسته بودند که به محض دیدن آیت‌الله برخاستند که آقای هاشمی گفت: بفرمایید از سر سفره برخیزید.

پدر خانواده تعارف به ناهار کرد و آیت‌الله به طرف آنها رفت و در کنار آنها بر سفره نشست. محافظان نگران بودند، اما آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت: «نگران نباشید. عشاير از وفادارترین مردم ایران هستند و مدت‌ها بود که این گونه بر سفره مردم نشسته بودم و باید اعتراض کنم که خلیلی خوشمزه است.»

اشک‌های هاشمی رفسنجانی در یادواره شهدای نیشابور

ساعت ۸ صبح روز پنج شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۱ از مشهد مقدس به سوی نیشابور حرکت کردیم، شهری که با حدیث سلسۀ الذهب و ۲۲۵۰ شهید به استقبال فرمانده ۸ سال دفاع مقدس آمده بود. مراسم در مجموعه وزرتشی اداره برگزار نیشابور برگزار شد که اول سردار مهدی ربایان، فرمانده ارشد خراسان و دیسر کنگره با تعبیر «فرمانده قرارگاه عملیاتی دوران دفاع مقدس»، به آیت‌الله هاشمی خیرمقدم گفت و سپس پیکرهای مطهر چند شهید در میان «الله اکبر» مردم وارد سالان شد و دختر نوجوانی که یادگار یکی از همان شهداء بود، در جایگاه قرار

گرفت و وقتی گفت: «بابای عزیزم سلام، خوش آمدی» اشک از چشمان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جاری شد و چنان گریست که گویی این شهید را می‌شناسد و چگونگی شهادتش را در نیزارهای شلمچه می‌داند. وقتی یادگار شهید، پس از قرائت دکلمه‌اش پیش آیت‌الله هاشمی رفت، ایشان هنوز داشتن اشک می‌ریختند و به خاطر بغض شدید، به یک جمله کوتاه «خدای خیرت دهد» بسته شد. برنامه بعدی شعرخوانی آقای کلامی زنجانی بود که پس از قصیده‌ای درباره نیشابور، مخصوصی درباره یادواره و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خواند:

کنون از شوق چشمان اشک ریز است

غم از این ملک در حال گریز است

به نیشابور میهمانی عزیز است

دلم با این نوا در جست و خیز است

گل روح خدا ما را ببخشید

در ادامه مراسم، پس از مرثیه خوانی به مناسبت ایام ماه صفر و غم‌های کاروان اسارت کربلا، آقای محمد رحمانی نظام اسلامی، مجری جانباز صداوسیما دکلمه‌ای زیبا به همراه نی نوازی اجرا کرد که باز هم باران اشک از چشمان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی جاری شد و پس از آن سخنرانی ایشان بود که در آغاز مراسم: «حقیقتاً حضور در یادواره شهدا برای

بنده توفیقی ارزشمند است این روزها

در سراسر کشور برگزار می‌شود. برای

قدرتان و اطهار ارادت به ساخت مقدس

ایثارگران، شهداء، مفقودان، جانبازان،

آزادگان و خانواده‌های خوب و عزیزان

در بوارهای شهدا شرکت می‌کنم و به

عنوان فرمانده شهدای جنگ، این را

وظیفه خود می‌دانم.»

**دختر نوجوانی**

**که یادگار**

**یکی از شهدا**

**بود، در جایگاه**

**قرار گرفت:**

**«بابای عزیزم**

**سلام، خوش**

**آمدی» اشک**

**از چشمان**

**آیت‌الله**

**هاشمی**

**رفسنجانی**

**جاری شد و**

**چنان گریست**

**که گویی**

**این شهید را**

**می‌شناسد**

**و چگونگی**

**شهادتش را**

**در نیزارهای**

**شلمچه**

**می‌داند**



آیت الله  
هاشمی رفسنجانی  
و امور بین الملل

# شخصیتی «سدشکن» در عرصه سیاست خارجی

سید رضا فانی

جنگ تحمیلی، بیشتر از سایر موارد مورد بررسی قرار داد که به عنوان چهره‌ای آشنا و نزدیک‌ترین کارگزار امام موجب شد که هر مقام رسمی خارجی که به هر دلیل به تهران سفر می‌کرد، درخواست ملاقات با ایشان را داشته باشد و به واسطه قابلیت‌های مثالی زدنی ایشان به تدریج به چهره‌ای محوری در این موضع تبدیل شد. بی‌اگر ارقاق در این عرصه باید اقدای هاشمی را مرد ایندهای ناب و طرح‌های به غایت پیچیده ولی راهگشا دانست که مورد توجه هیات‌های کشورهای اسلامی، عدم تمهد، مراجع بین‌المللی و رهبران کشورهای شرقی و غربی قرار داشت.

ایشان در تصمیمات دوران دفاع مقدس بیویژه روزهای دشوار پس از آن نیز نقش عده‌ای داشت و پس از آن در فرصت‌یابی برای کشور و تمدن اولویت‌های دوران سازندگی با جسارت وارد عمل شد. آقای هاشمی رفسنجانی علاوه بر اینکه در دوران شکل‌گیری انقلاب و پس از آن پاره صدیق امام بود، در تحول سیاست خارجی از جنگ به سازندگی بسیار تأثیرگذار بود.

واقعیت اینست که سیاست خارجی کشور در طول دوران جنگ و تا زمان پذیرش قطعنامه ۵۸، از فرصت و امکان لازم برای جلوگیری از تداوم جنگ برخوردار نبود ولی آقای هاشمی رفسنجانی پیوسته دو نگاه توامان کسب پیروزی مکنی برای تعیین



سرنوشت جنگ و دیگر، «فرصت‌یابی برای خاتمه سریعتر جنگ و تامین ضرورت‌های کشور و مردم» را دنبال می‌کرد بدین معنا که هرگاه ضرورت‌های حقیقتی تهیه تامین جنگ افزارهای دفاع مقدس ایجاد می‌کرد، با تمام توان و شجاعت به عنوان جانشین فرمانده کل قوا و فرماندهی جنگ وارد عمل شد و هرچنانکه لازم بود، دستگاه دیپلماسی بی‌جان کشور را هدایت نمود.

ایشان در مسیر ایجاد ایرانی آباد و شکوفا با اقتصادی زینده که تأثیرگذار در ساز و کارهای منطقه‌ای باشد، «الگوی «ایران مطلوب» را دنبال می‌کرد و در این راه حداکثر استفاده را از دیپلماسی رو به رو شد و آینده نگر می‌پردازد. وی در بینش جهان گرایی خود با ضمن حفظ احترام ارزش‌های انقلاب، با انسزا طلبی و درون گرایی مخالفت کرده و معتقد بود این راه برتر اداره کشورها به متقابل، باید با دنیا ارتباط برقرار نمود و انقلاب اسلامی را به عنوان راه برتر اداره کشورها به جهانیان معرفی کرد. لذا با نهایت عملگرایی و تمهد به آرمان محوری، رسیک پذیری را به جان خرید و همه فشارها و تهمت‌های داخلی را تحمل کرد.

نگاه جامع ایشان به مسائل خارجی باعث شد که مساله محکومیت جهانی رژیم صدام، بازی در نظام دو قطبی، دریچه اشتنی با جهان غرب و کشورهای عربی و توامندسازی هسته‌ای ایران در کمال درایت تیزبینی، ذکاوت و کیاست اجرا شود و ایشان را در کانون سیاست خارجی سدشکن مورد نظرشان قرار دهد. از این رو بود که فوت ایشان علاوه بر تاثیر عمیق در داخل، اثرات گسترده‌ای در صحنه معادلات بین‌المللی داشت و انقلاب را از یک عنصر با ارزش و یک چهره موثر و مورد قبول جهانی محروم کرد.

از شامگاه ۱۹ دی ۹۵ و در بی انتشار خبر فوت آیت الله هاشمی رفسنجانی، علاوه بر شخصیت‌ها و رسانه‌های داخلی، تقریباً همه رسانه‌ها و چهره‌های مهم و اثرگذار در سراسر جهان نسبت به این چهره انقلابی و موثر در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ادای اختیام کرده و در کنار پیام‌های تسليت، از قدان شخصیت موثر آیت الله هاشمی رفسنجانی ابراز تاسف نمودند.

از همان ساعت‌های اولیه انتشار خبر فوت ناگهانی آیت الله هاشمی رفسنجانی، رسانه‌های مختلف خارجی و شخصیت‌های معترض جهانی با انتشار مطالبی در مورد افکار، روحیات، شخصیت، سوابق سیاسی و تأثیرگذاری ایشان بر تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اظهار تضییغ کردند. تعابیری همچون: «یکی از پایه‌گذاران انقلاب اسلامی ایران»، «شخصیت تأثیرگذار در توسعه برنامه هسته‌ای ایران و توافق هسته‌ای»، «نایاب ایران در دوره‌های پهلوی»، « نقطه تعادل میان اصلاح گرایان و اصول گرایان»، «سیاست‌مدار کارکشته»، «شخصیتی که هیچکس نتوانست او را حاشیه نشین کند»، «صدای امیختگی انقلابی‌گری واقع گرایی»، «نیروی پیش برند اصلاحات»، «بدر منسوخ میانه روهای معتدل و عملگرای»... از جمله خصوصیاتی بود که برای این چهره تأثیرگذار در انقلاب اسلامی ایران عنوان کردند.

در این فرصت کوتاه بدون آنکه قصد فیشرست کردن نام شخصیت‌هایی که درباره این شخصیت بزرگ انتقام‌گیری اظهار نظر کرده و احترام آنان را به مردمی که هم در عرصه انقلابی مورد تحسین بود و هم در عرصه دیپلماسی احترام خاصی داشت، بیان کنیم، صرف‌تاپیر در واژه‌های معناداری که در هریک از این پیام‌های تسلیت به کار فرته می‌تواند نشان دهنده شخصیت جامع الاطراف آیت الله هاشمی رفسنجانی باشد. مردمی خود ساخته، هوشمند، زیرک، با اعتماد به نفس بی‌نظیر، شجاع، هدفمند در باورها، عملگرای، بسیار سریع الانتقال، جهان دیده، طراح، خوبی‌ستاندار، پیچیده، از خود گذشته و فوق العاده رئوف و احساساتی که جمیع هنگارها را در رفتارهای خود جمع کرده بود.

همین ویژگی‌ها و دهها خصوصیت دیگر، از آیت الله هاشمی رفسنجانی در طول جریان مبارزاتی و دوران پیروزی انقلاب، شخصیتی استثنایی که در دو سطح کلان داخلی و خارجی و هویت بخشی به سیاست‌های جازی کشور عمل می‌کرد، ساخت.

آنچه مسلم است اینست که آیت الله هاشمی رفسنجانی از بد و پیروزی انقلاب تا پایان

حیات خود، پیوسته نقش ویژه و بر جسته‌ای را در انقلاب و نظام داشت و به دلیل همین ویژگی، تأثیر مهم و غیرقابل تردیدی در راهبرد سیاست خارجی نظام داشت. در واقع، از نوع نگرش و دیدگاه‌های آقای هاشمی رفسنجانی می‌توان به عنوان الگوی رفتار سیاست خارجی کشور یاد کرد که در عرصه‌های مختلف، بینش و تجربیات ایشان منجر به ایجاد تحول و باز شدن گره از پرونده‌های ویژه در سیاست خارجی نظام گردید. شاید بتوان ورود آقای هاشمی رفسنجانی به جیله سیاست خارجی را از دریجه



**باید آقای  
هاشمی را مرد  
ایده‌های ناب  
و طرح‌های به  
غایت پیچیده  
ولی راهگشا  
دانست که  
مورد توجه  
هیات‌های  
کشورهای  
اسلامی، عدم  
تعهد، مراجع  
بین‌المللی  
و رهبران  
کشورهای  
شرقی و غربی  
قرار داشت**

# تحلیل رسانه‌های خارجی از فقدان هاشمی رفسنجانی در آینده سیاسی ایران

رحلت ناگهانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نوزدهم دی ماه سال ۱۳۹۵ نه تنها در داخل کشور یک شوک بود، بلکه بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران جهان را نیز دچار حیرت و شوک نمود، بطوریکه تا مدت‌ها موضوع ایران بدون هاشمی مبحث اصلی تحلیل‌های آنها گردید. آنچه در ادامه مطالعه می‌فرمایند تنها اشاره‌ای کوتاه به گزینه‌های ازین تحلیل هاست.



**واشنگتن پست:** نبود هاشمی بر روی انتخابات آینده تأثیرگذار خواهد بود

روزنامه واشنگتن پست هم در تحلیلی نوشت: علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور اسبق ایران یکی از تأثیرگذارترین شخصیتها در ایران از زمان انقلاب اسلامی و نیروی پیش برنده برای اصلاحات بود.

رفسنجانی نفوذ مهمی روی مجلس خبرگان داشت که جانشین آیت‌الله علی‌اکبر رهبر عالی ایران را انتخاب خواهد کرد. غیبت او همچنین می‌تواند روی انتخابات ریاست جمهوری ماه می‌که در آن حسن روحانی عملگرا به دنبال انتخاب مجدد است، اثر بگذارد. در گزارشها آمده بود که روحانی که تحت حمایت رفسنجانی قرار داشت، به سرعت خود را به بیمارستانی که رفسنجانی به آنجا منتقل شده بود رساند و قطرات اشک بر چشمانت او در زمان خروج از بیمارستان دیده شد. این روزنامه امریکایی البته ادعاهایی درباره دست داشتن هاشمی رفسنجانی در پرونده افچار آمیا در آژانسین و محققین سرکوب و «اعدام مخالفان» مطرح کرده است. «رفسنجانی یکی از بینانگذاران انقلاب اسلامی ایران و همراه و کمک کار آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر انقلاب سال ۱۹۷۹ بود. او در مذاکرات محramانه بین ایران و آمریکا در دهه ۱۹۸۰ که به رسوایی ایران کنtra منجر شد، نقش و مداخله داشت. چنین مذاکراتی، یکی از چندین تلاشهای رفسنجانی برای یافتن راهی برای ترمیم روابط با واشنگتن بود؛ روابطی که با گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران دچار گستگی و قطعی شده بود.» واشنگتن پست ضمن تکرار ادعای دست داشتن هاشمی رفسنجانی در سرکوب و «تورو مخالفان در ایران و اروپا»، ادامه داد: «رفسنجانی در طول عمرش شخصیتی بحث برانگیز بود. در مقام رئیس جمهور مورد ناسازی بسیاری از ایرانی‌ها قرار گرفت چون آنان او را به خاطر تردیدها و گمانها در خصوص استفاده از موقعیتی برای غنی و تقویت ثروت خانواده‌اش، فردی فاسد انگاشتند. در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: رفسنجانی نقشی کلیدی در انتخاب روحانی و همچنین پیش‌تازی او در انتخابات پارلمانی ایفا کرد.

**روزنامه رای الیوم:** در گذشت رفسنجانی، متحدان، رقبا و دشمنان ایران را در کنار یکدیگر قرار داد

در گذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ایران و رئیس جمهور سابق این کشور، متحدان تهران در محور مقاومت و رقبای این کشور در حاشیه خلیج فارس و نیز آمریکا را در کنار یکدیگر قرار داد، یعنی طرف‌هایی که جنگی نیابتی با این کشور را در سوریه، عراق و یمن را بهبودی می‌کنند رفسنجانی خلیج فارس و دشمنان ایران را در کنار یکدیگر قرار داد خروج عربستان سعودی از اتفاق آرا کشورهای خلیج فارس و خودداری این کشور از تسليیت گفتن به تهران در گذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ایران و رئیس جمهور سابق این کشور، متحدان تهران در محور مقاومت و رقبای این کشور در حاشیه خلیج فارس و نیز آمریکا را در کنار یکدیگر قرار داد، یعنی طرف‌هایی که جنگی نیابتی با این کشور را در سوریه، عراق و یمن را بهبودی می‌کنند.

**الجزیره انگلیسی:** در گذشت هاشمی تأثیرات کوتاه مدت و بلندمدت دارد

وب سایت الجزیره انگلیسی در گزارشی با عنوان «در گذشت آقای هاشمی موجب شکست اصلاحات در انتخابات خواهد شد» به در گذشت آقای هاشمی رفسنجانی پرداخت و نوشت: اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور پیشین ایران در سن ۸۲ سالگی در گذشت و در حال حاضر نبود وی برای اعتدال گرایان ایران که در آستانه انتخابات مهمی قرار دارند، به شدت حس می‌شود.

الجزیره انگلیسی نوشت: وی از حامیان اصلی رئیس جمهور حسن روحانی بود و بسیاری بر این باورند که حمایت‌های او بود که موجب پیروزی آقای روحانی شد. بسیاری از تحلیل‌گران نیز بر این باورند، در گذشت هاشمی می‌تواند تأثیرات کوتاه مدت و بلند مدت زیادی در اوضاع سیاسی ایران داشته باشد.

این وب سایت نوشت: اولین چیزی که بعد از فوت آقای هاشمی به نظر می‌رسد، سخت‌تر شدن راه آقای روحانی در انتخابات پیش رو است. نبود آقای هاشمی می‌تواند مشکلات زیادی را در جناح اعتدال گرایان و اصلاح طلبان ایجاد کند.

فاینشال تایمز: رفسنجانی مردی با شکست‌ها و دستاوردهای بزرگ بود تاریخی روزنامه فاینشال تایمز نوشت: روحانی ۸۲ ساله‌ای که سیاستمداری عملگرا شناخته می‌شد و در سال‌های اخیر از گروه‌های اصلاح طلب فداری می‌کرد، در بیمارستان درگذشت. فاینشال تایمز، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را چهره‌ای مهم و تأثیرگذار در انتخابات آینده ریاست جمهوری توصیف کرد و نوشت: رفسنجانی از

نژدیکترین چهره‌ها به آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران بود. او نقش مهمی در ایران ایفا می‌کرد و با وجود حمایتش از اصلاح طلبان اما در مرکز حکومت باقی ماند.

تحلیلگران وی را فردی تأثیرگذار در اوضاع توافق هسته‌ای می‌دانند که باعث برداشته شدن تحریم‌های غرب علیه ایران شد. وی به عنوان چهره‌ای محافظه کاران و اصلاح طلبان در ورطه تندروی چلوگیری می‌کرد. بنابر این گزارش، در گذشت آیت‌الله رفسنجانی از

ایران، نقش موافزه دهنده‌ای داشت که از گرفتارشدن محافظه کاران و اصلاح طلبان در ورطه تندروی چلوگیری می‌کرد. بنابر این گزارش، در گذشت آیت‌الله رفسنجانی، روابط‌های سیاسی در ایران را پیچیده خواهد ساخت.

این روزنامه در پایان با استناد به گفته‌های برخی چهره‌های سیاسی در ایران نوشت: رفسنجانی مردی با شکست‌ها و دستاوردهای بزرگ بود. مردم وی را به عنوان فردی

می‌شناسند که کشور را در لحظه‌های حساس و حیاتی نجات داد.

ایندیپندنت: در گذشت آیت‌الله رفسنجانی خبری تلح اشت رخ داد که احتمالاً دوره‌ای سخت برای ایران در روابط این کشور با جامعه بین‌الملل

است؛ چرا که دونالد ترامپ و تیم ریاست جمهوری او تهدید می‌کنند که توافق هسته‌ای ایران را پاره خواهند کرد. در گذشت هاشمی، همچنین بدان معنا است که حسن روحانی،

یک متعدد بسیار مهم را در زمانی بسیار حساس از دست داده است. ایندیپندنت در ادامه

می‌نویسد: تحلیلگران هشدار داده‌اند که روحانی یک پشتونه حیاتی را، در زمانی که بیشترین نیاز را به او داشته از دست داده است و عنوان کرده اند: در گذشت رفسنجانی موجب تضییف دولت خواهد شد و تأثیر منفی بر اصلاح طلبان خواهد داشت.

**رفسنجانی مردی با شکست‌ها و دستاوردهای بزرگ بود. مردم وی را به عنوان فردی می‌شناسند که کشور را در لحظه‌های حساس و حیاتی نجات داد.**

**عنوان فردی می‌شناسند که کشور را در لحظه‌های حساس و حیاتی نجات داد.**

عربستان سعودی از این اتفاق آرای کشورهای حاشیه خلیج فارس خارج شد به این ترتیب که رهبران بحیرین، کویت، قطر، امارات متحده عربی و عمان به مناسبت درگذشت رئیس جمهور اسبق ایران علی اکبر هاشمی رفسنجانی ابراز همدردی کردند در حالی راض سکوت در پیش گرفت و نتوز هیچ مقام سنتولی از این کشور هیچ گونه اظهار نظری نکرده است، در حالی که تلویزیون دولتی عربستان میزان یکی از اعضا مخالف حکومت ایران یعنی گروه مجاهدین خلق بود که از نظر تهران گروهی تروریستی است و او از نقش رفسنجانی در پایان دادن به جنگ عراق و ایران صحبت کرد.

هاشمی از حامیان بهمود روابط ایران و عربستان سعودی بود و روابط خوبی با پادشاه قلبی عربستان یعنی ملک عبدالله داشت و نقش بزرگی در امضای توافقنامه امنیتی تاریخی با عربستان در سال ۲۰۰۱ در هنگام دیدار تاریخی با ولی عهد عربستان در آن زمان نایف بن عبدالعزیز داشت.

خالد بن احمد، وزیر امور خارجه بحرین از نخستین مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس بود که درگذشته اقای رفسنجانی را تسلیت گفت. وی از طریق توییتر برای اقای رفسنجانی طلب رحمت و غفران الهی کرد، در حالی که شیخ صباح احمد جابر صباح، امیر کویت و ولی عهد او، جابر مبارک صباح دو پیام تسلیت جداگانه به رئیس جمهور ایران ارسال کردند. در امارات، رئیس دولت شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان و چانشین او حاکم بی، محمد بن راشد آل مکتوم دو پیام تسلیت به رئیس جمهور ایران ارسال کردند. پادشاه عمان، سلطان قابوس بن سعید پیام تسلیت به رئیس جمهور ایران فرستاد و در آن از درگذشت رفسنجانی اظهار تاسف کرد. امیر قطر تمیم بن حمد آل ثانی نیز اقدام مشابهی انجام داد.

در ترکیه مولود چاوش اوغلو، وزیر امور خارجه این کشور در توییتر نسبت به درگذشت رفسنجانی اظهار تاسف کرد. در حالی که رئیس جمهور ساقی ترکیه، عبدالله گل نیز در توییتر نسبت به درگذشت رفسنجانی ابراز تاسف کرد. خبرگزاری رویترز از یک منبع در وزارت امور خارجه آمریکا که نامش را فاش نکرد ابراز رفسنجانی یکی «همدردی وی را به ایران در پی درگذشت رفسنجانی نقل کرد. این منبع گفت از چهره‌های بر جسته در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بود، از این رو به خانواده وی و.» عزیزانش این مصیبت را تسلیت می‌گوییم

در طرف مقابل جایی که متحداً ایران ایستاده اند، رئیس جمهور سوریه بشار اسد دو پیام تسلیت جداگانه یکی برای رهبر معظم ایران سید علی خامنه‌ای و دیگری به رئیس جمهور حسن روحانی ارسال کرد و در آن‌ها تسلیت دمشق را نسبت به

فقدان رفسنجانی ابراز کرد و وی را مبارز و صاحب موضع گیری‌های جسورانه توصیف کرد.

در لبنان سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله بیانیه‌ای صادر و در آن درگذشت علی اکبر هاشمی را تسلیت گفت و وی را پرچمدار فلسطین، قدس و مقاومت کنندگانی سرسخت در مقابله با اسرائیل توصیف کرد.

نصرالله گفت: مرد بزرگی را از بزرگان این امت از دست دادیم و او حضرت آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی است خداوند وی را قرین رحمت خود گرداند کسی که برای ما در مقاومت اسلامی در لبنان در طول سی و چهار سال مدافعان، حامی و پشتیبانی بزرگ و پدری مهریان و حامی خستگی ناپذیر در تمام مراحل و شرایط دشوار بود. درین، عبدالملک حوثی، رهبر گروه انصار الله معروف به هوشی‌ها پیام تسلیتی به آقای رفسنجانی یکی از بر جسته‌ترین رهبران مجاهد در «زماداران ایران ارسال کرد و گفت این اقدام اسلامی ایران بود و به حمایت از مقاومت اسلامی در فلسطین و



## هاشمی از حامیان ببود روابط ایران و عربستان سعودی بود و روابط خوبی با پادشاه قبلی عربستان یعنی ملک عبدالله داشت و نقش بزرگی در امضای توافقنامه امنیتی تاریخی با ولی عربستان در سال ۲۰۰۱ در هنگام دیدار تاریخی با ولی عربستان داشت

با خانواده و مقامات در مسجدی واقع در شمال تهران حضور یافتند.

**روزنامه لاریوپلیکا (ایتالیا):** آیت الله که اصولگرایان را به چالش کشیده بود، در گذشت

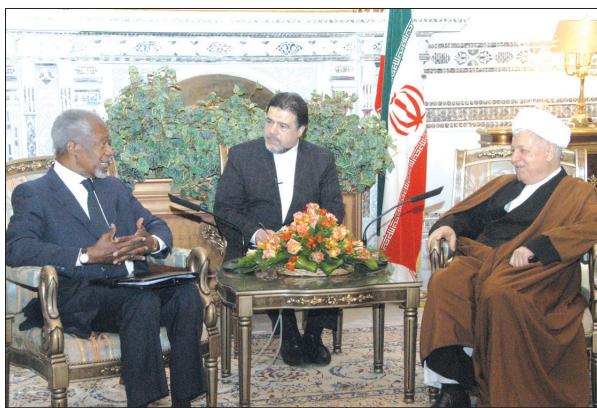
[آیت الله] اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود ضمن یادآوری زمانی که همراه با آیت الله خمینی [ره] انقلاب را علیه شاه هدایت کرده بود و فقط این دو با چند نفری که در صفحه دوم قرار داشتند در جمهوری اسلامی در مورد همه چیز تصمیم گیری می کردند، چنین نوشتند: «ما فقط پنج نفر بودیم که باید تصمیم

می گرفتیم». در سال ۱۹۸۸ زمانی که رئیس مجلس بود، او بود که [امام] خمینی [ره] را مقاعده کرد تا آنچه امام آن را «جام زهر» خوانده بود، پیدبیرید یعنی قطعنامه ای که از سوی سازمان ملل برای برقراری آتش بس در جنگی که از سوی صدام حسین آغاز شده بود و به بهای جان یک میلیون نفر تمام شد، به تصویب رسیده بود. در حالی که [امام] خمینی [ره] در روایی رژه وقت در کربلا، مکان مقدس شیعیان به سر می برد، [آیت الله] رفسنجانی یقین داشت که آمریکا هرگز به ایران اجازه نمی داد در جنگ پیروز شود.

وی همواره به ماهیت عملگرایی خود، مقاوم در برابر افراط گرایی ها و متمایل به مذاکره بر اساس بهترین سنت های بازار که خانواده اش به آن تعلق داشت، وفادار ماند. [آقای] روحانی، رئیس جمهور با فوت وی یک حامی ارزشمند را از دست داد. این [آیت الله] رفسنجانی بود که بعد از رد جنجالی اش از سوی شورای نگهبان (نهاد بسیار قدرتمند قانون اساسی که در دست اصولگرایان است) در سال ۲۰۱۳ از ایجاد جنجال صرف نظر کرده بود و با رهبر معظم به توافق رسیده بود که با نامزدی [آقای] حسن روحانی، فرد میانه رویی که مدت های مديدة در کنار او کار کرده بود، موافقت کند. همان فردی که همچنین با حمایت اصلاح طلبان تحت رهبری خاتمی [رئیس جمهور اسبق] با اکثریت آراء انتخاب شد. پیوند نیروها میان [آیت الله] رفسنجانی و خاتمی (در قاموس غرب می توانیم بگوییم میان جناح میانه و جناح چپ) این امکان را برای ایران فراهم آورد که درها را به روی جهان باز کند و توافق سه همای را به اعضاء برساند. [آیت الله] رفسنجانی پیش از آن یعنی در سال ۱۹۹۷ خواستار آن بود یعنی زمانی که خاتمی به عنوان رئیس جمهور (در آن زمان نیز به لطف حمایت وی) انتخاب شده بود لیکن در آن زمان کارایی نداشت: بخشی از اصلاح طلبان متعدد شدن با مردم را که این چنین درگیر ابعاد بسیار مهم اتفاق [امام] خمینی [ره] بود، ناشایست قلمداد می کردند. هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد می بایست طی می شد تا همه متوجه این موضوع شدند که فرصتی را از دست دادند.

ریاست جمهوری وی که در سال ۱۹۸۹ آغاز شده بود، اولین تلاش برای گشایش جمهوری اسلامی به شمار می رفت. وی به محض انتخاب شدن «دوران بازسازی» را اعلام کرد. جنگ تأثیر وحدت یخشی بر مردم ایران گذشته بود و انقلاب را تقویت کرده بود (برخلاف انتظارات کسانی که آن را به راه انداده بودند و از حمایت کرده بودند) لیکن برای کشور خرابی به بار آورده بود. [آیت الله] رفسنجانی وعده توسعه و بهبود وضعیت زندگی داده بود لیکن از حد سنگین بود و در دوره دوم ریاست جمهوری اش میزان فقر و بیکاری با افزایش روبرو بود. رشد تصاعدي جمعیت کشور در پی درخواست [امام] خمینی [ره] در سال های دهه هشتاد میانی بر اوردن فرزند براي به بار آورده بود. [آیت الله] رفسنجانی نفر جمعیت کشور در سال ۱۹۷۶ بیست سال بعد به ۶۸ میلیون نفر رسیده بود. خشم مردم ایران علیه فردی که داشت جمهوری وی را پیو شوشه ایران می خوانندند نیز افزایش یافته بود لیکن [آیت الله] رفسنجانی آن قدر یقین داشت که فقط یک سیاست میانه گرا می توانست جمهوری اسلامی را از افراط گرایی نجات دهد. لیکن در انتخابات شکست نزد نامزد شده بود تا کشور را از افراط گرایی نجات دهد. لیکن در انتخابات شکست خورد. در میتبینگ نهایی در سالان بزرگ منجر شد تا داشتگان تهران از داشتگان خواسته بود به او ای بدهند، گویی در موقعیت بدی قرار گرفته باشد و آنها را مقاعده کرده بود. آنان در پایان فریاد هاشمی، برای رفع فاشیسم حمایت می کنیم سر داده بودند. لیکن دیگر دیر شده بود. او در انتخابات شکست خورد لیکن مغلوب نگردید. سرانجام نیز در سال ۲۰۱۳ موفق شده بود کاری کند

یک فرد میانه رو انتخاب شود. [آقای] روحانی، رئیس جمهور و برخی از وزرا به سوی بیمارستان شهدا که [آیت الله] رفسنجانی در آن بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت، شتابتند. در انتخابات آینده که در ماه مه برگزار خواهد شد، زمانی که اصولگرایان نبردی بی وقفه به منظور جلوگیری از انتخاب مجدد [آقای] روحانی به راه خواهند انداخت، فقدان [آیت الله] رفسنجانی احساس خواهد شد.



## زیرک‌ترین سیاستمدار انقلاب ایران

کمتر رسانه ای در جهان بود که به این خبر واکنش نشان نداده یا آن را منتشر نکرده باشد. اغلب این رسانه ها آیت الله رفسنجانی را به عنوان سیاستمداری بزرگ و تأثیرگذار در انقلاب اسلامی و سال های پس از آن یاد کردند.

**خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد:** اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور پیشین ایران که در دوران فعالیت طولانی مدتها در طبقه ممتاز حاکم، راهنمای های زیرکانه وی در انقلاب،

جنگ و سیاست های این کشور همیشه مورد استقبال بود، روز یکشنبه در اثر ایست قلبی درگذشت. وی که در طول این سالها به حیات سیاسی خود ادامه داد جریان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ یکی از یاران نزدیک آیت الله روح الله خمینی بنیانگذار انقلاب بود. او همچنین به ایجاد برنامه مستهای ایران کمک و از توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ پشتیبانی کرد.

**آسوشیتدپرس** در ادامه گزارش خود آورده است: سوگواران از تمامی اقسام و طبقات جامعه ایران روز دوشنبه (امروز) به آیت الله رفسنجانی ادای احترام کردند. مقامات این

کشور نیز در پی درگذشت وی پیام تسلیت منتشر کردند. تمامی روزنامه های ایران صفحه اول خود را به خبر فوت هاشمی رفسنجانی اختصاص دادند و تلویزیون نیز به محفوظ انتشار خبر در گذشت وی تصاویر و فیلم های ویدئویی متعددی از اظهارات و سخنرانی هایش پخش کرد. ایران سه روز عزای عمومی اعلام کرده است. محمد جواد طریف وزیر امور خارجه ایران با ایازار تأسف از درگذشت رئیس جمهور اسق کشورش گفت که راهنمای های آیت الله هاشمی رفسنجانی همواره در عرصه سیاست خارجی راهگشنا بوده است.

روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارشی مبسوط به شرح سوابق و فعالیت های آیت الله هاشمی رفسنجانی در طول ۲۷ سال گذشت پرداخت و نوشت: آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی که همواره نقش سرinxتane در میان احزاب و چهره های نخج ایران داشت و در دوران حیات آیت الله خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی از حمایت وی برخوردار بود، در سن ۸۲ سالگی در بیمارستانی واقع در شمال تهران درگذشت. آقای رفسنجانی یک سیاستمدار مصلحت گرا و میانه رو بود که به لیبرالیسم اقتصادی نیز متمایل بود و در دوران ریاست جمهوری اش اصلاحات زیادی در زمینه اقتصادی انجام داد.

این روزنامه آمریکایی در ادامه گزارش خود یک بیوگرافی با جزئیات کامل از آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه داد و نوشت که وی یکی از چهره های تاثیرگذار در جریان انقلاب اسلامی بوده است.

همچنین شبکه بلومبرگ ضمن انتشار خبر درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گزارش داد: ایران به محض اعلام خبر فوت آیت الله هاشمی رفسنجانی از شبکه های تلویزیونی و رسانه های این کشور و پخش تصاویر سخنرانی ها و خطبه های وی وارد سوگواری و اندوه شد. رفسنجانی در سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ برای دو دوره متولی رئیس جمهور ایران بود و در این مدت وضعیت کشور بهبود قابل توجه یافت. حامیان وی اغلب هاشمی رفسنجانی را به دلیل این تلاش های سردار سازندگی می نامیدند. وی سیاستمداری مصلحت کرا، زیرک و دانا بود که توانست در دوران ریاست جمهوری اش روابط خوبی با کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) برقرار کند.

خبرگزاری رویترز که از اولین رسانه های خارجی بود که خبر درگذشت رئیس جمهور اسبق ایران را منتشر کرد، گزارش داد: علی اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از بزرگترین شخصیت های سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی درسن ۸۲ سالگی درگذشت. سیاستمداران معده دی در ایران از زمان وقوع انقلاب در سال ۱۹۷۹ که به سقوط رژیم پهلوی و برکناری شاه منجر شد چنین نفوذی را در این کشور داشته اند. می توان گفت که رفسنجانی یک گرداننده با استعداد در پشت صحنه سیاست ایران بود.

رویترز در ادامه رفسنجانی را سیاستمداری زیرک نامید و به سوابق وی در دوران جنگ هشت ساله عراق علیه ایران پرداخت و گزارش داد که وی در جریان پذیرش قطعنامه پایان جنگ با عراق نقش بسیاری در کنار آیت الله روح الله خمینی ایجاد کرد.

شبکه خبری سی ان ان نیز در گزارشی با انتشار جزئیاتی از زندگی، سوابق و فعالیت های مهم آیت الله هاشمی رفسنجانی در طول سالهای پس از انقلاب اسلامی نوشت: رفسنجانی طی دوره های فعالیت های سیاسی اش به عنوان معبری برای روابط بهتر با غرب شناخته می شد.

شبکه بلومبرگ فرانس ۲۴ در این زمینه گزارش داد: در گذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی مردم ایران را متأثر کرد و مردم ایران برای ابراز همدردی



**هاشمی همواره به ماهیت عملگرایی خود، مقاوم در برابر مذاکره بر اساس بهترین سنت های بازار که خانواده اش به آن تعلق داشت، داشت، فادر ماند**

# اخلاق اعتدالی و روحیه شکوفایی و توسعه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

دکتر فواد صادقی - محمد قدس



این مقاله توسط آقایان دکتر فواد صادقی و محمد قدس به رشته تحریر در آمده است. فواد صادقی، روزنامه‌نگار و دارای مدرک دکترای مدیریت رسانه از دانشگاه تهران است که رشته‌های مدیریت و ارتباطات را در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌کند. وی علاوه بر پژوهشگری در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، مدتبی مشاور فرهنگی و رسانه‌ای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. آقای محمد قدس از فعالان دانشجویی و عضو سابق شورای مرکزی کانون اندیشه دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر و همچنین عضو انجمن اندیشه و قلم می‌باشد.

مقایسه نیست. در این مقاله می‌کوشیم با بهره‌گیری از مدل ویر، مدلی در رابطه با تأثیر برخی دیدگاه‌های و رفاقت‌های مختلف از اسلام بر رفتار فردی و جمی مسلمانان بویژه رفاقت‌های توسعه‌گیرانه با چشم‌اندازی به نظرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طراحی کیم، بدینه است پرداختن به موضوعی به این اهمیت و گستردگی از حد نوشتاری موجز و فرضی اندک فراتر است و جا دارد که در پژوهه‌های پژوهشی و رساله‌های دکتری مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد و در اینجا به بیان مسأله بسته می‌شود.

ارتساط مفهومی میان مذهب و اعتقادات، اخلاق و دینی و رفتار اقتصادی و دستاوردهای حاصله از آن مورد تحسین صاحب‌نظران بوده است. گرچه ویر در پژوهش‌های سال‌های پایانی عمرش کوشید این منظر را با مطالعه سایر ایدیان از جمله هندو، اسلام و بودا تکمیل کند، حاصل کار ناتمامش پس از مرگ وی در سال ۱۹۲۰ میلادی منتشر شد، اما بدیلیل ناشناختی وی با این مکاتب، یافته‌های او در مورد این ایدیان با پروتستانیسم و بویژه فرقه کالوین پروتستانیسم مادر ویر از مریدان سرخست این مذهب بودند، قابل تردید قرار گرفته است. ولی این ابداع ویر در ایجاد

مقدمه بیش از یک قرن از انتشار مجموعه مقالات «ماکس ویر»، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی که با عنوان «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» منتشر شد نوآوری بزرگی زد و هنوز هم این اثر، به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار جامعه‌شناسی محسوب می‌شود، سپری شده است. گرچه تاکنون نقدها و تحلیل‌های فراوانی از سوی صاحب‌نظران بر این کتاب نوشته شده است، اما برخی از فرضیات و گزاره‌های مندرج در این مقالات مورد تردید قرار گرفته است. ولی این ابداع ویر در ایجاد

محسوب می‌گردد. سخنان آیت‌الله هاشمی که ذیل عناوین زیر جمع‌آوری شده است، نشان می‌دهد چه مقدار اعتقادات دینی و اخلاق عملی ایشان در توسعه‌گرایی وی تأثیر گذار بوده است.

## مذموم بودن اشرافی‌گری، نه توسعه

امام در تفکرات خویش این‌گونه نبودند. شاید در شرایط خاصی در یک سخنرانی چنین مطلبی را گفته باشند که آن گروهی همین حرف را بزرگ می‌کنند. اولاً همه‌زندگی امام را از جوانی تا مسرك می‌دانند. هیچ وقت انسان مرتاضی نبود. وقتی خلی از آقایان در بیرونی‌های خویش زیلو و حسیر می‌انداختند، امام قالی پهمن می‌کردند. امام در یخجال قاضی منزل بزرگ داشتند. همان منزل را بعدها دو قسمت کردند و یک قسمت را به آقا مصطفی دادند و در یک قسمت دیگر خودشان زندگی می‌کردند. واقعاً امام این‌گونه نبود و زندگی معقولی داشت و یک زاده واقعی بود. غذاشان معتمد بود. اهل افراط و تغیریت و مرتاضی نبود. منزل پدری ایشان هنوز هم پارچاست. خودم رفم و دیدم که منزل وسیعی است. این از زندگی شخصی ایشان بود. در حرف‌هایشان هم خیلی جا وقتی بعضی‌ها می‌خواستند بعضی از افراد را به بهانه سرمایه‌داری سرکوب کنند، جلوگیری می‌کردند. بخش خصوصی، اول انقلاب خلی سرکوب شد که ایشان سعی می‌کرد بخش خصوصی را دوباره احیا کند. آن موقع سخن‌گفتن از دانشگاه آزاد اسلامی کفر تلقی می‌شد که می‌گفتند نباید غیر دولتی باشد. امام با حمایت معنوی و با کمک مادی راه را برای تأسیس این دانشگاه باز کردند. این مسائل مربوط به دوران جنگ بود که شرایط خاصی داشتیم. بعد از پذیرش قطعنامه، سیاست سازندگی را تصویب کردند که ما براساس آن عمل کردیم. آیت‌الله خامنه‌ای نامه‌ای به امام نوشتد و ایشان هم جواب دادند و ما براساس سیاست ایشان کلیات سیاست‌های سازندگی را تصویب کردیم که وارد فاز برنامه‌نویسی شد. تفكیر ایشان تأکید بر قیمتمندی نبود. البته در قرآن هم تعاریف زیادی از فقراست. سرزنش اشرف هم در قرآن آمده است. در صورتی که اشرافی‌گری با توسعه کار نفاوت دارد. هر انسانی می‌تواند مالک باشد و خوی اشرافی‌گری نداشته باشد. قرآن این را می‌خواهد. حالاتی را صوفیان در زندگی مسلمانان درست کردن که با روح اسلام سازگار نیست. می‌توانید بحثه امام صادق(ع) با صوفیان زمان خودشان را بخوانید که در اصول کافی و خلی از کتابها آمده است. آن منطق اسلام است. وقتی حضرت علی(ع) از دنیا رفتند، قرض‌های داشتند که امام حسن(ع) یکی از مزارع ایشان را برای پرداخت قرض‌هایشان ۵۰۰ هزار دینار فروختند. توجه داشته باشید که هر دینار به اندازه یک مثقال طالی‌الآن است. وقتی دید باز هم قرض پرداخت نشد، مزرعه دیگری را به قیمت ۲۰۰ هزار دینار فروخت. یا منزل امام علی(ع) در مدینه را تقسیم کردند که سه منزل شد که بین وراش ایشان تقسیم شد. این‌گونه نیست که اسلام با دارایی مخالف باشد. حضرت علی(ع) یک زاده واقعی بود که هیچ عشقی به دنیا و ثروت نداشت، ولی کار می‌کرد. (مصالحه با آقای سیاری، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ، ۱۲ بهمن ۱۳۸۸).

رابطه اعتقادات مذهبی و رفتار اقتصادی ویر در سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ میلادی مقالاتی را منتشر کرد که سپس در قالب کتاب «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» منتشر شد.

در این کتاب که متشکل از یک مقدمه و ۵ فصل است، ویر با ارائه تصویری از نظام سرمایه‌داری نوین نشان می‌دهد که این سیستم، محصول فرهنگ و تمدن غربی پس از دوران رنسانس است. ویر با بررسی مدیران و فعالان موفق نظام سرمایه‌داری در غرب، نشان می‌دهد که اکثر این افراد از فرقه کالون پروتستان هستند که در مقایسه با سایر فرقه‌های این مذهب مسیحیت و همچنین در فردی در دنیا و سرتگاری در آخرت اختصاص می‌دهد و انجام کار را با هدف تولید سرمایه و موفقیت اقتصادی، نوعی تکلیف دینی و نه تلاش برای کسب بیشتر منافع و لذات دینیوی می‌داند.

براین اساس، ویر رابطه میان اخلاق پروتستانی و یا به تعبیر دقیق‌تر کالوئیسم با موفقیت اقتصادی نظام سرمایه‌داری برقرار می‌کند و نشان می‌دهد که یکی از دلایل عدم شکوفایی اقتصادی غرب قبل از رنسانس، اعتقادات مذهبی کاتولیک‌ها بوده است؛ همان‌گونه که ویر از این مذهب قطب‌ماندگی اقتصادی جامعه هند و اعتقادات مذهب هندو برقرار می‌کند.

چنان‌چه بیشتر بیان شد، این مقاله در پی اثبات یا نقد نتیجه‌گیری ویر در رابطه پروتستانیسم و سرمایه‌داری نیست، بلکه می‌خواهد از این منظر در جستجوی رابطه میان نوع اعتقادات در جوامع اسلامی و توسعه یافته‌گیری در نگرش

در این رابطه میان نوع اعتقادات و فرهنگ دینی جوامع اسلامی بویژه جامعه ایران؛ آسیب‌شناسانه خود به اعتقادات و فرهنگ دینی جوامع اسلامی معاصر؛ همچون شهید مطهری در نگرش برخی از اعتقادات؛ نظریه جبرگاری، مذموم‌بودن ثروت و سیاست‌شناختی ایران؛ در برابر فن‌آوری و پیشرفت‌های علمی و رفاهی بشر و بیگانه‌ستیزی را از علی عقب‌ماندگی جوامع اسلامی برشمرده‌اند.

به نظر می‌رسد که در این میان، یکی از دلایل آغاز مسیر پیشافت و توسعه در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی، اعتقاد به مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی که به عنوان اخلاق اعتدالی از آن نام می‌بریم، در سبک مدیریتی و رفتاری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از مؤثرترین شخصیت‌ها در جامعه ایران در ۴ دهه خیر می‌باشد.

براساس نظریه «اخلاق اعتدالی»، گزاره‌هایی که به نوعی مانع در برابر شکوفایی فردی و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران به شمار می‌آمدند، جایی در ادبیات دینی و اعتقادات اسلام اصیل و حقیقی ندارند و بدین صورت، منظری در برابر شهروند مسلمان گشوده می‌شود که توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، کسب رفاه، شکوفایی علمی و تعامل و ارتباط با جهان و کشورهای هم‌جنگی و بهره‌گیری از دستاوردهای آنان، به عنوان اقدامی غیرعلمی و مغایر با همنجارهای مذهبی تلقی نشده و حتی به عنوان یک رفتار دینی و تکلیف الهی برای پیشبرد اهداف اسلامی

**\*آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:**  
خلق ثروت  
مشروع ارزش  
است. وقتی که  
ارزش است،  
صاحب ارزش  
نایاب تحقیر  
شود، بلکه نایاب  
به او احترام  
گذاشت و مورد  
تکریم باشد و از  
او تشکر شود

خانه که آمدند، چیزی نمانده بود. حضرت زهرا(ع) گفتند: «بک فقیر ما بودیم، برای ما هم می‌آوردید». تا اینجا خوب است. اما هیچوقت توضیح نمی‌دهند که حضرت علی(ع) آن باغ را کجا آورده بود؟ (دیدار جمعی از اعضای اتاق بازگانی، ۱۰ دیبهشت ۱۳۸۶).

**مورد تکریم بودن کارآفرین**  
ما باید فضای یامحبته در کشور داشته باشیم. به کارآفرینان احترام بگذاریم، در مجمع تصویب کردیم که خلق ثروت ارزش است؛ بعد قیدی اخواه شد. خلق ثروت شروع ارزش است. وقتی که ارزش است، صاحب ارزش نباید تحقیر شود، بلکه باید او احترام گذاشت و مورد تکریم باشد و از او تشکر شود؛ مرچند عده‌ای ممکن

ارزش‌بودن تولید ثروت مشروع  
یک جمله حکمت‌آمیز در گذشته‌ها بود که همه یاد گرفتند. «استر ذهابک و ذهیک و مذهبک»، این نشان نامنی است که یک دستور عقلایی بود. به مردم می‌گفتند: سه چیز را مخفی کنید:  
۱. مذهب؛ چون اکر اظهار می‌کردند، به خاطر تفتيش عقاید کشته می‌شدند. این سفارش، بیشتر مخصوص شیعیان بود.  
۲. مسیر؛ چون راهها نامن بود و می‌بایست از مسیرهای ناشناخته رفت و آمد کنند.  
۳. طلا که داشتن آن خطر داشت.



\*آیت الله هاشمی رفسنجانی: نباید ثروت ضد ارزش تلقی شود. اگر خلق ثروت را ارزش ندانیم، هیچ وقت نمی‌توانیم به جامعه مرفه‌ی بررسیم. تا موقعی که فکر کنیم ثروت در جامعه مذموم است، همیشه این بلا خواهد بود. اسراف حرام است، تجاوز به حق دیگران حرام است، زیاده‌خواهی حرام است، راند‌خواری حرام است. اما راه‌های صحیح آن این است که از ثروت مولد، خلق ثروت کنند که در خدمت حامیه باشد

است تعییراتی مثل زالو، سرمایه‌دار و... را داشته باشند، ولی نظام نمی‌خواهد این حرف را بزند، این سیاست رهبری است. ما هم موظف هستیم در مجمع تشخیص بر اینها نظرهارت کنیم. این سیاست‌ها درازمدت است و برای مدت کوتاهی نیست و اگر روزی بخواهد عرض شود، باید دوباره به مجمع بیاید، مجمع رأی بدهد و رهبری هم قبول کند. لذا اینها مناندی و شبیه قانون اساسی است. با این پایه‌هایی که الان درست شده، میدانیم باش خصوصی باز است. ما بارها از ایرانیان خارج از کشور دعوت کردیم، ممکن است بعضی‌ها به خاطر برخی موارد نگرانی داشته باشند، ولی شروع کنند و بیانی‌بند و شما هم کمک کنید و با این مقررات جدید با هم کار کنید. آنها می‌توانند سود ببرند، بول آنها تضمین می‌شود. (دیدار با ستاد انتخاباتی بنگاه‌های خصوصی اقتصادی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۴)

مقام معظم رهبری چند سال پیش تهاجم فرهنگی را مطرح کردند. نگاه ایشان با این سطحی نگرها فرق دارند. ایشان خیلی عالم هستند و افکارشان هم با اینها قابل مقایسه نیست. ایشان مطرح کردند و بعضی همه را در چند تار مو که از زیر روسی ها بیرون می آید، خلاصه کردند. من از خود رهبر شنیدم که ایران تأسف کردند و گفتند: «چه گفتیم و چه شد!» اینکه الاخلاق اسلامی نیست. در همین صحبت های تلویزیونی مقداری درد دلم را باز کردم. بالأخره اخلاق اسلامی نیست. اسلام پیش از هر مکتبی، مکتب اعتدال است. در زمینه اقتصادی اسلام کفاف و عفاف خواسته، نه فقر، ولی اینها به نام اسلام فقط فقر را می بینند. ریاضت با باطن خراب و ظاهر خوب چیز بدی است. بد است که در بیرون زیلو بیاندازیم و داخل خانه قالی بیاوریم. ما از امامان یاد گرفتیم. چهل - پنجاه سال پیش خدمت امام میرفتحی، در بیرون منزلشان قالی بود، ولی در جاهای دیگر اینجوری نبود. من می دانستم امام در دل زاهدترین مردم بودند، این مهم است. زهد فروشی که چیزی را حل نمی کند. امام صادق(ع) مباحثتهای با صوفیان داشته اند و آنها از عبا های نازک، شفاف، نازک و زیبای امام ایجاد گرفته بودند، کار به جایی می رسد که امام صادق(ع) زیر عبا لباس خشن را نشان می دهد که دنیا بفهمد. گفتنت: «زیر لباس های شما چیز دیگری است». با ریا کاری ننمی توان کار کرد. همه مردم که مایل نیستند با این ریاضت زندگی کنند. اگر بگویید این مکتب اسلام است، مردم می روند و نمی خواهند. خدا هم نخواسته کسی این گونه زندگی کند، در مسائل معاشرتی هم کسی از ما خواسته این جوری برخورد کنیم. ما زن و بچه همان را حفظ می کیم، همه که نمی توانند این کار را بکنند. یک بار قران را با این دید مطالعه کنید. در دهها مورد خداوند به مسلمانان سخت گیر می گوید: «چه کسی به شما گفته نعمت های خداوند را تحریم کنید؟ شما در مقابل مردم جای خدا نشسته اید». بدترین سرزنش ها مال آنها بیان است که طبیعت خداوند را تحریم می کنند (دیدار، با اساتید دانشگاه، ۲۴، خرداد ۱۳۸۴).

## جامعه مرفه؛ نتیجه ارزش دانستن خلق ثروت

نباید ثروت ضد ارزش تلقی شود. اگر خلق ثروت را ارزش ندانیم، هیچ وقت نمی توانیم به جامعه مرفه برسیم. تاموقعی که فکر کنیم ثروت در جامعه مذموم است، همیشه این بلا خواهد بود. اسراف حرام است، تجاوز به حق دیگران حرام است، زیاده خواهی حرام است، رانت خواری حرام است. اما راههای صحیح آن این است که از ثروت مولد، خلق ثروت کنند که در خدمت جامعه باشد، نه ثروتی که انباشته شود و فعل نباشد. اگر چنین چیزی باید، انسان در خدمت مردم خواهد بود که واقعاً ارزش است. این یک حکم اسلامی است. ما هم در مجمع تشخیص مصلحت بندی تصویب کردیم که خلق ثروت از راه مشروع ارزش شود (اصحابه با شبکه جام جم، ۶ خرداد ۱۳۸۴).

## سعادت اخروی متکی به معاش Dinya

در برخی کشورها اقتصاد برایشان اصل و چیزهای دیگر تابع آن است، اما در ایران اینطور نیست. اما ممان اسلام که ما برای آن انقلاب کردیم، به سائل اقتصادی و معیشتی مردم اهمیت زیادی می دهد. قرآن از ما خواهد که منابع زمین را استخراج کنیم و اسرار طبیعت را کشف و از آن



### جامعه فقیر؛ وابستگی به خارج

کاری که می کنند، دارند دنیای ما را تخریب می کنند؛ یعنی همان سیاست عزلی که از روسیه به انگلستان گزارش می دهد کاری می کنند که ملت ما از حرکت سازنده نقد منابع و استفاده از نعمت‌های خدادرادی؛ یعنی اجرای همین دستور «فامشوافق مناکها و کلوامن رزقه» که بعد از فامشوافی مناکها آمده نشان می دهد که خشک مقدس گذاشتم، که شدید، برای این که از نعمت‌های زمین بخورد و چیز دیگر نیست؛ یعنی برای استفاده خودرن، خوردن یکی از این استفاده‌های است، همه استفاده‌ها و متأسفانه کسانی هم بنام اسلام و بنام انقلاب که من اسم آنها را افراطی‌های خشک کشور ضربه آنها هم همین راه را می‌رونند. شاید با حسین نیت به حرکت‌های سازنده کشون می‌شود از زند و چیزهایی می‌گویند که آدم واقعاً دش خون می‌شود از کارهایی که انجام می‌دهند، تیجه این طرز تبلیغ و این طرز کار این است که جامعه ما فقیر شود و فقیر محتاج، محتاج اسیر شود و وابسته به خارج و نیازهایش را آن طرف مزد باشد، یک چنین

دینیادوستان می‌افتد (اصحابه با روزنامه کیهان، ۱۰ دی ۱۳۸۲).  
رهنگر، جامعه اسلامی را به رفاه برسانیم، «هوالذی جعل لكم الارض ذلولا فامشووا فی مناکبها و كلوا من رزقه» احادیث معتبر ما می‌فرماید: «من لا معاش له لا معاد له»؛ یعنی سعادت جهان آخرت را تکی که به سعادت و معاش درست دنیا می‌داند و با صراحت می‌فرماید: «اذَا اقبل الفرق الى بلد قال له الكفر خذنى معك»؛ یعنی فقر جامعه مقدمه کفر است. اینکه هر جا فقر باشد، کفر هم هست، از همین توجه و اهمیت به اقتصاد بیرون آمده است. این یک مضمون بسیار جدی و مورد قبول ماست. قرآن در بسیاری از جاها به ما حکم کرده است که معاش جامعه را بهتر کنیم. این کار با یک اقتصاد صحیح امکان پذیر است. من فکر می‌کنم جایگاه اقتصاد در افکار اسلامی جایگاه بالایی است. اما آن به اندازه کافی جدی نگرفته نشده. بیشتر تربیتون های مذهبی و سیاسی ما ضمن اینکه می‌دانند آن خواست مردم در مسائل معیشتی بیش از موارد دیگر است، به مسائل دیگر می‌پردازند (اصحابه با روزنامه دنیای اقتصاد، ۸ دی ۱۳۸۳).

### زهد واقعی یا زهدفروشی؟

من سلسه بچ را در خطبهها می‌گفتم که در مبحث «عدالت اجتماعی» بود. یکی از بخش‌های آن اعتدال بود که بحث‌هایی از اعتدال را مطرح کرد که یکی «نقاعت» بود. یکی علیه «اسراف» بود. هر یک از این خطبه‌ها مستقل بود. تکفیر اصلی من این است که زهد واقعی سیار ارزشمند است، اما باید با زهدفروشی مقابله کرد. حتی در زمان پیامبر(ص) این اتفاقات افتاد و پیامبر(ص) با دستور قرآن بهشت برشود کردند. آیات زیادی درباره سرزنش تکفیر حريم لذات دنیا بر انسان هاست که واقعاً قرآن با این تفکر مبارزه کرد. من هم با آیات شروع کردم، اولین نکته اینکه این از نصائح امام است که در درسی فرمودند: «إن الله يحب أن يوخذ برصبه كما يحب يوخذ بزاعمه»؛ خداوند همان مقدار که دوست دارد به تکاليف واجب عمل کنیم، دوست ندارد به میاهات و رخصت‌های خاص عمل کنیم. برای من تکفیر جالی بود؛ چون من هم در جوانی مقداری از این افکار تند را داشتم، بعد رفتم مطالعه و کار کردم و دیدم واقعاً حرف محکمی است. از پیش از انقلاب در مباری این مسائل را مطرح کردم. بعد از انقلاب و در دوران جنگ در خطبه‌ها به مناسبت‌های مختلف این مسائل را می‌گفتم. خلاصه این است که در تولید محدودیتی نداریم. باید هر چه بیشتر تولید کنیم. در توزیع باید بر اساس نظر اسلام به عدالت توجه و عمل کنیم و در مصرف هم قناعت این بوده و هست؛ یعنی به اندازه کافی و بر اساس حفظ شرافت عمل کنیم. این تفکر من است، این تکفیر را در ممان بحث‌ها مطرح کرد که اگر جامعه می‌خواهد به طرف ترقی و تکامل رو، باید با این مبانی عمل کنند. نمونه‌های زیادی از صدر اسلام آوردم که مشکلات خاصی بود و از زندگیحضرت زهرا(ع)، حضرت علی(ع) و پیامبر اکرم(ص) و قدری جلوتر از زندگی امام جعفر صادق(ع) مواردی را بیان کردم؛ با این تفکر که نیروهای مخلص، لذات زندگی را برای مطறین بگذارند، مخالفت کردم به طرف ترقی و تکامل رو، باید با این مبانی عمل کنند. نمونه‌های زیادی از صدر اسلام آوردم که مشکلات خاصی بود و از زندگیحضرت زهرا(ع)، حضرت علی(ع) و پیامبر اکرم(ص) و قدری جلوتر از زندگی امام جعفر صادق(ع) مواردی را بیان کردم؛ با این تفکر که نیروهای مخلص، لذات زندگی را برای مطறین بگذارند، مخالفت کردم که به خیلی‌ها برخورد. می‌گفتند نیروهای خوب باید زندگی فقیرانه‌ای داشته باشند که با این تفکر از مخالف بودم، در این بحث، خطابی به نیروهایی بود که از جنگ برگشته بودند. گفتم؛ باید بیاید و میدان داری کنید. بحثی درباره پیمانکاری ها کرد که پر سود است. گفتم چرا اینها را به دیگران می‌دهید؟ خودتان افراد با سواد دارید و باید شرکت و تشکیلات درست کنید و این پیمانکاری ها را بگیرید که بسیج و سپاه آمدند

## \*آیت الله هاشمی رفسنجانی: تفکر اصلی من این است که زهد واقعی بسیار ارزشمند است، اما باید با زهدفروشی مقابله کرد

## \*آیت الله هاشمی رفسنجانی: با حسن نیت به حرکت‌های سازنده کشور ضریبه می‌زنند و چیزهایی می‌گویند که آدم واقعًا دلش خون می‌شود از کارهایی که انجام نتیجه این طرز تبلیغ و این طرز کار این است که جامعه ما محتاج اسیر شود و فقیر

تبديل مدینه فقیر زمان پیامبر، به مرکز تمدن اگر بحث اخلاق و نقاو را و سعادت را و فلاح را جامعه را و فرد را و فقر را و ثروت را همه را با هم بگیریم، یک مجموعه عالی است که یک مکتب مترق و سازنده و سعادت‌بخشی را نسبت می‌کند و امیدواریم که ما بتوانیم در سایه این معارف عالی اسلامی، جامعه‌مان و کشورمان را از فقر نجات دهیم و هم از بیکاری نجات دهیم و هم باید اینطور باشد والا نمی‌توانیم مدکی باشیم که جامعه مسلمان هستیم؛ چون اسلام این جوری نبوده، قرآن اینجوری نبوده، ده سال پیغامبر در مدینه ماند. یک مدینه فلک‌زدید فقیری را تبدیل کرد به یک مرکز تمدن و همه این معارف هم بود. هیچ وقت طرفدار این نبود که مردم مدینه و مسلمانان فقیر باشند و در عین حال، مواطن بود که اینها مسرف و مترف هم نباشد و جهت‌دار باشند، اکتفا نمی‌کرد به اینکه مدینه مرفه باشد و وضع خوبی داشته باشد، اما راه درستی در زندگی نداشته باشد و به طرف سعادت جامعه را جلو نبرد، یک مجموعه را طراحی کرد و اجرا کرد و آن آثارش را هر چه تاریخ به چلو آمد، در جامعه اسلامی دیدیم با اینکه همه احکام و معارف پیغمبر را توانست امت بعد از خودش بخوبی اجرا کند، اما همان پایه‌ها خیلی کارساز بود و تمدن عظیمی را ساخت و یک تمدن بزرگی را ساخت در آن مدتی که اسلام توانست حاکمیت جدی بر اکثر محدوده جهان پیدا کند. اینطور نبود که مردم به کلی آخرت را فراموش کرده بودند و دنیاپیشان را آباد کرده بودند. یک مجموعه بود الیه ناقص و با اشکالات، ولی در عین حال، با آن پایه‌های درست و با همین توضیحی که دادم از یک مبنای صحیح و چهت‌گیری درست، جامعه بیغمبر، اول مدینه‌النبی ساخته شد و بعد تمدن اسلامی با الودگی‌هایی بوجود آمد (نمایز جمعه تهران، ۲۳ مهر ۱۳۷۸).

مـه عنوان یک جریان فکری راکد و خمود و نهایتاً جامعه‌ای فقیر و فاقد پویایی تحرک تبدیل خواهد شد که در صحنه تنازع بقا در تاریخ و در برخورد با سایر هم و فرق، چنین جامعه‌ای از موضع ضعف خواهد شد (نمایزن جمعه تهران، ۱۳۶۹ آبان).

طیبعت اسلام بر آسایش و رفاه

کلیت مطلب این است که فکر نکنید دین اسلام برنامه مضيقه و مشکلات است، نه برنامه آسایش و رفاه است و حتی جهاد اسلام، روزه اسلام و چیزهای بیگری که از این قبیل ما داریم که ممکن است، اصلاً خود حکم، ماهیت حکم، محمل مشکل و یک نوع مشکل در آن باشد، در کنار آن یک نوع راحتی هایی و یک نوع چیزهای خاصی در نظر گرفته شده که آدم باید به آن، وقی محسوبه کنند، می بینند که باز برنامه کلی را بر هم نزد و یک مسیر رو به سعادت و هموار آثاری را خداوند برای ما گذاشتند و در این مسیر یک نقاط خاصی وجود دارد که آن نقاط خاص تعییه شده، وقتی که ما مجموعه را نگاه می بینیم، بر کل برنامه دارد و به طرف رفاه و آسایش و سعادت می رود. البته بعضی پیشرهای هم هست که با ساختن انسان و تأمین سعادت درازمدت و اخروی انسان رتیباط پیدا می کنند که آنها در کنار این، تفسیرهای خاص خودش را می خواهند در مجموع ما باید با این سری آیاتی که گفتم و آیات فراوان دیگری که در موضوع قطربودن دین داریم، منطبق با فطرت انسان، احکام جعل شده و چیزی رخلاف فطرت ندارد و حرکت برخلاف مسیر آب به شناوری در جهت مخالف و حرکت آب است، این چیزها دین را به عنوان یک مجموعه، یک برنامه کامل سعادت، سعادت همه جانبه برای فرد و انسان در نظر گرفته است. یک خیالی هم کاهی در ذهن افراد می آید که فکر می کنند که این برای مجموعه جامعه است. ماما افراد این جوئی نیست. چه بسا افراد باید تحمل مشقت کنند، برای اینکه جامعه سعادتمد باشند. این در برنامه های اولی اسلام نیست؛ یعنی آنچه که حکم پولیتیه اسلام است، به طوری تنظیم شده که هم فرد در رفاه و آسایش باشد و هم جامعه، ولی حرکت مردم، جامعه و اوضاع به جایی می رسد که گاهی شرایطی بر جامعه پدید می آید که در آن صورت، انسان ها باید خودشان را فدا و تحمل مشقت کنند، به خاطر اینکه جامعه را نجات دهند و اگر بد عمل کردن دیگران نباشد، اگر خلف کردن ها نباشد، چنین وضعی نباید بوجود آید. یعنی طبع اولی احکام الهی، سایش و راحتی و روانی دستورات است؛ البته در مسیر جامعه، به خاطر تخلفات، مشکلاتی بوجود می آید که شکستن این طلسما و راه باز کردن از میان مشکلات، بیاز به تحمل مشقات دارد که جهاد، خودش یکی از آن ابواب است و برای چنین ضعی بوجود آمده است (نماز جمعه تهران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۸).

هدف اسلام زندگی بیہتر

بعضی‌ها درباره اسلام این گونه فکر می‌کنند؛ یعنی معمانگونه و یک سری سوالات پیچیده که دور از دسترس تعقل است. افکاری هست که خیال می‌کنند، سلام دنبال ریاضت است؛ یعنی مخالف این است که مردم مرغه باشند و زندگی قابل قبولی از لحاظ بخودداری از مواهی طبیعت و نعمات الهی داشته اشند. این طرز تفکر هم خیلی زیاد دیده می‌شود و مخصوصاً وقتی که روحیه صوصوف و زهدگرایی در اشعار و ادبیات ملت‌ها و من جمله ملت ما نفوذ زیادی اشته، این طرز تفکر در بین مردم خیلی ریشه وواده و خیلی‌ها در اظهاراتشان چنین حرف‌هایی می‌زنند، ولی اینها نیست. واقعیت اسلام و شاید همه ادیان سماوی(ع) ما فعلاً از اسلام حرف می‌زنیم) این است که خداوند از طریق یامیران برنامه‌ای برای بهتر زندگی کردن به بشریت عطا کرده است که این برنامه، مثل قوانینی است که در زندگی مردم وجود دارد (نماز جمعه تهران، ۴ مرور دین ۱۳۶۸).

دریافت پی‌معنا در قرآن

اسلام اجازه ریاضت کشی بی معنا را نمی دهد. قرآن را در رأس استناد، مورد وجه قرار می دهیم. چند آیه کوتاه از قرآن عرض می کنم و سریع رد می شومند کی از آیات قرآن این است: «فَلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالظِّبَابِيَّاتِ مِنَ الرُّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمةِ» در زمان یغیغمبر(ص) یک طرز تفکر صوفیانه در حال شیوع بود و من نمونه اش را اوایل صحبتیم گفتم. همین مسأله باعث شد که قرآن در مقاطع مختلف علیه این پیشنهاد، ضربه های قاطع و سریعی بزند که مبادا جامعه اسلامی دچار انحراف شود. خداوند فرمود: یغیغمبر! به اینها که مدعی ریاضت هستند، بگو چه کسی از قول خدا این زینتها و نعمات خلق شده برای انسان را در دنیا حرام کرده است؟ نه بینها حرام نیستند، بلکه حق مسلم مؤمنین است، منتها در دنیا این نعمات همیشه لولدود با مشکلات هستند و در آخرت خالص و بی دردسر وجود دارند. آیه دیگر، درست موقعی نازل شد که یک عده از سران اسلامی زمان یغیغمبر عهد کردند، رای ریاضت، روزه گرفتن، نخوابیدن شبها و دوری از تمتعات جنسی، آیه اینها اتا توپیخ کرد و دستور داد که کفاره قسمتان را بدھید و نذرتان را بشکنید و از ووهاوب دنیا استفاده کنید (نماز جمعه تهران، ۳۰ بهمن ۱۳۶۰).

بیر نامه اسلام، سعادت دنیا و آخرت انسان

اسلام برنامه سعادت انسان در دنیا و آخرت است و دو جهان را با هم دیده است. اینکه برنامه‌های اسلام برخلاف آنچه که در ذهن بعضی‌ها هست، برنامه‌های پیچیده و غیر قابل درک و معمایگونه نیست، بلکه عملی و اجرایی و قابل فهم و درک عمومی برای همه است. در برنامه‌های اسلام، زندگی دنیا همان طور که شایسته زندگی دنیا است، همان طور مورد توجه بوده است. برای همین منظور، برنامه‌های اداره زندگی از بن و بنیاد، برنامه‌ریزی شده است. ما در دستورات اسلامی مأمور به نقدکردن منابع طبیعت استفاده از نعمت‌های الهی هستیم. برای استفاده از منابع الهی هم گفتیم، مکلف به کار و کوشش هستیم که جوهر حرکت انسان در زندگی است و برای اداره زندگی، کارکردن جزء نکالیف انسان‌ها است و گفتیم که کار چه برای دنیا و چه آخرت، اگر با این هدف انجام شود، می‌تواند عبادت باشد. در بُعد تولید گفتیم، هر چه بیشتر، بهتر؛ چون برای جامعه است و جامعه اسلامی را آباد و آزاد می‌کند. اما در بُعد مالکیت گفته شد، کفاف و عفاف به اندازه وسائل متوسط امصار معاش نقطه اخلاقی مطلوب است. اگر چه ثروت در دست انسان‌های صالح همیشه می‌تواند وسیله خیر باشد (نمایاز جمعه تهران، ۷ دی ۱۳۶۹).

اعتدال؛ به معنای حرکت در محدوده معین

معمولًا انسان‌ها به طرف اغراق و مبالغه و جلوتراجاتدن از حدی که معلم‌ها تعیین می‌کنند، حرکت می‌کنند. وقتی که می‌گویند برو کلاه بیاور، می‌رود سر می‌آورد. این از مثل‌های درست روزگار که آدم‌های این طوری کم پیدا نمی‌شوند. پیامبر(ص) یک چیزی می‌خواهد، اما او فکر می‌کند که بیشتر از آن را انجام بدهد و حد را مراتعات نمی‌کند. این شکستن حدود از استیهات انسان در تاریخ بدراه است. اگر در قرآن بینید، مشاهده می‌کنید که قرآن بسیار روی حدود تکیه می‌کند. مراتعات حد و مرز در زندگی مهم است. وقتی که مرزشکی شروع شد، انسان نمی‌داند که در کجا متوقف خواهد شد. ریاضت‌طلبها و زهدنامها از همین دریچه‌ها ممکن است افتاده باشند... گروهی از افراد خوب زمان پیامبر(ص) تحت شرایط فقری که در جامعه به خاطر جنگ حاکم بود، رفتد و قسم یاد کردند و گفتند از بخشی از لذت‌ها استفاده نکنند و بر خودشان حرام کردند. قرآن با این افراد نیز بخود می‌کند و می‌گوید: «بِاَيْهَا الَّذِينَ اَمْنَوْا طَيِّبَاتٍ مَا أَخَلَّ اللَّهُ». چرا می‌روید چیزهایی را که خداوند بر شما حلال کرده و متعلق به شما است و برای شما خلق شده است، چرا استفاده از نعمت‌های الهی را برای خودتان حرام می‌کنید، این را چه کسی از شما خواسته است. در قرآن روی آن بسیار تأکید شده است و کسانی که به عنوان ارزش و فضیلت دنبال این کار می‌رفتند، مورد ملامت قرار گرفته‌اند. می‌بینیم در صدر اسلام هم همین عواملی که عرض کردم و شاید هم بسیار باشد انسان‌های خوب را به نوعی تزهد می‌کشاند؛ حالا یا زهد واقعی است که در موارد غلط عمل می‌شود و یا تزهد یا زهدنایی و زهدفروشی که برای جلب مشتری و پیادکردن و جهه و نفوذ معنوی در مردم به صورت ظاهر مطرح می‌گردد. اسلام با این فکر مبارزه کرده و سخت برخود کرده است. در یک مورد قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِيَبْدَأَ وَ الْطِبِّيَّاتِ مِنَ الرِّزْقِ...» شما با چه دینی سر و کار دارید، این حرمت زینت و حرمت تجمل حد مطلوب را از کجا آورده‌اید که خودتان را مقید کردید به اینکه از نعمت‌ها و زینت‌های الهی استفاده نکنید. قرآن با ملامت برخورد می‌کند. بعد هم برای اینکه آنها را بیدار کند، می‌فرماید: نعمت‌ها متعلق به انسان‌های خوب است: «قُلْ هُنَّ لِلَّذِينَ اَمْنَوْا فِي الصُّوَرِ الظُّنْبِيَّا».

\* آیت اللہ هاشمی

کردید به اینکه از نعمت‌ها و زینت‌های الهی استفاده نکنید. قرآن با ملامت برخورد می‌کند. بعد هم برای اینکه آنها را بیدار کند، می‌فرماید: نعمت‌ها متعلق به انسان‌های خوب است: «قُلْ هِيَ لِلّذِينَ آمَنُوا فِي الصُّوَرِ الْمُنْكَرِ».

خداآوند اینها را برای انسان‌های مؤمن گذاشت، پس این همه نعمتی که خداوند در جهان خلق کرده است، آیا برای کفار و آدم‌های بی‌بند و بار شهوتران گذاشته است؟ قطعاً این طور نیست و این نعمت‌ها متعلق به مؤمنین و بندگان خدا است.

یک طرز تفکر انحرافی که بخواهد به صورت یک مکتب و به صورت یک روش و ارزش در جامعه مطرح شود، اگر این مطالب در سطح فردی باشد و به صورت مکتب در نیاید و فردی بخواهد خودش تحمل کند، مسائل خاص خودش را دارد. اگر بر به جسم خودش ضربه زد، گناه کرده است و اگر حق اطرافیان و زن و فرزندش را ضایع کرد، باید جوابگو باشد و در کل یک گناه محدوده می‌باشد. ولی اگر به یک جریان فکری در جامعه تبدیل شود، اگر اسلام مبارزه می‌کرد، بیشتر به این خاطر بود. اگر تبدیل به یک جریان شود، آن کسانی که دنبال چنین طرز تفکری می‌روند، ادعایشان این است که از نعمت‌های الهی نباید استفاده کرد و تعبیرات خاص که در مقاطع خاص برای اشخاص در قرآن یا در کلمات بزرگان آمده است، اینها را به صورت یک فرهنگ تبدیل می‌کنند و می‌خواهند به جامعه بدهند که جامعه به صورت یک مکتب، به این شکل تربیت کنند که اینها از نعمت‌های الهی استفاده نکنند و مصروف نکنند. این حرکت می‌تواند، آثار سیاسی خطرناکی را داشته باشد که از اعمالی: نظیر اسراف و تجمل پرستی هم پیامد خطرناکی دارد؛ به دلیل اینکه این اعمال در جامعه است. وقتی که مرزشکنی شروع شد، انسان نمی‌داند که در کجا متوقف خواهد شد. ریاضت‌طلب‌ها از زهدنماها از همین دریچه‌ها ممکن است افتاده باشند

## عبدات بودن کار و تولید

از نظر اسلام کار عبادت است؛ هم کار برای دنیا عبادت است و هم کار برای آخرت، این بسیار جالب است. بیکاری و تنبیلی و اتلاف وقت برای انسان عیب است و بعضی وقتها گناه محسوب می‌شود. گاهی هم جرم قابل تعقیب است. اسلام به یک مسلمان اجازه نمی‌دهد نیروی را که خداوند در وجودش گذاشته معطل بگذارد؛ تلاش دارد این فکر را در ذهن مردم ایجاد کند که کار و استفاده کردن از فرستی که خداوند داده، عبادت و مطلوب و محبوب خداست. کار را در سه بعد مطرح می‌کنم: کار تولیدی، کار خدماتی و کار فرهنگی و علمی.

در مورد کار علمی زیاد شنیده‌اید که بزرگ‌ترین عبادت برای انسان، مطالعه و تحصیل علم و تحصیل فن است؛ تا آنجایی که فرشته‌ها بالشان را زیر پای طالبان علوم پهن می‌کنند؛ چون تا این حد معزز و محترمند (روی این قسمت خیلی لازم نیست بحث کنم؛ چون زیاد حرف زده شده)، در مورد خدمات هم

زیاد شنیده‌اید. کارهای خدماتی فراوان داریم که به آن اشاره می‌کنم، اما در مورد

کارهای تولیدی متأسفانه تصورات غلطی رایج است. معارف صوفیانه و تصوف که در اشعار و ادبیات جامعه ما بنام دین و اخلاق گفته‌اند، تنبیلی و بیکاری و بیماری را تشویق کرده است. این بینش در جامعه مظلوم ما اوج گرفته و در روحیه بسیاری از مسلمانان نفوذ کرده است. این در واقع به آن مقطع تاریخی و آن مظالم استعماری باز می‌گردد که عرقان و تصوف را به عنوان صوفی‌منشی کاذب مطرح می‌کردند تا نیروهای خالق و فعل انسانی به وادی عزلت و بیکاری و اضمحلال بغلتند.

جمله معروف پیغمبر اکرم(ص) که می‌فرماید: «من بات کمالاً فی طلب الحال

بات مغفوراً له». هر چند جمله‌ای قصار است، ولی یک کتاب معنا دارد؛ یعنی کسی که روز را به شب برساند، در حالی که برای تحصیل مال حلال خسته شده، مورد غفران

پروردگار عالم قرار می‌گیرد. علی بن ابی طالب(ع) جمله‌ای دارد که امروز خیلی بد در

ما خود و در این مملکت که دوران سازندگی اش شروع می‌شود، بسیار مد نظر

قرار خواهد گرفت. ایشان می‌فرماید: «من وَجَدْمَاءُ تَرَابًا ثُمَّ افْتَرَقَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»؛ یعنی

کسی که آب داشته باشد، خاک هم داشته باشد و باز هم قبیر بماند، خداوند او را

نفرین می‌کند و از رحمت خودش دور می‌گردد. ملتی که آب دارد، زمین هم دارد،

ولی دستش دراز است و از امریکا گندم می‌گیرد، نفرین کرده علی بن ابی طالب(ع)

است؛ علی بن ابی طالبی که صوفی‌ها خرقه را به او می‌رسانند و می‌خواهند به جای

نشاط و فعالیت، بی‌حالی در مردم تزریق کنند. پیغمبر اکرم(ص) در مسجد نشسته

بودند، یکی از کارگران مخلص با چهره جدیدی که همراهش بود، آمدند پیش ایشان،

کارگر گفت: «آقا این برادر من است و از آن برادران خوب، اهل عبادت است، شب

و روز دارد عبادت می‌کند، شب‌ها بیدار می‌ماند و روزها هم روزه می‌گیرد». پیغمبر

فرموده: «من این قوته؟»؛ یعنی از کجا می‌آورد می‌خورد؟ گفت: «خوب، من کار می‌کنم

و با کمال افتخار به او می‌دهم؛ چون من حوصله عبادت ندارم». پیغمبر(ص) فرمودند:

«ثواب تو خیلی بیشتر از او است که کار می‌کنی، عقلش چه طوری است؟» گفت: «آقا

من از عبادتش گفتم، شما از عقلش می‌فرمایید؟» فرمود: «اگر عقلش خوب نباشد،

عبادتش هم ثواب ندارد». آدمی که عبادت خشک و بی‌معنا و بی‌توجه بکند، چنین

عبادتی آن قدر هم ارزش بیندا نمی‌کند. اسلام حالت عاطل را نمی‌پذیرد (نماز جمعه

تهران، ۲ بهمن ۱۳۶۰).

فقر یعنی پایین تر بودن از حد متعارف

اسلام طرفدار این نیست که حتی همه وضع خوبی نداشته باشند؛ یعنی گاهی این جوری خیال شده که ما که با ثروت و اسراف و اتراف مبارزه می‌کیم، معنایش این است که می‌خواهیم همه مردم قبیر باشند. از این طرف، وقتی صحبت از این می‌کیم که اسلام دنیا را هم فراموش نکرده است و خواسته که مردم از دنیا هم استفاده کنند، گاهی برداشت می‌شود که اسلام مایل است که مردم را به طرف رفاه بیشتر، رفاه غافل‌کننده پیش ببرد، این هم نیست.

آنچه اسلام برای یک جامعه صحیح می‌داند، این است که مردم به معنای واقعی کلمه محروم نباشند و مصرف و مترف هم نباشند، اما این وسط، اگر فکر کنید که همه مردم مساوی باشند، این هم نیست. من در اسلام، قرآن و نظر فقهای نمی‌بینم که در



اسلام، یک ایده‌ای که آمده باشد همه مردم از لحظاً زندگی، خانه، وسیله کار، محیط کار و همه چیز مساوی باشند. کسانی هم که این گونه شعارها را می‌دهند، شعار است؛ یعنی واقعی فکر نمی‌کنند، حقیقت را نمی‌بینند. چیز غیر ممکن را برای فریب مردم شعار می‌دهند و این فریب‌ها ضرر دارد؛ یعنی چیزی در دل مردم بوجود می‌آورند که مردم همیشه خودشان را اقل می‌دانند و همیشه فکر می‌کنند به ایشان نمی‌رسند. یعنی ما روزی بتوانیم جامعه‌ای سازیم که در آن جامعه، همه مردم وقته که نیاز به کار دارند، بتوانند کار بکنند و بازده کار هم آقدر باشد کار تأثیر نکند، لوازم اولیه، خانه داشته باشد، سکون و دارو داشته باشد، امکانات در حد زندگی متعارف... البته چیزهای بالاتر از این زندگی - تفریح بیشتر و استفاده‌های بیشتر از منابع طبیعت - هم مذموم نیست، ولی در

\*آیت الله هاشمی رفسنجانی: گاهی شرایطی بر جامعه پدید می‌آید که در آن صورت، انسان‌ها باید خودشان را فدا و تحمل مشقت کنند، به خاطر اینکه جامعه را نجات دهند و اگر بدعمل کردن دیگران نباشد، دیگران خلخال کردن‌ها نباشد، چنین وضعی نباید بوجود آید. یعنی طبع اولی احکام الهی، آسایش و راحتی و روانی دستورات است

\*آیت الله هاشمی رفسنجانی: آنچه اسلام برای یک جامعه صحیح می‌داند، این است که مردم به معنای واقعی کلمه محروم نباشند و مصرف و مترف هم نباشند، اما این وسط، اگر فکر کنید که همه مردم مساوی باشند، این هم نیست

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی:

# آیت الله هاشمی رفسنجانی فاتح درون بود

در آستانه نخستین سالگرد رحلت مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی، همایش بررسی شخصیت و اندیشه اخلاقی ایشان در روز پنجم شنبه هفتم دی ماه جاری، با حضور کم سابقه نمایندگان بیوت مراجع عظام تقليد، علماء، فضلا، استادی حوزه و دانشگاه و اقشار مختلف مردم در مرکز همایش های غدير دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم برگزار شد، حضرت آیت الله جوادی آملی از مراجع معظم تقليد، به همین مناسبت، پیامی تصویری به شرکت کنندگان در همایش صادر کردند که متن کامل آن تقدیم علاقمندان می گردد:



عنوان جهاد اکبر یاد می شود، که این اکبر نسبی است، نه نفسی، و جهاد کبیر است. مطلب دیگر آن است که در صحنه دون نیروهای موافق و مخالف صفا آرایی کردند. هم در بخش اندیشه و خردورزی وهم و خیال در برابر عقل نظری صفا آرایی کردند، هم در بخش انگیزه، شهوت و غصب در برابر عقل عملی که: «به عبد الرحمن واکتب الجنان»، صفا آرایی می کنند. اگر کسی در بخش اندیشه در صحنه نبرد پیروز نشد، وهم و خیال بر عقل اندیش او حکومت می کنند، نتیجه تلخیش غرامت هایی است که عقل می پردازد، به صورت مغالطات سیزده گانه یا بیشتر. این فن مغالطة که در منطق و غیر منطق مطرح است، در اثر شکست عقل نظری در برابر وهم و خیال است. او می خواهد به حق برسد، وهم نمی گذارد و خیال مانع می شود. اگر آن حکیم متاله توانت از غالله وهم و از خطر خیال بره، پیروز میدان است و نتیجه او حکمت است، و اگر در این صحنه باخت، نتیجه اش مغالطات چندگانه است، این بخش اول. بخش دوم که عقل عملی است مربوط به فعالیت و کار و کوشش است. شهوت از یکسو حمله می کند، غصب از سوی دیگر هجوم می آورد. این غارت گران و مهاجمان، نمی گذارند عقل عملی رهبری عمل را به دست بگیرند. که: «به عبد الرحمن واکتب الجنان» یک خلیق و متخلق و متاذب به آداب الهی حوزه شهوت را می شناسد، بدون آنکه آن را تعطیل کند، تعديل می کند. حوزه غصب را می شناسد، بدون اینکه آن را تعطیل کند، تعديل می کند. رهبری تعديل این دنیو را به عقل عملی می سپارد. شهوت به جای خود کار می کند، غصب به جای خود کار می کند، و عقل عملی اینها را در پویایی و مانایی خود استفاده می کند. در آن صحنه نه شهید می شود و نه اسیر، بلکه اسیر می گیرد. ولی اگر خدای ناکرده در این صحنه در این جهه پیروز، شکست خورد، یا شهوت اسیر می شود، یا غصب اسیر می شود و عقل عملی به اسارت می افتند. این همان بیان نورانی علی بن ابی طالب(ع) است که فرمود: «کم من عقل اسیر تحت هوی اسیر» و اگر کسی تا آخرین لحظه مقاومت کرده، نه در بخش اندیشه گرفتار وهم و خیال شد و نه در بخش انگیزه به دام شهود و غصب افتاد، این تا آخرین لحظه مقاومت کرد، گاهی تیر زد، گاهی تیر خورد و در بستر بیماری هم افتاد، مات شهیدا. این که در بعضی از تعبیرات دینی امده که اگر کسی بر حبّ علی و اولاد علی(ع) بمیرد مات شهیدا. یعنی ممکن است که گاهی پایش بلزند و بلزند و گاهی خطر گناه او را تهدید کند، ولی تسلیم نمی شود. اینکه گاهی افتاب، گاهی خیزان، گاهی رفقار، گاهی گفتار، گاهی هر زمانی لغش، این در میدان جنگ است. گاهی تیر می زند و گاهی تیر می خورد و سرانجام شهید می شود، ولی اسیر نمی شود.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وصلى الله على جميع الأنبياء والمرسلين والأئمة الهداء المهدىين سلما خاتم الأنبياء وخاتم الاصحائ عليه وآلاف التهيبة والثناء بهم نتولى و من اعدائهم نتباء الى الله. مقدم شما فرهیختگان و نخبگان علمی را گرامی می داریم. هدف والای شما که بزرگداشت ارتحال آیت الله هاشمی رفسنجانی است را ارج می نهیم و از همه بزرگوارانی که در این همایش حق سخنرانی، یا ارائه مقاله داشته و دارند سپاسگزاریم. و از همه بزرگوارانی که در نکوداشت این رحیل محبوب اقادام و قیام کرده و می کنند حق شناسی می کنیم و از ذات اقدس الله مسالت می کنیم امام راحل و همه اصحاب و صحابه و فدار او و همه شهدای راه حقیقت را بانیاء و اولیاء الهی محشور بفرماید.

مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی فضائل فراوانی داشت که همه آنها زیر مجموعه خلق عظیم ایشان جمع شدند. مستحضرید، اخلاقی یک خلقت ویژه است که انسان باید او را سازد. البته همان طوری که مسیح هیچ چیزی را خلق نمی کرد، مگر به اذن خدا، انسان صالح سالک هم، بخواهد درون خود را سازد و فضائل اخلاقی را به صورت خلق ویژه و خلق درآورده، حتماً به اذن الله است. متنها این عادت است به آن معجزت که همتا ندارد، در حد مسائل عادی.

اخلاق، غیر از موضعه و سفارش و نصیحت است. اخلاق، جزء قوی ترین و غنی ترین علوم عقلی و فلسفی است. اخلاق عبارت از آن است که انسان در جهه جهاد درون کامیاب باشد، این جنگ را خوب مدیریت کند، و سعی کند که نه شهید بشود و نه اسیر، و اگر تووانست شریت شهادت بنشود و اسیر نشود. در درجه اول کسی خلیق است و دارای خلق عظیم، که در جهه جهاد درون فاتح باشد و اسیر بگیرد، و بعد از آن کسی است که شهید بشود، ولی اسیر نشود. و اگر خدای ناکرده ضعیف بود آن گاه از رده بحث پیروزی خارج می شود، شکست می خورد، که طبق بیان والی اسیر بیان که فرمود: «کم من عقل اسیر تحت هوی اسیر».

اخلاق جهاد کبیر است نه جهاد اکبر و آنچه در روایت معروف آمده است که جهاد اکبر است، اکبر نسبی است، نه اکبر نفسی. اکبر نفسی جهاد بین عقل و قلب است. عقل می گوید باید فهمید، دیدن سخت است. قلب می گوید، فهمیدن خرد نیست. اساس کار دیدن است. و آن بیان نورانی امیر المؤمنین(ع) در خطیه همام که فرمود، اینها می کوشند که بشهشت و جهنم را بیینند. «هم والجنة کمن قد رایها، هم والمار کمن قد رایها» آن جهاد اکبر است که در این بحث های عادی، حضور و ظهور ندارد. آن چه که در این بحث های عادی ظهور دارد، همان جهاد با نفس است که از آن به

\* مرحوم  
**آیت الله هاشمی رفسنجانی**  
**فضائل فراوانی**  
**داشت که**  
**همه آنها زیر**  
**مجموعه خلق**  
**عظیم ایشان**  
**جمع شدند**

\* نمونه بارز  
**کسی که بتوازن**  
**در حد خودش،**  
**در حد معقول و**  
**ممول فضائل**  
**را جمع آوری**  
**کند، آیت الله**  
**هاشمی رفسنجانی -**  
**رضوان الله تعالى**  
**علیه - بود**



«مَنْلُ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ أَمْوَالَهُمْ إِنْتَغَاهُ مَرْضَاتُ اللَّهِ وَتَبَيَّنَتْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ». در این آیه می فرماید، کسانی که در راه خدا انفاق می کنند، برای رضای خدا انفاق می کنند، اجری و پاداشی دارند که در ذیل آیه است. قربت آنها و قصد آنها الهی است، آن هم در حمله دوم و سوم همین آیه است.

اما اثر انفاق، یک وقت کسی انفاق بکند «قریة إلى الله»، یک وقت اتفاق بکند برای اینکه جامعه را از فقر برهاند، همه اینها فضیلت است و ثواب هم دارد. اما کسی که انفاق می کند و می خواهد موقعیت خودش را تثبیت کند، یعنی همانند سلسه جبال البرز بشود، که نه تنها نلغز و نلرزد، بلکه یک گرهای را ثابت کند. تعبیر نمکین، طلیف، خلیق و اخلاقی قرآن کریم این است: «مَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ يُنْهَاكُونَ أُمَّوَالَهُمْ إِنْتَغَاهُ مَرْصَاتُ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِّنْ أَنْسَهُمْ»، این «تثبیتاً» برهان اخلاقی است. یعنی کسی که انفاق علمی، مالی، آبرو، جاه، حکومت و هرچه هست را در راه خدا بکند تا موقعیت خودش را تثبیت کند، باید مثل کوه باشد، که نلرزد و نلغز و زمین را حفظ بکند. این که در قرآن کریم آمده ما سلسه جبال را رأسی قرار دادیم، اینکه در بیان نورانی امیر بیان آمده: «وَ وَنَدَ بالسَّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ» «میدان» یعنی نوسان و اضطراب. خداوند با این سنگ‌های بزرگ و کوهها جلوی اضطراب زمین را گرفته است. ۱. این کوهها ثابتند: ۲. زمین را نگه می دارند؛ ۳. خاصیت راسیه دارند. این کریمه می گوید، مردان الهی با انفاق خود را تثبیت می کنند، نمی لرزند، نمی لغزند، گله نمی کنند، اشسته نمی شوند و جامعه را آشفته نمی کنند، و نمی گذارند جامعه‌ای بلرzed، بلغزد و متشدّد و آشفته شود.

اگر کسی بتواند در بخش اندیشه وهم و خیال را جمع کند و رهبری عقل اندیشه ورز بسپارد، در بخش اندیشه، شهوت و غصب را به رهبری عقل عملی هدایت کند و عقل عملی که مدیر و مدیر است، با عقل نظری هماهنگ باشد، عقل نظری که حکیم و فرهنگ مدار است با عقل عملی هماهنگ باشد، این مجموعه به صورت یک انسان عاقل عادل درمی آید. البته مقامات برتر که هم از گزند خططا و هم از آسیب خطیه مصون اند، معصومان اند که از بحث کنونی بیرون است و افراد عادی به آنها دسترسی ندارند.

نمونه بارز کسی که بتواند در حد خودش، در حد مقول و معمول این فضائل را جمع آوری کند، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - رضوان‌الله تعالیٰ علیه - بود. برخی از افراد کسانی هستند که علم مناسب را اندوختند، ولی آن درایت، مدیریت، سیاست و تدبیر سیاسی و عقلانی را تجربه نکرده‌اند. برخی به عکس امور تدبیر و سیاست را تجربه کرده‌اند، ولی علم لازم را فراهم نکرده‌اند. برخی‌ها هر دو را جمع کرده‌اند، اما به صورت جمع مکسر.

کسی که در حد خود، مقدار لازم علم فراهم کرده باشد، جهاد را خوب تجربه کرده باشد، شهامت و شجاعت را تجربه کرده باشد، سیاست را تجربه کرده باشد، مدیریت و تدبیر را تجربه کرده باشد، کشوردانی و کشورداری و کشورآرایی را با این مجموعه تجربه کرده باشد و جمع این فضائل، جمع مکسر نباشد و جمع سالم باشد، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - رضوان‌الله تعالیٰ علیه - هست.

نشانه باز و این است که این کوئه از امور اگر یک وقیعه دنیابی داشته باشد، هرگز با هم جمع نمی‌شود، چون «دار باللاء محفوفه». قلمروی دنیا، قلمروی شهوت و غضب است. هر کدام هیات، تنهایی و تکروی را تجربه می‌کنند و بیان نورانی علی بن ابی طالب(ع)، که برگفته از بیان نورانی رسول گرامی(ص) است این است: «الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب». این بیان گوهربار حضرت در «نهج البلاغه» می‌گوید، انسان تکررو، مثل آن گوسفند تکچر است، که طعمه گرگ است. این انسان مستبد طعمه شیطان است، آن گوسفند تکچر، طعمه گرگ. «الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب» و اگر چنانچه عقلانی، الهی، رحمانی، نبوی، علوی، هاشمی بود و بالآخره دودمان قرآن و عترت(ع) را تجربه کرد و اگر یک وقیعه بخش‌های مهمی از او گرفته شد، حمل و صبر را تجربه می‌کند، آشفته نمی‌شود، چیزی را از دست نداده است که بناشد، یا گله کند یا زمینه نفرقه را فراهم کند. آن کسی که جامع بین این فضائل است، به نحو جم سالم و نحو جم اکبر، زندان را برای رضای خدا، کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی را برای خدا، ریاست مجمع تشخیص مصلحت را سالیان دراز برای رضای خدا، ریاست مجلس خبرگان را سالیان متعدد برای رضای خدا و سایر مسائل را برای رضای خدا تجربه می‌کند و اگر همه اینها یکجا از دست ایشان گرفته شد، برای رضای خدا صیر می‌کند، یعنی بینند که اخلاقی چه می‌کند.

در بخش‌های پایانی سوره افسوس الله می‌فرماید انان که برای رضای خدا اتفاق می‌کنند، ثوابی دارند. مستحضرید، که یک فقیه از این آیه‌ای که تلاوت می‌شود، وجوه زکات یا استحباب صدقات را استفاده می‌کند، این یک استنباط فقهی است. اما یک خلیق، یک متخلق، یک فنان اخلاقی، از یک جمله به تعبیر زیبا و رسایی که در این آیه هست، بهره اخلاقی می‌برد.

\* آیت‌الله هاشمی رفسنجانی – رضوان‌الله تعالیٰ علیه – از تخت به تخته کشانده شده و هیچ تکان نخورد. معلوم می‌شود آن وقتی که روی تخت بود، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود و آن وقتی که روی تخته آمد، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود

## هاشمی رفسنجانی در آغوش گرم قم

بسم الله الرحمن الرحيم

روز پنجم شنبه هفتم دیماه ۹۶ به عنوان یک روز به یادماندنی در تاریخ شهر قم به ثبت رسید. در این روز، همایش بررسی شخصیت و اندیشه‌های اخلاقی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سالن بزرگ اجتماعات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم برگزار شد و صاحب‌نظران با سخنرانی، ارائه مقالات و شرکت در میزگرد، مطالب مهم و مفیدی را در زمینه اندیشه‌ها و سیره اخلاقی آیت‌الله مطرح کردند و قبل از همه، فقهی، فلسفه‌ی و عارف بزرگ معاصر حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی، در یک پیام تصویری ۲۰ دقیقه‌ای ضمن تبیین جایگاه علم اخلاق، از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان عالم عامل به اصول اخلاقی یاد کردند و گفتند: «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چون کوهی بود که نزعید و نگذاشت جامه بغلزد».

نکته مهم‌تر در بیانات مهم حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی این بود که تعریف جامعی از ابعاد شخصیت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ارائه دادند و ضمن آنکه تمام این ابعاد را فضیلت‌های وجود ایشان دانستند که اخلاق محور این فضائل بود، فرمودند: «مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فضائل فراوانی داشت که همه آنها زیرمجموعه خلق عظیم ایشان جمع شدند».

هدف اصلی برگزار کنندگان همایش این بود که بخش مغفول مانده شخصیت ذواعاد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را که اخلاق است به جامعه بنمایند. خوشبختانه این هدف با سخنرانی پرگاده دانشمند و ارسته حاجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی، مقالات مطرح شده در همایش و میزگرد و سخنرانی پایانی به خوبی دنبال شد و با تعابیر پرمغز عارف بزرگ و فلسفه متأله و فقیه زمان شناس و انقلابی حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی مهر تأیید خورد.

همایش بررسی اندیشه‌های اخلاقی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ویژگی‌ها و نتایجی داشت که لازم است آنها را در چند نکته به اختصار ارائه نمایم.

اول آنکه برگزاری این همایش در قم، اهمیت زیادی داشت. قم، محل تحصیل و نشو و نمای علمی و فکری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود. او فرزند حوزه علمیه قم بود و با کارنامه درخشنان علمی، انقلابی، اجرائی، اخلاقی و سیاسی که برگای گذاشت به یکی از اخخارات بزرگ و فلسفه متأله و فقیه شیعه تبدیل شد، کسی که امام محبین او را به نهضت اسلامی هم نفس دانسته و درباره او فرمودند: هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.

علاوه بر این، عده‌ای در دهه‌های اخیر تلاش کردند قم را به پایگاهی علیه هاشمی رفسنجانی تبدیل کنند. برای پرهم زدن سخنرانی او در سالگرد ۱۵ خداداد تلاش کردند، در مناسبت‌های مختلف شعارهای ضد هاشمی در خیابان‌ها رس دادند، دهه رسانه مجازی و غیرمجازی برای تبلیغ علیه او به راه انداختند، جلساتی با عنوان بظاهر زیبای بصیرت افزایی با هدف بی‌ بصیرت معرفی کردن او تشکیل دادند و پول‌های کلانی از بودجه بیت المال برای پشت‌وانه مالی این اهداف باطل اختصاص دادند و خرج کردند. با اینحال، قم همواره در باطن خود با هاشمی رفسنجانی بود و او را یک روحانی متدين، اخلاق مدار، انقلابی و از با بصیرت تربیت‌های زمان خود می‌دانست و برای آن همه تبلیغات مسmove و پرهزینه کمترین ارزشی قائل نبود. مهم‌ترین شاهد برای اثبات اینکه آغوش گرم قم همواره به روی هاشمی رفسنجانی باز بود و ممچنان باز است اینکه بعد از رحلت وی بزرگ‌ترین و پرجعیت‌ترین مراسم تاریخ معاصر قم بعد از مراسم امام برای او برگزار شد. شرکت کم در طول سال‌ها اقساط مختلف مردم در آن مراسم به روشنی نشان داد تمام تلاش‌ها و پول‌هایی که در طول سال‌ها برای تخریب چهره هاشمی در ذهن‌ها هزینه شد، به هدر رفت و هاشمی در قاب مردم قم جا دارد. نمونه بارز دیگر، همین همایش روز هفتم دیماه قم بود که در آستانه سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برگزار شد و اقسام مختلف مردم از علماء و فضلاً و طلاب و دانشگاهیان و کارمندان و پیشه وران چنان استقبال پرپوشی از این همایش کردند که علاوه بر متندل‌ها تمام راهروها و زواری محل برگزاری همایش پر از جمعیت بود و متندل‌یان ام برای هزار آزو کردند عده‌ای از شرکت کنندگان جلسه را ترک کنند تا جای برای دیگران که مرتب‌ای امدد باز شود. این، یعنی قم با تمام وجود هاشمی رفسنجانی را در آغوش گرم خود گرفت و حوزه علمیه قم از این فرزند بر جسته و کم نظر خود استقبال شایانی کرد.

دوم آنکه حضور اعضاء خانواده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در همایش، از نقاط قوت آن بود. این حضور و استقبال گرم شرکت کنندگان در همایش، از برادر و فرزندان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نشان داد قم و حوزه علمیه آن منسوبین آیت‌الله را نیز به گرمی در آغوش می‌گیرند و بر تمام تبلیغات سوء معاندان خط بطلاan می‌کشدند.

سوم آنکه حضور این همایش از حمایت معنوی ۱۳ مؤسسه علمی - پژوهشی صاحب نام که در قم فعال هستند برخودار بود. این حمایت به معنای همراهی بدنه علمی حوزه علمیه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است و اینکه رویانیت قدردان فرزند برومند خود می‌باشد.

پنجم آنکه حمایت‌های مؤسسات از همایش صرفاً معنوی بود و هیچیک از آنها حتی یک ریال کمک مادی به همایش نکردند. هزینه همایش را علاوه‌نمایان به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از جیب شخصی خود تأمین کردند بطوری که نه از اموال دولتی و نه از اموال بیت‌المال بهیچوجه بولی به برگزاری این همایش اختصاص نیافت. ضمناً در هزینه‌ها نهایت صرفه جویی به عمل آمد و ثابت شد که می‌توان بهترین همایش‌ها را با بالاترین بازدهی و کمترین هزینه آنهم از جیب اشخاص نه بیت‌المال برگزار کرد.

و ششمین و آخرین نکته اینکه با برگزاری همایش بررسی شخصیت و اندیشه‌های اخلاقی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در قم، علاوه بر آنکه دیوار تهدید و ارعاب ساخته شده توسط معاندان علیه این استوانه نظام جمهوری اسلامی در این شهر فرو ریخت، ناشاخته‌ترین بُعد شخصیت وی نیز تبیین شد. امید آنکه افراد فریب خودهای که تحت تأثیر تبلیغات دشمنان انقلاب نگاه نادرستی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دارند با مطالعه مطالب این همایش در نگاه خود تجدیدنظر کنند.





استاد سید محمدحسین شهریار در سال ۱۳۶۳ قطعه شعری را در وصف نماز جمعه‌های آیت الله هاشمی رفسنجانی با عنوان «در پای خطبه رفسنجانی» سرود و با دستخط خود برای امام جمعه موقت تهران فرستاد. متن کامل این شعر استاد شهریار و پاسخ آیت الله هاشمی رفسنجانی تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود:

بشنو از بخت واژگون دلم  
 چون کمانی خمیده‌ام لیکن  
 تیر آهی است در کمون دلم  
 طوطی عشق و زبان از بز  
 جمله ماکان و مایکون دلم  
 در ترازوی سنجشم مگذار  
 ای کم از عشق تو فرون دلم  
 درس من خارج است و حاشیه نیست  
 که دگ فارغ از متون دلم  
 درسی و بحثی از تن و جان نیست  
 دل به جانان رسیده چون دلم  
 شهریارم لسان هافت غیب  
 شعر هم شانی از شئون دلم

در رکوع و سجود خامنه‌ای  
 من هم از دور سر نگون دلم  
 خاصه وقت قنوت او کز غیب  
 دسته‌ها می‌شود ستون دلم  
 او به یک دست و من هزاران دست  
 باوی افاشانم از بطون دلم  
 عرشیان می‌کنند صی به نماز  
 از درون دل و برون دلم  
 من برون نیم خدا داند  
 کاین صلا خیزد از درون دلم  
 دل مدیون سبک شود بارش  
 که ادا می‌شود دیون دلم  
 پیزم از چرخ واژگون و علیل

که جنون زاید از فنون دلم  
 وز مواعظ که می‌کنی آنگاه  
 صبر می‌زاید از سکون دلم  
 انقلاب من از تو اسلامی است  
 که حریفی به چند و چون دلم  
 گوهر شبچار غ رفسنجان  
 ای چراغ تو رهنمون دلم  
 کنفای هم‌تراز خامنه‌ای  
 در ترازوی آزمون دلم  
 بازوان امام آنکه دگر  
 بی قرین است در قرون دلم  
 چشم امیدی و چراغ نوید  
 هم شکوهی و هم شگون دلم

ای غربی تو ارغون دلم  
 سطوط خطبهات ستون دلم  
 خطبه‌های نماز جمعه تو  
 نقشه حمله با قشون دلم  
 چه فسونی است در فسانه تو  
 که فسانه است از او فسون دلم  
 بادلی لااله گون تورا گوش  
 ای لبت لعل لااله گون دلم  
 چشم از نقش تو نگارین است  
 می‌نگارد مگر بخون دلم  
 عقل من پاره می‌کند زنجیر  
 که به سر می‌زند جنون دلم  
 من هم از آن فن و فنون دام

آیت الله هاشمی رفسنجانی که به گفته خودشان تحت تاثیر صفاتی آن پیر روشن ضمیر - استاد شهریار - قوار گرفته بودند شعر زیر را در جواب شعر استاد و در همان وزن سروده‌اند.  
در این شعر، تواضع مثال زدنی آیت الله هاشمی رفسنجانی در برابر امام خمینی، رسیجیان و عموم مردم، تجلی فوق العاده‌ای دارد:

بت شکن دیده‌ای خمینی را  
 که بتازد به شر به دست تبر  
 فجر و خورشید را تو می‌بینی  
 در طلوع امامت رهبر  
 کن امامش گرفته خط امان  
 به ره حلق و حق به بسته کمر  
 آتش افکن به جان استعمار  
 که بسوز دین ستم یکسر  
 کرده آزاد کشور ایران  
 از جنایات پهلوی و قجر  
 از سلیمان برفت ملک و نگین  
 او گرفته ز دیوانگشت  
 هاشمی الحذر ز صحنه شعر  
 که در آنجا بریزد عقاپ  
 یا میا در مصاف استادان  
 یا پرداز شعر از این بهتر"

تو که در جبهه‌ها خدا جوئی  
 می‌سرائی سرود از سنگر  
 اشک و آهیست چو پیک خوش  
 فرجام  
 در پس جبهه‌ها چونجم سحر  
 خاک پای دلاوران جهاد  
 می‌ناید به چشم تو زیور  
 استخوان شکسته جانباز  
 مومنی دل شکسته زشر  
 پیز به افلاک می‌کشد سرباز  
 در نگاهت چور فرف اخض  
 نخله طور سینه سینا  
 می‌نماید کلیم را آذر  
 ساقی تشکنگان تو می‌گویی  
 آن بسیجی عشق حق در سر  
 در عبادت بسان مرغ سحر  
 در شجاعت یل است و شیر جگر

طوطی اهل بیت را زید  
 خلعت هل اتی کند در بر  
 خطبه‌های من و نماز علی  
 در مسیح هدایت رهبر  
 می شود ارغوان ترا در دل  
 می‌فرماید تو را جنون در سر  
 از رکوع و سجود خامنه‌ای  
 می‌بری از حضو سهم واشر  
 انقلاب به عقل اسلامی است  
 گرچه دریافتی ز خطبه اثر  
 شهریاری عجویه دوران  
 حق نگهدارت ز خوف و خطر  
 دشمنان خدا ز تولدگیز  
 که چرا سفتمای به عشق درر  
 چون کمان خمیده‌ای اما  
 میزنسنی با ادب به کفر اژدر

ای صفائی تو رهنمون هنر  
 شعرهایت پر از طلا و گهر  
 ادب اسوه هنر جویان  
 هنرت جلوه گاه خوش منظر  
 پارسی گوی ترک کشورمان  
 همنوا ساحتی سهند و خزر  
 همدلی رمز عزت ملت  
 همه‌هی راز قدرت کشور  
 عاشق اهل بیت پیغمبر  
 مادح فاتح دژ خنیز  
 عشق تو در «همای رحمت» تو  
 جلوه دارد به صورت اختی  
 که تعاشا کنی خدایت را  
 در وجود ولی حق محور  
 از خدایت گرفته‌ای پاداش  
 که شدی رهرو ره حیدر  
 دعبد عصر ما که خود گوئی  
 طوطی عشقی و زبان از بر



قیمت: ۷۰۰۰ تومان